



گزارش نهایی

طرح توسعه مهارت‌های پایه در سکونتگاه‌های غیر رسمی زاهدان

(کد پروژه: ۱۲۲۳۰۰۴)

وزارت مسکن و شهرسازی

طرح بهسازی شهری و اصلاحات بخش مسکن

مشاور: خانه پژوهش نوآندیش

استفاده از این گزارش با ذکر منبع مجاز است.

شهریورماه ۱۳۸۹

گزارش نهایی

طرح توسعه مهارت‌های پایه در سکونتگاه‌های غیررسمی شهر زاهدان

هیأت علمی:

دکتر محمد ستاریفر (اقتصاددان)

دکتر حسن طایی (اقتصاددان متخصص اشتغال)

سعید مدنی (جامعه شناس)

مهندس محمود خراسانی (متخصص آموزش)

مدیر طرح و ناظر پژوهش:

هدی رضازاده صابر

مجری طرح:

فیروزه رضازاده صابر

گروه پژوهش و اجرا:

ندا شمسی

حسین تسلیمی

میترا عظیمی

گروه آموزش و اجرا:

فیروزه رضازاده صابر

زهرا عمرانی

مسئول مداخله:

نازنین تدین

خانه پژوهش نواندیش

شهریور ماه ۱۳۸۹

فهرست مطالب

۱	فصل اول: معرفی طرح و مأموریت‌ها
۵	فصل دوم: درنگی در پارادایم و مبانی نظری
۶	پیش آغاز
۷	مفهوم شناسی در مطالعات فقر
۷	مفهوم فقر و ابزارهای رایج سنجش آن در بستر دیدگاه‌ها و مکاتب منتخب
۱۱	تغییر پارادایم در مواجهه با پدیده فقر
۲۱	جایگاه توانمندسازی در برنامه‌های فقرزدایی
۳۰	ریشه‌های تشکیل کانون‌های فقر در ایران
۳۴	استراتژی پیشنهادی در خصوص مهارت‌آموزی فنی - حرفه‌ای
۳۸	فصل سوم: روش تحقیق و متدلوژی کار
۳۹	نوع تحقیق
۳۹	روش تحقیق
۴۱	فصل چهارم: سازمان کار
۴۲	روابط سازمانی
۴۳	برنامه اجرایی طرح
۴۹	فصل پنجم: بسترشناسی و محیط شناسی؛ مروری بر مدار استان سیستان و بلوچستان و شهر زاهدان
۵۱	استان سیستان و بلوچستان
۵۱	پیشینه
۵۱	جایگاه استان در تقسیمات کشوری
۶۱	ظرفیت‌ها و توانمندی‌ها (مزیت‌های نسبی منطقه)
۶۵	چالش‌ها و تنگناها
۶۷	درک و دریافت‌های کلیدی از استان
۶۹	شهر زاهدان
۶۹	پیشینه
۶۹	جایگاه شهر در استان
۷۶	شهر در نمای نزدیک
۸۱	درک و دریافت‌های کلیدی از شهر
۸۲	توجهات اساسی
۸۴	کمک کارهای منطقه

۸۸	فصل ششم: گزارش تحلیلی وضعیت کالبدی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی سکونتگاه‌ها
۸۹	پیش از متن
۹۴	بخش اول: توصیف‌ها
۹۵	محله شیرآباد
۱۰۵	محله کریم آباد
۱۱۲	محله بابائیان
۱۱۹	محله کارخانه نمک و پشت گاراژ
۱۳۱	محله مرادقلی
۱۳۸	بخش دوم: چالش‌ها، فرصت‌ها، ظرفیت‌ها، ضرورت‌ها
۱۳۹	پیش از متن
۱۴۱	چالش‌های مهارت آموزی
۱۴۴	مزیت‌ها
۱۵۰	ظرفیت‌ها
۱۵۷	ضرورت‌ها
۱۶۳	سخن پایانی
۱۶۵	فصل هفتم: شناسایی و ارزیابی‌ها
۱۶۶	۱. دیدارها و مذاکرات گروه آموزش با دستگاه‌ها و نهادهای مرتبط با اهداف
۱۷۳	۲. ارزیابی اداره فنی - حرفه ای شهر زاهدان
۱۸۶	۳. ارزیابی آموزشگاه‌های خصوصی شهر زاهدان
۱۹۱	فصل هشتم: شناخت تقاضای بازار و مهارت‌های مورد نیاز
۱۹۲	پیشامتن
۱۹۳	الگوی مطالعاتی
۱۹۶	مدار اول: تحلیل آمارهای رسمی بازار کار
۱۹۷	ویژگی‌های عام جمعیتی شهر زاهدان: ترکیب جنسی- سنی و تحصیلی
۲۰۲	جمعیت فعال
۲۰۳	وضعیت اشتغال: نرخ مشارکت، نرخ بیکاری و سهم اشتغال گروه های شغلی

۲۰۷	مدار دوم: تجميع دانش مطلعان و دست اندرکاران بازار کار
۲۰۸	مدار سوم: ارزیابی داده های مراکز کاريابی در قالب نمونه گیری
۲۱۰	معرفی مراکز کاريابی
۲۱۱	اطلاعات جمع‌آوری شده از مراکز کاريابی
۲۱۲	نکته‌ویژه‌ها؛ دانستنی‌های ضروری
۲۱۳	ملاحظات آماری
۲۱۳	حجم نمونه
۲۱۳	معرفی و تحلیل شاخص‌ها
۲۳۰	توجهات اساسی
۲۳۳	تحلیل ۲۸۰ فرم کاريابی منتخب از مراکز کاريابی با استفاده از نمونه‌گیری
۲۳۴	سطح اول- تحلیل کلی اطلاعات مربوط به ۲۸۰ فرم کاريابی منتخب
۲۳۶	سطح دوم- اطلاعات مربوط به ساکنان سکونتگاه‌های غیررسمی
۲۳۸	توجهات اساسی
۲۳۹	ضرورت‌های پیش‌رو
۲۴۰	مدار چهارم: واکاوی بازارهای محلی
۲۴۲	فصل نهم: مداخله؛ مدل، استراتژی و روند عملیاتی
۲۴۷	مدل مداخله محلی در پروژه معمار عرش
۲۴۸	مدل مداخله محلی در پروژه شرق‌آیند
۲۴۹	مدل مداخله محلی در پروژه شیرآباد - دکتر پیران
۲۵۱	مدل مداخله طرح توسعه مهارت‌های پایه در سکونتگاه‌های غیررسمی شهر زاهدان
۲۵۹	فصل دهم: گزینش و غربال ذینفعان اصلی طرح (اولویت‌بندی محلات هدف و توزیع و تسهیم ذینفعان)
۲۶۱	الف-رتبه بندی سطح توسعه محلات با استفاده از روش تاکسونومی
۲۶۳	ب- کاربست سنج‌های کیفی برای چینش ترجیحی محلات
۲۶۷	ج- توزیع چند وجهی ذینفعان اصلی
۲۷۳	فصل یازدهم: گزارش کارگاه مهارت‌های اجتماعی
۲۷۴	ضرورت اجرای کارگاه‌های مهارت‌های اجتماعی
۲۷۴	موضوع کارگاه‌های مهارت‌های اجتماعی
۲۷۷	تعداد مهارت آموزان

۲۷۹	ترکیب مهارت‌آموزان بر حسب کیفیت
۲۸۰	تعداد کارگاه‌ها
۲۸۱	مدرسین
۲۸۱	روش ارزیابی
۲۸۲	نتایج ارزیابی
۲۸۴	میزان رضایت از کلاس
۲۸۵	میزان رضایت از مدرسین
۲۸۷	ارزیابی مدرسین

فصل دوازدهم: آموزش مهارت‌های فنی حرفه‌ای

۲۹۲	پیاده سازی و اجرای برنامه آموزشی
۲۹۳	ارزیابی عملکرد در مرحله اجرا بر اساس شاخص‌های جامع
۲۹۳	تعداد و نسبت مهارت آموزان ثبت نام شده در هر رشته
۳۰۵	وضعیت سواد مهارت آموزان
۳۰۵	نسبت مهارت آموزان در سطوح مختلف تحصیلی
۳۰۷	نسبت فراوانی مهارت آموزان به تفکیک گروه های سنی
۳۰۹	نسبت مهارت آموزان به تفکیک محلات هدف
۳۱۱	مشارکت فعالان محلی و سازمان های مرتبط با ساکنان محلات هدف در طرح
۳۱۴	نسبت مشارکت نهادهای آموزشی همکار طرح به تفکیک خصوصی و دولتی
۳۱۵	نسبت مشارکت نهادهای آموزشی با ذکر اسامی

فصل سیزدهم: طراحی و اجرای سیستم پایش و ارزیابی عملکرد برنامه

۳۱۹	۱. ارزیابی قبل از آموزش
۳۲۲	۲. ارزیابی بعد از آموزش
۳۲۶	۳. تحلیل مقایسه ای ارزیابی قبل و پس از آموزش

به نام خدا

خلاصه گزارش مدیریتی

اسکان‌های غیررسمی در ایران در پی مهاجرت‌های ناشی از سیاست‌های چهاردهه اخیر پدید آمده است. امواج این مهاجرت‌ها در مقاطع دهه ۴۰ پس از اصلاحات ارضی، دهه ۵۰ در پی افزایش قیمت نفت، دهه ۶۰ پس از جنگ ایران و عراق و بالاخره در دهه ۷۰ با افزایش فقر در برخی از کلان شهرها، نمایان شد و سکونتگاه‌های غیررسمی جدیدی را بوجود آورد.

این پدیده باعث شد که بافت اصلی شهر در عدم تجانس با بافت‌های غیررسمی قرار گیرد و به تبع آن پیامدهای اقتصادی - اجتماعی و فرهنگی عدیده‌ای را به جای گذارد.

استان سیستان و بلوچستان بعنوان دومین استان پهناور کشور، با بالاترین نرخ رشد جمعیت (۳/۴) و نیز دارابودن آخرین رتبه شاخص توسعه انسانی در میان ۳۰ استان کشور با این پدیده مواجه است. شهر زاهدان بعنوان مرکز استان هم اینک حدود ۳۰ درصد جمعیت خود را در هشت سکونتگاه غیررسمی جای داده است که عبارتند از: شیرآباد، کریم‌آباد، مرادقلی، چلی‌آباد، پشت فرودگاه، پشت‌گاراژ، کارخانه نمک و بابائیان.

تجربه جهانی و تا حدودی تجارب ملی در مواجهه با این پدیده نشان از آن دارد که در دهه اخیر سیاست‌های جدیدی در بهسازی مناطق غیررسمی به کار گرفته شده است. رویکردهای جدید سعی دارد سهم فعال‌تری برای فقرا در راهبردهای توسعه قائل شوند و زمینه را برای مشارکت آنان با هدف توانمندسازی و به منظور اصلاح کیفیت زیست فراهم کنند. استراتژی جدید بر مبنای سه محور اصلی:

بهبود فرصت‌ها،

تبدیل توانمندسازی

و افزایش امنیت

پی ریزی شده است.

تحقق عملی بهسازی این مناطق علاوه بر تدوین برنامه مناسب برای عمران و آبادی بر مبنای اصول علمی شهرسازی، نیازمند ایجاد بستر مناسب برای مشارکتهای مردمی و توانمندسازی آنان در مسیر پذیرش تغییرات جدید و نقش آفرینی طبقات مختلف سکونتگاههای غیررسمی در این بستر است.

با این رویکرد طرح توسعه مهارت‌های پایه در سکونتگاههای غیررسمی شهر زاهدان با حمایت بانک جهانی، به سفارش وزارت مسکن و توسط شرکت خانه پژوهش نواندیش بعنوان مشاور اجرا شد.

هدف اصلی طرح، توانمندسازی و ظرفیت‌سازی جوامع هشت‌گانه سکونتگاههای غیررسمی شهر زاهدان به منظور ارتقاء ساماندهی، بهبود و توسعه مدیریت شهری و سازگار با اولویتهای محلی مناطق مورد نظر است. به عبارت روشن‌تر هدف آن است که ۹۰۰ نفر از ساکنین سکونتگاههای هشت‌گانه غیررسمی شهر زاهدان (با تأکید بر زنان و جوانان) با کسب مهارت و آموزش‌های فنی و حرفه‌ای به قابلیت‌های دست یابند تا بتوانند برای خود در بازار کار محلی و یا شهر زاهدان فرصت‌های شغلی و درآمدزا ایجاد کنند.

بر این اساس برنامه طرح در سه مرحله :

- شناخت وضع موجود و آماده‌سازی
- پیاده‌سازی و اجرا
- مستندسازی

طراحی و به مورد اجرا گذاشته شد.

در مرحله نخست اولویت‌ها در اقدامات زیر خلاصه شد:

۱- بازدید از سکونتگاه‌ها

۲- شناخت سازمان‌ها و مراجع محلی

۳- برگزاری جلسات معارفه و توجیه دستگاه‌های مرتبط

۴- برپائی نشست‌های مشترک با مسئولیت استان و نمایندگان محلی

۵- انجام ارزیابی سریع از سکونتگاه‌های هشت‌گانه.

۶- محیط‌شناسی و مروری بر مدار اقتصادی، اجتماعی استان سیستان و بلوچستان و شهرزاهدان

۷- شناسائی ذینفعان اصلی طرح یعنی مهارت‌آموزان

۸- شناسائی و اقدام جهت همکاری با سازمان فنی و حرفه‌ای در دو بخش دولتی و خصوصی

۹- شناخت برنامه‌های مهارت‌آموزان و طراحی و معرفی نیازهای آموزشی جدید

۱۰- آماده‌سازی جامعه محلی و تنظیم برنامه برای اجرا

دستاوردهای این مرحله توجه مشاور را به نکات کلیدی و تأثیرگذار در طرح افزون نمود و کمک کرد تا ادامه مسیر در مرحله اجرا هموارتر شود از جمله:

- **نکات کلیدی استان:** خط ترانزیت مواد مخدر، میل بارز خدماتی، تولیدکننده پول، دارای شکاف قومیتی و مذهبی، سازماندهی دولتی، مرد محور بودن فعالیت‌های اقتصادی، شکاف دانش- اشتغال، دارا بودن رتبه آخر در شاخص توسعه انسانی کشور در عین حال صاحب کرانه تجاری.
- **نکات کلیدی شهر زاهدان:** جمعیت مرکب (مهاجران سایر شهرها)، پائین بودن سطح انتظارات، جامعه رخوت‌دار، برخوردار از ۳۰ درصد جمعیت حاشیه‌نشین
- **نکات کلیدی سکونتگاه‌ها:** فقر و اعتیاد، کم‌سواد، بیکاری، بالا بودن جمعیت خانواده، محدودیت- های فرهنگی - اجتماعی زنان، ناامنی محلات، یأس و ناامیدی جوانان.

در عین حال برخوردار از مزیت‌هایی همچون: وجود حوزه‌های بکر در اقتصاد بومی مانند صنایع دستی و هنرهای سنتی، امکان‌پذیری فعالیت‌های مشارکتی مانند صندوق مالی محلی، جوانی جمعیت، تأثیرگذاری مثبت مراجع مذهبی - قومی، تجربه توانمندسازی در برخی محلات و به رسمیت شناختن تشکلهای اجتماعی (NGOها)

- **نقش موثر و کمک‌کننده معتمدین محلی** در طول اجرای طرح از جمله مولوی‌ها، شهردارمحلها، رابطین بهداشت، مدیران مکتب‌خانه، فعالین محلی
- **آگاهی مشاور نسبت به آثار و پیامدهای طرح‌های قبلی توانمندسازی و دیدگاه‌های محلی نسبت** به نتایج طرح‌های مورد اشاره (ناتمام ماندن طرح‌ها) که منجر به بی‌اعتمادی و ناباوری نسبت به اجرای موفقیت‌آمیز چنین طرحی شده بود.

- حضور مداوم و پیوسته تیم مشاور در محل و پیوند دائمی با محلات
- استفاده موثر از همکاران محلی
- تشخیص نیازها و درک واقع بینانه شرایط اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی مهارت‌آموزان - به طور مثال مهارت‌آموزان از نظر اقتصادی و زنان علاوه بر جنبه اقتصادی، از نظر فرهنگی امکان حضور در آموزشگاه‌های شهر را برای دوره‌های فنی و حرفه‌ای نداشتند. در نتیجه مشاور طرح به این نتیجه رسید که وسیله ایاب و ذهاب از جمله الزامات اجرای طرح است و نسبت به تأمین آن اقدام نمود. مثال دیگر تأمین وسایل و ابزار کار دوره‌های فنی از جمله قالی‌بافی، آرایش و پیرایش، خیاطی و عکاسی بود که بدلیل عدم توانائی تهیه آن توسط مهارت‌آموزان، مشاور نسبت به تأمین آن اقدام نمود.

مرحله دوم به پیاده سازی و اجرای طرح اختصاص داشت.

با اینکه وظیفه مشاور در طرح، اجرای دوره‌های فنی و حرفه‌ای و مطابق ۶۰ ساعت آموزش برای هر نفر بود، بر اساس نتایج حاصل از مطالعات ارزیابی سریع، چنین به نظر رسید که قبل از آموزش‌های فنی، مهارت‌آموزان نیاز به آموزش مهارت‌های اجتماعی بعنوان آموزش مکمل فنی و حرفه‌ای دارند. افزایش انگیزه حضور و مشارکت در طرح و کاهش جو بی اعتمادی در جامعه محلی مهمترین هدف برگزاری این دوره‌ها بود. در نتیجه ۵ موضوع مورد نیاز آنان که عمدتاً از نتایج پژوهش‌های محلی حاصل شد در دستور کار قرار گرفت و قرار شد هر مهارت‌آموز حداقل در ۲ کارگاه آموزشی شرکت کند.

در این مرحله ۶۲۰ نفر در ۶ دوره شامل آموزش مهارت‌های ارتباطی، کارگروهی، مدیریت خانواده، کارایی و محیط زیست شرکت کردند که جمعاً ۶۲۰۰ نفر ساعت را پوشش داده است.

در مرحله آموزش‌های فنی و حرفه‌ای ۷۴۹ نفر شامل ۵۰۶ زن و ۲۴۳ مرد در ۵ رشته شرکت گزیده‌اند. به عبارتی به جای ۵۴۰۰۰ نفر ساعت تعهد آموزشی مشاور حدود ۱۴۲۰۰۰ نفر ساعت آموزش و با احتساب آموزش‌های مهارت‌های اجتماعی جمعاً ۱۴۸۲۰۰ نفر ساعت آموزش اجرا کرده است. نکته قابل توجه آن است که ۷۸ درصد آموزش‌ها در آموزشگاه‌های خصوصی فنی - حرفه‌ای، ۱۶ درصد در نهادهای رسمی (شهرداری، صنایع دستی، انجمن سینمای جوان، کشتارگاه) و تنها ۶ درصد در آموزشگاه‌های دولتی فنی و حرفه‌ای انجام شده است. نکته دیگر آنکه علاوه بر رشته‌های رایج فنی و حرفه‌ای، مشاور بر اساس شناخت پتانسیل و تقاضای بازار محلی نسبت به طراحی و اجرای ۶ رشته جدید با همکاری

نهادهای رسمی و بخش خصوصی اقدام کرد. رشته‌ها عبارتند از: باغبانی شهری و درختکاری، آسفالت ریزی و جدول چینی، بازیافت، ذبح و بسته‌بندی، گیاهان داروئی، البسه محلی

عملکرد آموزش‌های اجرا شده از زوایای زیر مورد ارزیابی و در گزارش حاضر تحلیل شده است.

- تعداد مهارت‌آموزان به تفکیک جنسیت
- وضعیت سواد
- رشته‌های انتخابی
- گروه‌های سنی
- محلات هدف
- نهادهای آموزشی دولتی، خصوصی

فرایند ارزیابی کیفی و پایش دوره‌ها از ابتدای آموزش نیز آغاز شد به طوریکه در ابتدا و انتهای هر دوره بر اساس طراحی از قبل انجام شده، مهارت‌آموزان و مربیان هر رشته تصویر اولیه خود را از سطح دانش، مهارت و انتظارهای دوره ترسیم کردند. در انتها نیز همین ابعاد مورد ارزیابی آنان قرار گرفت. مشاور نیز ضمن تحلیل ارزیابی‌های اول و پایان دوره به تفکیک مهارت‌آموز و مربی نسبت به تحلیل مقایسه‌ای دو مرحله اقدام نمود. تحلیل‌ها نشان‌دهنده آن است که مهارت‌آموزان در هر رشته به توانایی‌ها و قابلیت‌هایی دست یافته‌اند که امکان حضور آنان را در بازار کار فراهم می‌کند. بررسی فرصت‌ها در هر رشته در گزارش حاضر به صورت مشروح بیان شده است.

مرحله سوم طرح به مستندسازی پرداخته است که مشاور از ابتدای طرح همواره مقید بوده است تا کلیه فرایندها و نتایج ارزیابی‌ها و پایش‌ها در مراحل مختلف را مستند نماید.

نگاهی کلی به آثار و پیامدهای فرهنگی – اجتماعی طرح نشانگر موارد زیر است:

۱- افزایش اعتقاد و باور عمومی محلات نسبت به طرح‌های توانمندسازی بدلیل اجرای کامل و خاتمه طرح حاضر

۲- افزایش انگیزه عمومی محلات نسبت به آموزش و یادگیری در تنوعی از رشته‌ها بویژه با کسب مدرک رسمی از مراکز فنی و حرفه‌ای

۳- کاهش و حتی رفع موانع فرهنگی بسیاری از زنان و دختران برای کسب علم و یا اشتغال در خارج از محلات بدلیل برقراری امکان آموزش مهارت‌آموزان زن در آموزشگاه‌های شهر زاهدان

۴- توسعه ارتباطات اجتماعی محلات بدون تعصبات قومی- مذهبی بدلیل تجمیع و حضور مشترک آنان در دوره‌های مهارت‌آموزان و نیز مشارکت در اجتماعات محلی طرح

۵- اشتغال نیروهای محلی در طرح بعنوان عوامل اجرایی و علمی از جمله مربیان بومی، همکاران محلی، راننده‌های وسائل نقلیه عمومی.

با توجه به حضور بالغ بر ۷۴۹ نفر مهارت‌آموز در این طرح و نیز مشارکت فعالانه جامعه محلی که سبب ایجاد انگیزه، تحرک و نشاط جوانان برای یادگیری و دستیابی به شغل مورد علاقه و بالاخره درآمدزایی شده است، مشاور امیدوار است تا کارفرمای طرح و به ویژه مسئولین محلی برای پایداری و نهادینه‌سازی طرح در محلات به موارد زیر دقت ویژه کنند:

۱- زمینه‌سازی اجرای آموزش‌های پیشرفته و تکمیلی برای مهارت‌آموختگان

۲- اعطای تسهیلات لازم برای مهارت‌آموختگان شایسته و دارای شرایط لازم برای ایجاد خود اشتغالی و یا کسب و کارهای جدید به صورت فردی و یا گروهی

۳- تکمیل پروژه ساخت و تجهیز آموزشگاه فنی و حرفه‌ای کریم آباد و امکان آموزش رایگان برای دختران و پسران محلات

۴- اولویت بخشی به اشتغال مهارت‌آموزان رتبه‌های اول تا پنجم هر یک از دوره‌های طرح

۵- ارائه نتایج طرح در جمع مسئولین کلیدی استان توسط کارفرما و مشاور

فصل اول؛

معرفی طرح و مأموریت‌ها

طرح توسعه مهارت‌های پایه در سکونتگاه‌های غیررسمی شهر زاهدان به قصد شناسایی، طبقه‌بندی و آموزش مهارت‌های پایه و فنی و حرفه‌ای ۹۰۰ نفر از ساکنان هشت سکونتگاه غیررسمی شهر زاهدان (شیرآباد، کریم آباد، کارخانه نمک، بابائیان، مرادقلی، چلی آباد، پشت گاراژ و پشت فرودگاه)، با تاکید بر زنان و جوانان و نیازهای محلات و همچنین به منظور ایجاد آمادگی آموزش‌گیرندگان برای ورود به بازار کار، در خرداد ماه ۱۳۸۸ با افق زمانی ۱۵ ماه آغاز به کار کرد.

این طرح با هدف ظرفیت‌سازی و توانمندسازی ذینفعان اصلی طرح از طریق:

- آموزش مهارت‌های فنی و حرفه‌ای (اولویت نخست)

- آموزش مهارت‌های اجتماعی (نقش مکمل)

درصد آن بود تا زمینه‌های لازم برای پیوستن ذینفعان به بازار کسب و پیشه و دستیابی به شغل مناسب را فراهم آورد، به بیانی روشن‌تر ذینفعان اصلی از طریق کسب مهارت و آموزش‌های اولیه و قابل استفاده سریع در بازار کار محلی و شهر زاهدان، خود بتوانند با دستیابی به فرصت‌های شغلی و خوداشتغالی به درآمدزایی رسیده و اقتصاد محلی را رونق و محیط زندگی خود را بهبود بخشند.

به بیانی دیگر طرح بر آن است تا با

- ارایه آموزش‌های منجر به استخدام پذیر شدن آموزش‌گیرندگان

- تجهیز به آموزش‌های متناسب با بازار محلی و نیازها و تقاضاهای محلی که امکان دسترسی به شغل را در بازار محلی و زاهدان تسهیل کند

- عرضه آموزش مهارت‌هایی در جهت بهبود معیشت و ارتقای محیط زندگی ساکنان محلی

اهداف مورد نظر در زمینه "میدان آفرینی" و "توانمندسازی" جوامع مورد نظر را محقق سازد.

رویکرد و سمت‌گیری‌های طرح را می‌توان در چهار سطح زیر بیان کرد:

• نسبت طرح با نقطه عزیمت‌های تقاضا محور یا عرضه محور

• نسبت طرح با ایجاد اشتغال

• نسبت طرح با آموزش‌های فنی و حرفه‌ای و آموزش‌های اجتماعی

• نسبت طرح با حوزه‌های رسمی و غیررسمی منطقه

نسبت طرح با نقطه عزیمت‌های تقاضا محور یا عرضه محور:

با عنایت به رویکرد راهنما و چارچوب پذیرفته شده "اجتماع محوری"، نقطه عزیمت و آغازگری طرح از "تقاضای محل" خواهد بود. این تقاضا قابل تجهیز به سه عنصر

- تقاضای آموزشی ذینفعان اصلی (مهارت آموزان)

- تقاضای بازار کار محلی

- دیدگاه تجربی سازمان آموزش فنی و حرفه‌ای و مرکز کاربایی شهر

خواهد بود.

مجری در پی اشراف بر "تقاضای ذاتی محل" آموزش‌های متناسب خود را "عرضه" خواهدکرد. زین رو ارایه خدمات آموزشی، معطوف به تقاضای محل خواهد بود.

نسبت طرح با ایجاد اشتغال:

طرح به طور ویژه بر اشتغال پذیری تاکید دارد. با این ملاحظه که آموزش گیرنده بتواند با اتکا به آموزش‌ها، به ساختار اشتغال منطقه وارد شود.

آموزش‌ها می باید به آسان سازی دست یابی به شغل بیانجامد. به تعامل حوزه رسمی و غیررسمی در منطقه نظر دارد. در این تعامل سکونتگاه‌های غیررسمی به عنوان مبنا و حوزه رسمی یا شهر زاهدان به عنوان شرط خارجی و مدار پیرامونی تلقی می‌شود.

به عبارتی، نگرش به محلات هشت گانه، هم پیوند با حوزه رسمی شهر زاهدان سامان می‌یابد.

نسبت طرح با آموزش‌های فنی و حرفه‌ای و آموزش‌های اجتماعی:

تجهیز آموزش گیرندگان به مهارت‌های فنی و حرفه‌ای، دستور اصلی طرح تلقی می‌شود و آموزش‌های اجتماعی به عنوان تجهیز جانبی و کمک کار برای مواجهه مناسب تر فرد با بازار کسب و پیشه و نیز ارتقا سطح زندگی در محلات هدف و شهروند شده ساکنان قلمداد می‌شود.

نسبت طرح با حوزه‌های رسمی و غیررسمی منطقه:

طرح به تعامل دو حوزه رسمی و غیررسمی در منطقه نظر دارد. در این تعامل سکونتگاه‌های غیررسمی به عنوان مبنا و حوزه رسمی یا شهر زاهدان به عنوان شرط خارجی و مدار پیرامونی تلقی می‌شوند. به عبارتی نگرش به محلات هشت گانه، هم پیوند با حوزه رسمی شهری زاهدان سامان می‌یابد.

پیام طرح:

طرح به محلات آمده است تا مجموعه آموزش‌های مهارتی و اجتماعی را براساس نیاز و تقاضای محل به منظور تجهیز و آماده سازی دینفعان اصلی برای دستیابی به کسب و پیشه و شرایط زیست بهتر ارائه دهد.

فصل دوم؛

درنگی در پارادایم و مبانی نظری؛

"تحول و تکوین مفهوم فقر،

رویکردها و راهبردها"

پیش‌آغاز

بحث در خصوص فقر به عنوان یک مفهوم فلسفی، خود قدمت زیادی دارد اما با گذر زمان، بررسی جنبه‌های مختلف آن به شاخه‌های متنوع علوم اجتماعی سپرده شده‌است. فقر به عنوان یک پدیده در عرصه‌های مختلف زندگی اجتماعی پدیدار می‌شود، اما همواره بررسی نمود و ماهیت اقتصادی فقر، به معنای عدم توانایی فرد در برآوردن نیازهای مادیش، بیش از سایر موارد مورد توجه قرار گرفته است. این مسئله از آنجا نشأت می‌گیرد که اقتصاد قادر به کمی کردن این پدیده بوده است. با گذشت زمان، لزوم پرداختن به مسئله فقر با استفاده از رویکردهای میان رشته‌ای آشکار شد و در راستای این تحول، تعریف فقر در اقتصاد نیز که بسیار متأثر از تئوری‌های رایج در آن بود تغییر یافته و جنبه‌های پنهان فقر آشکارتر شده است. از جمله پرسش‌هایی که در ابتدا پیش رو قرار می‌گیرد آن است که به راستی فقر چیست؟ فقیر کیست؟ آیا فقر نیز چون سایر واژگان و مفاهیم، سیر تحول و تکوین را طی کرده است؟ آیا می‌توان انتظار داشت سه کلمه، فقر، نابرابری و بیکاری همواره با یکدیگر همراه باشند؟

فارغ از بحث‌های فلسفی در مورد پدیده فقر در این نوشتار سعی بر آن است تا پس از واکاوی مفهومی و رهگیری مسیر تحول و تکوین اندیشه‌ها حول این پدیده، به تغییر پارادایم در مواجهه با پدیده فقر اشاره شود. این تغییر پارادایم نه تنها نگرش به مسئله فقر را متحول ساخته بلکه راه‌حل‌های جدیدی برای کاهش فقر پیش روی متخصصین و سیاستگذاران قرار داده است.

نظم تحلیلی نوشته حاضر در قالب محورهای اصلی ذیل سامان می‌یابد:

نخست در چارچوب عنوان "مفهوم‌شناسی"، برخی مفاهیم رایج در مطالعات فقر که در این نوشتار بدان اشاره شده است مورد بررسی قرار می‌گیرد.

در گام دوم فقر هم از بعد مفهوم شناختی و هم از بعد ابزار سنجش در بستر دیدگاه‌ها و مکاتب در کانون مذاقه واقع می‌شود.

سوم به تغییر پارادایم در مواجهه با پدیده فقر اشاره می‌شود و در همین مجال به خاستگاه‌های این تغییر پارادایم نیز پرداخته خواهد شد؛ تغییری برآمده از **مفهوم جدید، متدولوژی جدید و راهبردهای جدید** که هر یک ملاحظات ویژه خود را دارند.

چهارم، هسته مرکزی نوشتار با عنوان توانمندسازی، پردازش شده و سپس به جایگاه، خاستگاه و اهمیت آن در حوزه برنامه‌های فقرزدایی عنایت می‌شود.

در گام پنجم نوبت به بررسی ریشه‌های تشکیل کانون‌های فقر شهری در ایران می‌رسد. در این بخش بررسی عوامل تشکیل‌دهنده، ماهیت فقر در این مناطق و نسبت برنامه‌های توانمندسازی با بهبود کیفیت زیست در این مناطق، در مرکز توجه قرار خواهد گرفت.

در بخش پایانی مبانی نظری سعی می‌شود استراتژی پیشنهادی برای اجرای طرح توانمندسازی در جامعه هدف با محوریت مهارت‌آموزی فنی - حرفه‌ای ارائه شود.

۱. مفهوم شناسی در مطالعات فقر:

کمتر مخالفتی بر سرپیچیدگی و چندبعدی بودن پدیده فقر در میان اندیشمندان وجود دارد. دست کم آثاری که فقر از خود به جای می‌گذارد در عرصه‌های مختلف زیستی، جلوه‌های خود را آشکار می‌سازند. هدف این بخش ارائه مفاهیمی است که در مطالعات فقر، کاربرد عمومی دارند.

۱.۱. **فقر:** کسی است که درآمد او از منابع مختلف برای تامین تمام یا برخی از نیازهای ضروری‌اش نظیر خوراک، پوشاک، مسکن، بهداشت، درمان و آموزش کفایت نکند (وزارت رفاه و تامین اجتماعی، ۱۳۸۴). اگرچه عدم کفایت درآمد تنها شاخص سنجش فقر نیست اما در ارزیابی‌های اقتصادی به عنوان ملموس‌ترین و قابل سنجش‌ترین شاخص فقر به شمار می‌آید.

۱.۲. **خط فقر:** مرز جدایی فقرا از غیرفقر است که مبنای اندازه‌گیری آن، دو شیوه مرسوم سنجش تعیین خط فقر نسبی و خط فقر مطلق است.

۱.۳. **فقر نسبی:** ناتوانی شخص در دستیابی به سطح خاصی از استانداردهای زندگی است که در جامعه او لازم یا مطلوب به شمار می‌آید. این سطح از توانایی به‌طور معمول با ۵۰ یا ۶۶ درصد میانه درآمد جامعه محقق می‌شود.

۱.۴. **فقر مطلق:** عدم دسترسی به استانداردهای مطلق است که برای بهره‌مندی از نیازهای اساسی ضروری است. اگر فرد نتواند درآمد لازم برای تحقق این استانداردها را به دست آورد سلامت جسمی خود یا خانوار تحت سرپرستی‌اش به مخاطره می‌افتد. اغلب برای محاسبه خط فقر مطلق از مجموع هزینه لازم برای تامین سبد غذایی پایه و مبلغی برای هزینه‌های غیرغذایی استفاده می‌شود.

۱.۵. **آسیب‌پذیری^۱:** منظور از آسیب‌پذیری احتمال ابتلا به فقر در زمان حال یا در زمان آینده است. این آسیب‌پذیری می‌تواند ساختاری بوده (ازدیاد جمعیت فقیر، نابرابری زیاد، فقدان دسترسی به خدمات اساسی، فصلی بودن اشتغال و درآمد، سیاست‌گذاری‌های ضعیف در حوزه اقتصاد کلان - اشتغالزایی - و مشکلات جغرافیایی و قومی) و یا ناشی از عوامل گذرا (حوادث طبیعی، بحران‌های اقتصادی نظیر رکود، تورم، بیکاری و ... و درگیری‌های داخلی و خارجی) باشد.

۲. مفهوم فقر و ابزارهای رایج سنجش آن در بستر دیدگاه‌ها و مکاتب منتخب

در این بخش به بررسی مفهوم فقر، تحلیل و تعلیل بروز و نیز ابزارهای سنجش آن در گذر از اندیشه‌های غالب تاریخ اقتصادی پرداخته خواهد شد. ابتدا فقر از دیدگاه **ارتدوکس** که نوعی نگرش کلاسیک به موضوع فقر است تشریح

¹ Vulnerability

می‌شود و سپس نوبت به رویکرد ساختارگرایانه به این مسئله می‌رسد و سرانجام دیدگاه نهادی به مسئله فقر در دوره معاصر، در کانون توجه قرار می‌گیرد. دلیل انتخاب این طیف از مکاتب آن است که گزاره‌های مطرح شده از سوی آن‌ها در هر برهه از زمان به تغییرات عمیقی در دیدگاه‌های رایج انجامیده و اصول و تعاریف پایه‌ای را دگرگون ساخته‌اند.

۲.۱. فقر از دیدگاه ارتدوکس:

نگرش متأثر از دیدگاه ارتدوکس، بر پایه چند فرض بنیادی بنا شده است که ریشه در رویکرد فلسفی و نگاه اندیشمندان این نحله فکری به انسان دارد. این فروض پیشینی، عبارتند از

برابری فرصت‌ها،

جدائی فرد از پیشینه تاریخی

و

جدائی فرد از زمینه‌های اجتماعی.

بنا بر فروض یاد شده، "عاملیت" از آن فرد بوده و فرد به تنهایی مسئول پیامد انتخاب‌های خود و وضعیتی است که در آن قرار دارد.

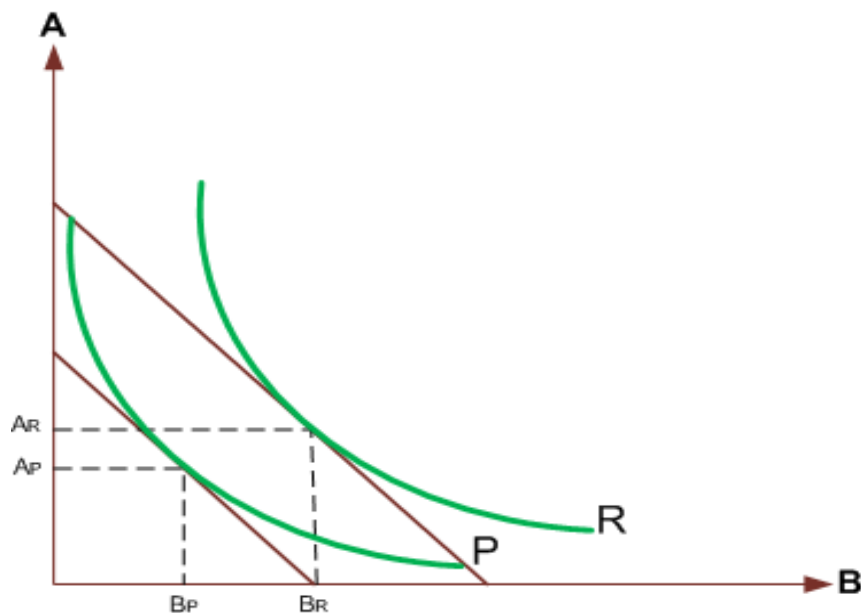
ابزارهایی که در این دیدگاه برای سنجش فقر و تبیین آن مورد استفاده قرار می‌گیرند نیز متأثر از فروض پیش یاد شده‌اند. به عبارت دیگر، ابزارها بر اساس نگرش پس از وقوع^۲ بوده و آنچه هست را تصویر می‌کنند.

ابزارهای تحلیل فقر در مکتب نئوکلاسیک عبارتند از **مطلوبیت و محدودیت بودجه** که انتخاب مصرف‌کننده را در قالب سبد کالایی وی آشکار می‌سازند. هر چه اقلام سبد کالایی به لحاظ مقداری، بیشتر باشند، (با فرض نرمال بودن کالاها) مطلوبیت و در نتیجه رفاه فرد بیشتر خواهد بود. از آنجا که محدودیت بودجه - یا همان میزان درآمد فرد- عامل موثری در مطلوبیت است، بنابراین مطلوبیت کمتر به معنای سبد کالایی محدودتر بوده و شاخصی از فقر به شمار می‌آید.^۳

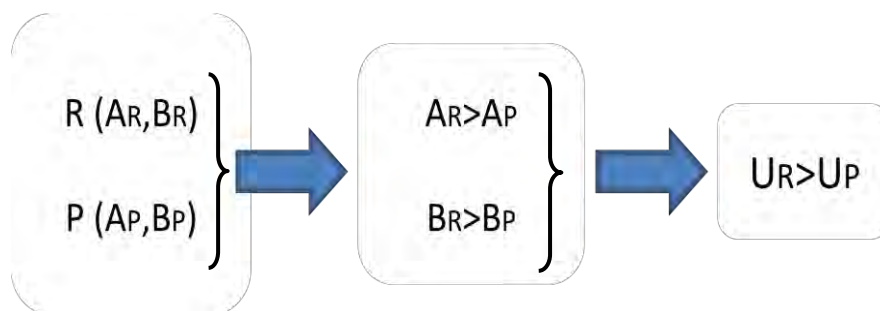
با توجه به نمودار صفحه بعد، فرد P نسبت به فرد R فقیرتر است زیرا در فضای دو کالایی مفروض، سهم مقداری فرد P حداقل از یکی از کالاهای A یا B بیشتر است:

^۲ Ex-post

^۳ در آینده بحث، شاخص‌های طرح شده در اندیشه نئوکلاسیک به تفصیل مورد بررسی قرار می‌گیرد.



بنابراین:



بنابراین فقر از دیدگاه ارتدوکس، به مفهوم تعادل‌های مقداری پایین در مختصات مطلوبیت-مقدار است. محل عنایت است که عوامل قیمتی نیز در قالب بودجه خانوار وارد مختصات فوق شده‌اند.

۲.۲. فقر از دیدگاه ساختاری

ساختارگرایان اغلب در پی چرایی فقر در کشورهای توسعه‌نیافته هستند و آن را ناشی از عدم تطابق ساختار اقتصادی کشورهای جنوب با ساختار اقتصادی کشورهای شمال می‌دانند. به عبارت دیگر، عنصر ماهوی نظام سرمایه‌داری، تولید بر اساس مزیت است. اما خودبسندگی یا تولید بر اساس نیاز معیشتی، ویژگی ساختار اقتصادی حاکم بر کشورهای پیشاسرمایه‌داری است. ادغام اقتصاد معیشتی در اقتصاد مزیتی باعث می‌شود نیروی کار قابل توجهی آزاد شود. عدم جذب بخش عظیمی از نیروی کار آزاد شده در ساختار تولیدی جدید که سرمایه محور بودن، ویژگی برجسته آن به شمار می‌آید، به بروز بیکاری می‌انجامد.

نیروی کار بیکار شده سعی می‌کند در بخش خدمات - که عموماً در کشورهای جنوب با "واسطه‌گری کاذب" مرادف است - جذب شود و دریافته‌های ناچیزی را به عنوان درآمد کسب کند که این امر به توسعه فقر در کشورهای جنوب می‌انجامد.

از این روی، ساختارگرایان

"تغییر ساخت تولید" و

"عدم جذب کافی نیروی کار در بخش تولید"

را علل بروز بیکاری و به تبع آن فقر در کشورهای توسعه نیافته می‌دانند.

۲.۳. فقر از دیدگاه نهادی

در این دیدگاه نه تنها فقر به عنوان یک پدیده اقتصادی- اجتماعی به صورت اثباتی مورد ارزیابی قرار می‌گیرد (رویکرد پس از وقوع) بلکه برخورد فعال با روند پیدایش این پدیده نیز مدنظر واقع می‌شود (رویکرد پیش از وقوع)^۴ و پدیده فقر، ناشی از تعامل "عاملیت"^۵ و "ساختار فرصت"^۶ مورد بررسی قرار می‌گیرد.

"عاملیت" به معنای توانائی یک کنشگر یا گروه کنشگران در اتخاذ تصمیمات هدفمند است. "ساختار فرصت" نیز جنبه‌هایی از بستر نهادی است که کنشگران در آن فعالیت می‌کنند. ساختار نهادی، توانائی عاملیت در تبدیل انتخاب‌ها به عمل را تحت تاثیر قرار می‌دهد و از این طریق مسیر انتخاب و عمل را نیز تعیین می‌کند (بانک جهانی ۲۰۰۶). عاملیت، تابعی از ذخیره دارایی^۷ کنشگر است. ذخیره دارایی بر کیفیت تصمیمات و انتخاب‌ها و همچنین توانایی عملیاتی کردن این انتخاب‌ها توسط عامل تاثیر می‌گذارد (همان).

سن (۱۹۹۹) در قالب مفاهیمی چون ظرفیت و قابلیت، به بسط تاثیر ذخیره دارایی بر انتخاب‌ها می‌پردازد و سعی دارد فقر قابلیت را جانشین فقر مطلوبیتی کند. از سوی دیگر دسوتو (۱۹۸۷) در پروژه‌های خود با تاکید بر "هزینه انتخاب‌های آلترناتیو"، ساختار فرصت را به عنوان عامل تاثیرگذار بر نحوه و کیفیت انتخاب عواملان اقتصادی برمی‌شمارد. وی در اثر معروف خود با عنوان "راز سرمایه" هزینه‌های بالای قانونی شدن را علت اصلی رشد بخش غیررسمی در اقتصاد می‌داند.

سرانجام نهادگرایان، فقر را ناشی از کمبود ذخیره دارایی عاملیت، در کنار ساختار فرصتِ ناکارا می‌دانند. ذخیره دارایی ناکافی به عدم توانایی در انتخاب یا انتخاب‌های نادرست می‌انجامد و ساختار فرصتِ ناکارا، مجال تبدیل انتخاب‌های بهینه به پیامدهای مطلوب را سلب می‌کند. تمرکز این نوشتار بر "عاملیت" در الگوی نهادی است و اینکه چگونه می‌توان ذخیره دارایی را به گونه‌ای بهبود بخشید که انتخاب‌ها، بهینه و موثر شوند.

^۴ Ex-ante

^۵ Agency

^۶ Opportunity structure

^۷ Asset endowment

۳. تغییر پارادایم در مواجهه با پدیده فقر:

در این بخش ابتدا به خاستگاه‌های تغییر پارادایم در مواجهه با پدیده فقر پرداخته می‌شود. سپس در سه محور تغییر مفهومی، تغییر متدولوژیک و تغییر راهبردی، به بسط موضوع خواهیم پرداخت.

۳.۱. خاستگاه تغییر پارادایم در مواجهه با فقر

در بخشی از گزارش توسعه جهانی سال ۲۰۰۰-۲۰۰۱ بانک جهانی با عنوان "مبارزه با فقر" به تغییر رویکرد کاهش فقر در ۵۰ سال اخیر اشاره و این تغییرات به عنوان واکنشی نسبت به پیچیدگی‌های توسعه ذکر شده است. در دهه‌های ۱۹۵۰ و ۱۹۶۰ توسعه به عنوان تابعی از انباشت سرمایه فیزیکی و تقویت زیر بناها مطرح بود. اما در دهه ۱۹۷۰ سرمایه‌گذاری فیزیکی تنها به عنوان عنصر لازم توسعه مورد پذیرش قرار گرفت و عدم کفایت آن به عنوان عنصر یگانه، مطرح شد. در نتیجه این مجادلات، آموزش و بهداشت برای کیفیت بخشیدن به رشد مورد توجه قرار گرفتند. در گزارش توسعه جهانی سال ۱۹۸۰ آموزش و بهداشت به عنوان عواملی که فارغ از ارزش ذاتی، به رشد درآمد فقرا نیز انجامیده‌اند مطرح شده است. برنامه‌های تامین اجتماعی در قالب چترهای تامینی^۸ در همین دوران شکل بست. چترهای تامینی در بردارنده پرداخت‌های انتقالی به فقرا و قشر آسیب‌پذیر جامعه‌اند تا از سقوط آن‌ها به سطح مشخصی از فقر جلوگیری شود. چترهای تامین اجتماعی شامل اند بر^۹:

- پرداخت‌های انتقالی به صورت نقدی
- برنامه‌های حمایتی خوراک محور از قبیل ارائه کوپن برای دریافت مواد غذایی (روجرز و کوتز، ۲۰۰۲)
- کمک‌های جنسی از قبیل اعطای لوازم التحریر و یونیفورم مدرسه
- یارانه‌های قیمتی روی مواد غذایی، الکتریسیته و حمل و نقل عمومی

از سوی دیگر نسل دوم از نسل‌های سه‌گانه حقوق بشری که به این دوران باز می‌گردد و حقوق رفاهی از جمله حقوق اجتماعی و اقتصادی را در خود جای می‌دهد، تاثیر زیادی بر تغییر رویکرد به مسئله فقر و هویت اقتصادی اجتماعی فقرا دارد.

نسل‌های سه‌گانه (Waldron, ۱۹۹۵:۵۷۵) حقوق بشری هریک به اقتضای دوران مطرح شدن آنها بر ابعاد خاصی از زندگی انسانها تاکید کرده‌اند. (Shue, ۱۹۹۷:۳۴۱) منظور از نسل اول حقوق بشر^{۱۰} (۱۹۴۸) همانا حقوق و آزادی‌های سیاسی-مدنی است. حق‌هایی از قبیل آزادی‌های مذهبی، بیان، مصونیت از بازداشت خودسرانه و بدون دلیل، حق رای، آزادی رفت و آمد و انتخاب محل اقامت، به این نسل از حقوق بشر تعلق دارد. حقوق اقتصادی، اجتماعی و

^۸ Safety net

^۹ برای مطالعه بیشتر به گروه و سایرین (۲۰۰۸) مراجعه کنید.

^{۱۰} First Generation of Human Rights

فرهنگی به عنوان حق های متعلق به نسل دوم حقوق بشر^{۱۱} (۱۹۶۰-۱۹۷۰) طبقه بندی میشوند. حقوقی چون حق بهره‌مندی از آموزش، حق بهره‌مندی از مسکن مناسب، مراقبت های بهداشتی، حق کار، حق بهره‌مندی از حداقل امکانات آموزشی، نیز تاکیدات نسل سوم از حقوق بشر هستند.

در حالی که نسل اول نوعاً بر عدم مداخله دولت و دیگر افراد تاکید دارد، حق‌های نسل دوم مستلزم مداخله و حمایت دولت‌ها است. حق‌های نسل دوم ماهیتی جمع‌گرایانه دارند و به حقوقی همچون حق بر محیط زیست سالم، حق بر صلح و حق بر توسعه اطلاق می‌شوند. بنابراین می‌توان گفت که حق‌های رفاهی (حقوق اجتماعی و اقتصادی) در زمره نسل دوم حقوق بشر قرار دارند.

در مرکز حقوق اجتماعی (یا رفاهی) حق بر استاندارد مناسب زندگی قرار دارد (ماده ۲۵ اعلامیه جهانی حقوق بشر، ماده ۱۱ میثاق حقوق اقتصادی و اجتماعی و فرهنگی و ماده ۱۷ کنوانسیون حقوق کودک) بهره‌مندی از این حق، حداقل مستلزم این است که هر شخصی از حقوق ضروری معاش (گذاران زندگی) از جمله غذای مناسب و حقوق تغذیه، لباس، مسکن و شرایط ضروری بهداشت بهره‌مند باشد. (ماده ۱۰ میثاق حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی و ماده ۲۷ کنوانسیون حقوق کودک)

مطابق ماده ۲۵ اعلامیه جهانی حقوق بشر هر کس حق دارد که از سطح زندگی مناسب برای تامین سلامتی و رفاه خود و خانواده‌اش به ویژه از حیث خوراک، پوشاک، مسکن، مراقبت‌های پزشکی و خدمات اجتماعی ضروری برخوردار باشد. این حق بشری در بند یک اصل چهل و سوم قانون اساسی ایران نیز عیناً منعکس شده است و مطابق آن تامین نیازهای اساسی شامل مسکن، خوراک، پوشاک، بهداشت، درمان، آموزش و پرورش و امکانات لازم برای تشکیل خانواده برای همه از وظایف دولت قلمداد شده است.

بهره‌مندی از این حقوق اجتماعی یا رفاهی همچنین به برخورداری از برخی حقوق اقتصادی نیاز دارد. این حقوق شامل حق بر اموال (ماده ۱۷ اعلامیه جهانی حقوق بشر) حق بر کار (ماده ۲۳ اعلامیه جهانی حقوق بشر و ماده ۶ میثاق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی) و حق بر تأمین اجتماعی (مواد ۲۵ و ۲۲ اعلامیه و ماده ۹ میثاق و ماده ۲۶ کنوانسیون حقوق کودک) است. حق بر اموال باید با دو حق دیگر تکمیل شود: حق بر کار که می‌تواند درآمدی که به نوبه خود یک استاندارد مناسب زندگی را تضمین کند و حق بر تأمین اجتماعی که می‌تواند (و در مواردی که ضرورت دارد بطور کامل جانشین شود) درآمد ناکافی ناشی از اموال و درآمد ناکافی ناشی از کار را تکمیل کند. اگرچه حق بر آموزش (ماده ۲۶ اعلامیه جهانی حقوق بشر و مواد ۱۳ و ۱۴ میثاق حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی و مواد ۲۸ و ۲۹ کنوانسیون حقوق کودک) ارتباط نزدیکی با حقوق فرهنگی دارد، اما این حق همچنین یک عنصر اساسی در حقوق اقتصادی و اجتماعی است؛ آموزش به طور فزاینده‌ای در جهت استفاده مطلوب از اموال برای تأمین یک استاندارد مناسب زندگی، برای یافتن کار رضایت‌بخش و انجام بهتر آن و همین‌طور کسب توانایی استفاده از درآمدی که از اموال، کار یا تأمین اجتماعی در یک روش مطلوب برای یک استاندارد مناسب زندگی، از اهمیت برخوردار است.

¹¹ Second Generation of Human Rights

گام‌های فوق در دستیابی به زیست بهتر بسیار نقش داشته و دارند، اما بروز بحران بدهی‌ها و رکود جهانی در دهه ۱۹۸۰ راه حل‌های پیشین را نیازمند تکمله کرد. بنابراین در گزارش توسعه جهانی سال ۱۹۹۰ توجهات به یک راهبرد دو وجهی جلب شد؛ راهبردی که از یک سو بر فرایندهای تولیدی کاربر^{۱۲} در بستر آزادسازی اقتصادی و سرمایه‌گذاری در زیربنایا تاکید داشت و از دیگر سو تامین خدمات پایه در زمینه آموزش و بهداشت برای فقرا را لازم می‌دانست.

در دهه ۱۹۹۰ رویکردهای جدیدی شکل گرفت که سعی داشتند سهم فعالیت برای فقرا در راهبردهای توسعه قائل شوند و زمینه را برای مشارکت آنان فراهم کنند. در دیدگاه جدید فقرا نه به عنوان موجودات منفعلی که باید در انتظار دریافت کمک و اعانه باشند بلکه به عنوان انسان‌های فعالی که می‌توانند در فرایند ارتقای توانمندی‌های خود بکوشند و در این رهگذر در شکل‌دهی به سرنوشت خویش و ساختن جامعه مطلوب مشارکت کنند، نگریسته می‌شود (وزارت رفاه و تامین اجتماعی، ۱۳۸۴). استراتژی جدید بر مبنای سه محور اصلی پی ریزی شده است (بانک جهانی، ۲۰۰۰-۲۰۰۱):

- **بهبود فرصت‌ها:** همواره انتخاب‌ها در بستر مجموعه‌ای از فرصت‌ها شکل می‌بندند به بیان روشن‌تر افراد از سبد انتخابی که پیش رو دارند با توجه به توانایی و قدرت انتخاب خود که متأثر از ظرف دارایی‌هایشان است اقدام به گزینش می‌کنند. بهبود فرصت‌ها به معنای گسترش کمی و کیفی سبد انتخابی است که پیش روی افراد قرار می‌گیرد.
- **تسهیل توانمندسازی:** توانمندسازی، توانایی انتخاب افراد را که متأثر از ذخیره دارایی آن‌هاست بهبود می‌بخشد، به گونه‌ای که افراد بتوانند در میان گزینه‌هایی که پیش رو دارند بهترین را انتخاب کرده و در مسیر بهبود وضعیت خود نقش محوری ایفا کنند
- **افزایش امنیت:** فقدان احساس امنیت همواره معضلی است که فقرا از آن رنج می‌برند. چنین عدم امنیتی در شئون مختلف زندگی آن‌ها جریان دارد: عدم امنیت در حس تعلق، عدم امنیت در مقابل سوانح طبیعی، عدم امنیت در مقابل نوسانات اقتصادی از جمله این موارد به شمار می‌آیند. افزایش امنیت این افراد می‌تواند به بهبود وضعیت زیستی‌شان بیانجامد و دغدغه اصلی آن‌ها را برطرف کند.

در یک نظرافکنی مجمل در می‌یابیم که بانک جهانی نیز سه موج را براساس **رویه عمل** از سرگذرانیده است: نخست- **رویه ابلاغ** که پس از بحران بدهی‌ها و عدم توانایی کشورهای آمریکای لاتین در باز پرداخت وام‌هایشان در دستور کار بانک قرار گرفت و هدف اصلی آن تقویت بخش خصوصی در قالب برنامه‌های تعدیل ساختاری بود. دوم- **رویه تسویه و تعبیه** که پس از مشاهده معجزه آسیای جنوب شرقی لزوم درس آموزی از تجارب بین‌الملل را گوشزد می‌کرد. تسویه به این معنا که بدهی‌های کشورهای جنوب به قطب‌های اعتباری نظام اقتصادی غرب بخشوده شد

¹² Labor intensive

یا تخفیف گرفت و تعبیه نیز به معنای تاکید بر مهندسی و استقرار برنامه‌های تامین اجتماعی و تقویت حوزه‌های حمایتی بود.

سوم- رویه‌های مشارکتی که برنامه‌های توانمندسازی را درکانون توجه قرار می‌دهند و در یک فرایند چهار مرحله‌ای، جامعه هدف را برای مشارکت فعال آماده می‌کنند. این چهار مرحله عبارتند از:

- **باور:** اعتقاد به مطلوبیت وضع فعلی، زمینه را برای اقدامات توسعه‌ای به مثابه تغییر خوب (سامنر و تراپ؛ ۲۰۰۸:۹) باز می‌دارد. همسازی با فقر تاثیر ناتوان‌کننده فقر است که ابتکار، انرژی و جستجو برای وضعیتی بهتر، همه و همه را نابود می‌کند و بنابراین به امری که به خود تداوم می‌بخشد مبدل می‌شود (گالبرایت؛ ۱۳۸۵).

- **آگاهی و آموزش:** کسب آگاهی موجب می‌شود افراد وضعیت کنونی را مطلوب ندانسته و نیاز به تغییر را در خود احساس کنند. در این حالت می‌توان تلاش فرد برای تغییر را جهت بخشید.

- **مهارت:** تغییر مطلوب در دنیای واقع، نیاز به ابزار دارد و در عین حال این ابزارها ذخیره دارایی افراد را تشکیل می‌دهند. کسب مهارت، فرد را مسلح به ابزار تغییر می‌کند و زمینه ارتقای کیفی را برای زندگی وی فراهم می‌آورد.

- **مشارکت:** تا زمانی که فرد خود را جزء موثری از فرایند تغییر نداند؛ فرایند تغییری که بازتاب خواست‌ها، نیازها و دغدغه‌های اوست، به عنصر فعالی در این تغییر تبدیل نخواهد شد. زیرا لزوماً مشکلاتی که در طرح‌های غیرمشارکتی تلاش بر حل آنهاست، از نظر وی مولفه‌های تغییر مثبت به حساب نمی‌آیند. در رویکردهای جدید از آغاز فرایند توسعه‌ای (طرح و برنامه‌ریزی) تا پایان آن (اجرا، پایش و ارزیابی) جامعه هدف، نقش کلیدی دارد.

اما وقایع و رویدادهایی که بانک جهانی را به پیمودن این مسیر واداشت در چنین زنجیره‌ای نمایان است:

- (۱) شکاف معنادار درآمد و ثروت میان کشورهای شمال و جنوب در دهه ۱۹۷۰
 - (۲) انقلاب‌های سیاسی - اجتماعی دهه ۱۹۷۰
 - (۳) بغض‌های اجتماعی و شورش‌های شهری در دهه ۱۹۸۰
 - (۴) عملکرد ضعیف بانک جهانی در کشورهای آمریکای جنوبی و منطقه کارائیب در دهه ۱۹۸۰
 - (۵) بروز جو بی‌اعتمادی شدید به سیاست‌های بانک جهانی پس از اجرای برنامه‌های تعدیل در دهه ۱۹۹۰
 - (۶) تشدید شکاف فقر و طرح این پدیده به عنوان یک معضل بشری در دهه ۱۹۹۰
 - (۷) وقوع معجزه آسیای جنوب شرقی به دور از تیررس سیاست‌های بانک جهانی در دهه ۱۹۹۰
- همه این رخدادها، دست به دست دادند تا بانک جهانی تلاش خود را معطوف به آموختن از تجربیات و اجرای سیاست‌های برآمده از مطالعات تجربی کند. دگرگونی در سه سطح مفهوم، متدولوژی و راه‌کار در مواجهه با فقر، به تغییر پارادایم در این بستر فکری و عملیاتی انجامید که در امتداد مطلب بدان خواهیم پرداخت:

۳،۲. تغییر مفهوم فقر: فقرا تهی‌دستانند و نه تهی‌مغزان^{۱۳}

گری بکر (۱۳۸۰) هدف اصلی علم اقتصاد را درک فقر و کمک به کاهش آن می‌داند. از سوی دیگر بسیاری از اقتصاددانان، رشد و توسعه اقتصادی را هدف غایی علم اقتصاد می‌دانند. بنابراین می‌بایست رابطه معناداری بین مفهوم فقر و مفهوم رشد و توسعه برقرار باشد. در گام نخست در این بخش به مفهوم فقر در بستر رشد و توسعه می‌پردازیم. پس از آن نیز مفهوم فقر از دیدگاه آمارتیا سن به عنوان تعریف مبنایی در این پژوهش، مورد بررسی قرار می‌گیرد.

۳،۲،۱. مفهوم فقر در بستر رشد و توسعه

در دهه‌های ۱۹۵۰ و ۱۹۶۰ توسعه اقتصادی متناظر با رشد اقتصادی بود و در ادبیات رایج این رشته، همواره دستیابی به رشد از طریق سرمایه‌گذاری‌های فیزیکی به عنوان هدف اصلی به شمار می‌آمد. با گذشت زمان با ورود متغیرهایی نظیر سرمایه انسانی و عوامل تقویت‌کننده آن در الگوهای رشد، توان تخمین‌ها و قدرت توضیح‌دهندگی بهبود یافت. این مهم، سرآغاز فصل جدیدی بود که مباحث توسعه به معنای چندوجهی خود، وارد ادبیات اقتصادی شد. توسعه‌ای که محور آن زیست بهتر بشر بود.

در این دوران سیاست‌های توزیعی جایگاه ویژه‌ای یافت و به عنوان عنصر همزاد رشد، در کنار آن قرار گرفت. اما برخی کشورها که پیش از این، از قافله رشد باز مانده بودند، کارنامه قابل قبولی در مسیر توسعه نیز از خود بر جای نگذاشتند و استراتژی‌های توسعه، تنها دامنه سیاست‌های توزیعی و بازتوزیعی را در آن‌ها گسترش داد که به ظهور دولت‌های ورشکسته انجامید.

در اواخر دهه ۱۹۹۰ نسخه‌های متأخر، جایگزین نسخه‌های میانی رشد و توسعه شدند. نسخه‌ای که اولویت را به رشد می‌دادند اما رشدی که از طریق استراتژی‌های توسعه‌ای محقق شود.

غرض از پی‌جویی سیر تحول نظریات رشد و توسعه در این مکتوب، بررسی جایگاه فقر و فقرا در هر یک از نسخه‌های یاد شده است. در نسخه‌های سنتی که هدف، دستیابی به رشد اقتصادی بود، سرمایه فیزیکی را به عنوان آنچه فقرا کاملاً از آن بی‌بهره هستند در مرکز توجه قرار می‌داد. سرنوشت فقرا در این دوران، به ساز و کارهای توزیعی سپرده شده بود. اوج این تفکر در قالب تئوری "رخنه به پایین"^{۱۴} توسط اقتصاددانان نئوکلاسیک طرف عرضه مطرح شد. براساس این تئوری، رشد اقتصادی در فضای نابرابری درآمدی از طریق تراوش درآمد و ثروت به سمت پایین هرم، رفاه کلیت جامعه را افزایش می‌دهد. از این منظر، تشدید شکاف درآمدی بین دهک‌های پایین و دهک‌های بالا، خبر از شکست بازار^{۱۵} در عرصه توزیع درآمد نمی‌داد.

^{۱۳} این جمله برگرفته از پراهلاد (۱۳۸۶) است

^{۱۴} Trickle down

^{۱۵} Market failure

در نسخه‌های میانی رشد که دربردارنده مفاهیم توسعه‌ای بودند، پرداختن به فقر و تأمین حداقل معیشت، بهداشت و آموزش به عنوان وظایفی مبرم، بر عهده دولت قرار گرفت. در اینجا گاه دولت‌ها به فقر و هزینه‌های آن‌ها به عنوان اقلام تحمیلی می‌نگریستند.

سرانجام با ظهور نسخه‌های متأخر، فقر به عنوان **عامل رشد**، وارد ادبیات جدید شدند. آمارها در سال ۲۰۰۲ نشان می‌دهد که حدود ۷۰ درصد جمعیت جهان، درآمد سالانه‌ای زیر ۱۵۰۰ دلار دارند و فقیر محسوب می‌شوند (پراهلاد ۱۳۸۶). بنابراین فقر در بازار تولید - لااقل از بعد کمی - بخش قابل توجهی از نیروی کار را شامل می‌شوند و از سوی دیگر در بازار کالا و خدمات، حتی در سطح کالاهای اساسی نیز خیل عظیم مصرف‌کنندگان را تشکیل می‌دهند. پراهلاد (۱۳۸۶) استدلال می‌کند که با توجه به نقش تعیین‌کننده فقر در سمت تولید و مصرف، حساس کردن این افراد نسبت به قیمت‌های بازار و خروج آن‌ها از جمع اعانه‌بگیران می‌تواند به رشد اقتصادی بیانجامد.

۳،۲،۲. مفهوم فقر در اندیشه سن

آمارتیا سن یکی از پژوهشگران برجسته حوزه فقر به شمار می‌آید. افکار وی متأثر از ارسطو، آدام اسمیت، کارل مارکس و جان رالز است. شاید سهم اصلی وی در مباحث فقر، تلاش برای جایگزینی مفهوم مطلوبیت با مفهوم قابلیت^{۱۶} (ارسطویی) باشد. ارسطو در موردست تاریخ، وضعیت فقر را به کاستی ذاتی قابلیت‌های آنان مربوط می‌دانست.

سن (۱۳۸۱) معتقد است ارزشیابی براساس مطلوبیت، سه فرض را در خود جای می‌دهد؛ نخست نتیجه‌گرایی یعنی کلیه انتخاب‌ها براساس نتایج، مورد ارزیابی قرار می‌گیرند. وی به طور ضمنی به رویکرد پس از وقوع اندیشه نئوکلاسیک در بررسی و تبیین فقر نظر می‌افکند. دوم، اشاره می‌کند که مطلوبیت‌گرایی به معنای رفاه‌گرایی است و سطح رفاه هر کس، محدود به مطلوبیت ناشی از سبد کالایی وی می‌شود.

سوم، رتبه‌بندی، مبتنی بر جمع مطلوبیت‌هاست یعنی اگر بخواهیم مطلوبیت یک خانوار را محاسبه کنیم جمع مطلوبیت آن‌ها بدون توجه به میزان نابرابری در توزیع مطلوبیت‌ها به دست می‌آید و عواملی چون جنسیت و نقش فرد در خانوار از نظر پنهان می‌ماند.

سن (۱۳۸۱) در ادامه، سه محدودیت اصلی برای رویکرد مطلوبیت‌گرایانه برمی‌شمارد:

۱. بی‌تفاوتی توزیعی: جمع‌پذیری مطلوبیت باعث می‌شود نابرابری توزیعی آن از نظر دور بماند.

¹⁶ capability

۲. غفلت از حقوق، آزادی‌ها و سایر علایق غیر مطلوبیتی: رویکرد مطلوبیت‌گرا، برخی مطالبات انسانی نظیر

آزادی‌ها و حقوق اساسی را آنجا که بر مطلوبیت‌های مصرفی اثر نمی‌گذارند، وارد ارزیابی نمی‌کند.

۳. مشروط بودن شرایط ذهنی و انطباق: مطلوبیت شاخصی است که بر مشخصه‌های ذهنی از قبیل لذت،

خشنودی و آرزو تمرکز دارد. در صورتی که این برداشت ذهنی نمی‌تواند برای همه افراد قابل مقایسه و لذا

قابل تعمیم باشد.

وی سپس چنین بحث می‌کند که اگر بخواهیم مطلوبیت را به عنوان شاخصی از رفاه به حساب آوریم باید

ویژگی‌های چند را در نظر بگیریم:

(۱) ناهمگنی‌های شخصی

(۲) گوناگونی‌های محیطی

(۳) تنوع شرایط جغرافیایی

(۴) تفاوت دیدگاه‌های ارتباطی

(۵) توزیع درون خانواده

حلقه دیگری که نئوکلاسیک‌ها در تبیین فقر از آن استفاده می‌کنند درآمد است. سن (۱۳۸۱) انتقاداتی نیز به

توانایی مفهوم درآمد در تبیین فقر دارد. وی به تحلیل جان رالز از کالاهای اولیه می‌پردازد. رالز معتقد است کالاهای اولیه

شامل ابزارهای همه منظوره‌ای است که به فرد کمک می‌کند تا اهدافش از جمله "حقوق، آزادی‌ها و فرصت‌ها، درآمد و

ثروت و مبانی اجتماعی عزت نفس" را ارتقا دهد (سن ۱۳۸۱). آمارتیا سن اعتقاد دارد نسخه بهتری، حداقل در پژوهش-

های فقر وجود دارد. بر همین اساس قابلیت را جایگزین مطلوبیت می‌کند؛ قابلیت یک فرد به معنای توانایی فرد

برای دستیابی به هر آن چیزی است که وی ارزش می‌پندارد و مطلوب اوست. به عبارت دیگر توانایی فرد در

تبدیل تصمیم به عمل مطلوب است.

سن معتقد است رابطه تنگاتنگی میان قابلیت‌ها و درآمدها وجود دارد. به عنوان مثال درآمد پایین می‌تواند ناشی از

بی‌سوادی، بهداشت پایین و سایر کمبودهای قابلیت باشد و از سوی دیگر تحصیلات بالا به کسب درآمدهای بیشتر

می‌انجامد؛ در عین حال وی اشاره به ۳ نکته مثبت درباره رویکرد قابلیت به فقر می‌کند:

اول- قابلیت، مفهومی ذاتی و قابل شناسایی است اما درآمد، مفهومی ابزاری است.

دوم- محرومیتِ قابلیت دربردارنده عوامل تأثیرگذار بیشتری نسبت به درآمد پایین است.

سوم- تأثیر درآمد روی قابلیت، مشروط است و درآمد پایین لزوماً به معنای قابلیت پایین نیست.

سه ویژگی یاد شده باعث می‌شود سن استدلال کند که فقر قابلیت می‌تواند واقعیت‌های بیشتری را نسبت به فقر بر

مبنای مطلوبیت، آشکار سازد و راه‌کارهایی را که بر این اساس ارائه می‌شود نیز موثرتر می‌پندارد.

مفهوم دیگری که از دیدگاه سن اهمیت دارد "آزادی" است. آزادی مجموعه فرصت‌هایی است که به فرد اجازه انتخاب

می‌دهد. آزادی در کنار ذخیره قابلیت فرد، کیفیت انتخاب و پیامدهای آن را مشخص می‌سازد. به طور خلاصه

می‌توان عنوان داشت که سن ابزار تحلیل نئوکلاسیک‌ها (مطلوبیت و درآمد) را با ابزارهای تحلیلی جدیدی (قابلیت و آزادی) جایگزین کرده است. از دیدگاه وی، ارتقای ذخیره دارایی از طریق سرمایه گذاری در بهداشت، آموزش و مهارت، منجر به افزایش قابلیت عاملیت می‌شود؛ آزادی نیز ساختار فرصت را عادلانه می‌سازد و از تعامل عاملیت و ساختار فرصت نتایج توسعه‌ای سربرمی‌آورد.

۳.۳. تغییر در متدولوژی و ابزارها در پژوهش‌های فقر: صحبت با فقرا به جای صحبت درباره فقرا^{۱۷}

در ادامه بررسی کیفیت تغییر پارادایم در مواجهه با پدیده فقر به تغییر در متدولوژی و ابزارها راه می‌بریم. پیش از این، تحلیل وضعیت و تصمیم‌گیری در خصوص مواجهه با پدیده فقر و فقرا به عهده جمع محدودی از نخبگان^{۱۸} بود. تلاش برای پیوند زدن مباحث آکادمیک که اغلب توسط نخبگان دانشگاهی مطرح می‌شد با آنچه به واقع در زندگی فقرا جریان داشت، به رویکرد اجتماع محور در پژوهش‌های فقر تحت عنوان "گوش کردن به دانش زندگی" انجامید.

در این روش دو هدف عمده محقق می‌شود:

نخست تصویر دقیقی از واقعیت‌های زندگی در شرایط فقر به دست می‌آید و دوم به افراد فقیر، هویت داده می‌شود. (کرومر، ۱۳۸۳)

ویژگی‌های اصلی رویکردهای اجتماع محور عبارتند از:

- عرضه محوری
 - استخراج نیازها و راه‌کارها از درون جامعه هدف
 - اعتماد به دانش جامعه هدف نسبت به ترجیحات و وجوه مختلف مشکلات (کرومر، ۱۳۸۳)
- ورود رویکرد اجتماع محور در پژوهش‌های فقر در قالب "گوش دادن به دانش زندگی" به دهه ۱۹۹۰ بازمی‌گردد. پس از آن بانک جهانی در سال ۲۰۰۲ اقدام به چاپ گزارشی با عنوان "صدای فقر"^{۱۹} کرد که نشان از اقبال به این روش در مجامع بین‌المللی داشت. این گزارش به نوبه خود شامل سه نوشتار است:

✓ آیا کسی صدای ما را می‌شنود؟ (۱۹۹۹)^{۲۰}

✓ فریادی برای تغییر (۲۰۰۰)^{۲۱}

✓ از سرزمین‌های بسیار (۲۰۰۲)^{۲۲}

^{۱۷} این عبارت از کرومر (۱۳۸۳) گرفته شده است.

^{۱۸} Elites

^{۱۹} Voice of the poor

^{۲۰} Can anyone hear us?

^{۲۱} Crying out for change

^{۲۲} From many lands

برای تهیه این گزارش‌ها بانک جهانی با ۴ پرسش کلیدی وارد مناطقی شد که از فقر شهری یا روستایی رنج می‌بردند: (بانک جهانی ۲۰۰۲):

- ۱- زندگی خوب چیست؟ زندگی بد چیست؟
 - ۲- اولویت‌های مردم فقیر کدامند؟
 - ۳- ماهیت و کیفیت تعاملات مردم فقیر با دولت، بازار و نهادهای مدنی چگونه است؟
 - ۴- روابط اجتماعی و جنسیتی در طول زمان چگونه دچار تغییر می‌شوند؟
- آنچه از این مصاحبه‌ها به دست آمد و در قالب ۳ گزارش منتشر شد، سهم عمده‌ای در تهیه گزارش توسعه انسانی ۲۰۰۰-۲۰۰۱ با عنوان مبارزه با فقر داشت^{۲۳} و چنین اثبات کرد که تجزیه و تحلیل آنچه فقرا در ۵ قاره بدان اشاره کرده‌اند، می‌تواند منبعی برای مطالعات فقر باشد.

فرایند پیش یاد شده در مواجهه با مسئله فقر، لزوم بکارگیری ابزارهای جدید در پژوهش‌های فقر را آشکار می‌سازد. اما پیش از آن لازم است اشاره شود که نسخه‌های سنتی در مطالعه فقر از ابزارهای زیر بهره می‌جستند:

۱. **تعیین خط فقر:** برای تعیین سطح فقر دو شاخص عمده طرح می‌شود:
 - فقر مطلق: میزان درآمدی که شخص را قادر می‌سازد احتیاجات اساسی خود را برآورده سازد.
 - فقر نسبی: میزان درآمدی که شخص را قادر می‌سازد به سطح استاندارد زندگی در جامعه خویش دست یابد.

فقر مطلق، شاخصی است که می‌تواند به صورت بین‌المللی مورد بررسی قرار گیرد. اما شاخص فقر نسبی تابعی از شرایط جامعه مورد نظر بوده و از کشوری به کشور دیگر متفاوت است^{۲۴}.

۲. **تعیین ویژگی‌های جمعیتی و اجتماعی مردم فقیر:** در این سطح از تحلیل، با استفاده از آمارهای رسمی جمعیتی، برخی اطلاعات فرآوری شده نظیر سن، جنسیت، سواد و مواردی از این قبیل، برای مردم فقیر استخراج شده و مورد تحلیل قرار می‌گیرند.

۳. **تهیه مختصات اقتصادی برای فقرا:** مواردی از قبیل منبع درآمد، وضعیت مالکیت دارایی‌ها، الگوی مصرف و میزان دسترسی به خدمات برای جامعه فقرا، از طریق پیمایش‌های ساختارمند تهیه می‌شوند و به عنوان مختصات اقتصادی فقرا در اختیار سیاست‌گذاران قرار می‌گیرند.

در یک نگاه گذرا مشاهده می‌شود که محرومیت مادی به دست آمده از اطلاعات و آمارهای مربوط به بودجه خانوار، شاخص اصلی سنجش فقر در دیدگاه نئوکلاسیک به شمار می‌آید (بانک جهانی ۲۰۰۰-۲۰۰۱). چنین برداشتی از فقر

^{۲۳}البته مستندات این گزارشات پس از انتشار گزارش توسعه انسانی ۲۰۰۰-۲۰۰۱ به چاپ رسید.

^{۲۴}شایان ذکر است شاخص‌های دیگری برای سنجش فقر در همین بستر فکری وجود دارد از جمله "شاخص فقر کالریک". دو شاخص فقر مطلق و فقر نسبی براساس درآمد محاسبه می‌شوند اما شاخص فقر کالریک کاملاً مبتنی بر سید مصرف است.

رویکردی کلان به شمار می‌آید و در محاسبات ملی و جهانی، کارکرد در خوری دارد اما برخی نارسایی‌های این نوع روش‌ها نیز نباید از نظر دور بماند:

اول- خطاهای آماری که اغلب به دو دلیل رخ می‌دهند، نخست تعاریف متفاوت از برخی مفاهیم کلیدی نظیر بیکاری. دوم عدم تمایل افراد در اظهار دقیق درآمدها یا هزینه‌هایشان.

دوم- تفاوت ماهیت فقر برای تک تک اعضای خانوار: واحد اصلی در تعیین و تبیین فقر در محاسبات کلاسیک، خانوار است. باید توجه داشت اعضای خانوار، بسته به نقش و نیازهای خود تعاریف متفاوتی از فقر ارائه می‌دهند.

سوم- مخاطره سیاستگذاری: سیاستمداران برای کاهش آمار فقر، اقدامات سیاست‌گذارانه خطرناکی را صورت می‌دهند و سعی می‌کنند جامعه هدف خود را نزدیکترین گروه درآمدی به خط فقر تعریف کنند. این امر منجر به تشدید فقر در دهک‌های پایینی که نیاز بیشتری به کمک‌های درآمدی دارند، خواهد شد.

نقد‌های وارده به نسخه سنتی در پژوهش‌های فقر به معنای نفی دستاوردها و یا رد روش‌های مورد استفاده در آن نیست. نسخه متاخر نیز با عنوان نسخه تکمیلی^{۲۵} مطرح شده است و ترکیبی از نسخه سنتی و ارزیابی مشارکتی فقر^{۲۶} (PPA) است. PPA در پی فهم و ادراک فقر در بستر اجتماعی، نهادی و سیاسی جامعه محلی است. از ویژگی‌های اصلی نسخه تکمیلی می‌توان به مواردی چند اشاره کرد:

۱. دگرگونی نحوه پیمایش: تشکیل گروه‌های بحث و مصاحبه غیر ساختارمند از روش‌های متداولی است که در روش PPA مورد استفاده قرار می‌گیرد.

۲. توجه به نقش افراد در خانواده و عدم تقارن قدرت

۳. فاصله گرفتن از داده‌های تجمیعی^{۲۷} به سمت داده‌های خرد: داده‌های تجمیعی بسیاری از ملاحظات جنسیتی نظیر سهم اقتصادی غیردستمزدی زنان^{۲۸} در خانوار را منعکس نمی‌سازد و در نتیجه، ادراک و برداشت ذهنی افرادی که با فقر مواجهند با آنچه از داده‌های تجمیعی به دست می‌آید، متفاوت است.

سرانجام لازم به تاکید دوباره بر این مهم است که استفاده از نسخه تکمیلی به هیچ وجه به معنای کم رنگ شدن توان تحلیلی شاخص‌های مطرح در نسخه سنتی نیست بلکه به بسط مفاهیم و شاخص‌ها برای روشن شدن جنبه‌های جزئی‌تر آنچه فقرا با آن مواجهند، نیاز دارد.

۳.۴. تغییر راهبردها در مواجهه با مسئله فقر: مبارزه با فقر به جای مبارزه با فقر^{۲۹}

²⁵ Augmented version

²⁶ Participatory Poverty Assessment

²⁷ Aggregate

²⁸ Non-wage-based economic contribution

²⁹ این عبارت از گزارش آن لاین (۲۰۰۰) انتخاب شده است

اگر بخواهیم به ماهیت تغییر راهبردها در مواجهه با مسئله فقر پی ببریم باید سیر تحول آن را دریابیم. راهبردهای اقتدارگرایانه ناشی از عدم هویت بخشی به افراد فقیر در حل مشکلاتشان، تصمیم‌گیری از بالا به پایین را در این حوزه در پی داشت. پس از مدتی این روش‌ها به هدف مطلوب نرسید و نارضایتی‌هایی را در میان فقرا برانگیخت و دلیل آن هم عدم آگاهی سیاست‌گذاران از واقعیت‌های جاری در زندگی این افراد بود.

این واقعیات، سیاست‌گذاران را بر آن داشت که از سیاست‌گذاری به سیاق اقتدارگرایانه به سیاست‌گذاری‌های مشارکتی روی بیاورند و سهم فقرا در تصمیم‌گیری و اجرای طرح‌های تاثیرگذار بر زندگیشان را مورد احترام قرار دهند. نمونه‌ای که در بستر این نوشتار قابل طرح است و حکایت از نحوه مواجهه با فقر در کانون‌های فقر شهری از جمله سکونتگاه‌های غیررسمی دارد را می‌توان در چهار فاز عمده رهگیری کرد:

در **فاز نخست**، تخریب کامل یا امحای فیزیکی سکونتگاه‌های غیررسمی در دستور کار قرار گرفت. این امر نارضایتی‌های زیادی را در پی داشت و گاه به شورش‌های خشن شهری می‌انجامید. از سوی دیگر بازتولید پس از امحا امری بود که پس از مدتی به وقوع می‌پیوست.

در **فاز دوم**، تخریب و نوسازی مجدد بافت‌های نامرغوب در سکونتگاه‌های غیررسمی مورد توجه قرار گرفت. در این طیف از اقدامات بنا بر آن بود که تمامی یا بخشی از هزینه‌های نوسازی توسط ساکنان این مناطق اما به صورت اقساط مدت‌دار پرداخت شود. به هر شکل این تجربیات نیز به شکست انجامید زیرا هزینه‌های بالایی دربرداشت و عموماً ساکنان مناطق غیررسمی قادر و مایل به پرداخت اقساط حتی در بلند مدت نیز نبودند. (قانع‌ی راد، ۱۳۸۴)

در **فاز سوم**، اصلاح محیط زیست ساکنان سکونتگاه‌های غیررسمی با تمرکز بر بهسازی کالبدی به عنوان استراتژی فقرزدایی در سکونتگاه‌های غیررسمی مطرح و اجرا شد. در چنین برنامه‌هایی گسترش تسهیلات زیر بنایی نظیر آب تصفیه شده، برق، گاز و جاده در کانون توجه قرار می‌گیرد.

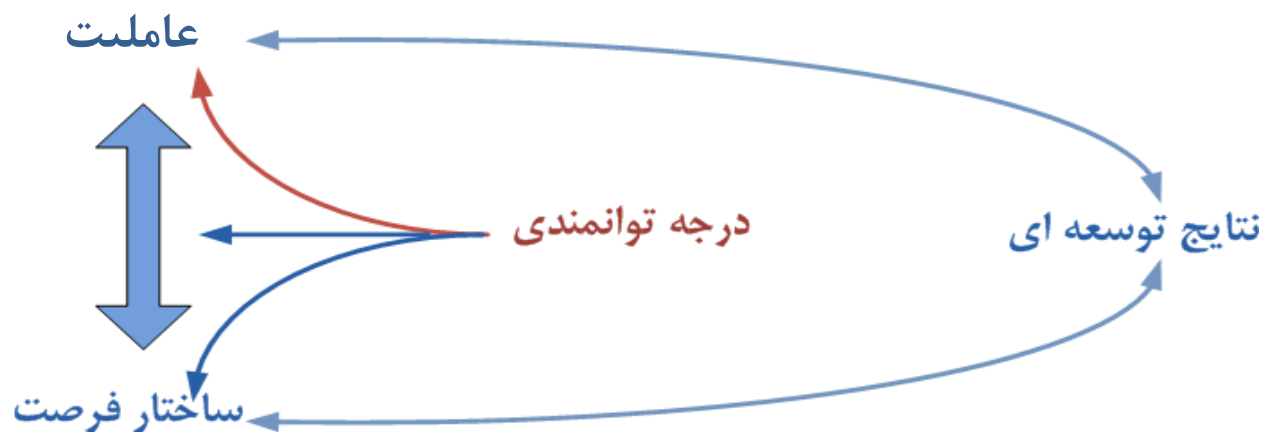
فاز چهارم شامل اصلاح کیفیت زیست در قالب ارتقای شاخص‌های اقتصادی و اجتماعی است. اگرچه در پیمایش‌های صورت گرفته در سکونتگاه‌های غیررسمی سراسر دنیا، ساکنان این مناطق، اهمیت بیشتر را به نیازهای زیرساختی و کالبدی می‌دهند اما تلاش برای ارتقای شاخص‌های اقتصادی و اجتماعی اجتناب ناپذیر است زیرا بسیاری از مشکلات مبتلا به ساکنان این مناطق ناشی از دانش پایین زندگی و کم مهارتی در بازار کار است که امکان توسعه پایدار را از این طیف افراد سلب می‌کند. در سال‌های اخیر تمرکز برنامه‌های فقرزدایی در سکونتگاه‌های غیررسمی بر دو مورد آخر یعنی بهبود محیط زیست و اصلاح کیفیت زیست، مبتنی است.

۴. جایگاه توانمندسازی در برنامه های فقرزدایی

پس از بررسی سیر تغییر پارادایم حاکم بر نحوه مواجهه با مسئله فقر، دریافتیم که توانمندسازی در قالب برنامه‌های کالبدی و اقتصادی – اجتماعی، جایگاه ویژه‌ای در برنامه‌های فقرزدایی دارد.

هم اکنون در بخش سوم از این نوشتار قصد بر آن است تا خاستگاه توانمندسازی، در بستر تحول تاریخی برنامه‌های بانک جهانی مورد بررسی قرار گیرد. سپس اهمیت توانمندسازی در مواجهه با فقر در سکونتگاه‌های غیررسمی مورد دقت واقع شود و سرانجام یک مدل تحلیلی کلان برای بررسی تاثیر توانمندسازی بر سپهر زیستی ساکنان سکونتگاه‌های غیررسمی ارائه شود.

اما پیش از آن لازم است تعریفی از مفهوم توانمندسازی ارائه و جایگاه آن در الگوی تعاملی سن بررسی شود: "توانمندسازی عبارتست از افزایش ظرفیت و بهبود قابلیت افراد یا گروه‌ها (عاملیت) برای صورت دادن انتخاب‌های بهتر و تبدیل این انتخاب‌ها به اعمال و نتایج مطلوب (بانک جهانی ۲۰۰۱، ۲۰۰۲)" یا به بیان دیگر "توانمندسازی فرایندی است که طی آن افراد، گروه‌ها و جوامع از وضعیت موجود زندگی و شرایط حاکم بر آن آگاهی پیدا کرده و برای رسیدن به وضعیت مطلوب، اقداماتی آگاهانه و سازمان‌یافته انجام می‌دهند" (وزارت رفاه و تامین اجتماعی، ۱۳۸۴). در کتاب "توانمندسازی در عمل: از تحلیل تا اجرا" (بانک جهانی ۲۰۰۶) که تازه‌ترین ادبیات بانک در این حوزه است، با توجه به نظریات سن، مدل زیر ارائه شده است. بانک جهانی استدلال می‌کند که از تعامل "عاملیت" و "ساختار فرصت" نتایج توسعه‌ای به دست می‌آید:



همانطور که مشاهده می‌شود، درجه توانمندی متغیری است که هم بر "عاملیت"، هم بر "ساختار فرصت" و هم بر تعامل این دو تاثیر دارد. اما در این نوشتار و به دلیل رسالتی که طرح آموزش مهارت‌های پایه در سکونتگاه‌های غیررسمی شهر زاهدان بر عهده دارد تاثیر درجه توانمندسازی بر عاملیت، بیش از همه مد نظر قرار می‌گیرد.

۴.۱. خاستگاه توانمندسازی در بستر تاریخی برنامه‌های بانک جهانی

آغاز دهه ۱۹۹۰، موعد نهایی سر رسید وام‌های کشورهای امریکای لاتین و بخش مهمی از کشورهای افریقایی و چند کشور آسیایی بود اما وضعیت اقتصادی این کشورها به قدری ضعیف بود که عملاً بازپرداخت وام‌های بانک جهانی، صندوق بین‌المللی پول، دیگر نهادهای مالی و برخی دولت‌های ثروتمند را غیر ممکن می‌کرد. بانک تصمیم

گرفت برای تضمین باز پرداخت وام‌هایش اعطای وام را مشروط به اجرای برنامه‌های ابلاغی خود کند. برنامه‌های تعدیل ساختاری در این دوران در قالب برنامه‌های دستوری از سوی بانک و صندوق به کشورهای وام گیرنده ابلاغ شد. نتایج نامطلوب ناشی از اجرای دستورالعمل بانک جهانی و صندوق، بدبینی فراگیری را در سطح بین‌المللی به وجود آورد. در کنار عملکرد ضعیف کشورهای امریکای لاتین و برخی از کشورهای آفریقایی، معجزه جنوب شرق آسیا به وقوع پیوست. عملکرد مثبت کشورهای جنوب شرق آسیا بر اساس نسخه‌های متداول دورانی بانک جهانی نبود.

پس از آن بانک تصمیم گرفت ارائه توصیه و تدبیر را جایگزین برنامه‌های دستوری کند. هدف و تمرکز اصلی این توصیه‌ها متوجه گسترش سیستم‌های تأمین (امنیت اجتماعی) بود. پس از مدتی سیاستمداران تمایل شدیدی به بلوپرینت‌های آنگلوامریکن^{۳۰} نشان دادند اما نهادها و بسترهای تاریخی - اجتماعی کشورها به گونه‌ای بود که نتایج به دست آمده از اعمال سیاست‌های یکسان، متفاوت و گاه متناقض بودند (رودریک ۱۳۸۶).

تکرار تجربیات ناکارآ و گسترش اندیشه طرفدار رویه‌های مشارکتی، نهادهای سهیم در نظریه‌پردازی و پیشبرد امر توسعه از جمله بانک جهانی را در مسیر تازه‌ای قرار داد که باعث شد به اندیشه‌جویی کشورها در حل مشکلات خود اهمیت داده شود و با رویکردهای توانمندسازی تلاش شود کیفیت جامعه هدف چنان ارتقا یابد که مشکلاتی که از بطن جامعه برآمده، توسط اهالی همان جامعه نیز رو به حل رود.

در چنین فرایندی برنامه‌های توانمندسازی در کانون توجه قرار گرفت؛ برنامه‌هایی که تلاش دارند در جهت فقرزدایی، ذخیره‌داری عاملیت را افزایش داده و ساختار فرصت را عادلانه‌تر سازند.

۴.۲. اهمیت توانمندسازی افراد فقیر

برای پایداری اجتماعی، آن رویکرد توسعه‌ای مطلوب است که نه تنها سیاست‌ها و سازوکارهای جدی برای کاهش فقر تعریف کرده و به اجرا بگذارد، بلکه سیاست‌های پیشگیرانه‌ای نیز برای جلوگیری از تولید و توزیع فقر داشته باشد. علاوه بر این به فقرا نه به عنوان خدمات‌گیر و نفع‌بر برنامه‌های فقرزدایی بلکه به مثابه **عاملان و پایش‌گران** این برنامه‌ها نگریده و فرصت ایفای چنین نقشی را برای آنان ایجاد کند. با چنین منظری، فقر و کاهش آن در متن دستور کار توسعه قرار گرفته و جزء تفکیک‌ناپذیر آن تلقی خواهد شد و با تبدیل فقرا از «مزاحمان توسعه» و در خوشبینانه‌ترین حالت «نفع‌بران توسعه» به عاملان و کارگزاران آن، برنامه‌های کاهش فقر، **ذینفع‌ها و شرکای جدیدی** پیدا می‌کنند که خود اساساً در تعریف و تحقق این برنامه‌ها (به ویژه در سطح محلی) مسئولیت ویژه‌ای خواهند داشت. توانمندسازی با ایجاد قابلیت در گروه‌های محروم و افراد فقیر، زمینه را جهت مشارکت فعال و آگاهانه آن‌ها برای تأمین رفاه فردی و اجتماعی فراهم می‌سازد.

از این منظر فقرزدایی نیازمند رویکردی وسیع به فقر و تمایز چهار بعد مرتبط و به هم پیوسته آن است:

³⁰ منظور دستورالعمل‌ها یا پیشنهادهایی است که بر اساس تجربه کشورهای غربی و بی توجه به تفاوت شرایط محیطی کشورهای شمال با کشورهای جنوب تهیه شده و به کشورهای توسعه نیافته پیشنهاد می‌شود و به بیان دیگر حاوی "بهترین رویه‌ها" برای دستیابی به اهداف است.

الف) فقر درآمد و دارایی - معیشت ماندگار یا پایدار

ب) فقر دسترسی به خدمات اساسی

ج) فقر مشارکت و قدرت

د) فقر آزادی و تصمیم سازی

کاهش فقر در یک بعد (همانند فقر درآمدی) اغلب مستلزم کاهش فقر در ابعاد دیگر است. برای کاهش پایدار فقر، فقرا بایستی توانمند شوند تا از فقر خویش بکاهند یعنی این که باید ابزارهایی در اختیار داشته باشند تا خودشان به کاهش فقر مبادرت ورزند. با این حال دولت‌ها مسئولیت‌های عمده‌ای دارند یعنی شرایطی را توسعه می‌دهند که برای فقرا کاهش فقر را آسان سازد. (ESCAP, March ۲۰۰۳)

از این دیدگاه است که رویکرد اجتماع‌مدار توانمندسازی به کاهش فقر اهمیت می‌یابد زیرا اجتماع، مهم‌ترین و پایدارترین محیط بلافصلی است که مشارکت فقرا را متبلور می‌سازد. افزون بر این ناکارآمدی و شکست برنامه‌های متمرکز و سیاست‌های اجتماعی از بالا به پایین دولتی برای کاهش فقر که از دهه ۱۹۷۰ میلادی بیشتر نمایان شد و همین‌طور ناکارایی برنامه‌های بازار محور در این خصوص، نگرش اجتماع‌مدار به توسعه و کاهش فقر را رونق بخشیده است. به‌طوری‌که در دهه ۱۹۸۰ (میلادی) با غلبه دیدگاه نئولیبرالی به توسعه و متعاقب آن مطرح شدن رویکرد «توانمند شدن»، مقوله‌های جامعه مدنی و «حکمرانی خوب»^{۳۱} به مباحث جدی توسعه‌ای در دهه ۱۹۹۰ و سال‌های اخیر تبدیل شده‌اند. همه این رویکردها و گفتمان‌های توسعه‌ای به تقویت نقش و جایگاه اجتماع در توسعه و به تبع آن در برنامه‌های فقرزدایی انجامیده است. در این میان گسترش ابعاد جهانی شدن و آمیخته شدن زمان و مکان در این فرایند، رویکرد جدیدی را بر مبنای «جهانی محلی»^{۳۲} شکل داده است؛ همزمان هم می‌توان محلی بود و هم نمود جهانی داشت. شایان توجه است که این فرایند با جهانی‌سازی ارادی و از بالا که ادغام فرهنگ‌ها و یکسان‌سازی جهانی را به‌عنوان یک پروژه دنبال می‌کند در تعارض است که برای مقابله با این پروژه نیز به ویژه در کشورهای درحال توسعه، مشارکت اجتماعات در اداره امور خود، تقویت فرهنگ‌های محلی و توسعه محلی به اموری حیاتی تبدیل شده‌اند.

۴.۲.۱. رویکرد نیازهای اساسی توسعه برای توانمندسازی افراد فقیر

رویکرد نیازهای اساسی یکی از چهار ابتکار اجتماع‌مداری است که سازمان جهانی بهداشت (WHO) برای پیشبرد و بهبود سلامتی در سطح جهانی از دهه ۱۹۸۰ به بعد پی گرفته و کشورهای عضو را برای اتخاذ و توسعه چنین رویکردهایی مورد تشویق و حمایت قرار داده است. سه رویکرد دیگر، **برنامه شهر سالم**، **برنامه روستاهای سالم** و **برنامه زنان در توسعه** هستند. هدف مشترک این رویکردهای تحقیقاتی و توسعه‌ای ایجاد خط مشی‌های سیاسی، کالبدی و اقتصادی پشتیبان و برای برنامه‌ریزی همه بخش‌های اجتماعاتی است که بر محیط زیست و کیفیت زندگی اثر

³¹ Good Governance

³² Globalized

مثبت به جای می‌گذارند. در مقایسه چهار ابتکار باید اشاره کرد که برنامه روستاهای سالم (HVP) و رویکرد نیازهای اساسی توسعه (BDN) اساساً در مناطق روستایی اجرا می‌شوند و در این مناطق، اهداف، ساختارها و فرایندهای مشترکی را تعقیب می‌کنند. برنامه شهر سالم (HCP) در محلات شهری به ویژه در حومه‌های محروم (و سکونتگاه‌های غیررسمی) برای بهبود شرایط زیست‌محیطی و گنجاندن سلامتی در دستور کار توسعه محلی، فعال است و برنامه زنان در توسعه (WHD) از طریق ساختارهای موجود برنامه‌های اجتماع‌مدار و توانمندساز از منظر سازمان جهانی بهداشت، تسهیل یکپارچگی سیاست‌ها و برنامه‌های سلامتی، در دستور کار توسعه راهبردی ملی است. این ابتکارها به بهبود سلامتی و شرایط زیست‌محیطی، کاهش فقر و نیل به کیفیت زندگی بهتر، از طریق دستیابی به اهداف توسعه هزاره^{۳۳} (MDG) کمک می‌کنند.

رویکرد نیازهای اساسی توسعه که به اختصار به BDN مشهور است، فرایندی است که افراد و اجتماعات را برای دستیابی به کیفیت بهتر زندگی کمک می‌کند. در این فرایند هدف سلامتی نسبت به سایر اهداف ارجحیت دارد. به تعبیر سازمان جهانی بهداشت (WHO) راهبرد نیازهای اساسی توسعه، توسعه اجتماعی اقتصادی یکپارچه‌ای است که بر دخالت کامل اجتماع محلی^{۳۴} متکی است. BDN خوداتکایی را از طریق مدیریت و تأمین مالی توسط مردم تشویق می‌کند. BDN راهبردی است معطوف به مردم که با همکاری بین بخشی، حمایت حیاتی را به مردم عرضه می‌کند^{۳۵}.

ابتکار نیازهای اساسی توسعه از دوازده هدف و پنج راهبرد اساسی پیروی می‌کند.

اهداف:

۱. بسیج و سازماندهی اجتماعات، پیشبرد خویش‌فرمایی^{۳۶} و خوداتکایی برآمده از توانمندسازی
۲. تشویق اجتماعات به مثابه شرکای برنامه‌ریزی، اجرا و پایش سیاست‌های توسعه؛
۳. حمایت از اجتماعات برای ایفای نقش رهبری و تقویت ظرفیت‌های آن‌ها از این منظر؛
۴. تشویق حکومت به توسعه همکاری مؤثر بین دستگاه‌های درگیر در برنامه، شراکت با جامعه مدنی و سایر ذینفع‌ها و هماهنگی فعالیت‌های بین بخشی در حمایت از جوامع؛
۵. ارتقاء ظرفیت‌های مدیریتی و فنی در سطوح مختلف دولتی؛
۶. بسیج منابع اجتماعات و دولت در مسیر واحد معطوف به توسعه اجتماعی و اقتصادی یکپارچه؛
۷. تعریف و پیشبرد فناوری‌های دوستدار سلامتی برای توسعه اجتماعات و تشویق سبک‌های زندگی سالم در درون اجتماعات؛

³³ Millennium Development Goals

³⁴ Community

³⁵ www.Emro.Who.Int/cbi/BDN-documehtn.htm

³⁶ Self- Management

۸. آغاز مداخلات اجتماعی و اقتصادی و حمایت از بسیج منابع اجتماع و ورودی‌های فنی، فیزیکی و مالی دولت و کارگزاری‌های بین‌المللی؛
۹. کاهش فقر به‌عنوان علت اساسی آلام اجتماعی و ناخوشی‌ها؛
۱۰. تحقیق عملیاتی برای طراحی مدل‌های توسعه و تسهیل تکرارپذیری برنامه‌ها در سایر اجتماعات؛
۱۱. تقویت وضعیت آموزشی، سواد و آگاهی افراد، به منظور مسئولیت‌پذیر کردن آنان به‌عنوان شرکای جامعه؛
۱۲. بهبود شاخص‌های سلامتی از طریق ارائه خدمات جامع سلامتی و کیفیت زیست بهتر به عنوان دستاورد توسعه اجتماعی و اقتصادی.

BDN برای تحقق اهداف فوق از پنج راهبرد بهره می‌گیرد:

۱. سازماندهی اجتماع و مشارکت فعال جوامع هدف: اجتماع بسیج و سازماندهی می‌شود، آموزش داده می‌شود تا برای ایفای نقش پیش‌تاز در توسعه خویش توانمند گردد. در این فرایند، افراد توانمند می‌شوند تا عهده‌دار زندگی خود شده و برای بهبود کیفیت زندگی خویش دست به کار شوند؛
۲. حمایت بین بخشی هماهنگ: وزارتخانه‌ها و دستگاه‌های اصلی بخش عمومی در توسعه محلی درگیر می‌شوند و منابع‌شان را برای حمایت از اجتماعات بسیج می‌کنند؛
۳. برنامه‌ریزی از پایین به بالا: اجتماع، برنامه‌های قابل اجرا را به منظور مواجهه با مسایل اولویت‌دار، تعریف و تدارک می‌بیند.
۴. توسعه یکپارچه و پایدار: اجتماع، مداخلات چندرشته‌ای یکپارچه متکی بر نیازهای محلی و اهداف ترسیم شده در قرارداد اجتماعی و سازگار با برنامه‌های ملی و منطقه‌ای را به اجرا می‌گذارد. بسته‌های آموزشی سلامتی و اجتماعی و توسعه این فرایند را تسهیل می‌سازند؛
۵. خودتکایی و خویش‌فرمایی: اجتماعات به واسطه بسیج و با مساعدت منابع خودشان برای تضمین پایداری برنامه، فعالیت‌ها را خود مدیریت می‌کنند. (Ibid: ۱۳-۱۴)

۴,۳. اهمیت توانمندسازی در سکونتگاه‌های غیررسمی

سکونتگاه‌های غیررسمی را می‌توان به عنوان کانون‌های فقر شهری تصور کرد. این مشخصه حکایت از آن دارد که کشف فقر قابلیت در این مناطق نیازمند غربالگری جامعه هدف نیست. اجرای برنامه‌های فقرزدایی در یک منطقه یا یک کشور نیازمند گذر از مراحل است که ما را به جامعه هدف نزدیک‌تر کند اما با نگاهی گذرا به وضعیت سکونتگاه‌های غیررسمی می‌توان به نیاز مبرم این مناطق به اصلاح محیط زیست در قالب پروژه‌های کالبدی و همچنین توانمندسازی به منظور اصلاح کیفیت زیست در قالب پروژه‌های اقتصادی-اجتماعی نظیر مهارت آموزی پی برد.

جدا افتادگی سکونتگاه‌های غیررسمی تنها ماهیت جغرافیایی ندارد بلکه از لحاظ برخورداری از امکانات زیربنایی و اولیه نیز محرومیت‌هایی برای ساکنانش در پی دارد؛ امکاناتی همچون بهداشت، آموزش و مداخله در تصمیم‌سازی. آموزش و کسب مهارت به عنوان عامل پیوند نیروی کار با بازار کار یکی از فرصت‌هایی است که عموماً ساکنان مناطق حاشیه نشین از آن بی‌بهره هستند. بنابراین فراهم شدن بستری برای دستیابی به فرصت مهارت‌آموزی می‌تواند اثرات مثبتی در پی داشته باشد.

۴,۳,۱. نسبت طرح آموزش مهارت‌های پایه با طرح‌های توانمندسازی

اهدافی چند از اجرای طرح‌های توانمندسازی در سطح کلان را می‌توان مد نظر قرار دارد:

۱. بهبود کیفیت زیست در جامعه هدف
۲. پیوند بخش غیررسمی به بخش رسمی از طریق ایجاد شبکه اشتغال مرتبط و ارتقای شاخص‌های مادی و کیفی زیست
۳. ایجاد فرصت برای افرادی که به دلیل محرومیت‌های متعدد از فرصت‌های سطح نرمال^{۳۷} دور مانده‌اند.
۴. ارتقای وضعیت معیشت افرادی که به دلیل کمبود ذخیره دارایی به حاشیه بازار کار رانده شده‌اند

ذخیره دارایی افراد در قالب سرمایه انسانی، قدرت چانه زنی آنان در بازار کار را مشخص می‌کند. از سوی دیگر توانمندسازی از طریق آموزش‌های فنی، قابلیت پیوند به بازار کار را برای فرد فراهم می‌کند و سرانجام ساز و کار بازار کار و اشتغال از طریق دستمزد و همچنین پوشش بیمه‌ای، از فقرا محافظت به عمل می‌آورد. به طور مشخص کیفیت نیروی کار از دو مجرا ارتقا می‌یابد: نخست آموختن دانش کلاسیک و دوم کسب دانش مهارتی. از آنجا که کسب دانش مهارتی برای ساکنان سکونتگاه‌های غیررسمی در بردارنده مزایایی است، تجهیز به مهارت بیش از آموزش دانش کلاسیک در این مناطق مورد توجه قرار می‌گیرد. این مزیت‌ها از سه بعد زمان، نیاز و توان قابل بررسی هستند:

- ✓ از لحاظ زمانی دوره‌های مهارت آموزی فنی-حرفه‌ای، کوتاه‌مدت بوده و نسبت به دانش کلاسیک در مدت زمان کوتاه‌تری به بازدهی مالی می‌رسند.
- ✓ از منظر نیاز بازار کار، مناطق محروم نیروی کار ماهر را راحت‌تر و سریع‌تر از نیروی کار مجهز به دانش کلاسیک، جذب می‌کند.
- ✓ مطالعات معطوف به عامل توان نیز نشان می‌دهند ساکنان سکونتگاه‌های غیررسمی توان و تمایل بیشتری برای آموزش در زمینه‌های تجربی و عملی دارند و پرداختن به دانش کلاسیک - که در آن

³⁷ منظور از فرصت‌های سطح نرمال، فرصت‌هایی است که در اختیار سطح میانی منزلت و درآمد هر جامعه برای پیشرفت و دستیابی به وضعیت بهتر در عرصه فردی و اجتماعی قرار می‌گیرد.

بخش عمده‌ای از زمان و توان افراد به یادگیری مباحث تئوریک محض مصرف می‌شود- جذابیت خاصی ندارد.

با توجه به عوامل یاد شده، ارتقای کیفیت نیروی کار برای ورود به بازار کار و بهبود معیشتی از طریق کسب درآمد برای ساکنان این مناطق، نیازمند اجرای برنامه های مهارت آموزی فنی- حرفه ای است.

۴.۴. ارائه الگوی تحلیلی کلان

در این بخش، هدف، ارائه الگویی است که نمایانگر کیفیت تغییر و انتظارات ما در خصوص نحوه تعامل ساکنان سکونتگاه‌های غیررسمی با محیط پیرامونی خود، در دو مرحله پیش و پس از اجرای طرح توانمندسازی باشد. اگر فضای پیرامونی ساکنان سکونتگاه‌های غیررسمی را متشکل از سه مدار بازار، دولت و نهادهای مدنی بدانیم و همچنین هدف برنامه‌های توانمندسازی را ارتقای ذخیره دارایی افراد در جامعه هدف فرض کنیم، در دو مرحله مذکور به مدل های زیر دست خواهیم یافت:

مرحله اول: پیش از اجرای طرح توانمندسازی

- *رابطه ساکنان سکونتگاه‌های غیررسمی با بازار*
اگر بازار را مشتمل بر دو بخش رسمی و غیررسمی فرض کنیم، بخش اعظم جریان درآمدی ساکنان سکونتگاه‌های غیررسمی از بخش غیررسمی تامین می‌شود. بر اساس استدلال دسوتو (۱۳۸۵) هزینه قانونی شدن برای این افراد بسیار بالاست. بنابراین اغلب جذب بخش غیررسمی بازار می شوند (پیکان ۱ در نمودار الف صفحه بعد). اما همچنان افرادی نیز وجود خواهند داشت که در قسمت پایین هرم مهارتی و یا به عنوان خویش فرما، جذب بازار رسمی می‌شوند و از آنجا که قدرت چانه‌زنی پایینی دارند، اغلب جریان درآمدی ناچیزی از بخش رسمی بازار عاید آنان می شود (پیکان ۲ در نمودار الف).
- *رابطه ساکنان سکونتگاه‌های غیررسمی با نهادهای مدنی*
در این مرحله نهادهای مدنی اغلب نقش نهادهای خیریه و حامی را بر عهده دارند و عموماً به امور توزیعی و باز توزیعی می‌پردازند (پیکان ۳ در نمودار الف). در بیشتر موارد این نهادها از سوی افرادی خارج از سکونتگاه‌های غیررسمی اداره می شوند و ساکنان مناطق حاشیه نشین، نقشی در نحوه مدیریت این نهادها ندارند.
- *رابطه ساکنان سکونتگاه‌های غیررسمی با دولت*
ساکنان سکونتگاه‌های غیررسمی اغلب اهرمی برای القای خواسته‌های خود به دستگاه سیاسی ندارند و کمک‌های محدود دولت به صورت پرداخت‌های انتقالی در قالب یارانه‌های مستقیم و غیرمستقیم یا از طریق توزیع مستقیم پول و کالا صورت می‌گیرد (پیکان ۴ در نمودار الف). در چنین فضایی دولت همواره به ساکنان این مناطق به عنوان هزینه سربار می نگرد و گاه رفتارهای تحقیرآمیز و خشنی با آنان دارد.



مرحله دوم: پس از اجرای طرح توانمندسازی

- نحوه تعامل ساکنان سکونتگاه‌های غیررسمی با بازار
پس از اجرای طرح توانمندسازی انتظار می‌رود ذخیره دارایی ساکنان سکونتگاه‌های غیررسمی در قالب ارتقای کیفیت نیروی کار افزایش یابد و آنان به قدرت چانه‌زنی بیشتری در بخش رسمی بازار دست یابند. بنابراین جریان درآمدی بیشتری از بخش رسمی نسبت به بخش غیررسمی نصیب ساکنان سکونتگاه‌های غیررسمی می‌شود و این امر گامی به سوی الحاق این مناطق به بخش رسمی است (پیکان‌های ۱ و ۲ در نمودار ب صفحه بعد).
- نحوه تعامل ساکنان سکونتگاه‌های غیررسمی با نهادهای مدنی
در این مرحله، نهادهای مدنی، خاستگاهی برای چانه‌زنی و ابراز خواسته‌های ساکنان سکونتگاه‌های غیررسمی است و آنان مشارکت فعالی در اداره نهادهای مدنی دارند. عده‌ای از ساکنان سکونتگاه‌های غیررسمی در این مرحله سعی می‌کنند به سایرین یاری برسانند. دیگر، نهادهای مدنی نقش صرف خیریه ایفا نمی‌کنند بلکه به امکانی برای القای خواسته‌های ساکنان این مناطق تبدیل می‌شوند (پیکان‌های ۳ و ۴ در نمودار ب).
- نحوه تعامل ساکنان سکونتگاه‌های غیررسمی با دولت
همانطور که پیشتر اشاره شد انتظار می‌رود با موفقیت طرح توانمندسازی در مناطق غیررسمی، افراد بیشتری جذب بخش رسمی بازار شوند. یکی از ویژگی‌های اصلی بخش رسمی اقتصاد، التزام فعالان این بخش به پرداخت مالیات است. بنابراین یک جریان درآمدی به طور غیرمستقیم از سوی ساکنان سکونتگاه‌های غیررسمی به سوی دولت ایجاد می‌شود (پیکان ۵ در نمودار ب). در این حالت بخشی از پرداخت‌های انتقالی دولت به این

مناطق از طریق مالیات تامین می شود و در نتیجه دولت انگیزه بیشتری برای اصلاح زیرساخت‌ها و رسیدگی به این مناطق خواهد یافت (پیکان ۶ در نمودار ب).



۵. ریشه های تشکیل کانون های فقر در ایران

در بخش پنجم این نوشتار، مباحث ذیل سه عنوان اصلی پی گرفته می شوند: نخست به بررسی عوامل تشکیل دهنده کانون های فقر شهری در ایران در دو برش تاریخی پیش از انقلاب ۵۷ و پس از آن پرداخته خواهد شد. در ادامه، چرخه زاینده سکونتگاه های غیررسمی در ایران مورد تدقیق قرار خواهد گرفت که خود، نشأت گرفته از تحولات این دو برش تاریخی است. در گام دوم نوبت به شناسایی ماهیت فقر در سکونتگاه های غیررسمی شهر زاهدان می رسد. در این قسمت شرایط و عوامل تاثیرگذار بر تشکیل سکونتگاه های غیررسمی و همچنین تشدید فقر در این مناطق تبیین می شود. سرانجام نسبت طرح آموزش مهارت های پایه، با کیفیت زیست مشخص می شود و قصد بر آن است به این سؤال پاسخ داده شود که این طرح با تاثیرگذاری بر کدام عوامل می تواند به مسیر فقرزدایی و توانمندسازی این مناطق یاری رساند.

۵.۱. شرایط و عوامل تشکیل دهنده کانون های فقر شهری در ایران

از زمان تقسیم بندی های نوین جغرافیایی کشور و سطح بندی و عنوان گذاری های مدرن و بهره جستن از واژگان استان، شهرستان، شهر، بخش، روستا و آبادی، قریب به ۸ دهه می گذرد. از میانه این تاریخ ۸۰ ساله و بطور دقیق تر از آغاز دهه ۴۰، مناسباتی با ماهیت تاثیر متقابل، مابین حوزه های شهر و روستا ناشی از تحولات عمده اقتصادی-اجتماعی، برقرار شد. این مناسبات، هم به جابجایی های جمعیتی از روستا به شهر منجر گردید و هم شکل بندی های جدید

اجتماعی و طبقاتی و مدارهای حواشی شهرها را پدید آورد. رخداد‌های اصلی اقتصادی - اجتماعی چهار دهه اخیر و مناسبات و مدارهای شکل یافته مترتب بر آن را در دو برش زمانی قبل و بعد از سال ۵۷ می‌توان پی گرفت: در برش زمانی پیش از ۵۷، دو موج بلند مهاجرتی از روستا به شهر در

- ابتدای دهه ۴۰ متأثر از تقسیم اراضی و طیفی از تصمیم‌گیری‌های مهم اقتصادی- اجتماعی

و

- سال‌های آغازین دهه ۵۰ ناشی از افزایش فورانی درآمد‌های نفتی و توزیع ویژه آن در جغرافیای سیاسی کشور و عمل تاریخی جاذبه‌های شهری و دافعه‌های روستایی

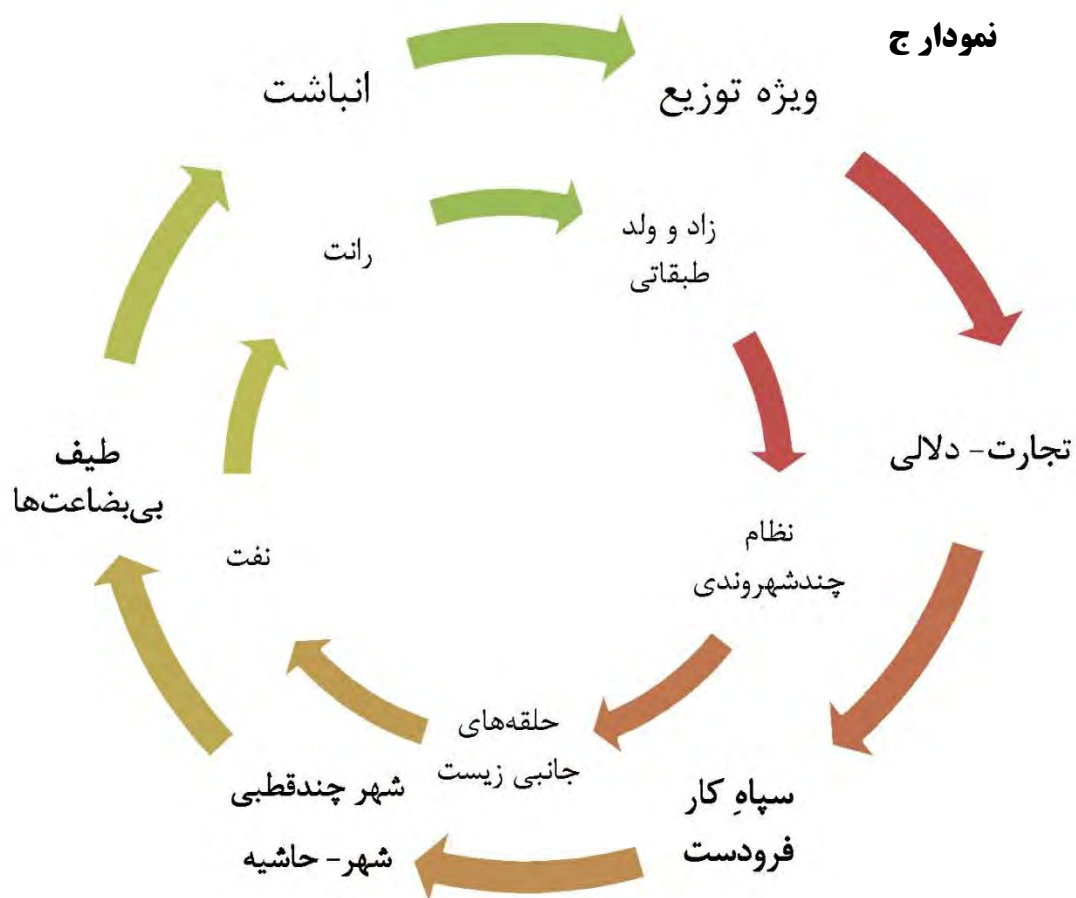
پدیده شکل بستن حلقه‌های حاشیه نشین و به ادبیات امروز، "سکونتگاه‌های غیررسمی" در چند کلان شهر بویژه پایتخت را، نمایان کرد.

در برش زمانی پس از سال ۵۷ نیز تحولاتی چند از جمله

- انقلاب بهمن ۵۷
 - تقسیم زمین در روستا
 - واگذاری اراضی شهری
 - وقوع جنگ ایران و عراق
 - افزایش تمرکز اقتصادی و سیاسی در شهرهای بزرگ
 - رشد بی‌مهار بخش خدمات
 - زاد و ولدهای طبقاتی سه دهه اخیر
- به تکمیل حلقه‌ها و گسترش حاشیه نشینی یاری موثری رسانید.

۵.۱.۱. چرخه پدیداری سکونتگاه‌های غیررسمی در ایران

امواج بلند مهاجرتی پیش از ۵۷ و تحولات عظیم اقتصادی - اجتماعی پس از ۵۷، در پیوند با یک چرخه **قانونمند**، سکونتگاه‌های غیررسمی پیرامون کلان‌شهرها را به عنوان یک واقعیت اقتصادی- اجتماعی، پدیدار ساخت. چرخه پدیداری سکونتگاه‌های غیررسمی در ایران را در دو لایه مرتبط با یکدیگر می‌توان ترسیم کرد (نمودار ج در صفحه بعد).



آنچنان که از لایه درونی این چرخه هویداست، درآمدهای ناشی از صادرات نفت در یک ساز و کار شکل بسته رانتی به زاد و ولد طبقاتی خاص و دوره به دوره می‌انجامد. همچنان که دو بار در دهه‌های ۴۰ و ۵۰ و نیز سه نوبت در دوره زمانی ۱۳۵۸-۱۳۸۸ به پیدایی طبقات نو با ماهیت‌ها و هیئت‌های متفاوت، منجر شد. نظام چندشهروندی، پی‌آیند منطقی زاد و ولدهای طبقاتی است که در عمل، ساکنان شهرهای بزرگ را متناسب با دوری و نزدیکی به قدرت سیاسی، منابع ثروت و بهره‌مندی‌های زیستی به

شهروندان ممتاز و طراز اول

شهروندان متوسط

و

شهروندان نازل زیست

تقسیم می‌کند.

طیف‌های اجتماعی مهاجرت‌کرده از روستا و روی آورده به شهر به عنوان شهروندان درجه سوم نازل زیست، در حلقه‌های پیرامونی شهرهای بزرگ، الگوی زیست **جانبی** و وابسته خاص خود را، سهم می‌برند و تجربه می‌کنند.

آنچنان که در نمودار مشاهده می‌شود لایه بیرونی چرخه مورد بحث، از انباشت درآمد نفت آغاز می‌شود و به انباشت طیف بی‌بضاعت‌ها و "ندارها" می‌انجامد. انباشت درآمد نفت با توزیع ویژه و سازمان یافته، بخش **تجارت و دلالی** را در موضع بخش مسلط اقتصاد قرار می‌دهد و اقتصاد ملی را به طور مستمر از عناصر پیشرفت و عدالت، فاصله دار می‌کند. این روند، **سپاه کار فرودست** را به عنوان مستخدم بخش تجارت و دلالی که هم "**بی مهارت**" اند و هم مکانی در نظام تولیدی نمی‌یابند، در قطب‌های پایین دستی درون شهر و در مدارهای حاشیه‌ای شهر، سکنی داده و بدین ترتیب طیف‌های توده‌وار **بدون بضاعت** را پیش روی اقتصاد ملی قرار می‌دهد. این طیف‌ها که هم‌اینک ۷/۵ تا ۸ میلیون نفر از جمعیت کشور (معادل ۱۱ درصد کل جمعیت) را شامل می‌شوند؛ افرادی کم مهارت یا بی مهارت، خوگرفته به حداقل درآمد و بالاخره در چنبره گذران معیشت و روزمرگی گرفتارند.

در دو دهه اخیر، حلقه‌های جانبی، تنها به تهران، اصفهان، اهواز و تبریز محدود نشده و به شهرهایی چون زاهدان که در ردیف شهرهای درجه سوم کشور قرار دارد نیز سرایت کرده اند.

۵.۲. ماهیت فقر در سکونتگاه‌های غیررسمی شهر زاهدان

اگر بخواهیم حلقه‌های تشکیل دهنده و تشدید کننده فقر در سکونتگاه‌های غیررسمی شهر زاهدان را وارسییم با مواردی چند مواجه خواهیم شد:

✓ **فقر مهارتی:** ساکنان سکونتگاه‌های غیررسمی شهر زاهدان اغلب غیرماهر بوده یا از سطوح مهارتی پایینی برخوردارند و نمی‌توانند نیازهای مهارتی بازار کار را برآورده سازند و اغلب در شغل‌های فصلی و یا به عنوان کارگر ساده به کار گرفته می‌شوند.

✓ **دانش محدود:** این مورد، هم شامل دانش کلاسیک و هم شامل مهارت‌های پایه می‌شود. ساکنان مناطق هدف این طرح، هم به لحاظ دانش کلاسیک و هم به لحاظ دانش پایه که به نحوه مواجهه با مسائل مبنایی و روزمره زندگی ارتباط دارد، دچار محدودیت هستند.

✓ **جمعیت انبوه:** یکی از معضلات بارز اقتصادی- اجتماعی جامعه هدف طرح، ازدیاد جمعیت در این منطقه است. خانوارهای چندهمسری و پرفرزند، از مشخصات ساکنان سکونتگاه‌های غیررسمی شهر زاهدان به شمار می‌آید که به تشدید فقر، عدم کفایت منابع اقتصادی خانوار و بالاخره نزول کیفیت زیست می‌انجامد.

✓ **اقلیم خشک:** شهر زاهدان از کم آب‌ترین مناطق ایران به شمار می‌آید. بی‌آبی در این منطقه باعث شده کشاورزی حتی در حد تولید معیشتی امکان‌پذیر نبوده و موجب شود فقر مادی در این منطقه تشدید شود. خشکسالی‌ها خود، در شکل‌گیری اولیه این مناطق، نقش موثری ایفا کرده‌اند.

✓ **ارتزاق از سرریزهای خرد ترانزیت:** زاهدان شهری مرزی است و از مسیر آن و از طریق گذرگاه میرجاوه، قاچاق کالا و مواد مخدر از کشورهای همسایه امکان‌پذیر می‌شود. اما ریسک بالای چنین فعالیت‌هایی و همچنین سرریزی‌هایی که برای افراد دارد، نمی‌تواند مسیر مطمئن و تحول‌آفرینی در زندگی‌شان به شمار آید.

✓ **تنش قومی و مذهبی:** تنوع قومی یکی از ویژگی‌های جامعه شبه‌قبیله‌ای زاهدان به شمار می‌آید اما آنچه منجر به تنش مرکز و پیرامون شده است، مذهب اکثریت ساکن در این منطقه است. بخش اعظم جمعیت شهر زاهدان، اهل سنت‌اند و این امر منجر شده تا از برخی امکانات دولتی محروم باشند که خود، موجب تشدید فقر در این منطقه شده است.

۵,۳. نسبت طرح مهارت آموزی با مهار فقر در سکونتگاههای غیررسمی شهر زاهدان

اهداف و رسالت این طرح، حداقل دو حلقه از مدار فقر در جامعه هدف را مورد اصابت قرار می‌دهد: نخست در قالب آموزش‌های مکمل، دانش معمولی افراد در مواجهه با امور و مشکلات روزمره افزایش می‌یابد و دوم از طریق مهارت‌آموزی فنی – حرفه‌ای و حل معضل فقر مهارتی، افراد آمادگی بیشتری برای ورود به بازار کار پیدا می‌کنند.

بنابراین انتظار می‌رود حلقه‌های معیوب دانش محدود و فقر مهارتی، از مدار فقر در این منطقه تحت تاثیر قرار گیرند و از طریق توانمندسازی در این حوزه‌ها، کیفیت زیست در منطقه افزایش یابد.

۶. استراتژی پیشنهادی در خصوص مهارت آموزی فنی – حرفه‌ای

استراتژی پیشنهادی در سه سطح قابل طرح است:

الف) **توسعه کمی:** در این سطح بر کمیت و تنوع ضرور در رشته‌های مورد نیاز بازار که منطقه به نوعی در این زمینه‌ها دچار کمبود است، تمرکز خواهد شد. اطلاعات برآمده از سه مدار بررسی می‌تواند مسیر را تا حدودی روشن کند:

✓ ارزیابی تقاضای بازار کار محلات و شهر: مصاحبه با دست اندرکاران بازار منطقه شامل صاحبان کسب و کارها، گردانندگان صنوف و مدیران مراکز کاریابی، شناسایی قطب‌های بالادستی صنایع و کشاورزی شهر و

استان، بررسی آمارهای ثبت شده در مراکز کارپایی از جذب نیروی کار در مشاغل و صنوف مختلف از جمله منابع قابل رجوع برای ارزیابی تقاضای بازار کار به شمار می‌آید.

✓ بررسی توان آموزشی منطقه: با مراجعه به مرکز آموزش فنی-حرفه‌ای و مراکز آموزشی خصوصی و مدرسین منفرد، امکان دستیابی به توان آموزشی منطقه فراهم خواهد آورد.

✓ بررسی تمایلات مهارتی گروه هدف: از طریق مصاحبه‌های عمیق با ذینفعان طرح و همچنین بررسی توانمندی بالفعل افراد، زمینه برای تعیین و تشخیص تمایلات آن‌ها مهیا می‌شود. اقدامات ارشادی و نه مداخله جویانه می‌تواند جامعه هدف را از تحدید در نقش‌های سنتی و تقسیم کار متأثر از جنسیت خارج کرده و فرصت‌های جدیدی را در مقابلش قرار دهد.

ب) **توسعه کیفی:** در برخی رشته‌ها، شمار نیروی کار به لحاظ کمی تا حد اشباع یا بیش از آن پیش رفته است. در این بخش بر ارتقای کیفی نیروی کار فعلی توجه خواهد شد. بازار کار منطقه در برخی رشته‌ها با تجمع نیروی کار و در عین حال، با کیفیت پایین ارائه خدمات روبروست. شناسایی چنین رشته‌ها و تجهیز به مهارت، برای ارائه بهتر خدمات نیز از اهداف این طرح به شمار می‌آید.

ج) **توسعه آینده نگر:** با بررسی افق‌های آتی بازار کار زاهدان به رشته‌هایی بر خواهیم خورد که نیازمند تربیت نیروی کار ماهر هستند. بنابراین تقاضای آتی بازار نیروی کار در این منطقه نیز می‌تواند به عنوان معیاری برای مهارت آموزی باشد. بررسی افق‌های شغلی کوتاه مدت و میان مدت در قالب مطالعه سندهای راهبردی منطقه که نشان از گرایش‌ها و فرصت‌های آتی بازار کار خواهد داشت می‌تواند زمینه پرداختن به رشته‌های مهارتی مورد نیاز باشد.

محصول مشترک و نهایی این سه سطح، **تجهیز، دارا کردن و توانمند ساختن** ساکنان این سکونتگاه‌ها خواهد بود.

منابع و مأخذ

- ۱) اشپیگل (۲۰۰۰)؛ مبارزه با فقر به جای مبارزه با فقر
- ۲) بانک جهانی (۲۰۰۰-۲۰۰۱)؛ مبارزه با فقر: گزارش توسعه جهانی؛ معاونت امور اجتماعی دفتر تامین اجتماعی
- ۳) بکر، گری (۱۳۸۰)؛ سرمایه انسانی و کاهش فقر؛ آریتا عدلی؛ فصلنامه اقتصاد و توسعه
- ۴) پراهالد، سی کی (۱۳۸۶)؛ ثروت در پایه هرم؛ فضل اله امینی؛ انتشارات فرا
- ۵) دسوتو، هرناندو (۱۳۸۴)؛ چرا اقتصاد غیررسمی اهمیت دارد؟؛ جعفر خیرخواهان؛ فصلنامه تامین اجتماعی شماره ۲۰
- ۶) رهنما، مجید (۱۳۸۵)؛ هنگامی که بینوایی فقر را از صحنه بیرون می راند؛ حمید جاودانی؛ موسسه عالی آموزش و پژوهش مدیریت و برنامه ریزی
- ۷) رودریک، دنی (۱۳۸۶)؛ پایان اجماع واشنگتنی و آغاز سردرگمی واشنگتنی؛ حسین تسلیمی؛ اقتصادسیاسی تحول همه جانبه شماره ۶
- ۸) سن، آمارتیا (۱۳۸۱)؛ توسعه به مثابه آزادی؛ حسین راغفر؛ انتشارات کویر
- ۹) کرومر، میکائیل نه وو (۱۳۸۳)؛ گوش دادن به دانش زندگی: مسیر جدید پژوهشی در تحقیقات فقر؛ هرمز همایون پور؛ فصلنامه تامین اجتماعی؛ شماره نوزدهم
- ۱۰) قانع راد، محمد امین (۱۳۸۴)؛ رویکرد توسعه اجتماعی به برنامه های فقرزدایی در ایران؛ فصلنامه علمی پژوهشی رفاه اجتماعی، شماره ۱۸
- ۱۱) گالبرایت، جان کنت (۱۳۸۵)؛ گفتگو با جان کنت گالبرایت (جان نیوئرک)؛ مریم صراف پور؛ مجله اقتصاد سیاسی؛ شماره ۱۲

- 21) World Bank (2111); Can anyone hear us?
- 21) World Bank (1222); Crying out for change?
- 21) World Bank (1221); From many lands?
- 21) World Bank (2111); Consultation with the poor?
- 21) World Bank (1221); Empowerment in practice: From analyze to implementation
- 21) Brussels' (2111); Empowerment of the poor
- 21) Rogers, Beatrice Lorge, and Jennifer Coates. 1221 . Food-Based Safety Nets and Related Programs. Social Safety Net Primer Series 2111 . Washington, DC: World Bank
- 21) Grosh M, del Ninno C, & Tesliuc E(1221) 'For Protection and Promotion: The Design and Implementation of Effective Safety Nets'. Washington DC: The World Bank

گزارش نهایی طرح

توسعه مهارت‌های پایه در سکونتگاه‌های غیررسمی شهر زاهدان

- 12) Sumner, Andrew and Tribe, Michael (1221); 'International Development Studies: Theories and Methods in Research and Practice'; SAGE publication

فصل سوم؛

روش تحقیق و متدولوژی کار

نوع تحقیق

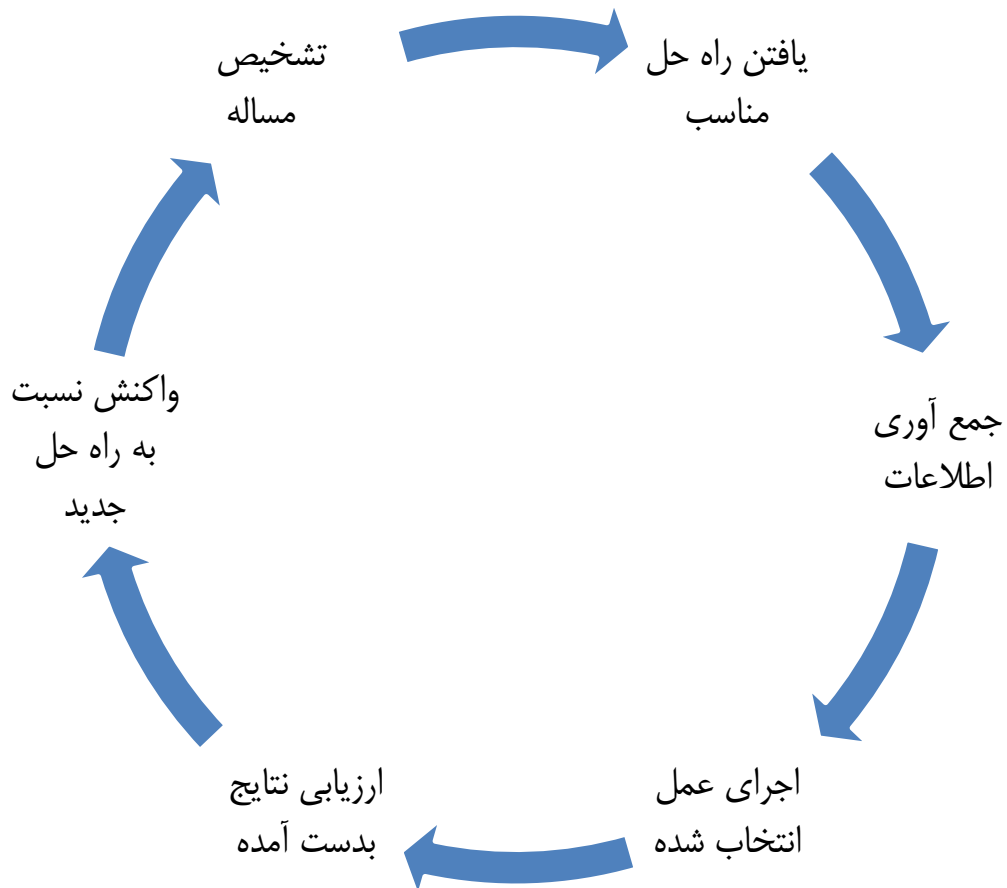
این تحقیق ماهیتی اکتشافی و نیز توصیفی دارد.

- شناخت و تحلیل جامعه محلی، مطالعه توصیفی است.
- تحلیل استراتژی‌های بهبود وضعیت زیست و ارزیابی موقعیت محیطی و تقاضای بازار ماهیت اکتشافی دارد.
- شناسایی اولویت‌ها و چگونگی برقراری پیوند میان جامعه محلی با تقاضای بازار نیز دارای ماهیت اکتشافی است.

روش تحقیق

مطالعه مورد نظر در قالب یک پروژه پژوهشی به شیوه عملی قابل ارائه است. در این روش ضمن مطالعه و بهره‌گیری از یافته‌های تجربی موجود و مطالعات موردی، منابع و فرصت‌های محیطی مورد بررسی و شناسایی قرار می‌گیرد و از طریق تکنیک گروه‌های نمونه (Focus Group) و بحث‌های گروهی (Discussion Group) می‌توان چارچوب مناسبی تدوین و به صورت عملی ارائه کرد. در این فرآیند، مفهوم‌سازی و پیاده‌سازی برنامه مورد نظر توأم با هم انجام خواهد شد.

به طور کلی فرآیند پژوهش در عمل شامل ۶ مرحله است که به صورت دورانی و متأثر از هم و مکمل یکدیگر طی می‌شوند.



حوزه تحقیق

حوزه تحقیق طرح حاضر، سکونتگاه‌های غیر رسمی شهر زاهدان را شامل می‌شود. این سکونتگاه‌ها در شرایط زیر اشتراک دارند:

- زیرساخت‌های ابتدائی و نامناسب
- فقر مفرط
- پائین بودن سطح دانش و مهارت‌ها
- کارگری (به صورت روزمزد) و خرده‌فروشی به عنوان اصلی‌ترین روش درآمدزائی
- تراکم زیاد خانه‌سازی

جامعه مورد نظر این طرح، هشت سکونت‌گاه غیر رسمی شهر زاهدان شامل:

شیرآباد، کریم‌آباد، مرادقلی، چلی، پشت فرودگاه، پشت گاراژ، کارخانه نمک و بابائیان است.

۹۰۰ نفر از میان جامعه محلی سکونتگاه‌های هشت‌گانه با تاکید بر زنان و جوانان برای آموزش انتخاب خواهند شد.

فصل چهارم؛

سازمان کار

طرح حاضر با هدف توسعه آموزش و مهارت‌های فنی-حرفه‌ای به منظور توانمندسازی و ظرفیت سازی جوامع هشت گانه سکونتگاه‌های غیررسمی شهر زاهدان به اجرا درآمد. سازمان کار طرح را می‌توان در دو زیرمجموعه بررسی کرد:

✓ روابط سازمانی

✓ برنامه اجرایی طرح

در این بخش ابتدا روابط سازمانی و وظایف گروه‌های مختلف دست‌اندرکار در طرح بیان شده و در ادامه مروری اجمالی بر مراحل طرح صورت گرفته است.

روابط سازمانی

طرح حاضر با حضور یک راهبر علمی، یک مدیر اجرایی، دو مشاور اقتصادی، یک مشاور جامعه‌شناسی، یک مشاور آموزشی، دو کارشناس سازمانده میدانی، چهار کارشناس پژوهشی و یک پشتیبان اداری، با افق زمانی ۱۵ ماه (معادل ۵۰ نفر ماه) آغاز به کار کرد. کارشناسانی که در این طرح با مجری همکاری داشتند ذیل سه گروه پژوهش، مداخله و آموزش جای می‌گیرند. در همین حال گروهی متشکل از اعضای هیئت علمی به عنوان مکمل سه گروه پیش-گفته مسئولیت مشاوره و هدایت علمی طرح در مراحل مختلف را بر عهده داشتند. در ادامه اعضای هر یک از این گروه‌ها به همراه وظایف محوله بر آن‌ها آمده است:

مدیر اجرایی طرح: مسئولیت نظارت، پیش بردگی و هدایت اجرائی طرح با مدیر اجرایی است که سابقه فعالیت آموزشی و کارآفرینی و همچنین تجربه کافی در این زمینه را دارا است. مسئولیت نظارت بر ارتباطات میان کارفرما، محل (نهادهای محلی و ادارات محلی)، اعضای هیئت علمی و سایر گروه‌ها با مدیر اجرایی طرح است.

مشاور و مسئول پژوهش: به عنوان عنصر اصلی در برقراری ارتباط با کارفرما، محل (نهادهای محلی و ادارات محلی)، اعضای هیئت علمی، گروه پژوهش، آموزش و مداخله ایفای نقش می‌کند. هماهنگی و ایجاد اتفاق نظر بین اعضای دست‌اندرکار طرح از دیگر مسئولیت‌های مسئول پژوهش است.

هیئت علمی: اعضای هیئت علمی عبارتند از ۲ اقتصاددان، جامعه‌شناس و متخصص آموزش که مسئولیت مشاوره و هدایت علمی در زمینه‌های طراحی و اجرای مراحل طرح را برعهده دارند.

گروه پژوهش: اعضای گروه پژوهش مسئولیت مطالعات کتابخانه‌ای، پژوهش میدانی، همراهی با گروه میدان و گزارش‌نویسی را بر عهده دارند. همچنین در طول طرح پشتیبانی و همراهی سایر گروه‌ها (میدان و آموزش) نیز از دیگر مسئولیت‌های گروه پژوهش است.

گروه مداخله: تخصص این گروه در مددکاری اجتماعی است و ورود به محلات هدف از طریق آماده سازی اولیه محلی، شناخت ذینفعان جامعه محلی، شناسایی مهارت‌آموزان و طبقه‌بندی و معرفی ۹۰۰ مهارت آموز از وظایف گروه مداخله است.

گروه آموزش: شناخت برنامه‌های مهارت آموزی، طراحی و معرفی پودمان‌های جدید مهارت‌آموزی مورد نیاز بازار محلی، آماده‌سازی دوره‌های آموزشی و تفاهم با فنی-حرفه‌ای و اجرای آموزش از وظایف گروه آموزش است. به منظور معرفی طرح در محل از چهارراه ارتباطی در منطقه کمک گرفته شد که این چهارراه ارتباطی عبارتست از مولوی، مکتب‌دار، شهردار محله و رابط بهداشت. افراد مذکور به دلیل ارتباط خوب و مؤثری که با ساکنان محلی دارند و نیز اعتمادی که مردم محلات به این گروه دارند، جهت همکاری با طرح انتخاب شدند.

برنامه اجرایی طرح

سیر مطالعاتی و اجرایی طرح مهارت آموزی، با همکاری اعضای گروه طرح در سه مرحله به اجرا درآمد که هر گروه منطبق با وظایف تعریف شده برای آن گروه در مراحل مختلف وارد عمل شده است.

مرحله اول، شناخت وضع موجود و آماده سازی طرح است، این مرحله خود شامل مراحل بدین شرح است:

- آماده‌سازی و باز شناسی محلی
- شناخت ذینفعان جامعه محلی
- شناخت تقاضای بازار و مهارت‌های مورد نیاز
- شناسایی مهارت آموزان و نهادهای آموزشی
- شناخت برنامه‌های مهارت آموزی
- طراحی و معرفی پودمان‌های جدید مهارت آموزی مورد نیاز بازار محلی
- آماده سازی دوره‌های آموزشی جدید برای اجرا
- تنظیم برنامه اولیه مهارت آموزان

مرحله دوم، پیاده سازی و اجراست که با عبور از مرحله شناخت وضع موجود و آماده سازی طرح در دستور کار قرار گرفت. در این مرحله اقدامات زیر صورت گرفت:

- تفاهم نهایی با مراکز آموزش فنی-حرفه‌ای
- تنظیم برنامه زمانی و ثبت نام از مهارت آموزان
- اجرای آموزش
- صدور گواهینامه
- طراحی و اجرای سیستم پایش و ارزیابی عملکرد برنامه

- تحلیل مقایسه‌ای ارزیابی قبل و بعد از آموزش

- ارزیابی اثرات رفتاری برنامه

- ارزیابی میزان اشتغال‌زایی مهارت آموختگان

مرحله سوم مستندسازی است، به منظور ثبت و ضبط فرایند اجرای طرح و امکان قابلیت تعمیم آن برای سایر

مناطق، مرحله سوم به مستندسازی تجارب طرح اختصاص یافته و در دو سرفصل:

- مستند کردن کلیه مراحل طرح

- ارائه راهکارهای بهبود و تعمیم طرح

صورت می‌گیرد.

مرحله اول: شناخت وضع موجود و آماده سازی طرح:

در مرحله نخست اجرای طرح، به منظور شناسایی و درک آگاهانه از موقعیت منطقه و ویژگی‌های بومی هر سکونتگاه، بازدید از محلات، با حضور مشاوران و کارشناسان طرح صورت گرفت. همزمان با این اقدام، طی برگزاری نشست با حضور مسئولین استان و دست‌اندرکاران طرح، اطلاع رسانی پیرامون اهداف، مأموریت و مراحل اجرایی آن انجام شد. به دنبال اعلام موجودیت طرح در محل، جهت برقراری تعاملات اداری و عملیاتی با سازمان‌ها و دستگاه‌های ذیربط، گفتگو و هماهنگی‌های لازم به عمل آمد.

یکی از مهمترین اقدامات انجام شده در این مرحله، انجام ارزیابی سریع و تعیین استراتژی مداخله بود. برای این اساس، ارزیابی سریع با هدف ترسیم استراتژی مداخله و در محلات و انتخاب محله اول برای ورود، صورت پذیرفت. این اقدام، از طریق بازبینی محلات، شناسایی افراد کلیدی محلی، شهردار محله‌ها، مولوی‌ها، فعالان محلی و نیز گفتگو و مصاحبه با ساکنان سکونتگاه‌ها به انجام رسید.

پس از تجمیع یافته‌ها و ترسیم استراتژی مداخله، دو محله کریم آباد و مرادقلی به ترتیب به عنوان محله‌های دارا و فاقد تجربه توانمندسازی، همزمان برای ورود طرح در اولویت قرار گرفتند و محله شیرآباد به علت دارا بودن پیشینه ناموفق توانمندسازی، به فاصله اندکی از این دو محله، برای ورود انتخاب شد.

به علاوه، در مرحله نخست، مقدمات لازم جهت راه اندازی دفتر محلی با هدف تسهیل، تسريع و سازماندهی ارتباطات در سازمان‌ها و محلات، فراهم شد.

گام دوم از مرحله نخست، با هدف کسب شناخت و آگاهی از موقعیت منطقه و نیز شناسایی ویژگی‌های محلی در

قالب؛

- مطالعه و بررسی اجمالی ویژگی‌های جمعیتی و نیروی انسانی سکونتگاه‌ها
- مطالعه و بررسی اجمالی ویژگی‌های اقتصاد محلی
- مطالعه و بررسی اجمالی موقعیت اجتماعی و فرهنگی سکونتگاه‌ها
- شناسایی آموزش‌های مهارتی موجود در سطح جامعه مورد نظر
- تحلیل وضعیت سکونتگاه‌ها از نظر کالبدی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی

از طریق انجام مطالعات میدانی

✓ در سطح محلات

رهبران محلی، شهرداران محلات، افراد کلیدی، معتمدین، مولوی‌ها و فعالان محلی

و

✓ مسئولان استان

استانداری، فرمانداری، شهرداری، بهزیستی، مراکز کارایی، کمیته امداد و سازمان‌ها و ارگان‌هایی همچون اداره بازرگانی، اداره تعاون، جهاد کشاورزی، میراث فرهنگی و جهانگردی، بهداشت، کار و امور اجتماعی انجام پذیرفت.

در پی اتمام این مرحله، "وضعیت اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی سکونتگاه‌ها" مورد تحلیل قرار گرفت. رویکرد طرح توسعه مهارت‌ها، جلب مشارکت گروه‌های جامعه محلی به عنوان عوامل کمک کار و موثر در پیشبرد و توفیق طرح بوده است. به همین دلیل شناسایی آنان و ایجاد ساز و کارهایی مناسب برای تعامل و همکاری‌های هر چه بیشترشان در فرایند طرح، به عنوان امری ضروری پیگیری شد. از این رو، علاوه بر آموزش گیرندگان که مخاطبان اصلی طرح به شمار می‌آیند، سایر گروه‌های محلی نیز شناسایی و با آنان در قالب نشست‌های مشترک فردی و گروهی، تعامل صورت گرفت و از دیدگاه‌ها، نقطه نظرها و همکاری آن‌ها در روند اجرای طرح از طریق تشکیل هشت نشست محلی در هشت محله و تشکیل گروه‌های نمونه (Focus Group) بهره گیری به عمل آمد.

در راستای نیل به هدف نهایی طرح، مبنی بر "دستیابی گروه‌های مهارت آموخته سکونتگاه‌های غیررسمی به فرصت‌های اشتغال زا و کسب و کارهای درآمدآفرین"، شناخت آگاهانه تقاضای بازار و مهارت‌های مورد نیاز محلات، به عنوان یکی از ضروری‌ترین اقدامات، در مرحله اول در نظر گرفته شد. از این رو، جهت دستیابی به فهرستی از مهارت‌های مورد نیاز ساکنان، شناسایی خلأهای مهارتی در بازار کسب و کار و نیز فرصت‌های موجود در بازار محلی، استانی و ملی مورد توجه قرار گرفت و از طریق:

- بررسی و اولویت بندی نیازهای اساسی خانوارهای سکونتگاه‌های غیررسمی برای بهبود سطح زندگی و رفاه اجتماعی

- بررسی و معرفی فرصت‌های محیطی با رویکرد اشتغال و کسب و کارهای کوچک و درآمدزا در بازار محلی

- بررسی تقاضای بازار کار و اطلاعات موجود در مراکز کارایی و تحلیل مشخصه‌های آن از نظر ظرفیت منابع انسانی، منابع مالی و موقعیت اجتماعی

- بررسی مطالعات انجام شده در مورد وضعیت اشتغال فارغ التحصیلان آموزش فنی و حرفه‌ای محلی
- ایجاد آمادگی اولیه پذیرش ذینفعان طرح (آموزش گیرندگان) در مراکز آموزش فنی و حرفه‌ای از طریق مذاکره با مدیران مربوطه

- بررسی مهارت‌های مشاغل و کسب و کارهای مورد نیاز بازار کار

فرصت‌های پیش رو، شناسایی و برآن اساس مسیر مهارت آموزی گروه‌های ذینفع و سایر گروه‌های محلی تعیین شد. در پی شناخت تقاضای بازار و مهارت‌های مورد نیاز و همچنین شناسایی آموزش گیرندگان و نهادها و برنامه‌های آموزشی، پودمان‌های جدید مهارت آموزی مورد نیاز بازار محلی و استانی، طراحی و معرفی شدند. همچنین با اتکا به

آماده سازی‌های پیشینی، برنامه اولیه آموزش گیرندگان، تنظیم شد. این آموزش‌ها، شامل آموزش مهارت‌های اجتماعی در قالب ۵ کارگاه در درون محلات بود و کارگاه‌های مدیریت خانواده، مهارت‌های ارتباطی، کارگروهی، بهبود وضعیت محیط زیست، کاریابی و ارائه شرح وضعیت شغلی برای ذینفعان اصلی طرح پیش از دوره‌های فنی و حرفه‌ای و خارج از تعهدات مشاور برای آموزش ذینفعان اصلی طرح برگزار شد.

مرحله دوم: پیاده سازی و اجرا:

با عبور از مرحله شناخت وضع موجود و آماده سازی طرح، مرحله پیاده سازی و اجرا در دستور کار قرار گرفت. در این مرحله، تمامی عوامل و عناصر موثر در فرآیند پیشبرد طرح، آمادگی‌های لازم برای ایفای نقش خود را به وسیله؛

- تفاهم نهایی با مراکز آموزش فنی – حرفه‌ای (دولتی و خصوصی)
- تنظیم برنامه زمانی و ثبت نام از آموزش گیرندگان
- اجرای آموزش
- صدور گواهینامه
- طراحی و اجرای سیستم پایش و ارزیابی عملکرد برنامه

کسب کردند. سیستم ارزیابی برنامه مبتنی بر مأموریت اولیه اهداف اصلی، طراحی شد. بدین ترتیب ارزیابی در سه مقطع زمانی و در پنج مرحله توسط گروه‌های مختلف به شرح زیر انجام گرفت.

- ارزیابی قبل از آموزش:
- با هدف تعیین نسبی سطح مهارت گروه هدف قبل از ارائه برنامه‌های آموزشی
- ارزیابی پس از آموزش:
- با هدف تعیین سطح و نسبت افزایش مهارت آموزش گیرندگان پس از اجرای برنامه آموزشی
- تحلیل مقایسه ای ارزیابی قبل و پس از آموزش:
- با هدف شناخت اثربخشی برنامه مهارت آموزی
- ارزیابی اثرات رفتاری برنامه:
- با هدف سنجش اثرات غیرمستقیم برنامه آموزشی

مرحله سوم: مستندسازی:

به منظور ثبت و ضبط فرایند اجرای طرح و امکان قابلیت تعمیم آن برای سایر مناطق و همچنین تجربه اندوزی برای طرح‌های مشابه در سطح ملی، مرحله سوم به مستندسازی تجارب طرح اختصاص یافت. این مرحله با هدف انتقال تجربه طرح و تعمیم آن از طریق:

- مستند کردن کلیه مراحل انجام کار، فرایندها، روش‌های عملیاتی و نظام‌های اجرایی
- تهیه و تدوین مطالعه موردی (Case Study) با هدف فراهم شدن فرصت یادگیری در طرح‌ها و برنامه‌های آموزش توانمندسازی و فقرزدایی
- تهیه فهرست پیشنهاد راهکارهای جدید برای بهبود و تکمیل طرح
- تهیه فهرست پیشنهاد طرح‌ها و برنامه‌های جدید برای جوامع مشابه
- تهیه خلاصه گزارش مدیریتی طرح

به انجام رسید.

فصل پنجم؛

بسترشناسی و محیط‌شناسی؛

مروری بر مدار استان سیستان و بلوچستان

و

شهر زاهدان

پس از ارائه مبانی نظری درنگی در مبانی نظری "تحول و تکوین مفهوم فقر، رویکردها و راهبردها"، در این فصل به مطالعه دو سطح سازنده محیط پیرامون مناطق حاشیه نشین شهر زاهدان می‌پردازیم. به عبارتی یکی از گام‌های اولیه در طرح "توسعه مهارت‌های پایه در سکونتگاه‌های غیررسمی شهر زاهدان" شناسایی بستر اجرای طرح است.

محیط شناسی طرح در سه مدار استان سیستان و بلوچستان، شهر زاهدان و سکونتگاه‌های غیررسمی زاهدان صورت گرفته است. در فصل حاضر دو مدار استان سیستان و بلوچستان و شهر زاهدان مورد نظر است.

در این فصل سعی بر آن است تا با تأکید بر موقعیت استراتژیک منطقه، جایگاه منطقه در اقتصاد ملی، ظرفیت‌ها، مزیت‌ها و چالش‌های موجود در آن آشنایی اجمالی با بستر اجرای طرح صورت گیرد و در پی آن معرفی ویژگی‌ها و موقعیت خاستگاه اصلی طرح که همانا سکونتگاه‌های غیررسمی شهر زاهدان هستند، صورت گیرد.

بستر شناسی و محیط شناسی طرح براساس یک سری مطالعات، مصاحبه‌ها و مشاهدات صورت گرفته، مطالعات کتابخانه‌ای با استفاده از اطلاعات مرکز آمار، نتایج سرشماری نفوس و مسکن، سالنامه‌های آماری، کتاب‌های تاریخی و نیز اطلس‌های ملی و استانی بوده است. مصاحبه با دستگاه‌ها، افراد محلی، صنوف و بازاریان، آموزشگاه‌های خصوصی صورت گرفته و مشاهدات نیز از طریق حضور در میدان و مشاهده نزدیک موقعیت منطقه، بوده است.

در ادامه به منظور آشنایی با منطقه هدف طرح و شناسایی نیازها، محدودیت‌ها و فرصت‌های محل، کلیاتی پیرامون ویژگی‌های اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی استان سیستان و بلوچستان و شهر زاهدان ارائه می‌شود.

استان سیستان و بلوچستان

۱. پیشینه:

بلوچستان در زمان ساسانیان با خاک سند، که جزو ایران بوده، ناحیه مستقلی را تشکیل می‌داده‌اند. پس از حمله عرب‌ها به ایران و رسیدن قوای عرب به حدود کرمان، بلوچ‌ها که ساکن حدود کرمان بودند به داخل بلوچستان مهاجرت کردند. همواره از ویژگی‌های مهم حیات اجتماعی-سیاسی بلوچستان طایفه‌گرایی بوده و به دلیل ساختار قبیله‌ای خود همواره مورد توجه دولت‌های مرکزی بوده است.

حکومت قاجار توانست بلوچستان را تحت کنترل بگیرد، اما قادر به از بین بردن سرداران قدرتمند طوایف بلوچ نیز نبود ولی تلاش زیادی برای مطیع کردن این افراد صورت گرفت که تا حدودی موفق بود، زیرا نیروهای نظامی بلوچ و مسئله جمع‌آوری مالیات برای دولت ایران ارزش زیادی داشت.

در اواخر دوران قاجار، قدرت قاجار در بلوچستان رو به ضعف گذاشت و در پی این شرایط نفوذ دولت مرکزی در سیستان و بلوچستان کاهش یافته و باعث تشدید قدرت رهبران طوایف شد.

با روی کار آمدن رضاشاه، و با شکل‌گیری دولت متمرکز و مدرن در دوره گذار از سلطنت قاجار به پهلوی، وی درصدد برگرداندن بلوچستان تحت حکومت مرکزی برآمد. در سال ۱۳۰۷ رضاشاه پس از شکست حاکم بلوچستان، با اعمال سیاست‌های اداری و تشکیلاتی اقتدار دولت را در بلوچستان گسترش داد. بلوچستان صحنه حضور مستقیم نیروهای ارتش شد و در شهرهای عمده آن (زاهدان، ایرانشهر، سراوان و خاش) پادگان‌های نظامی تشکیل شد. و با وقوع انقلاب اسلامی که اقتدار دولتی را موقتاً تضعیف کرد، چند سازمان سیاسی بلوچ شکل گرفت.

۲. جایگاه استان در تقسیمات کشوری:

استان سیستان و بلوچستان دومین استان پهناور کشور، با مساحتی بالغ بر ۱۸۷۵۰۲ کیلومتر مربع معادل ۱۱/۴٪ از مساحت کشور را در بر می‌گیرد. همچنین وسعت استان برابر با مجموع وسعت ۱۱ استان کشور است.

استان سیستان و بلوچستان با همجواری دو کشور افغانستان و پاکستان با بیش از ۱۵۰۰ کیلومتر مرز آبی و خاکی (۱۲۰۰ کیلومتر مرز خاکی و ۳۰۰ کیلومتر مرز آبی) طولانی‌ترین مرز را در بین استان‌های کشور داراست.

استان سیستان و بلوچستان از شمال به خراسان جنوبی، از مغرب به استان کرمان و هرمزگان و از جنوب به دریای عمان و از شرق به افغانستان و پاکستان محدود است.

نقشه ۱. نقشه استان سیستان و بلوچستان



این استان به لحاظ تقسیمات کشوری دارای ۱۴ شهرستان، ۴۰ بخش، ۱۰۲ دهستان و بیش از ۱۰۰۰۰ روستا و آبادی است و مرکز آن شهرستان زاهدان است.

۲.۱. مذهب و قومیت:

بیشتر ساکنان استان سیستان و بلوچستان پیرو مذهب تسنن و از نوع فرقه حنیفه شدند. یکی از انگیزه‌هایی که موجب گرایش مردم بلوچ به این شاخه از طریقت تسنن شده است، وابستگی و همبستگی نژادی و عرق ملیت‌گرایی است -در تاریخ حرکت‌های سیاسی قوم بلوچ، مسئله هویت قومی و آگاهی بخشیدن بدان همواره مورد توجه بوده است- که ایالات بلوچ نسبت به بنیانگذار این شاخه از تسنن احساس می‌کنند زیرا براساس نوشته ریحانه الادب موسس و بنیانگذار مذهب حنفی "ابوحنیفه" ایرانی‌الاصل بوده است. و دلیل دیگر سازگاری و مطابقت فقه حنفی با روایات، عرف و عادات عشیره‌ای که در جامعه عشایری و بلوچ بادیه نشین آن زمان رواج داشته، است؛ زیرا یکی از ویژگی‌هایی که مذهب حنفی را از سایر مذاهب اهل سنت و جماعات متمایز ساخته و وجه تمایز آن محسوب می‌شود، استفاده وسیع این مذهب از حقوق محلی در مفهوم عرف و عادات است که پیش از مسلمان شدن مردم در فرهنگ آن‌ها بوده است. فقه حنفی بیش از مذاهب دیگر از نرمش برخوردار بوده و به قبایل و ایلات و عشایر فرصت می‌داد تا با قبول این مذهب عادات و خصلت‌های قدیمی خویش را حفظ نمایند.

قسمت‌های شمالی استان مشخصاً سیستان (فارس زبان‌ها) به مرکزیت زابل شیعه مذهب‌اند، ولی قسمت جنوبی که تحت عنوان بلوچستان شناخته می‌شوند و همانطور که بیان شد اکثریت جمعیت استان را تشکیل می‌دهند، بلوچ زبان اهل سنت از فرقه حنیفه هستند.

استان سیستان و بلوچستان از تنوع قومی و فرهنگی بالایی برخوردار است به گونه‌ای که ۱۲۰۰ قبیله، طایفه و تیره در استان وجود دارد. بلوچ‌ها خود شامل قبایل و تیره‌های متعددی هستند و در قالب‌های بزرگ و کوچک سازماندهی می‌شدند، طوایف حاکم بر بخش‌های گوناگون بلوچستان مرکب از ده‌ها تیره بود که از آن میان می‌توان از باران‌زایی (بوکرایی)، لاشاری، نارویی، مبارکی، نوشیروانی، ریگی، اسماعیل‌زایی (که بعداً شه بخش نام گرفت)، یارمحمدزایی، یاراحمدزایی (بعدها شه‌نوازی شد) و گمشادزایی نام برد.

همانگونه که بیان شد اکثریت ساکنان استان را مسلمانان سنی تشکیل می‌دهند و بعد از انقلاب در مقایسه با مناطق شیعه نشین، از امکانات برخوردار بوده و محروم‌تر بودند و موجبات تشدید محرومیت و توسعه نیافتگی استان فراهم شد. بی‌توجهی‌ها به جامعه اهل سنت موجب تشدید تضاد شیعه و سنی در استان شده و براساس نظر افراد محلی این تضادها در ۴-۵ سال اخیر تشدید شده است. به این ترتیب هویت قومی- مذهبی به یکی از چالش‌های اساسی استان تبدیل شده است و نمود این تضادها را می‌توان در شعارنویسی‌هایی که بر دیوارهای شهر قابل مشاهده است، جست.

در مجموع می‌توان اینگونه بیان نمود که استان سیستان و بلوچستان همواره در طول تاریخ خود به لحاظ وجود اقوام مختلف و بویژه دو مذهب شیعه و سنی، از حساسیت‌های خاصی برخوردار بوده است و حاکمان در زمینه اداره امور سیاسی و به منظور جلوگیری از تلاش‌های استقلال‌طلبانه توجه ویژه‌ای به این منطقه داشته‌اند. این عوامل باعث شده که

همواره مورد غضب حاکمان بوده و از موهبت‌های مادی و فرهنگی بی نصیب بمانند و در کنار این کم توجهی‌ها از سوی دولت‌های مرکزی، اقوام مختلف با پیوندهای پایدار درونی و دوری گزیدن از نیروهای حکومتی این محرومیت‌ها و نواقص را افزایش دهند، طبیعت خشک و خشکسالی‌های ممتد در کنار عوامل اجتماعی نتایج ناگواری به بار آورده که فقر در دانش زندگی و فقر مهارتی در کنار فقر مادی نمونه‌هایی از آن است.

۲,۲. داده‌ها و شاخص‌های جمعیتی

براساس آمارهای سرشماری ۱۳۸۵ جمعیت استان، ۲,۴۰۵,۷۴۲ نفر است که در مقایسه با سال ۱۳۷۵، ۴۰ درصد افزایش یافته و نرخ رشد جمعیت استان در این ۱۰ سال ۳/۴ درصد است. یکی از دلایل رشد بالای جمعیت، جنگ افغانستان در مرحله جدید و مهاجرت افغان‌ها به ایران است. متوسط نرخ رشد سالانه جمعیت کشور طی دهه ۷۵ تا ۸۵، معادل ۱/۶۱ درصد دوره است. در بین استان‌های کشور، بیشترین نرخ رشد سالانه طی دهه گذشته مربوط به استان سیستان و بلوچستان (۳/۴٪) و بعد از آن استان‌های کرمان و هرمزگان و کمترین آن مربوط به استان همدان (۰/۱۵٪) و بعد از آن استان‌های اردبیل و کرمانشاه می باشد.

استان سیستان و بلوچستان با وسعتی حدود ۱۱ درصد مساحت کشور، ۳/۴۱ درصد جمعیت کشور را در خود جای داده است به عبارتی یکی از کم تراکم‌ترین استان‌های کشور است، تراکم نسبی جمعیت در این استان ۱۳/۲ نفر در کیلومتر مربع است، کمبود آب و اقلیم خشک را می‌توان از دلایل اصلی پراکندگی جمعیت دانست.

جدول شماره ۱۰. ترکیب جنسیتی جمعیت

	جمعیت		
	مرد	زن	جمعیت
کشور	۳۵۸۶۶۳۶۲	۳۴۶۲۹۴۲۰	۷۰۴۹۵۷۸۲
	۰.۵۱	۰.۴۹	
استان	۱۲۲۱۲۴۰	۱۱۸۴۵۰۲	۲۴۰۵۷۴۲
	۰.۵۱	۰.۴۹	

ایران کشور جوانی است و نسبت بالای جوانی جمعیت در استان سیستان و بلوچستان نیز مشاهده می‌شود و متوسط سنی در استان از میانگین کشوری جوان‌تر است. براساس اطلاعات موجود میانگین سنی جمعیت استان در سال ۱۳۸۵، ۲۱/۴۷ سال است این در حالی است که میانگین سنی جمعیت کشور در همین سال ۲۶/۶۴ سال است. فراوانی جمعیت در دو گروه سنی جوانان (۱۵ تا ۲۴ سال) و میانسالان (۲۵ تا ۶۴ سال) جلب توجه می‌کند.

ترکیب جنسیتی استان تقریباً برابر بوده و ۵۱ درصد مردان و ۴۹ درصد زنان جمعیت استان را تشکیل می‌دهند. ۵۰ درصد جمعیت استان را جمعیت شهری و ۵۰ درصد را جمعیت روستایی تشکیل می‌دهد.

یکی از معضلات اصلی استان، پایین بودن نسبت باسوادی و سطح سواد است. ۶۸ درصد افراد بالای ۶ سال استان باسواد هستند که ۵۶ درصد آن‌ها مرد و ۴۴ درصد زن‌اند. از این باسوادان ۵۶ درصد جمعیت، شهری و ۴۴ درصد جمعیت روستایی‌اند. ۳۰ درصد جمعیت استان سیستان و بلوچستان، بی‌سوادند که در مقایسه با آمار کشوری (۱۲ درصد بی‌سواد) نسبت بالایی است. ۳۴ درصد جمعیت استان، در سطح تحصیلی ابتدایی و راهنمایی قرار دارند و ۲۲ درصد جمعیت تحصیلات متوسطه دارد، که نشان‌دهنده سطح پایین تحصیلات در افراد باسواد استان است. فقر تحصیلی بین زنان بیش از مردان بوده که در کنار سایر عوامل موجبات محرومیت بیشتر زنان را فراهم کرده است.

جدول شماره ۲. وضع سواد جمعیت به تفکیک جنسیت

	باسواد			بی سواد		
	مرد و زن	مرد	زن	مرد و زن	مرد	زن
کشور	۵۴۰۸۲۱۸۴	۲۸۸۳۵۳۵۹	۲۵۲۴۶۸۲۵	۹۸۳۷۹۷۳	۳۶۵۸۸۶۱	۶۱۷۹۱۱۲
	۰.۸۵	۰.۵۳	۰.۴۷	۰.۱۵	۰.۳۷	۰.۶۳
استان	۱۳۷۸۵۴۸	۷۶۵۴۴۲	۶۱۳۱۰۶	۶۴۸۵۳۹	۲۶۳۱۱۴	۳۸۵۴۲۵
	۰.۶۸	۰.۵۶	۰.۴۴	۰.۳۲	۰.۴۱	۰.۵۹

براساس آمارهای موجود جمعیت شهرنشین استان طی سال‌های ۱۳۷۵-۱۳۸۵ از ۴۶ درصد به ۵۰ درصد افزایش یافته است. افزایش میل شهرنشینی در این استان نیز موجب تخلیه روستاها و مهاجرت روستائیان به شهر شده است، و در حالی که شهرها ظرفیت جذب جمعیت مهاجر را نداشته و مهاجران نیز توانایی مادی زیست در شهر را ندارند و در مناطق حاشیه شهر سکنی می‌گزینند و این امر افزایش جمعیت حاشیه‌نشین در شهرهای استان را به‌دنبال داشته است. بیکاری گسترده یکی از معضلات اساسی جوامع است، این مسئله در جوامعی که جمعیت جوان بالایی دارند تبعات شدیدی بر جای می‌گذارد. استان سیستان و بلوچستان یکی از استان‌هایی است که نرخ بالای بیکاری در مقایسه با کشور را داراست، ۳ درصد نیروی کار کشور در استان سیستان و بلوچستان است. بیکاران استان سیستان و بلوچستان ۷ درصد جمعیت بیکار کشور را تشکیل می‌دهند. با توجه به سهم نیروی کار استان مشاهده می‌شود که نسبت بیکاری استان از بیکاری کشور بیش از سهم نیروی کار استان از نیروی کار کشور است و این نکته می‌تواند بالا بودن نرخ بیکاری استان را در مقایسه با کشور نمایان کند. براساس اطلاعات سرشماری سال ۱۳۸۵ نرخ بیکاری استان ۳۲ درصد است در حالی که در همین سال نرخ بیکاری کشور ۱۳ درصد برآورد شده است.

بالا بودن نرخ بیکاری یکی از عوامل شکل‌گیری اقتصاد زیرزمینی و قاچاق کالا و مواد مخدر در استانی است که زمینه لازم برای این گونه فعالیت‌ها را از طریق مرزهای طولانی با کشورهای همسایه دارد.

جدول شماره ۳. وضع فعالیت اقتصادی نیروی انسانی

کل									
جمعیت	جمعیت فعال از نظر اقتصادی				جمعیت غیر فعال از نظر اقتصادی				جمعیت
	جمع	شاغل	بیکار	نرخ مشارکت	جمع	محصل	خانه‌دار	دارای درآمد بدون کار	سایر
۱۰ساله و بیشتر	۲۳۴۶۸۶۹۳	۲۰۴۷۶۳۹۵	۲۹۹۲۲۹۸		۳۵۵۳۷۸۹۶	۱۳۱۱۷۳۸۴	۱۶۰۵۷۴۳۷	۲۹۷۳۹۶۲	۳۳۸۹۱۱۳
کشور		۰.۸۷	۰.۱۳	۰.۳۹					
۱۷۸۰۵۶۵	۶۲۳۰۷۳	۴۲۶۶۹۴	۱۹۶۳۷۹		۱۱۱۴۶۶۲	۴۰۹۰۳۱	۴۸۹۹۵۵	۶۴۶۶۴	۱۵۱۰۱۲
استان		۰.۶۸	۰.۳۲	۰.۳۵					

علاوه بر بالا بودن نرخ بیکاری در استان، نرخ مشارکت^{۳۸} زنان در فعالیت‌های اقتصادی بسیار متفاوت از مردان بوده و این نسبت عبارت است از ۱۵ درصد زنان در مقابل ۷۰ درصد مردان. جامعه مرد محوری که زنان در آن شهروند درجه دو هستند و با در نظر گرفتن تعصبات قومی و مذهبی حاکم بر جامعه، زندگی اجتماعی زنان با تنگناهای بسیاری همراه است. مسئله اشتغال زنان نیز همانند تحصیل‌شان با چالش‌ها و محدودیت‌های فراوانی مواجه بوده است. زیرا در دیدگاه قوم بلوچ (که جمعیت غالب استان را تشکیل می‌دهند) حضور زنان در فعالیت‌های اجتماعی اشتباه است و این امر از سوی بسیاری از زنان نیز به اجبار پذیرفته شده است و تلاشی برای خروج از این وضعیت مشاهده نمی‌شود. یکی از نیازهای اساسی زنان برای بازگشت به فعالیت‌های اجتماعی، آگاهی بخشی نسبت به حقوق‌شان است. این امر در سایه آموزش به ویژه آموزش دانش زندگی و مهارت‌های اجتماعی امکان‌پذیر است.

^{۳۸} نرخ مشارکت اقتصادی که از تقسیم جمعیت فعال یک گروه سنی به جمعیت متناظر با آن گروه سنی به دست می‌آید، یک شاخص تجمعی است که نشانگر و یا تابعی از وضعیت اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و سیاسی یک جامعه می‌باشد. در بررسی وضع بازار کار کشورها و جوامع، تقریباً می‌توان گفت که هر چه این نرخ بالاتر باشد، آن جامعه از سطح رفاهی بالاتری برخوردار بوده و به طور معمول کمتر کشور پیشرفته‌ای را می‌توان یافت که دارای نرخ پایین مشارکت نیروی کار باشد. و برعکس بندرت کشورهای در حال توسعه دارای نرخ مشارکت بالایی می‌باشند. این نرخ به نوعی گویای بار تکفل در جامعه است، یعنی اگر جمعیت فعال را به کل جمعیت یک کشور تقسیم کنیم، می‌توان دریافت که یک نفر بار معیشتی چند نفر را در یک جامعه باید به عهده بگیرد.

جدول شماره ۴. وضع فعالیت نیروی انسانی به تفکیک جنسیت

	جمعیت ۱۰ ساله و بیشتر	جمعیت فعال از نظر اقتصادی				جمعیت غیر فعال از نظر اقتصادی				
		جمع	شاغل	بیکار	نرخ مشارکت	جمع	محصل	خانه‌دار	دارای درآمد بدون کار	سایر
		مرد								
کشور	۳۰۲۴۴۲۷۰	۱۹۸۳۹۵۷۸	۱۷۶۹۴۵۲۱	۲۱۴۵۰۵۷	۰.۶۶	۱۰۱۷۹۴۶۶	۶۵۶۵۰۴۴	۵۹۸۵۲	۱۸۶۳۳۵۸	۱۶۹۱۲۱۲
استان	۹۰۲۵۲۶	۵۳۲۰۹۴	۳۷۵۰۷۰	۱۵۷۰۲۴		۳۴۷۴۰۷	۲۲۳۰۸۳	۳۱۹۸	۳۸۲۹۶	۸۲۸۳۰
			۰.۷۰	۰.۳۰	۰.۵۹					
زن										
کشور	۲۹۲۷۸۴۷۷	۳۶۲۹۱۱۵	۲۷۸۱۸۷۴	۸۴۷۲۴۱	۰.۱۲	۲۵۳۵۸۴۳۰	۶۵۵۲۳۴۰	۱۵۹۹۷۵۸۵	۱۱۱۰۶۰۴	۱۶۹۷۹۰۱
استان	۸۷۸۰۳۹	۹۰۹۷۹	۵۱۶۲۴	۳۹۳۵۵		۷۶۷۲۵۵	۱۸۵۹۴۸	۴۸۶۷۵۷	۲۶۳۶۸	۶۸۱۸۲
			۰.۵۷	۰.۴۳	۰.۱۰					

با توجه به موقعیت خاص جغرافیایی استان که زمینه‌های ترانزیت کالا و مواد را فراهم کرده و همچنین دسترسی به مبادی متعدد ورودی مرزی، میل فعالیت‌های اقتصادی در استان به سمت فعالیت‌های غیررسمی و تجارت است، که در ادامه برای مشخص شدن وسعت فعالیت‌های رسمی در استان، سهم فعالیت‌های اقتصادی استان در مقایسه با کشور آمده است.

۲.۳ جایگاه استان در اقتصاد ملی:

استان پهنای و بلوچستان همواره با محدودیت‌ها و موانع توسعه‌ای مواجه بوده است. رشد سریع جمعیت شکاف بین شاخص‌های توسعه استان و شاخص‌های نظیر آن در سطح کشور را به رغم تلاش‌هایی در زمینه اقدامات زیربنایی و گسترش امکانات فیزیکی، عمیق‌تر ساخته است.

در حال حاضر استان سیستان و بلوچستان از نظر تعداد واحدهای صنعتی، رتبه ۱۸ و از نظر سرمایه‌گذاری رتبه ۲۸ و از نظر اشتغال رتبه ۲۱ را در کشور دارد. در ادامه برخی شاخص‌ها در مقایسه با کشور آمده است که تأمل بر آن‌ها درجه توسعه نیافتگی استان را آشکارتر می‌سازد.

محصول ناخالص داخلی سرانه (GDP): سرانه استان سیستان و بلوچستان در سال ۱۳۸۵ معادل ۹/۷ میلیون ریال بوده است. این رقم در همه سال‌ها کمتر از GDP سرانه کشور است. این استان از نظر شاخص GDP سرانه در ردیف ۳۰ قرار دارد. با وجود اینکه ۳/۴۱ درصد جمعیت کشور در این استان قرار دارد اما تنها ۰/۹۸ درصد تولید

ناخالص داخلی در این استان تولید می‌شود. از نظر سهم استان در تولید ناخالص داخلی کشور، استان سیستان و بلوچستان در رتبه ۲۲ از بین ۳۰ استان قرار دارد.

سطح تولید استان بسیار پایین است، علت اصلی این مشکل را می‌توان فقر مهارتی نیروی کار استان دانست. فقر مهارتی عامل عمده‌ای است که باعث نفوذ ناپذیری حلقه فقر شده و این حلقه را تشدید می‌کند، به همین دلیل برای خروج از این حلقه، می‌بایست برای توسعه سرمایه انسانی و نیروی کار ماهر سرمایه‌گذاری شده و زمینه‌هایی برای فعالیت آن‌ها طراحی شود.

سهم بخش‌های عمده اقتصادی در GDP: ماهیت استان سیستان و بلوچستان ماهیتی تجاری است و در مرحله ماقبل توسعه قرار دارد، دسترسی وسیع مرزی و کرانه باز تجاری در کنار سطح پائین تولید، کمبود زیرساخت‌ها، سطح پایین سرمایه انسانی، و عدم بهره‌گیری مناسب از توانایی‌ها و قابلیت‌های نیروی انسانی، ناکارآمدی نهادهای تشکیل سرمایه و نیز سود قالب ملاحظه‌ای که از فعالیت‌های غیرمولد به دست می‌آید، را می‌توان از ویژگی‌های اساسی دانست که این شرایط را در اقتصاد استان رقم زده است.

بخش اعظم فعالیت‌های اقتصادی در استان در بخش خدمات صورت می‌گیرد که سیمایی دوگانه دارد: رسمی و غیررسمی. موقعیت جغرافیایی زاهدان و دسترسی آن به مناطق مرزی و بنادر باعث شده است تا میزان قابل ملاحظه‌ای از سرمایه‌گذاری‌های خصوصی و برخی اوقات عمومی نیز جذب حوزه تجارت شود. در همین حال واسطه‌گری مالی و کسب و کارهای مرتبط با آن بیشترین سهم را در بخش خدمات دارند.

در مجموع عوامل بالا باعث ایجاد اقتصاد فلج در منطقه شده که تنها بر بازار غیررسمی خود تکیه داشته و سایر توانایی‌ها بی‌استفاده و زیر ظرفیت مانده است. در بین بخش‌های اقتصادی، سهم بخش صنعت در استان بسیار پایین است و بخش کشاورزی بسیار کمتر از حد ممکن در تولید استان نقش دارد این در حالی است بخش کشاورزی استان ظرفیت ویژه‌ای را در تولید محصولات با ارزش صادراتی بالا داراست و همچنین ظرفیت‌های بالایی در شیلات و فرآورده‌های دریایی وجود دارد که بهره‌برداری شایسته از آن صورت نگرفته است. بخش خدمات با سهم ارزش افزوده معادل ۳۳/۳ درصد در محصول ناخالص داخلی استان در سال ۱۳۸۵ دارای بیشترین سهم از بخش‌های عمده اقتصادی است. کشاورزی، شکار، جنگلداری و ماهیگیری با دارا بودن ۱۵/۸ درصد دومین سهم را دارد. ارزش افزوده بخش‌های فوق روی هم ۴۹/۱ درصد محصول ناخالص داخلی استان را فراهم می‌کنند.

نکته حائز اهمیت این است که بالابودن سهم خدمات در فعالیت‌های اقتصادی در صورت وجود زیرساخت‌های لازم می‌تواند به عنوان نقطه قوت تلقی شود، در حالی که در استان سیستان و بلوچستان به دلیل فاصله بین بازار رسمی و غیررسمی و وسعت بازار کالای قاچاق، و نیز سطح پایین مهارت نیروی کار، خدمات محدود به خدمات ساده و غیرمولد است. از این رو سهم بالای خدمات و عدم پیوند آن با بخش تولیدی استان موجب تعمیق توسعه نیافتگی استان شده است. این در حالی است که به دلیل برخورداری از معابر ترانزیتی مناسب و سایر زیرساخت‌های مورد نیاز در تجارت و

ترانزیت کالا، استان می‌تواند به عنوان دروازه پیونددهنده آسیای مرکزی با خاورمیانه، نقش استراتژیک و کلیدی در توسعه تجارت خارجی و تولید ناخالص کشور داشته باشد، که فقدان این زیرساخت‌ها زمینه مساعدی برای قاچاق کالا و مواد مخدر و توسعه اقتصاد غیررسمی و زیرزمینی را فراهم کرده است. برغم اینکه استان به عنوان پل مواصلاتی شرق به غرب و شمال به جنوب همواره مطرح بوده اما این نقش‌پذیری تنها در حد نظر و ایده بوده و تا عمل فاصله زیادی دارد، باید توجه داشت که رونق یافتن ترانزیت استان نه تنها باعث رونق فعالیت‌های اقتصادی و توسعه استان می‌شود بلکه مزیت‌ها و منافع بسیاری برای کشور نیز در بر خواهد داشت، که از همه مهم‌تر آسیب‌پذیری استان در زمینه قاچاق را کاهش داده و زمینه پیوستن بخش غیررسمی اقتصاد به بخش رسمی را فراهم می‌آورد.

سهم استان در سپرده‌های کشور: براساس آمارهای بانک مرکزی ایران، استان سیستان و بلوچستان با اختصاص ۰/۹ درصد از سپرده‌های کشور به خود، رتبه ۱۷ را در بین استان‌های کشور داراست. در مقایسه با سایر استان‌های توسعه نیافته، استان سیستان و بلوچستان یکی از بالاترین نسبت‌های سپرده گذاری را داراست اما نسبت تسهیلات به سپرده که میزان بهره‌برداری از سپرده‌ها را نشان می‌دهد، ۶۸ درصد است، این رقم در مقایسه با میانگین کشوری (۱۱۵ درصد) پائین است. که نمایانگر عدم استفاده مکفی از سپرده‌ها در زمینه سرمایه‌گذاری است^{۳۹}

همچنین براساس شاخص‌های توسعه صنعتی که توسط معاونت برنامه‌ریزی، توسعه و فناوری محاسبه شده است و معیار این محاسبه سرمایه‌گذاری و اشتغال طرح‌های صنعتی، ارزش افزوده بخش صنعت برپایه جمعیت است^{۴۰}، استان رتبه سی‌ام را (در بین ۳۰ استان) به خود اختصاص داده است، که دلیلی دیگر بر عدم بکارگیری سرمایه و نیز عدم توانایی مردم استان برای بکارگیری سرمایه انباشته و گردش مالی در استان است.

نقش استان در فعالیت‌های اقتصادی کشور: ۱/۷ درصد ارزش افزوده بخش کشاورزی، ۰/۵ درصد ارزش افزوده بخش صنعت، ۱/۳ درصد ارزش افزوده بخش خدمات کشور در این استان ایجاد می‌شود. نقش استان در تأمین ارزش افزوده بخش کشاورزی، شکار، جنگلداری و ماهیگیری بیش از سایر بخش‌هاست. بخش خدمات فعال‌ترین بخش استان سیستان و بلوچستان است، و بخش کشاورزی ۱۶ درصد و صنعت ۹ درصد سهم فعالیت‌های اقتصادی استان را به خود اختصاص داده‌اند. در بخش خدمات هم ساختمان و خرده و فروشی و عمده فروشی بیشترین سهم را در گروه‌های فعالیت دارند^{۴۱}.

^{۳۹} سایت بانک مرکزی، آمار کل مانده تسهیلات و سپرده‌های ریالی و ارزی بانک‌ها و موسسات اعتباری توسعه به تفکیک استانی، در پایان سال ۱۳۸۸

^{۴۰} رده بندی استانهای کشور با بهره گیری از مدل برنامه ریزی چند منظوره به روش وزن دهی ساده که اطلاعات پایه آن از مرکز آمار ایران، دفتر آمار و فرآوری داده های وزارت صنایع و معادن، سازمان صنایع کوچک و شهرک‌های صنعتی ایران و بر اساس سرمایه گذاری و اشتغال طرح‌های صنعتی معدنی با پیشرفت فیزیکی بالای ۶۰ درصد و مساحت زمین های اختصاص یافته برای سرمایه گذاری‌های صنعتی و نهایتاً ارزش افزوده بخش صنعت و معدن و بر پایه جمعیت هر یک از استان‌ها مورد محاسبه و پردازش قرار گرفته و رتبه هر استان از نظر رده توسعه یافتگی صنعتی سرانه تعیین می گردد.

^{۴۱} مرکز آمار ایران، اطلاعات سرشماری نفوس و مسکن، سال ۱۳۸۵

جدول شماره ۵. سهم گروه‌های فعالیت در تولید ناخالص داخلی (درصد)

سیستان و بلوچستان	کشور	
۰.۱۶	۰.۱۸	کشاورزی
۰.۰۹۴	۰.۱۷	صنعت
۰.۱۴	۰.۱۳	ساخت‌مان
۰.۱۳	۰.۱۴	عمده فروشی و خرده
۰.۱۲	۰.۰۹	حمل و نقل
۰.۱۲	۰.۰۹	امور عمومی
۰.۰۹		آموزش

براساس اطلاعات سرشماری مرکز آمار سال ۱۳۸۵، بیشترین میل نیروی کار استان در گروه‌های شغلی کارکنان ماهر کشاورزی (۱۷ درصد شاغلان)، کارگران ساده (۱۵ درصد شاغلان) و صنعتگران (۱۵ درصد شاغلان) است.

جدول شماره ۶. سهم گروه‌های شغلی از اشتغال (درصد)

کارکنان ماهر کشاورزی	کارکنان خدماتی	کارمندان	تکنسینها	متخصصان	کارگران ساده	متصدیان	صنعتگران	کارگران ساده
۰.۱۶	۰.۱۳	۰.۰۴	۰.۰۵	۰.۰۹		۰.۱۲	۰.۲	
۰.۱۷	۰.۱۱	۰.۰۳	۰.۰۴	۰.۱	۰.۱۵	۰.۱۴	۰.۱۵	

شاخص توسعه انسانی استان در مقایسه با کشور: ارتقای توسعه انسانی در دنیای معاصر به ظرفیت کسب علم و دانش، دسترسی به امکانات مادی زندگی و برخورداری از عمر طولانی و توأم با سلامتی بستگی دارد. شاخص‌های آموزش، امید به زندگی و تولید ناخالص داخلی تشکیل‌دهنده اجزای شاخص توسعه انسانی است و در واقع میانگین این سه شاخص است. بهبود وضع سرمایه‌گذاری و تغییر شرایط اقتصادی و اجتماعی، ارتقای سطح کیفیت زندگی را فراهم می‌آورد. ارتقای سطح کیفیت زندگی افراد یک جامعه در گرو تحول اساسی در متغیرهای اقتصادی، آموزشی و بهداشتی است و وجود انگیزه کافی و داشتن عزمی راسخ در حصول به توسعه انسانی بالاتر و برخورداری از آزادی عمل برای حرکت و مشارکت فعال از عوامل کلیدی در این خصوص است. شاخص توسعه انسانی کشور که میانگینی از سه شاخص تولید ناخالص داخلی، آموزش و امید به زندگی در بدو تولد است، در سال ۱۳۸۵، ۰/۷۸۸ بوده است. شاخص توسعه

انسانی در استان‌های سیستان و بلوچستان، کردستان، آذربایجان غربی و خراسان شمالی از دیگر استان‌ها پایین‌تر است، به گونه‌ای که در این سال شاخص توسعه انسانی در استان‌های مذکور به ترتیب عبارت است از ۰/۶۳۰، ۰/۶۸۷، ۰/۷۰۶ و ۰/۷۱۶.

مقایسه شکاف درآمدی استان با کشور: به منظور مقایسه شکاف درآمدی استان با سطح کشور از ضریب جینی^{۴۲} استفاده می‌کنیم. ضریب جینی عددی است بین صفر و یک (یا صفر و صد درصد) که برای بیان مفهوم عدالت بکار می‌رود و در آن صفر به معنی توزیع کاملاً برابر درآمد یا ثروت و یک به معنای نابرابری مطلق در توزیع است. ضریب جینی شهری استان در سال ۱۳۸۵، ۴۳ درصد و روستایی ۳۹/۸ درصد است که در مقایسه با کل کشور بالاتر است، ضریب جینی روستایی کل کشور ۳۹/۲ درصد و شهری ۴۱ درصد می‌باشد. بالا بودن این ضریب، خود بیانگر وجود شکاف طبقاتی در سطح استان است.

۳. ظرفیت‌ها و توانمندی‌ها (مزیت‌های نسبی منطقه):

بررسی ظرفیت‌ها و توانمندی‌های استان به منظور دستیابی به شناخت دقیق و هدفمند در جهت درک محدودیت‌ها و تلاش برای رفع موانع و به بالفعل تبدیل کردن توانایی‌ها الزامی است. به این منظور در ادامه به بررسی اجمالی مجموعه‌ای از مزیت‌ها و ظرفیت‌های استان سیستان و بلوچستان پرداخته شده است.

۳.۱. حمل و نقل و ترانزیت:

موقعیت جغرافیایی ویژه و مناسب استان سیستان و بلوچستان به لحاظ همجواری با کشورهای افغانستان، پاکستان و جمهوری‌های جدید آسیای میانه و همچنین دسترسی به آب‌های بین‌المللی خارج از تنگه هرمز و امکان ارتباط با کشورهای شرق آسیا، شبه قاره هند، شیخ‌نشین‌های عربی و بازارهای آفریقایی جایگاه این استان را از اهمیت ویژه‌ای برخوردار نموده است. وجود موقعیت یاد شده و اشتراکات قومی و طایفه‌ای در دو سوی مرز، باعث مراودات دو جانبه شده و از دیرباز تجارت و بازرگانی را به عنوان اهرم اقتصادی در منطقه قرار داده است.

مرزهای طولانی استان که قسمت اعظمی از مرزهای شرقی کشور را شامل می‌شود، شرایط ممتاز تصدی نقش در بازرگانی ملی و ترانزیت خارجی میان اروپا و آسیای مرکزی با آسیای شرقی و جنوبی و شاخ آفریقا و امکان ایجاد و توسعه تبادلات قانونی را فراهم کرده است. بهره‌مندی از مزیت نزدیک‌ترین مسیر به کشورهای آسیای میانه برای ترانزیت کالاهای بین‌المللی و انتقال محصولات و شاهراه ترانزیت کالا از جنوب به شمال، امکان دسترسی به بازار وسیعی را برای

^{۴۲} عددی بین صفر و یک (یا صفر و صد درصد) که برای بیان میزان عدالت بکار می‌رود و در آن صفر به معنی توزیع کاملاً برابر درآمد یا ثروت و یک به معنای نابرابری مطلق است.

استان و در کل کشور فراهم کرده است. همچنین دسترسی استان به آب‌های آزاد جنوب شرایط ممتازی برای ایفای نقش موثر در این زمینه را ایجاد کرده است.^{۴۳}

۳،۲. کشاورزی:

به دلیل شرایط جوی، طوفان‌های شن و خاک نامساعد کشت، همچنین کمبود آب در این استان کشت محصولات کشاورزی محدود است. بر این اساس کشت محصولات زراعی در استان صورت نمی‌گیرد در حالی که منطقه قابلیت بالایی در کشت محصولات باغی داشته و امکان گسترش سطح زیرکشت نیز وجود دارد. شایان توجه است که اقلیم مناسب، کشت محصولات سودآور صادراتی از قبیل خرما، مرکبات، موز، انبه، و نیز توسعه فرآوری و تأکید بر صنایع تبدیلی این محصولات را در استان امکانپذیر کرده است. با توجه به دشت‌های هموار و اراضی مستعد در شمال و جنوب استان و بهره‌مندی از نژادهای دام بومی و امکان ایجاد صنایع وابسته به محصولات گرمسیری از قابلیت‌های مهمی است که در بخش کشاورزی استان قابل بهره‌برداری است. همچنین در بخش شیلات، وجود صنایع غنی دریایی و آبریان و اراضی و اقلیم مناسب در سواحل جنوبی برای توسعه فعالیت‌های شیلات و صیادی و صنایع مرتبط با شیلات از مزیت‌های استان است. و نیز به لحاظ واقع شدن استان در مجاورت آب‌های گرم و دریای عمان و اقیانوس هند، همچنین وجود ۹ بندر صیادی، منطقه دارای توانایی‌های بالقوه در زمینه گسترش فعالیت‌های ماهیگیری و شیلات است. توسعه صنایع تبدیلی و فرآوری محصولات شیلات تا مرحله مصرف نهایی و بسته بندی محصولات دریایی از توانایی‌هایی است که می‌تواند اشتغال همراه با تولید را در استان رونق دهد.

۳،۳. صنعت و معدن:

استان سیستان و بلوچستان از نظر مراحل توسعه‌ای، در مرحله پیشاصنعتی قرار دارد، توجه به صنعت و تولید صنعتی از راه‌های توسعه استان و افزایش سطح تولید است، استان سیستان و بلوچستان به‌رغم اینکه ۳/۴۱ درصد جمعیت کشور را داراست، کمتر از ۱ درصد تولید ناخالص داخلی کشور را برعهده دارد، و در مدار تبادل داد و ستد با اقتصاد منطقه کمتر حضور دارد. می‌توان چنین بیان نمود که ظرفیت‌های تولیدی خالی در استان قابل توجه است. وجود ۱۳ شهرک صنعتی فعال در مناطق مختلف استان از دیگر مزایای استان است که برای فعال‌تر شدن بخش صنعت، باید توجه ویژه‌ای به این شهرک‌ها صورت گیرد. شهرک‌های صنعتی در زمینه اشتغال‌زایی و گذر به اقتصاد صنعتی باید ظرفیت بالایی داشته باشد که رکود نسبی متاثر از واردات بی‌رویه از مرزها و سایر استان‌ها، در تولیدات صنعتی استان مانعی بر سر راه

^{۴۳} طبق اظهارات مدیر کل حمل و نقل و پایانه‌های استان سیستان و بلوچستان در فروردین ماه سال جاری (۱۳۸۹)، بهره‌برداری از محور ترانزیتی چابهار به میلک برای ۱۱ هزار نفر به طور مستقیم و برای ۵۰ هزار نفر به طور غیرمستقیم در بخش حمل و نقل و ترانزیت، مجتمع‌های رفاهی، گمرک و غیره شغل ایجاد خواهد کرد. نمونه مذکور تأییدی بر ظرفیت اشتغال‌زایی بالای بخش حمل و نقل استان است.

فعالیت این مراکز تولیدی است. رتبه ۳۰ در توسعه صنعتی که پیش‌تر به آن اشاره شد نشان‌دهنده ظرفیت‌های بکارگرفته نشده استان است.

همچنین استان سیستان و بلوچستان بر روی کمر بند فلزات معدنی جهان که از اروپای شرقی تا کشور پاکستان ادامه دارد قرار دارد. وجود معادن نسبتاً غنی و متنوع معدنی گشوده و ناگشوده فلزی و غیرفلزی و سهم بالای استان در برخورداری از این معادن و امکان توسعه فعالیت‌های معدنی، از دیگر امکانات بالقوه استان است.

۳،۴. منطقه آزاد- بندر:

وجود نهادهای مهم اقتصادی و توسعه‌ای در سطح استان به‌ویژه منطقه آزاد چابهار و بازارچه‌های مرزی از دیگر توانمندی‌های استان است. مناطق آزاد با هدف تشویق صادرات، جلب سرمایه‌گذاری خارجی و محرومیت زدایی از مناطقی که امکان رشد و توسعه بالقوه را دارند، شکل گرفتند. استان سیستان و بلوچستان نیز با داشتن منطقه آزاد تجاری چابهار دارای نقطه قوتی در زمینه توسعه و ارتقاء معیشت است. در نگاهی دیگر، تنها بندر مهم کشور در سواحل دریای عمان و شرق تنگه هرمز بندر چابهار است که مزیت بزرگی در توسعه صنعتی استان و پیوند با آب‌های آزاد است. همچنین وجود نهادهای مهم اقتصادی و توسعه‌ای دیگر در سطح استان از قبیل وجود ۷ بازارچه مرزی فعال در طول نوار مرزی استان با همسایه افغانستان و پاکستان، منطقه ویژه اقتصادی زابل، از جمله ویژگی‌هایی است که استان را متمایز کرده و جایگاه استراتژیک و ویژه‌ای به استان داده است. وجود تأسیسات زیربنایی مهم از جمله شبکه‌های وسیع حمل و نقل جاده‌ای، دریایی، ریلی و هوایی، همچنین وجود ۶ گمرک فعال در سطح استان، توسعه تجارت در این منطقه را سهل الوصول‌تر کرده است.^{۴۴}

۳،۵. آموزش:

^{۴۴} براساس اطلاعات ۹ ماهه منتهی به آذر ۱۳۸۶، صادرات از گمرکات و بازارچه‌های مرزی استان با کاهش ۱۳ درصدی در ارزش روبرو بوده است در

حالی که بررسی‌ها نشان می‌دهد نسبت به مدت مشابه سال قبل واردات ۵۹ درصد در ارزش رشد داشته است.

در مجموع میزان کل درآمد وصولی گمرکات استان در نه ماهه سال ۱۳۸۶، ۵۲۷ میلیارد و ۸۷ میلیون و ۸۸۸ هزار ریال بوده است، که این میزان نسبت

به مدت مشابه سال قبل ۲۳ درصد کاهش را نشان می‌دهد.

استان سیستان و بلوچستان در زمینه آموزش عالی، ظرفیت قابل اتکایی دارد، از این جمله می‌توان به نیروی کار تحصیلکرده و ظرفیت‌های آموزشی استان اشاره کرد. استان برخوردار از حدود ۳۵ مرکز آموزش عالی با بیش از ۷۰ هزار دانشجو و مرکز آموزش فنی-حرفه‌ای در سطح استان، است.

۳,۶. مزیت فرهنگی:

وابستگی‌های قومی و وجود روحیه ملی‌گرایی در میان مردم استان را می‌توان از کمک کارهای توسعه در منطقه به شمار آورد. روحیه قومیت‌گرایی که در میان بلوچ‌ها وجود دارد اتحاد قابل اتکایی را ایجاد کرده که می‌تواند در حرکت‌های جمعی هدایت شده در جهت توسعه و باروری استان مورد بهره‌برداری قرار گیرد.

از دیگر مزیت‌های فرهنگی استان می‌توان به توجه به رسوم و سنت‌های پیشین اشاره کرد برای مثال می‌توان به گردش موروثی هنرهای دستی بین بانوان استان اشاره کرد به گونه‌ای که تقریباً در هر خانواده‌ای آشنایی با هنر سوزن‌دوزی و بلوچی دوزی وجود دارد. با این وجود، در بازارهای استان صنایع دستی پاکستانی و هندی به مراتب بیشتر از تولیدات بومی به چشم می‌خورد که با بررسی‌های صورت گرفته علل مورد غفلت واقع شدن هنرهای بومی را می‌توان در نبود مواد اولیه به ویژه در سوزن دوزی، عدم وجود طراحی‌های نوین در صنایع دستی و به نادان به هنرهای بومی دانست. با اندکی سرمایه‌گذاری در آموزش و توجه به طراحی‌های نوین و امکانات بسیار محدود می‌توان هنرهای بانوان این خطه از کشور را جدی گرفت و اشتغال خانگی که به دلیل مسائل قومی از محدود راه‌های مشارکت زنان در فعالیت‌های اقتصادی و اجتماعی است را با قدرت و توان بالایی راه‌اندازی کرد و حتی به بازارهای شهرهای بزرگ و کشورهای خارجی که تقاضای بالایی برای صنایع دستی دارند، دست یافت.

۳,۷. اولویت‌های سرمایه‌گذاری استان سیستان و بلوچستان:

براساس پیشنهادات اداره صنایع و معادن استان، اولویت‌های سرمایه‌گذاری استان و به بیان دیگر مزیت‌های قابل اتکا استان در زمینه تولید اینگونه دسته بندی شده است: صنایع معدنی (فرآوری آنتیموان، فرآوری مس، تولید پلاک سنگ‌های گرانیتی، سنگ مصنوعی و...)، صنایع غذایی (صنایع تبدیلی خرما، بسته بندی خرما، بسته‌بندی گوشت، صنایع تبدیلی دام، صنایع تبدیلی ماهی، روغن‌کشی از دانه‌های روغنی و...)، صنایع نساجی و سلولزی (تولید چرم، نخ پلی استر، پوشاک، بازیافت کاغذ و مقوا و...)، صنایع شیمیایی (اسید کرومیک، داروسازی، شیشه دو جداره، انواع تورهای پلاستیکی و...)، صنایع فلزی و برق الکترونیکی خودرو (قطعات خودرو، درب و پنجره‌های دو جداره آلومینیوم و...) .

۳,۸. اقلیم:

از جمله محدودیت‌ها و در عین حال مزیت‌های استان می‌توان به اقلیم استان اشاره کرد. آب و هوای خشک و کویری استان در فصل گرما و فصل سرما کارکردهای متفاوتی از خود برجای می‌گذارد. در وضعیت هواشناسی این منطقه بادهای

شدید موسمی، طوفان شن، رگبارهای سیل آسا، رطوبت زیاد و مه صبحگاهی پدیده‌های قابل توجه است. این استان تابستان‌های گرم و طولانی و زمستان‌های کوتاه دارد. در فصل گرما خشکسالی و طوفان شن دشواری‌هایی را پیش روی مردمان این استان قرار می‌دهد. کویری بودن این سرزمین باعث پیدایش سیلاب‌هایی در فصل بارش می‌شود که این‌ها در کنار هم ضررهای زیادی را به اقتصاد استان وارد می‌کند. از سوی دیگر اقلیم مناسب و اعتدال هوا در زمستان شرایط مناسب برای کاشت محصولات نوبرانه و صادراتی را فراهم می‌کند، که از قابلیت مزبور استفاده درست و بهینه صورت نمی‌گیرد.

۳۳۰ روز آفتاب سالانه، ویژگی منحصر به فردی برای استان محسوب می‌شود. انرژی خورشید حاصل از آن و باد از دیگر مزیت‌های نسبی استان است که می‌توان از این انرژی‌ها برای جایگزینی انرژی فسیلی و الکتریکی استفاده کرد. به بیانی دیگر به جای تحمل هزینه بالا برای گازرسانی به مناطق مختلف استان، زمینه‌های بهره‌برداری مطلوب از انرژی خورشیدی و بادی فراهم شود.

✓ چالش‌ها و تنگناها

اقلیم:

شرایط طبیعی و اقلیمی دشوار، کمبود منابع آب، محدودیت امکانات تولید، آب و هوای گرم و وزش باد و حرکت شن‌های روان به ویژه در شمال استان، به شدت فعالیت‌های اقتصادی استان را تحت تاثیر قرار می‌دهد. این استان تابستان‌های گرم و طولانی و زمستان‌های کوتاه دارد. در فصل گرما خشکسالی و طوفان شن دشواری‌هایی را پیش روی مردمان این استان قرار می‌دهد. کویری بودن این سرزمین باعث پیدایش سیلاب‌هایی در فصل بارش می‌شود که این‌ها در کنار هم ضررهای زیادی را به اقتصاد استان وارد می‌کند. همچنین تناوب دوره‌های خشکسالی و پیامدهای زیانبار زیست محیطی و آثار مخرب آن بر ساختار تولیدی استان نیز این آثار مخرب را تشدید می‌کند.

کمبود شدید آب برای مصارف تولیدی و شرب و بهداشتی در بیشتر نقاط شهری و روستایی از چالش‌های اساسی پیش روی ساکنان این استان است.

جغرافیای راهبردی استان:

حاشیه‌ای بودن و دورافتادگی استان از مراکز و محورهای توسعه کشور، پراکندگی نقاط زیست، فقر منابع طبیعی یا کمبود شدید آن‌ها، دورافتادگی منطقه از شبکه‌های انتقال انرژی مانند شبکه سراسری برق و گاز از دیگر محدودیت‌های زیست و کسب و کار در استان است.

موقعیت استان به عنوان گذرگاه بین‌المللی مواد مخدر و همسایگی با دو کشور پاکستان و افغانستان زمینه ناامنی و تردهای غیرمجاز از مرزهای استان، را فراهم کرده است که این امر مانع برقراری امنیت و انباشت سرمایه و گسترش فعالیت‌های رسمی اقتصادی در استان است.

محرومیت استان در زمینه زیربناها و شکاف گسترده در مقایسه با سطح ملی علی‌رغم سرمایه‌گذاری‌های زیاد برای توسعه آن‌ها، مانع سامان و رونق تولید در استان می‌شود.

شکاف بین وضع موجود و مطلوب زیربناها به‌ویژه در زمینه‌های تأمین آب، راه، سوخت و انرژی از یک سو و شکاف بین شاخص‌های زیربنایی و توسعه اجتماعی و فرهنگی از سوی دیگر، از دیگر تنگناهای پیش روی تولید و توسعه در استان است.

اقتصاد:

عدم رشد بخش رسمی اقتصاد در استان، گسترش تجارت زیرزمینی و واردات قاچاق از کشورهای همجوار، انتقال غیرقانونی بسیاری از کالاهای یارانه‌ای به‌ویژه سوخت و آرد به کشورهای همسایه و تهدید بخش‌های تولید داخلی از دیگر مسائلی است که بدلیل عدم بهره‌برداری و استفاده درست از ظرفیت‌ها، برای استان به چالش تبدیل شده است.

نرخ بیکاری استان در مقایسه با سطح کشور بسیار بالاست؛ رشد سریع و ضریب جوانی بالای جمعیت استان از قابلیت‌هایی است که عدم توجه و برنامه‌ریزی برای آن، موجب شده این امر به چالش اساسی استان تبدیل شود.

درآمد سرانه پایین، گستره و عمق فقر در شدیدترین شکل آن در استان، وجود تعداد بسیار زیاد خانواده‌های بی‌سرپرست و بدسرپرست، از مسائل اصلی است که به نوعی بازتاب تمامی چالش‌های مذکور است.

فعالیت‌های اقتصادی استان به شدت تحت تأثیر خشکسالی، اقتصاد غیررسمی، تجارت زیرزمینی و واردات قاچاق کالا از کشورهای همجوار قرار گرفته، به گونه‌ای که فعالیت بخش‌های تولیدی را کم صرفه ساخته و زمینه انتقال غیرقانونی کالاهای یارانه‌ای به ویژه سوخت و آرد را به کشورهای همسایه فراهم نموده و بخش قابل ملاحظه‌ای از نیروی کار استان را از فعالیت‌های اقتصادی سالم باز داشته و برای امرار معاش وابسته به این گونه فعالیت‌ها نموده است.

همچنین فقدان مشارکت مؤثر مردم در فعالیت‌های اقتصادی و اجتماعی از دیگر مسائل استان است که به دنبال خود ضعف جدی در برخورداری از نهادهای کارفرمایی، سرمایه‌گذاری، پیمانکاری و مشاوره بخش خصوصی را منجر شده است.

شاخص توسعه انسانی:

استان سیستان و بلوچستان بیرون از مدار توسعه قرار دارد. فاصله شاخص‌های توسعه انسانی با سطح ملی یکی از نشانه‌ای اصلی محرومیت در استان است که موجب تشدید محرومیت‌ها در منطقه شده و فقر را به عنوان ویژگی اصلی زیست در استان قرار داده است. از نظر شاخص توسعه انسانی استان رتبه ۳۰ را در بین ۳۰ استان کشور داراست.

فرهنگ:

رواج فرهنگ عشیره‌ای و طایفه‌ای و برخی باورها و نگرش‌های سنتی و ضد توسعه به عنوان عامل بازدارنده نهادهای نوین اقتصادی و اجتماعی و ناکارآمدی آن‌ها از اصلی‌ترین چالش‌های اجتماعی در منطقه است.

همچنین استان سیستان و بلوچستان با چالش‌های متعددی در زمینه امنیت و مسائل قومی و مذهبی مواجه است که به مانعی در زمینه توسعه استان تبدیل شده است. این در حالی است که کاهش تنش‌های قومی و مذهبی زمینه توسعه را در سطح منطقه‌ای فراهم خواهد کرد.

سطح پایین آموزش‌های عمومی و ترویجی و محرومیت گسترده بسیاری از زنان و مردان به‌ویژه در مناطق روستایی و حاشیه‌ای و نیز فقدان اثربخشی بسیاری از سیاست‌ها و اقدامات توسعه‌ای در عرصه‌های اقتصادی و اجتماعی از چالش‌های اساسی استان است.

✓ درک و دریافت‌های کلیدی از استان

خط ترانزیت مواد مخدر: همسایگی با دو کشور پاکستان و افغانستان و نیز مرزهای طولانی با این کشورها، باعث امتداد خط ترانزیت مواد مخدر در استان شده و نیز استان را به یکی از معابر اصلی ترانزیت مواد مخدر مبدل ساخته است. درآمدهای سهل‌الوصول که از راه مواد مخدر قابل دستیابی است یکی از عوامل اصلی در ناکارایی نیروی انسانی استان و عدم احساس نیازها آن‌ها به مهارت به منظور اشتغال است.

استان مرز باز: استان سیستان و بلوچستان با ۱۵۰۰ کیلومتر مرز آبی و خاکی، وسیع‌ترین استان مرزی کشور است. همین امر ماهیت استان را ماهیتی سیاسی-امنیتی کرده است.

صاحب کرانه تجاری: مرزهای طولانی در شرق و جنوب استان، آن را صاحب کرانه تجاری کرده، بر پایه همین دسترسی مرزی، استان سیستان و بلوچستان در مراحل اولیه توسعه قرار داشته و اقتصاد آن بر پایه تجارت شکل گرفته است.

میل بارز خدماتی: فقر مهارتی نیروی کار استان و نیز ساختار اقتصادی استان (تجارت رسمی و غیررسمی) موجب شده است که میل بارز نیروی کار در فعالیتهای خدماتی و آن هم خدمات ساده و فاقد مهارت باشد. آمارها نشان می‌دهد کارگر ساده بالاترین نسبت نیروی کار را در این استان به خود اختصاص می‌دهد.

تولیدکننده پول: انباشت سرمایه به دلیل تجارت مرزی، ترانزیت مواد مخدر و رونق بازار غیررسمی نسبت به سایر استان‌های توسعه نیافته بالاتر است. اما این انباشت سرمایه یا به سمت سایر شهرها از جمله تهران سرازیر می‌شود یا در فعالیتهای غیرتولیدی سرمایه گذاری می‌گردد. به بیان دیگر سیستان و بلوچستان در مقایسه با سایر استان‌های توسعه نیافته یکی از بالاترین نسبت‌های سپرده را داراست و مشکل اصلی در چگونگی گردش پول است، گردش پول و بکارگیری سرمایه در استان با مشکل مواجه است.

دارای شکاف قومیتی- مذهبی: بیشتر جمعیت استان اهل تسنن هستند، ۱۲۰۰ قبیله، طایفه و تیره در استان وجود دارد. برای نمونه از طایفه ریگی که یکی از بزرگترین طوایف بلوچ است، ۴۳ تیره منشعب می‌شود. تعدد اقوام و مذاهب در استان پدیده‌ای دو وجهی است هم دارای وجه مثبت است و هم منفی. وجه مثبت این پدیده را می‌توان در میل به همکاری درون قومی و انسجام درون قومی مشاهده نمود اما در وجه منفی چالش‌ها و تضادهای موجود در سطح جامعه است. در سال‌های اخیر سیاست‌ها و اقدامات دولت منجر به تشدید شکاف‌های قومی- مذهبی در استان شده است.

سازماندهی دولتی: ماهیت سیاسی-امنیتی استان منجر به سازماندهی دولتی شده است. آن بخش از جمعیت که در فعالیتهای دولتی مشغول به کار هستند دارای سواد و تخصص بوده و معمولاً از سایر استانها به این منطقه آمده اند. بومیان منطقه از سواد کافی برخوردار نبوده و اغلب در کارهای غیرقانونی یا مشاغلی که نیاز به تخصص ندارند مشغول به کارند. و افراد متخصص بومی نیز از فرصتهای برابر برای حضور در فعالیتهای دولتی برخوردار نیستند زیرا نگاه قومی-مذهبی عامل اصلی در انتصاب اشخاص بوده و شاید بتوان یکی از دلایل اصلی ناکارآمدی ادارات دولتی در استان است.

مرد محور: مقایسه نرخ مشارکت زنان و مردان در فعالیتهای اقتصادی نمایانگر مرد محور در بازار استان است، نرخ مشارکت مردان در فعالیتهای اقتصادی ۶۰ درصد و نرخ مشارکت زنان ۱۰ درصد است و شکافهای قومی-مذهبی در کنار پایین بودن سطح سواد از عوامل اصلی نرخ مشارکت پایین زنان در فعالیتهای اقتصادی-اجتماعی است. بالا بردن سطح آگاهی زنان به منظور آشنایی با حقوق شهروندی شان از نیازهای اساسی استان است زیرا تجربه نشان داده در جوامعی که زنان وارد فعالیتهای اجتماعی شده اند بسترهای توسعه سریع تر فراهم شده و به نتیجه مطلوب می رسد.

شکاف دانش- اشتغال: بیشترین نسبت باسوادان استان در مقاطع ابتدایی و راهنمایی جای می گیرند و نسبت نیروی کار متخصص در استان بسیار پایین است (۷ درصد دارای تحصیلات عالی هستند). بیشترین نیروی کار استان در گروه کارگران ساده در بخشهای عمده فروشی و خرده فروشی و حمل و نقل مشغول به کارند، این مشاغل فاقد مهارت بوده و نشان دهنده سطح مهارتی پایین نیروی کار استان است. نیروی انسانی متخصص در پایین ترین سطح اشتغال قرار دارد و بیان کننده شکاف دانش- اشتغال در استان است.

شاخص توسعه انسانی: به اعتبار شاخص توسعه انسانی می توان بیان داشت که استان سیستان و بلوچستان بیرون از مدار توسعه قرار دارد. شاخص توسعه انسانی مشتمل بر ۳ شاخص امید به زندگی، شاخص آموزش و شاخص درآمدی است که استان سیستان و بلوچستان پایین ترین حد شاخصهای مذکور را در بین ۳۰ استان کشور داراست. ناامنیهای موجود در استان بویژه در چند سال اخیر شرایط روحی و روانی ساکنان استان را به شدت تحت تاثیر قرار داده و به نظر می رسد این عامل در کنار مشکلات عدیده اقتصادی موجب تنزل شاخص توسعه انسانی در منطقه شده است.

شهر زاهدان

مناطق حاشیه نشین شهر زاهدان (محلات هدف طرح)، چسب شهر هستند و بسیاری از ویژگی‌های شهر را دارا می‌باشند، به همین دلیل در این بخش از گزارش، مروری بر شهر و تحلیل ساختار آن در جهت شناسایی مناطق هدف صورت گرفته است.

۱. پیشینه:

علت پیدایش شهر زاهدان را نه می‌توان مثل بسیاری از شهرها و آبادی‌های قدیمی ایران استقرار در کنار آب‌های روان و تولید کشاورزی دانست و نه می‌توان در امکان فراهم آوردن مازاد تولید غیرکشاورزی و مبادله و توزیع آن جستجو کرد. بلکه آنچه هسته اولیه زاهدان را پایه‌ریزی کرد مطامع دولت‌های استعماری خصوصاً انگلیس در بهره‌برداری از سرزمین هند بود. نیاز به وجود یک نقطه آباد که بتواند پایگاه مطمئن انگلستان در بخش شمالی بلوچستان باشد و در عین حال ارتباط با هند را میسر کند. پیش از این انتخاب دزدآب نقطه تلاقی راه‌های کاروان‌رویی بود که از سیستان و کرمان با هند ارتباط داشتند. همین محل تلاقی امتیاز خوبی بود که انگلیس می‌توانست از آن بهره‌برداری کند و آن را به یک مقر مطمئن برای خود تبدیل کند. پس از این انتخاب در خلال جنگ جهانی اول راه آهن کویته به دزدآب احداث گردید. اگرچه انگلستان از احداث این راه آهن اهداف دیگر را دنبال می‌کرد ولی کشیدن خط آهن امکان مبادله و روابط بازرگانی بین ایران و هند را تسریع کرد. به این ترتیب از همان ایام دزدآب به عنوان سرپل ورود و خروج کالا در بخش شرقی ایران اهمیت یافت و نقش خود را در این رابطه بازیافت.

با تشکیل دولت متمرکز نیاز به یک نقطه مقتدر به عنوان پایگاه اداری و سیاسی و اعمال سلطه نیروهای دولتی در منطقه، دزدآب مورد توجه حکومت ایران قرار گرفت و امکانات و خدمات دولتی در این منطقه متمرکز شد. بدنبال این نقش جدید در سال ۱۳۱۴ نام دزدآب به زاهدان تغییر یافت.

شهر زاهدان با کارکرد امنیتی، سیاسی و تجاری به جغرافیای سیاسی ایران پیوست. مرزی بودن شهر، اشتراکات فرهنگی با دو کشور افغانستان و پاکستان، پل ارتباطی غرب با شرق، خط ترانزیت کالا، مواد مخدر و ...، دسترسی به آب‌های آزاد از عواملی است که ماهیتی این چنینی برای شهر زاهدان رقم زده است.

۲. جایگاه شهر در استان:

موقعیت شهر زاهدان نیز همانند استان، مرزی است. شهرستان زاهدان در سال ۱۳۲۸ با چهار شهرستان دیگر (چابهار، ایرانشهر، زابل و سراوان) از استان کرمان و هرمزگان جدا شده و در سال ۱۳۳۵ استان سیستان و بلوچستان نام گرفت.

شهرستان زاهدان با سطحی حدود ۳۶۵۸۱ کیلومترمربع، در نیمه شمالی استان قرار دارد و ۲۱ درصد مساحت استان را به خود اختصاص داده است.

زاهدان، مرکز استان سیستان و بلوچستان است. این شهرستان دارای ۳ مرکز شهری، ۴ بخش، ۸ دهستان و ۱۰۱۲ آبادی دارای سکنه است. سه مرکز شهری عبارتند از سه شهر زاهدان، میرجاوه و نصرت آباد است.

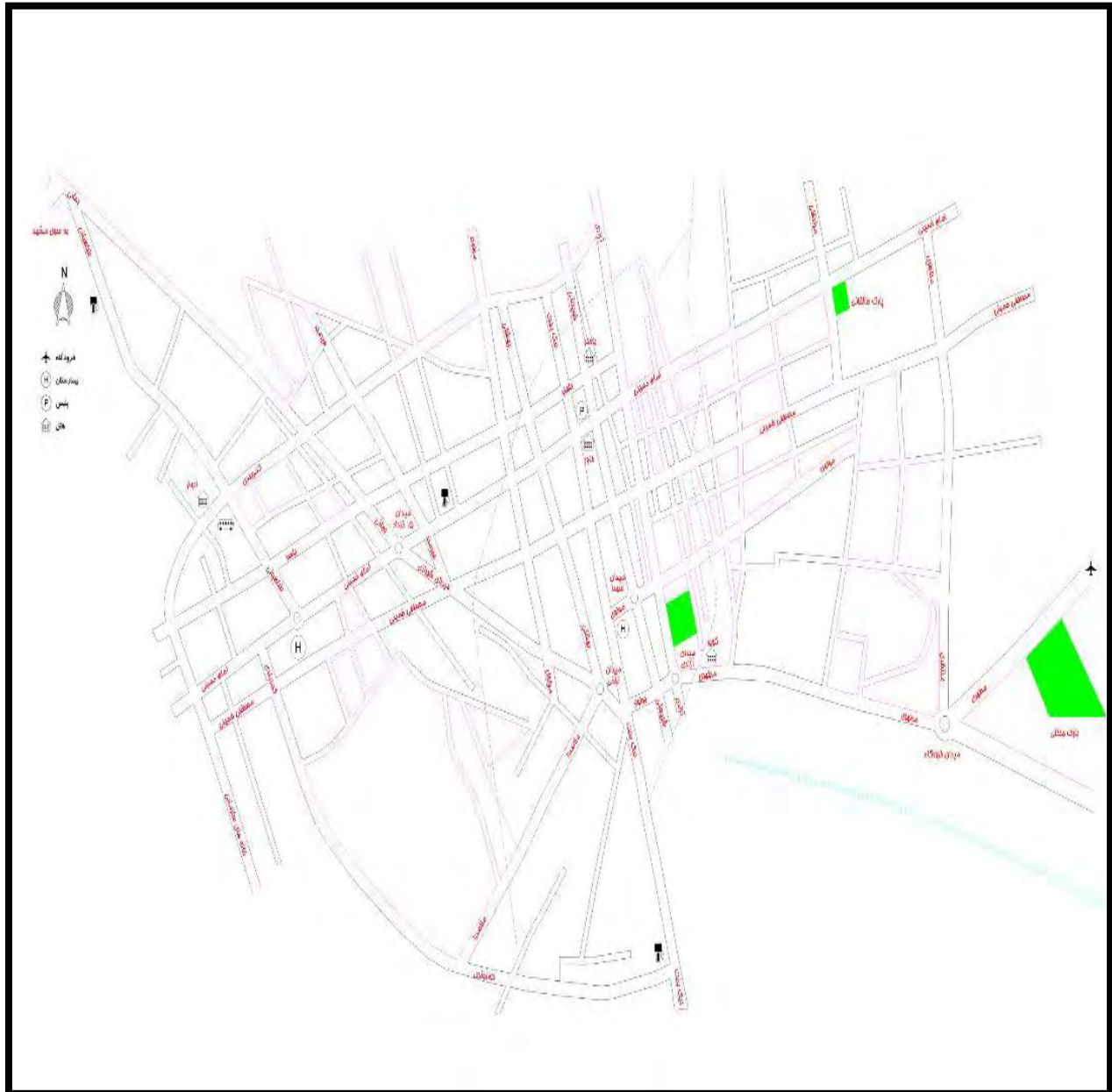
جمعیت شهرستان زاهدان ۶۸۱،۴۶۰ نفر است که ۲۸ درصد جمعیت استان را شامل می‌شود. تراکم نسبی جمعیت شهرستان ۱۸/۶ در کیلومتر مربع است اگرچه در مقایسه با کشور (۴۲/۸) این تراکم نسبتاً پایین است ولی نسبت به تراکم استان (۱۳/۲) بالاتر بوده و علت آن را می‌توان تمرکز نسبی امکانات در شهر دانست.

شهر زاهدان با ۵۶۷۴۴۹ نفر جمعیت، ۹۸ درصد ساکنان شهرستان زاهدان و ۲۳ درصد ساکنان استان سیستان و بلوچستان را در خود جای داده است. شهر دارای هویتی مرکب است و این هویت از مهاجرپذیری خارجی، ملی و درون استانی آن ناشی می‌شود. مهاجران افغان، پاکستانی و تاجیک ترکیب مهاجران خارجی شهر را تشکیل می‌دهند. همچنین مردمانی از شهرهای گرگان، یزد، کرمان و... جمعی از مهاجران ملی شهراند و نیز از سایر شهرهای استان به‌ویژه زابل شمار زیادی مهاجر در زاهدان ساکن‌اند. شهر زاهدان براساس تقسیمات شهری به سه بخش منطقه ۱، ۲ و ۳ تقسیم می‌شود.

گزارش نهایی طرح

توسعه مهارتهای پایه در سکونتگاههای غیررسمی شهر زاهدان

نقشه ۲. نمایی از شهر زاهدان



داده‌ها و شاخص‌های جمعیتی

علی‌رغم وسعت نسبتاً زیاد شهرستان در مقایسه با دیگر شهرستان‌ها (دومین شهرستان از نظر وسعت بعد از ایرانشهر) جمعیت در بخش نسبتاً محدودی از ناحیه استقرار یافته‌اند. نگاهی به نقشه ناحیه نشان می‌دهد که استقرار کانون‌های جمعیتی عمدتاً تحت تأثیر وضعیت جغرافیایی و توپوگرافی زمین و منابع حیاتی مثل آب بوده است. از لحاظ منابع طبیعی خصوصاً آب این ناحیه یکی از کم پتانسیل‌ترین نواحی استان است. به طور قطع این کمبود در شیوه تولید، ساختار اقتصادی و اجتماعی، گذران معیشت و نحوه استقرار کانون‌های جمعیتی نقش بسزایی داشته است.

جمعیت شهر زاهدان جوان است و بیشترین فراوانی جمعیتی شهر در گروه‌های سنی ۱۵ تا ۲۴ سال قرار دارد. پراکندگی جنسیتی جمعیت شهر زاهدان تقریباً برابر بوده و ۵۱ درصد جمعیت شهر را مردان و ۴۹ درصد آن را زنان تشکیل می‌دهند. توجه به جوانی جمعیت و توزیع جنسی آن، از الزامات تربیت نیروی انسانی کارآمد و ماهر است.

نیمی از جمعیت شهر را زنان تشکیل می‌دهند، سطح پایین سواد در بین زنان و تعصبات قومی و مذهبی از چالش‌های اساسی جامعه زنان است، به همین دلیل برنامه‌ریزی و سیاست‌گذاری در جهت مشارکت زنان در فعالیتهای اقتصادی و اجتماعی در جهت رشد و توسعه اقتصادی و فرهنگی جامعه ضروری است. ارتقاء سطح دانش بانوان جامعه، سرریزهای بسیاری را در سطح خرد (کانون خانواده) و کلان (جامعه) خواهد داشت که با در نظر گرفتن این ملاحظات گام‌های بلندی در جهت توسعه برداشته خواهد شد.

جدول شماره ۷. ترکیب جنسیتی جمعیت شهر

	جمعیت		
	زن	مرد	جمعیت
کشور	۳۴۶۲۹۴۲۰	۳۵۸۶۶۳۶۲	۷۰۴۹۵۷۸۲
	۰.۴۹	۰.۵۱	
استان	۱۱۸۴۵۰۲	۱۲۲۱۲۴۰	۲۴۰۵۷۴۲
	۰.۴۹	۰.۵۱	
شهر زاهدان	۲۷۵۸۷۴	۲۹۱۵۷۵	۵۶۷۴۴۹
	۰.۴۹	۰.۵۱	

بیشتر ساکنین این شهرستان مسلمان شیعه و سنی هستند. اکثر مردمان بومی زاهدان بلوچ‌اند که از مسلمانان اهل سنت هستند. تضادهای شدیدی که بین این دو گروه مذهبی وجود دارد یکی از چالش‌های اساسی شهر است که ناامنی‌هایی را در سطح جامعه ایجاد کرده است.

۷۷ درصد جمعیت زیر ۶ سال در شهر زاهدان باسوادند. ۵۵ درصد جمعیت باسواد را مردان و ۴۵ درصد آن را زنان تشکیل می‌دهند. با وجود آنکه آمار باسوادی و نرخ ثبت نام در مدارس در سال‌های اخیر افزایش یافته، اما همچنان نسبت بی‌سوادی در شهر بالاست.

جدول شماره ۸. وضع سواد جمعیت به تفکیک جنسیت

	باسواد			بی سواد		
	مرد و زن	مرد	زن	مرد و زن	مرد	زن
کشور	۵۴۰۸۲۱۸۴	۲۸۸۳۵۳۵۹	۲۵۲۴۶۸۲۵	۹۸۳۷۹۷۳	۳۶۵۸۸۶۱	۶۱۷۹۱۱۲
	۰.۸۵	۰.۵۳	۰.۴۷	۰.۱۵	۰.۳۷	۰.۶۳
استان	۱۳۷۸۵۴۸	۷۶۵۴۴۲	۶۱۳۱۰۶	۶۴۸۵۳۹	۲۶۳۱۱۴	۳۸۵۴۲۵
	۰.۶۸	۰.۵۶	۰.۴۴	۰.۳۲	۰.۴۱	۰.۵۹
شهر زاهدان	۳۶۸۶۹۹	۲۰۰۶۸۳	۱۶۸۰۱۶	۱۱۱۹۵۵	۴۶۳۲۷	۶۵۶۲۸
	۰.۷۷	۰.۵۴	۰.۴۶	۰.۲۳	۰.۴۱	۰.۵۹

با توجه به آمارهای کشوری نرخ بیکاری در شهر زاهدان بالاست. جوانی جمعیت شهر، نشان دهنده توان بالقوه نیروی کار برای شرکت در فعالیتهای اقتصادی است و این در حالی است که نرخ بیکاری شهر زاهدان ۱۵ درصد است، نرخ بیکاری بالای شهر اگرچه از نرخ بیکاری استان (۳۲٪) کمتر است ولی از نرخ بیکاری کشور (۱۳٪) بیشتر است. نیروی کار بی‌مهارت و کم مهارت یکی از اصلی‌ترین معضلات بازار کار شهر است که این امر منجر به عدم حضور شهر در تقسیم کار ملی است، به عبارت دیگر به رغم وجود ظرفیت و توان شهر در نقش پذیری در بخش حمل و نقل و ترانزیت، حضور فعال در این عرصه مشاهده نمی‌شود.

قاچاق کالا و مواد مخدر به عنوان تجارت غیررسمی و غیرقانونی سهم بالایی در اشتغال‌زایی دارد، کم توجهی در زمینه برنامه‌ریزی برای اشتغال جوانان و ارتقاء سطح کیفی نیروی کار، یکی از عوامل اصلی گرایش به این مشاغل و دسترسی به درآمدهای سهل‌الوصول است که جذابیت این فعالیت‌ها را بیشتر کرده است.

جدول شماره ۹. وضع فعالیت نیروی انسانی

کل										
جمعیت غیر فعال از نظر اقتصادی					جمعیت فعال از نظر اقتصادی				جمعیت	
سایر	دارای درآمد بدون کار	خانه دار	محصل	جمع	نرخ مشارکت	بیکار	شاغل	جمع	۱۰ ساله و بیشتر	
۳۳۸۹۱۱۳	۲۹۷۳۹۶۲	۱۶۰۵۷۴۳۷	۱۳۱۱۷۳۸۴	۳۵۵۳۷۸۹۶		۲۹۹۲۲۹۸	۲۰۴۷۶۳۹۵	۲۳۴۶۸۶۹۳	۵۹۵۲۲۷۴۷	کشور
					۰.۳۹	۰.۱۳	۰.۸۷			
۱۵۱۰۱۲	۶۴۶۶۴	۴۸۹۹۵۵	۴۰۹۰۳۱	۱۱۱۴۶۶۲		۱۹۶۳۷۹	۴۲۶۶۹۴	۶۲۳۰۷۳	۱۷۸۰۵۶۵	استان
					۰.۳۵	۰.۳۲	۰.۶۸			
۳۴۷۲۳	۱۲۸۷۴	۱۱۰۵۵۴	۱۰۵۰۳۸	۲۶۳۱۸۹		۲۳۰۷۱	۱۲۸۳۸۲	۱۵۱۴۵۳	۴۲۲۶۴۳	شهر زاهدان
					۰.۳۶	۰.۱۵	۰.۸۵			

نیروی کار بی مهارت و کم مهارت در توافقی ناگفته جذب بازار کار خدماتی شهر شده، نه تقاضایی در جذب نیروی کار ماهر است و نه عرضه‌ای در نیروی کار ماهر. نیروی انسانی دارای مهارت شهر نیز به دلیل فقدان فرصت‌های شغلی معمولاً مهاجرت کرده و در شهرهای دیگر اسکان می‌گزینند. همچنین بیشتر مشاغل دولتی و رده‌های بالای سازمانی به نیروی انسانی غیربومی سپرده شده است. این عوامل در کنار یکدیگر بازار ساده و پیشاصنعتی مبتنی به تجارت غیررسمی شهر و خیل بیکاران را رقم زده است.

جدول صفحه بعد وضع فعالیت اقتصادی را در بین جامعه زنان و مردان شهر نشان می‌دهد. همانگونه که مشاهده می‌شود نرخ مشارکت مردان در فعالیت‌های اقتصادی بسیار بیشتر از زنان بوده و اختلاف موجود با توجه به نسبت جنسیتی تقریباً برابر جمعیت شهر، قابل توجه است؛ ۶۰ درصد مردان و ۱۰ درصد زنان. به بیانی دیگر بازار کار شهر زاهدان مرد محور است. همانگونه که بیان شد افزایش نرخ مشارکت زنان، سرریزهای توسعه‌ای قابل اتکایی برای جوامع خواهد داشت که به این منظور آموزش مهارت‌های اجتماعی و دانش زندگی از اصول اولیه بالا بردن نرخ مشارکت زنان است. با بررسی تجارب توسعه می‌توان مشاهده کرد جوامعی که زنان توانمند و با سطح سواد بالاتر دارند و نسبت مشارکت زنان در فعالیت‌های اقتصادی، اجتماعی بالاست در روند توسعه نیز موفق‌تر بوده‌اند.

جدول شماره ۱۰. وضع فعالیت نیروی انسانی به تفکیک جنسیت

جمعیت ۱۰ ساله و بیش تر	جمعیت فعال از نظر اقتصادی				جمعیت غیر فعال از نظر اقتصادی			
	جمع	شاغل	بیکار	نرخ مشارکت	جمع	محصل	خانه‌دار	دارای درآمد بدون کار
مرد								
کشور	۳۰۲۴۴۲۷۰	۱۹۸۳۹۵۷۸	۱۷۶۹۴۵۲۱	۲۱۴۵۰۵۷	۱۰۱۷۹۴۶۶	۶۵۶۵۰۴۴	۵۹۸۵۲	۱۸۶۳۳۵۸
			۰.۸۹	۰.۱۱	۰.۶۶			
استان	۹۰۲۵۲۶	۵۳۲۰۹۴	۳۷۵۰۷۰	۱۵۷۰۲۴	۳۴۷۴۰۷	۲۲۳۰۸۳	۳۱۹۸	۳۸۲۹۶
			۰.۷۰	۰.۳۰	۰.۵۹			
شهر زاهدان	۲۱۶۸۳۴	۱۲۹۴۱۳	۱۱۱۶۰۴	۱۷۸۰۹	۸۳۴۳۲	۵۵۹۴۱	۸۲۰۶	۸۰۴
			۰.۸۶	۰.۱۴	۰.۶۰			
زن								
کشور	۲۹۲۷۸۴۷۷	۳۶۳۹۱۱۵	۲۷۸۱۸۷۴	۸۴۷۲۴۱	۲۵۳۵۸۴۳۰	۶۵۵۲۳۴۰	۱۵۹۹۷۵۸۵	۱۱۱۰۶۰۴
			۰.۷۷	۰.۲۳	۰.۱۲			
استان	۸۷۸۰۳۹	۹۰۹۷۹	۵۱۶۲۴	۳۹۳۵۵	۷۶۷۲۵۵	۱۸۵۹۴۸	۴۸۶۷۵۷	۲۶۳۶۸
			۰.۵۷	۰.۴۳	۰.۱۰			
شهر زاهدان	۲۰۵۸۰۹	۲۲۰۴۰	۱۶۷۷۸	۵۲۶۲	۱۷۹۷۵۷	۴۹۰۹۷	۴۶۶۸	۱۰۹۷۵۰
			۰.۷۶	۰.۲۴	۰.۱۱			

بخش‌های ساختمان، عمده فروشی- خرده فروشی و حمل و نقل، قطب‌های اصلی اقتصاد شهر (زاهدان) اند. و همچنین نیروی کار غیر ماهر در قالب کارگر ساده، کارورز خدماتی و صنعتگر محدود، میل‌های غالب اشتغال شهر به شمار می‌روند، که خدمات محور بودن فعالیت‌های اقتصادی را نشان می‌دهد. بازار شهر خدماتی ساده است. نیروی کار بی‌مهارت و بدون انگیزه، شاخصه اصلی بازار کار شهر زاهدان است. بخش قابل توجهی از نیروی کار شهر در بازار غیررسمی فعال است. خدماتی بودن و غیررسمی بودن فعالیت‌های اقتصادی موانع اساسی پیش‌روی تولید و توسعه در شهر است.

جدول شماره ۱۱. سهم گروه‌های شغلی در اشتغال شهر زاهدان (درصد)

کارکنان ساده	متصدیان	صنعتگران	کارکنان ماهر کشاورزی	کارکنان خدماتی	کارمندان	تکنسینها	متخصصان	
	۰.۱۲	۰.۲	۰.۱۶	۰.۱۳	۰.۰۴	۰.۰۵	۰.۰۹	کشور
۰.۱۵	۰.۱۴	۰.۱۵	۰.۱۷	۰.۱۱	۰.۰۳	۰.۰۴	۰.۱	سیستان و بلوچستان
۰.۲	۰.۱۶	۰.۱۵	۰.۰۱	۰.۱۵	۰.۰۴	۰.۰۵	۰.۱	شهر زاهدان

در بخش استان نیز اشاره شد که خدمات محور بودن در معنای عام، نشان از توسعه نیافتگی نیست، ولی در مورد زاهدان مطالعات بازار کار نشان می‌دهد خدمات، شامل خدمات غیرمولد و در سطح پایین است و علاوه بر فلج کردن تولید مولد، نیروی کار غیرماهر را به اشتغال در می‌آورد و باعث افول و رکود فعالیت‌ها و نیز افزایش نرخ بیکاری به ویژه در نیروی کار متخصص می‌شود.

✓ شهر در نمایش نزدیک

• اقلیم:

آب و هوای شهرستان زاهدان، بیابانی و گرم و خشک است که یکی از دلایل عدم رونق بخش کشاورزی در این شهر را می‌توان مشکلات آب و هوایی دانست، به گونه‌ای که سهم بخش کشاورزی در تولیدات شهر زاهدان نزدیک به صفر است. اما از سوی دیگر براساس ظرفیت‌های شهرستان زاهدان، تولید محصولات کشاورزی و صادراتی از قبیل خرما و انبه و فراوری این محصولات می‌تواند یکی از زمینه‌های توسعه بخش کشاورزی شهر زاهدان باشد، در بازار شهر زاهدان محصولات فراوری شده از قبیل سبزیجات، ترشیجات و ... که از خاش و زایل به زاهدان عرضه می‌شوند بسیار است و با ایجاد اشتغال در زمینه بسته بندی و فراوری این محصولات علاوه بر خوداتکایی باعث رشد بخش کشاورزی در این شهر نیز می‌شود.

• شهر مرزی:

شهر زاهدان مرزی است و بازار مرزی میرجاوه در نزدیکی شهر قرار دارد. شهر به دلیل موقعیت ترانزیتی که دارد و نیز دسترسی به بازارچه مرزی میرجاوه و مجاورت با مرز پاکستان و نزدیکی به مرز افغانستان همواره از معابر ورود و خروج قانونی و غیر قانونی کالا از مرزهای شرقی و جنوب شرقی بوده است و این امر موجبات شکل‌گیری بخش خدمات

شهر و نیز مشاغل کاذب شهر را فراهم کرده است و زمینه ساز افول سایر بخش‌های فعالیت اقتصادی بوده است. همانگونه که اشاره شد، بخش حمل و نقل و خرده فروشی و عمده فروشی در شهر زاهدان بیشترین درصد شاغلان را به خود اختصاص داده است و قطب‌های اقتصادی استان را تشکیل می‌دهند. این در حالی است که موقعیت ترانزیتی می‌تواند به عنوان یک مزیت بالقوه شهر مورد نظر قرار گرفته و موجبات توسعه تولید و ایجاد اشتغال مولد را فراهم آورد.

• خط ترانزیت:

زاهدان نیز همانند استان سیستان و بلوچستان دارای **کرانه تجاری** بوده و در مرحله پیشاصنعتی قرار دارد. ماهیت تجاری منطقه کاربردی دو وجهی برای شهر ایجاد کرده است که ترانزیت کالا و مواد مخدر هر دو در آن صورت می‌گیرد. استفاده مناسب از قابلیت ترانزیتی شهر برای دسترسی به بازارهای مجاور به منظور صادرات کالاهای تولیدی داخل باید مورد توجه واقع شود. از سویی دیگر برنامه‌ریزی به منظور ایجاد زمینه رشد و توسعه صنعتی استان و شهر زاهدان با توجه به وجود شهرک‌های صنعتی در این منطقه، نیروی کار قابل توجه و نزدیکی به بازارهای خارجی و توانایی بالقوه منطقه در جذب قاچاق کالا و مواد مخدر الزامی است، افزایش سهم صنعت و صنایع پشتیبان تولید صنعتی در این منطقه، از جمله راه‌های توسعه و بهره‌برداری بهینه از ظرفیت‌های منطقه است.

• بخش‌های اقتصادی:

همانگونه که پیشتر نیز بیان شد، استان سیستان و بلوچستان و شهر زاهدان در دوره **پیشاتوسعه** هستند. یک تلقی رایج بین سیاستگذاران و برنامه‌ریزان این است که توسعه را تنها به معنای صنعتی شدن می‌دانند و همواره اولین گام‌ها در جهت توسعه منطقه‌ای ایجاد صنایع و شهرک‌های صنعتی بوده، این در حالی است که در مناطق مختلف کشور بارها تجربه شده که وجود صنایع نتوانسته توسعه و رشد را در منطقه ایجاد کند و تنها بخشی از منابع ملی اتلاف شده‌اند. زاهدان نیز از این جرگه جدا نمانده و با وجود شهرک‌های صنعتی، بخش صنعت در این منطقه (استان و شهر) غیرفعال بوده و بازدید از شهرک صنعتی میرجاوه، تأییدی بر این ادعاست- تقریباً تمامی کارخانه‌ها و کارگاه‌های موجود در این شهرک صنعتی ورشکسته و یا در آستانه ورشکستگی هستند-. اگر سیاستمداران توان ترانزیتی منطقه را به رسمیت بشناسند و برنامه‌های توسعه‌ای منطقه را بر آن اساس تدوین کنند، با تأکید بر بخش حمل و نقل و موقعیت جغرافیایی ویژه استان، می‌توانند بخش خدمات مولد را توسعه دهند. از عوامل مورد نیاز برای شکل‌گیری بخش خدمات مولد، نیروی انسانی آموزش دیده و ماهر در این زمینه است. با توجه به اینکه نیروی کار منطقه بی‌مهارت و ساده است، لزوم آموزش و برنامه‌ریزی آموزشی برای آن به شدت احساس می‌شود.

همانگونه که بیان شد **خدمات، بخش مسلط اقتصاد شهری** است و این بخش در پیوندهای پیشینی با دو بخش صنعت و کشاورزی قرار نداشته و اقتصاد شهر به شکل **آنسفال** خدمات درآمده است. با وجود ۳۰۳ واحد صنعتی در شهر و نیز ۳ شهرک صنعتی تقریباً همه ظرفیت صنعتی شهر غیرفعال است. ورود بیش از حد و غیرقانونی کالای بی-کیفیت خارجی موجب فلج شدن تولید داخلی بویژه تولید در امتداد مرزها شده است. بازارهای زاهدان مملو از کالایی

است که جایگزین داخلی دارند ولی نظارت بر ورود به دلیل گستردگی مرزها بسیار نامطلوب است. شاید بتوان گفت که عامل اصلی در شکل‌گیری صنعت خاموش شهر فقدان نیروی کار ماهر در سمت عرضه نیروی کار است. همچنین بی-توجهی اداره صنایع استان به این کمبود دانست. رخوت در اداره صنایع استان کاملاً مشهود است، به عنوان نمونه در مراجعه به اداره صنایع به منظور جلب همکاری آموزشی در طرح، با عدم تمایل مدیران این اداره به آموزش و برنامه‌ریزی آموزشی که نتیجه آن در صنایع رو به زوال و ورشکسته شهر متبلور شده است، مواجه شدیم. تولید بخش کشاورزی شهر صفر است و این بخش در اقتصاد شهر کاملاً غیرفعال است. و بخش خدماتی که در شهر وجود دارد در خدمت تولید صنعت و کشاورزی نیست. نیروی کار بی‌مهارتی که بیشترین سهم را در دو فعالیت حمل و نقل و عمده فروشی و خرده فروشی دارند، نماد اصلی بخش خدمات غیرمولد شهر است.

براساس توافق نانوشته‌ای که در بازار کار شهر قابل مشاهده است و نیز با بررسی‌های صورت گرفته در مراکز کارایی تأیید شد، عرضه و تقاضای نیروی کار بیشتر از همه گروه‌های شغلی، حول کارگران ساده خدماتی است. به این ترتیب که عرضه کارگر ساده ۹۳ درصد بوده در حالی که تقاضای نیروی کار خدماتی ساده که تحقق یافته ۹۷ درصد است. به عبارت دیگر نه نیروی کار ماهر در بین کارجویان وجود دارد و نه تقاضایی برای نیروی کار ماهر است.

• جمعیت مرکب و تعدد فرهنگی:

رشد جمعیت در شهر، رشدی فواره‌ای است، مهاجرت برون مرزی، بین استانی و درون استانی به همراه عقاید قومی که بر تعداد زیاد فرزندان تأکید دارد، منجر به رشد بالای جمعیت شده است.

قابلیت مهاجرپذیری شهر، ماهیتی مرکب را برای آن ایجاد کرده است؛ خراسانی، بیرجندی، مشهدی، یزدی، اصفهانی و گرگانی بیشترین نسبت مهاجران شهر را تشکیل می‌دهند. افغان‌ها، پاکستانی‌ها و تاجیک‌ها ترکیب مهاجران برون مرزی است. این تنوع قومی و نژادی منجر به ایجاد چالش‌ها و تضادهای قومی-مذهبی در شهر زاهدان شده است. نمود بارز این تقابل‌ها بویژه از دیوارهای شهر ملموس است. سطح پایین سواد در شهر و تعصبات شدید بین قومی را می‌توان عامل تشدید این تضادها دانست، به عبارت دیگر هرچه آگاه‌سازی‌ها و آموزش بیشتر شود، می‌توان انتظار کاهش تضادها را داشت.

تعصبات شدید قومی-مذهبی اثرات دیگری نیز در زندگی اجتماعی شهر داشته که عدم مشارکت زنان در فعالیت‌های اقتصادی و اجتماعی و محدود بودن زنان به خانه‌داری یکی از آثار آن است. این تعصبات شدید همچنین مانع اصلی پیش روی تحصیل زنان است.

• مرد محوری:

بازار مردانه شهر و نرخ مشارکت پایین زنان در فعالیت‌های اقتصادی از ویژگی‌های دیگر زاهدان است. با وجود اینکه زنان نیمی از جمعیت شهر را تشکیل می‌دهند تنها ۱۱ درصد در فعالیت‌های اقتصادی مشارکت دارند. توانمندسازی زنان از راه‌های کاهش شکاف موجود بین نرخ مشارکت مردان (۶۰ درصد) و زنان است. عدم توجه به آموزش زنان در کنار

عقاید افراطی مذهبی و قومی که خود نشأت گرفته از ناآگاهی افراد است موجبات این کاستی‌ها را فراهم کرده، این در حالی است که در مراحل مختلف طرح میل مشارکت زنان بیش از مردان بوده است.

با وجود پیشرفت‌های چشمگیر آموزشی زنان در کشور، در زاهدان به دلایل مختلف (عقاید قومی، مذهبی و بی‌توجهی به آموزش زنان و نگاه به زنان به عنوان شهروند درجه دوم) این تحولات صورت نگرفته است. در میان قوم بلوچ که درصد بالایی از جمعیت شهر زاهدان را تشکیل می‌دهند به نوزاد دختر نگاه منفی وجود دارد، به گونه‌ای که در زبان محلی به دختران سیاه سر می‌گویند و برای بسیاری از دختران در هنگام تولد شناسنامه و کارت هویت تهیه نمی‌شود که این نشاندهنده بی‌توجهی به فرزندان دختر است.

• آموزش:

نرخ بالای بی‌سوادی (۲۳ درصد) در کنار نیروی کار جوان و بی‌مهارت شهر (بیشترین نیروی کار شاغل شهر با نرخ ۲۰ درصد در گروه کارگران ساده قرار دارد)، نشان‌دهنده شکاف دانش و اشتغال در سطح نیروی انسانی شهر است. با توجه به مطالب فوق و دسترسی آسان به درآمدهای سهل الوصول قاچاق مواد مخدر و کالا از طریق مرزهای شهر لزوم تجهیز نیروی کار به منظور دوری از این منابع وجود دارد.

شهر زاهدان مرکب از دو بخش رسمی و غیررسمی است که در این میان بخش غیررسمی فعال‌تر از بخش رسمی است. برای گذار از وضع موجود و رسیدن به وضع مطلوب که همانا توسعه بخش رسمی است لازم است که ذخیره دارایی افراد افزایش یابد و افراد به نوعی مجهز به دارایی (مهارت) شوند. زیرا نیروی کار بی‌مهارت عامل اصلی شکل‌گیری بخش غیررسمی گسترده در شهر است و به منظور الحاق تدریجی این بخش به بخش رسمی می‌بایست نیروی کار را در بخش رسمی به کار گرفت.

• تسهیلات عمومی:

در زمینه امکانات فرهنگی، ورزشی و آموزشی محدودیت‌های ویژه‌ای در زاهدان وجود دارد و به رغم رشد بالای جمعیت، امکانات شهری در نازل‌ترین حد ممکن طراحی شده‌اند. برای نمونه ۳ کتابخانه در شهر موجود است: کتابخانه سازمان برنامه و بودجه، تخصصی، کامل و با دسترسی محدود، کتابخانه اداره ارشاد با دسترسی محدود و همچنین کتابخانه دانشگاه با دسترسی خاص. کتابخانه عمومی که دسترسی آزاد داشته باشد و امکان استفاده عمومی از آن باشد، در شهر وجود ندارد. همچنین هیچ قرائت‌خانه برای استفاده عموم در شهر مشاهده نمی‌شود. زاهدان دو سینما دارد که هر دو تعطیل‌اند. کیوسک روزنامه فروشی بسیار محدود و شاید دو کیوسک در شهر وجود دارد، روزنامه‌هایی که به شهر می‌رسند فاصله زمانی داشته و به روز نیستند.

امکانات تفریحی و ورزشی شهر بسیار محدود است، هیچ ورزشگاهی در شهر وجود ندارد. در هیچ رشته ورزشی تیم و یا فرد مطرح در سطح کشور از استان سیستان و بلوچستان و شهر زاهدان وجود ندارد. حتی کمتر مشاهده می‌شود که کودکان و نوجوانان مشغول بازی فوتبال یا سایر ورزش‌ها در کوچه و خیابان باشند.

سازمان فنی- حرفه‌ای و آموزشگاه‌های آزاد نهادهای آموزشی شهر هستند. علی‌رغم تعدد آموزشگاه‌های آزاد فنی- حرفه‌ای و امکانات به نسبت مطلوب اداره فنی- حرفه‌ای، آموزش‌ها کیفی نبوده و بیشتر آموزش‌ها کلاسیک است. صنوف و بخش خصوصی به بی‌کیفیت بودن آموزش‌های فنی- حرفه‌ای و مهارت آموزان این سازمان اذعان دارند. برغم وجود ظرفیت‌های آموزشی صنوف، مسئله آموزش نیروی کار تقریباً در هیچ یک از صنوف به عنوان پیش نیاز اشتغال مطرح نیست، صاحبان صنوف بدون برنامه‌ریزی به منظور ارتقای سطح کیفی نیروی کار تنها از بی‌مهارتی آن‌ها گله می‌کنند.

نهادهای شهری زاهدان شامل شهرداری، شورای شهر و شورایی‌هاست. شهرداری از نظر ساختاری سازمان نیافته بوده و با تغییرات پیاپی شهردار مواجه است. شورای شهر کارنامه نسبتاً مطلوبی داشته و به عنوان نهاد رسیدگی کننده به مشکلات مردم در حد متوسط به مسائل و مشکلات پرداخته و عملکرد متوسطی دارد و توانسته رضایت مردم را جلب کند. شورایی‌ها نهادی تازه تأسیس است و به منظور بررسی عملکرد به زمان نیاز دارد.

از آنجا که تجارت بخش اصلی فعالیت اقتصادی زاهدان است، آشنایی با بازار برای شناخت شهر نیاز است. دو بازار نسبتاً متشکل چهارراه رسولی و بازار مسقف سنتی در شهر وجود دارد، و نیز دو بورس موبایل و لوازم یدکی در شهر زاهدان وجود دارد که ظاهری نسبتاً منسجم به بازار شهر داده است.

ادارات دولتی از کم‌بازده‌ترین بخش‌های بازار کار است، ساعات کار اداری در شهر زاهدان ۷-۱۴ بعدازظهر است. در مجموع فعالیت در شهر بین ساعات ۶ صبح تا ۱۴ بعدازظهر است، در بین ساعات ۱۴-۱۷ شهر کاملاً تعطیل است و در باقی ساعات روز نیز شهر نیمه تعطیل و کم تحرک است، به عبارتی بیشتر ساعات روز افراد بیکارند.

• خط طولی دانشگاه‌ها:

خیابان دانشگاه، نام خیابانی است که در آن دانشگاه دولتی، آزاد و پیام نور زاهدان در امتداد هم قرار دارند، و امکانات محدود فرهنگی از قبیل چاپ و نشر، کافی نت و ... به حالت جزیره‌ای در آن تجمیع شده‌اند. در سطح شهر زاهدان نمی‌توان امکانات مذکور را مشاهده کرد و این خیابان به گونه‌ای فوق بافت شهر شکل گرفته و به نوعی از بافت فقیر و محروم شهر جدا افتاده است.

• ماقبل مدنیت:

شهر زاهدان ماقبل مدنیت است، عدم اعتنا به برنامه‌های توسعه فرهنگی در شهر از دلایل اصلی این مهم است. فقدان سینما، تئاتر، فرهنگسرا، پاتوق، کافی شاپ و در مجموع محل‌های کلاسیک فکر و هم اندیشی از نشانه‌های ماقبل مدنیت بودن شهر است. در سطح شهر هیچ NGO فعالی مشاهده نمی‌شود. در حالیکه توسعه فرهنگی جوامع بر حول این محورها قرار دارد.

درک و دریافت‌های کلیدی از شهر:

✓ جمعیت مرکب:

مهاجران قطب‌های اقتصادی شهر را تشکیل می‌دهند. مهاجران بیرجندی، کرمانی، یزدی و ... بخش اعظم جمعیت مهاجران را شامل می‌شوند.

✓ پایین بودن سطح انتظارات:

غالب افراد جامعه به سطح زندگی فعلی خود قانع بوده و هیچ تلاشی برای بهبود کیفی زندگی خود در سطح اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی نداشته و میل غالب به حفظ وضعیت موجود است. و این میل به فقر نهادینه شده در ذهن افراد باز می‌گردد.

✓ جامعه رخوت دار:

جامعه رخوت‌دار، بی انگیزه، بی مهارت و به دور از امکانات توسعه‌ای به همراه محرومیت ناخواسته، نمودهای فقر همه جانبه در زیست شهر زاهدان است. فقر مادی، فرهنگی، مهارتی همواره همراه مردمانی است که فقر را همزاد خود می‌دانند و تلاشی برای خروج از آن نمی‌کنند. در این میان کسی هم به فکر تلنگر زدن بر باورهای این افراد نیست، باورهایی که به غلط و با بی‌توجهی‌های دولت‌های مرکز در طول سالیان، در این مردم ایجاد شده و باید تغییر کند.

گام اصلی در جهت شکستن و تغییر باور فقر، آموزش است. آموزش دانش زندگی، آشنایی

افراد با حقوق شهروندی و

توجهات اساسی

در مجموع می‌توان بیان داشت که نیازهای مشترکی بین شهر و استان وجود دارد که لازم است در جایگاه ویژه‌ای مورد بررسی قرار گیرند. و نیز برای پیشبرد اهداف طرح منطقه کمک کارهایی را در اختیار قرار می‌دهد و به عنوان نقاط قابل اتکا می‌توان از آن‌ها استفاده کرد، در ادامه این دو دسته نیاز و قابلیت برشمرده می‌شود.

نیازهای مبرم مشترک استان و شهر

❖ **توسعه چند وجهی:** همواره یکی از حلقه‌های مفقوده توسعه، توسعه همه جانبه اقتصادی، فرهنگی، اجتماعی و سیاسی بوده است، و توسعه به اشتباه تنها در رشد بخش‌های اقتصادی معنا یافته است در حالی که از نیازهای اساسی کشور و استان توسعه همه‌جانبه و چندوجهی است. شاخص توسعه انسانی به عنوان معیاری برای سنجش جایگاه توسعه چندوجهی قابل استناد است که بر اساس این شاخص استان سیستان و بلوچستان کمترین میزان HDI را در مقایسه با سایر استان‌های کشور داراست. در کشور توسعه منطقه‌ای و محلی نقش انکارناپذیری در روند توسعه انسانی در ابعاد ملی ایفا می‌کند. و پایداری توسعه انسانی تا حدود زیادی بستگی به آثار و پیامدهای توسعه در بین گروه‌های منطقه‌ای و محلی دارد. استان سیستان و بلوچستان کمترین میزان شاخص توسعه انسانی را در بین استان‌های کشور داراست. به منظور بهبود این شاخص تمرکز بر متغیرهای اقتصادی، آموزشی و بهداشتی اجتناب ناپذیر است.

❖ **تخفیف دو کانون تنش قومیتی-مذهبی:** تخفیف تنش‌های قومی و مذهبی از مجرای ایجاد گفتمان مشترک قومی و مذهبی باید در صدر برنامه‌های توسعه‌ای منطقه قرار گیرد زیرا در صورت وجود این تنش‌ها تلاش‌های صورت گرفته به نتیجه نرسیده و گاه در جهت عکس، باعث تشدید تضادها می‌شود. همانگونه که در چند سال گذشته غلفت از این تضادها، جنگ‌های قومی-قبیله‌ای با هزینه‌های بالای اقتصادی و اجتماعی استان را در پی داشته است.

❖ **موازنه توسعه و امنیت:** همانگونه که پیش‌تر ذکر شد ماهیت استان، ماهیتی سیاسی-امنیتی است و توسعه اقتصادی در استان بدون توسعه سیاسی-امنیتی امکانپذیر نیست، به همین منظور توسعه استان بطور اجتناب ناپذیر باید در موازنه بین امنیت و اقتصاد صورت گیرد.

❖ **انتقال آرام از تجارت و خدمات به تولید:** استان سیستان و بلوچستان ماهیتی تجاری داشته و اقتصاد آن بر مبنای دو بخش تجارت رسمی و غیررسمی شکل گرفته است. براساس شاخص توسعه صنعتی، استان رتبه ۳۰ را در بین ۳۰ استان کشور به خود اختصاص داده است و بخش کشاورزی استان نیز به دلایل متعددی از جمله اقلیم نامناسب غیرفعال است. فقدان نیروی کار ماهر و حجم عظیم نیروی کار بی‌مهارت در گروه کارگران ساده و ... عامل تعیین کننده‌ای در گسترش بخش تجارت و خدمات رسمی و غیررسمی بوده است. تقویت بخش‌های تولیدی (صنعت و کشاورزی) و توجه به تولید، تأکید بر تربیت نیروی کار مهارت دیده در جهت انتقال تدریجی از تجارت و خدمات به تولید باید در دستور کار سیاستگذاران و برنامه‌ریزان قرار گیرد.

❖ **کاهش شکاف دانش و اشتغال:** میانگین سطح سواد در منطقه، برای مردان راهنمایی و برای زنان ابتدایی است، بر این اساس سطح سواد در استان پایین است و فقر دانش و مهارت در بازار کار به وضوح قابل مشاهده است، کارگر ساده بیشترین سهم را در گروه‌های شغلی به خود اختصاص داده و عمده فروشی و خرده فروشی و حمل و نقل نیز گروه‌های اصلی فعالیت در استان است، به عبارت دیگر، براساس توافق ناگفته‌ای در سمت عرضه و تقاضای بازار کار وجود دارد میل اصلی فعالیت و قطب‌های اقتصادی استان در گروه‌هایی است که بی‌نیاز از مهارت بوده و با ویژگی‌های نیروی کار استان مطابقت دارد. استفاده کارا از امکانات آموزشی دولتی استان نظیر اداره فنی - حرفه‌ای و تأکید این سازمان بر بالا بردن سطح آموزش‌ها و کاربردی کردن آموزش‌ها و فاصله از آموزش کلاسیک، و نیز برنامه‌ریزی‌های آموزشی در جهت مهارت‌های مورد نیاز بازار کار از راه‌های تقلیل شکاف دانش و اشتغال است.

❖ **تقلیل فواصل جنسیتی:** به رغم اینکه زنان نیمی از جمعیت استان را تشکیل می‌دهند، به عنوان شهروند درجه دو با آن‌ها برخورد می‌شود و نگاه جنسیتی در استان نگاه مسلط است. باورهای قومی - مذهبی در کنار سطح سواد پایین و فقدان مهارت زنان و نیز عدم مشارکت آن‌ها در فعالیت‌های اقتصاد از عمده‌ترین دلایل فواصل جنسیتی است که باید با آموزش این خالها پر شود. آموزش مهارت‌های پایه و مکمل از نیازهای اساسی جامعه زنان در استان است و به دنبال آن ایجاد فرصت‌ها و امکانات آموزشی با در نظر گرفتن تنگناهای زنان در منطقه (نمی‌توانند از محل زندگی خود فاصله زیادی بگیرند و...) باید مورد توجه قرار گیرد.

کمک کارهای منطقه

در راستای تحقق اهدافی که در قسمت قبل به آن‌ها اشاره شد، منطقه کمک کارهایی را در اختیار قرار می‌دهد و به عنوان نقاط قوت استان و شهر قابل اتکاست که عبارتند از:

✓ **جامعه جوان:** میانگین سنی جمعیت استان، ۲۱/۴۷ سال است. جوانی جمعیت یکی از کمک کارهای منطقه است، جمعیت جوانی که در آستانه ورود به بازار کار است و به دنبال تغییر در محیط زندگی خود است. پتانسیل بالای جوانان و میل به تغییر از قابلیت‌هایی است که به منظور موفقیت در طرح لازم است مورد توجه قرار گیرد.

✓ **میل همکاری درون قومی:** مجموع ۱۲۰۰ طایفه، قبیله و تیره جمعیت استان سیستان و بلوچستان را تشکیل می‌دهد. همانگونه که پیش‌تر بیان شد تنش‌های قومی- مذهبی، پدیده‌ای دوجبه‌ای است که وجه مثبت آن همکاری‌های درون قومی است، پیوندهای محکم درون قومی به عنوان عنصر اتحاد اقوام می‌تواند موتور محرکه‌ای در پیشبرد فعالیت‌های توسعه‌ای ایفای نقش کند.

✓ **میل مشارکت ویژه زنان:** مشاهدات میدانی و مواجهه جامعه محلی با طرح نشان داد که زنان میل بالایی برای مشارکت در فعالیت‌های اقتصادی و اجتماعی دارند، متأسفانه زمینه‌های اجتماعی و فرهنگی فعالیت این بخش از جمعیت وجود ندارد. به عنوان مثال بانوان برغم تمایل به شرکت در دوره‌های آموزشی با محدودیت‌های ویژه‌ای که تا حد زیادی ناشی از تعصبات قومی- مذهبی و عدم آگاهی در سطح منطقه است، نمی‌توانند در این دوره‌ها شرکت کنند. به فعلیت تبدیل کردن میل مشارکت زنان می‌تواند عامل مهمی در توسعه فرهنگی- اجتماعی منطقه باشد.

✓ **عنصر معتمد- ریش سفید:** ساختار طایفه‌ای، تنوع قومیتی و وجود تضاد و تنازعات قومی که نیاز به یک جمع کننده را می‌طلبد، باعث شده تا فرد معتمد و ریش سفید به عنوان عنصری تأثیرگذار در منطقه مطرح باشد. در همین راستا به منظور پیشبرد برنامه‌ها و دستیابی به اعتماد محلی فرد معتمد و ریش سفید به عنوان شاه‌راهی مطرح است و بدون گذر از این راه امکان جلب همکاری محلی بسیار کم است.

✓ **دیدگاه مذهبی:** اعتقادات مذهبی و پایبندی به اصول مذهب از نقاط مثبت منطقه است، از سوی دیگر افراطی- گری‌هایی در زمینه عدم فعالیت زنان در منطقه که برگرفته از آموزه‌های مذهبی است تا حدود زیادی مانع مشارکت زنان در فعالیت‌های اجتماعی و اقتصادی شده است.

✓ **پیشینه و تجارب توانمندسازی:** منطقه دارای سابقه یک دهه‌ای در برنامه‌های توانمندسازی است و از معدود مناطق کشور است که تجربه برنامه‌های توانمندسازی نهادهای بین‌المللی (سازمان ملل، بانک جهانی) را دارد و به رغم شکست برخی برنامه‌ها مواجه با طرح به دلیل پیشینه اجرای سایر برنامه‌ها مثبت بوده و به عنوان نقطه قوت

گزارش نهایی طرح

توسعه مهارت‌های پایه در سکونتگاه‌های غیررسمی شهر زاهدان

منطقه می‌توان برشمرد. از سرریزهای پیشینه طرح‌های توانمندسازی می‌توان به نیروهای رشد یافته در روند طرح-های قبلی یاد کرد که شهردار محله‌ها، رابطین بهداشت، NGOهای فعال، مولوی‌ها از جمله این نیروها هستند که می‌توانند همیاران و همکاران هر طرح توانمندسازی که در منطقه اجرا می‌شود باشند.

و در مجموع . . .

جامعه مورد بررسی، جامعه‌ای است که :

- **آنسفال‌ی بخش خدمات (خدمات بیش از اندازه بزرگ، بدون حلقه پیشینی به تولید**

صنعتی و کشاورزی) در آن کاملاً مشهود است. عامل اصلی این نقیصه نیروی کار

غیرماه‌ر و فقدان مهارت است.

- **جامعه بی‌مهارت که کارگران ساده بیشترین سهم را در گروه شغلی داشته و حمل**

و نقل و عمده فروشی و خرده فروشی بالا‌ترین نسبت گروه‌های فعالیت را داراست.

- **نرخ مشارکت ۱۰ درصدی در نی‌می از جمعیت منطقه یعنی زنان، به همراه نرخ بیکاری**

بالا در جمعیت که با توجه به جوانی آن، بحران در جامعه زنان و جوانان را نشان می‌دهد.

براین اساس نیاز اساسی به توانمندسازی با تأکید بر زنان و جوانان وجود دارد. توانمندسازی از

طریق آموزش مهارت‌های اجتماعی و فنی، موجب ایجاد ذخیره دارایی برای زنان و جوانان و نیز

خوداتکایی آنان در ایجاد کسب و پیشه می‌شود.

طرح توسعه مهارت‌ها با هدف فعال شدن در شکاف‌ها و نیازهای منطقه به محل گام نهاده

است.

براین اساس هدف اصلی طرح، توانمندسازی جامعه محلی به منظور ارتقا معیشت و بهبود

محیط زندگی است. جامعه مورد نظر طرح را می‌توان آسیب‌پذیرترین منطقه استان و شهر

گزارش نهایی طرح

توسعه مهارت‌های پایه در سکونتگاه‌های غیررسمی شهر زاهدان

دانست. مناطق حاشیه نشین شهر زاهدان محروم‌ترین در میان محرومان شهر هستند و همچنین

تأکید طرح بر دو قشر آسیب پذیر از میان ساکنان محلات یعنی زنان و جوانان است.

توانمندسازی از طریق مجهز کردن افراد به دارایی، تحقق می‌یابد. ایجاد ذخیره دارایی برای

جامعه هدف (زنان و جوانان) از طریق آموزش مهارت‌های مکمل و فنی امکانپذیر است. با این

هدف که افراد پس از کسب مهارت‌های مذکور قادر به ایجاد کسب و پیشه شوند.

فصل ششم؛

گزارش تحلیلی

وضعیت کالبدی، اقتصادی،

اجتماعی و فرهنگی سکونتگاه‌ها

پیش از متن

در سال ۱۹۵۰، یک سوم جمعیت جهان در شهرها زندگی می‌کردند. پس از نیم قرن، این نسبت به یک دوم افزایش یافت و بنابر پیش‌بینی‌های صورت گرفته، در سال ۲۰۵۰ به دو سوم خواهد رسید که تمام این افزایش، در کشورهای در حال توسعه رخ خواهد داد. بطوری که شهرها و شهرک‌های این کشورها، جمعیتی بیش از دو برابر جمعیت کنونی خود را خواهند داشت. (The Un-Habitat, ۲۰۰۳ strategic vision)

یکی از دلایل رشد روزافزون جمعیت شهرها در کشورهای در حال توسعه، وجود پهنه‌های نوظهوری است که بطور غیررسمی در داخل و یا پیرامون محدوده قانونی شهرها پدید آمده‌اند. از این پهنه‌ها، با عنوان «سکونتگاه‌های غیررسمی»^{۴۵} یاد می‌شود. سکونتگاه‌های حاشیه شهر، از مدت‌ها قبل در جهان شکل گرفته‌اند و از وجودشان در جوامع کهنسال نیز یاد شده است. بطوری که «انگلس»^{۴۶}، یکصد سال پیش به وجود چنین زاغه‌هایی در انگلستان اشاره و آنها را ناشی از انقلاب صنعتی می‌داند. (زنگی آبادی، ۱۳۸۴) اما بروز این پدیده به شکل گسترده امروزی آن، ناشی از تغییر در روابط و مناسبات سنتی انسان بوده که با ورود سرمایه‌داری به دومین مرحله خود، یعنی سرمایه‌داری صنعتی، عینیت بیشتری یافته است.

شکل‌گیری و گسترش پدیده «اسکان غیررسمی»، با معضلات گوناگونی همراه بوده است. از دیدگاه کارشناسان، اسکان غیررسمی، یکی از عوامل عمده ناپایداری شهرهاست که به دنبال نارسایی‌ها و کاستی‌های موجود در مدیریت شهری و سیاست دولت‌ها بویژه در بخش زمین و مسکن پدید آمده است. از این رو، اتخاذ سیاست‌ها و راهکارهای مختلف جهت رفع و یا تخفیف آسیب‌های برخاسته از آن مورد توجه سیاست‌گذاران و برنامه‌ریزان شهری قرار گرفت. بررسی سیر چگونگی برخورد با سکونتگاه‌های غیررسمی نشان می‌دهد که رویکردهای حاکم، از مواجهه تخریبی یا بولدوزری به سازش، پذیرش و بهبود این سکونتگاه‌ها تغییر یافته است.

به دنبال این تغییر رویکرد، در ایران نیز در چارچوب تدوین برنامه‌های راهبردی جهت رفع مشکلات ناشی از اسکان غیررسمی در شهرها و جلوگیری از گسترش و تعمیق آن در آینده، «بسترسازی برای ارتقای شرایط محیطی سکونتگاه‌های غیررسمی بصورت پایدار، اتخاذ رویکرد جامع و پیش‌نگر و الحاق این مناطق به فضای رسمی شهرها» رویکرد

⁴⁵ Informal settlement

⁴⁶ Engels

محوری تلقی می‌شود. بطوری که در «سند توانمندسازی و ساماندهی سکونت‌گاه‌های غیررسمی» به منظور چاره‌جویی برای سکونت‌گاه‌های غیررسمی و پیشگیری از تکوین آن، بر اصول هادی زیر تأکید ویژه صورت گرفته است:

✓ بازنگری سیاست‌های موجود و تأمین فضای شهری برنامه‌ریزی شده برای

کم‌درآمدها

✓ بسیج منابع درون اجتماعات و خودیاری حمایت و هدایت شده

✓ تقویت نقش و وظیفه نهادهای مدیریت محلی در فرآیند توانمندسازی و

ساماندهی اسکان غیررسمی

✓ حق اقامت و امنیت در سکونت‌گاه‌ها به همراه مسئولیت پذیری

✓ نقش تسهیل کننده و هدایتگر بخش دولتی - عمومی

و

✓ تقویت بنیان‌های اقتصادی - اجتماعی خانواده با تأکید بر مسکن

و اشتغال

اصول یاد شده، رویکرد اصلی «توانمندسازی» را مبنی بر اصلاح کیفیت زیست در قالب ارتقای شاخص‌های اقتصادی و اجتماعی از طریق افزایش ظرفیت و بهبود قابلیت افراد برای انجام انتخاب‌های بهتر جهت تبدیل این انتخاب‌ها به فعالیت‌های مطلوب و موثر نشان می‌دهد.

باید توجه داشت که تقویت بنیان‌های اقتصادی از طریق خوداشتغالی و افزایش گستره انتخاب‌های افراد، تنها زمانی محقق خواهد شد که ساکنان سکونت‌گاه‌های غیررسمی «سبد مهارتی» خود را جهت ورود و پذیرش در بازار کار، غنی‌تر و متنوع‌تر سازند. از این رو اجرای طرح‌های توانمندسازی با محوریت مهارت‌آموزی (بویژه مهارت‌های فنی و حرفه‌ای) و دارا کردن ساکنان به لحاظ توان و قابلیت، به عنوان راهکاری موثر در جهت ایجاد تحولات ساختاری، ریشه‌کنی فقر، توسعه همه‌جانبه و در نهایت ایجاد تعادل‌های منطقه‌ای بشمار می‌رود.

"شهر زاهدان" نیز، به عنوان مرکز استان سیستان و بلوچستان، پس از وقوع انقلاب اسلامی و جنگ‌های داخلی افغانستان، به تأسی از فرآیندهای حاکم بر غالب شهرهای کشور، شاهد پیدایش و گسترش سکونت‌گاه‌های غیررسمی بر پهنه خود بوده است. این سکونت‌گاه‌ها تحمیل شده به جغرافیای شهراند و یک سوم تنه اصلی شهر را شامل می‌شوند.

سکونت‌گاه‌های غیررسمی شهر زاهدان، خود جلوه‌ای کامل از فقر را نمایان می‌سازند. محرومیت این مناطق در زمینه توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی، عدم رشد بخش اقتصاد رسمی و گسترش تجارت زیرزمینی، نرخ بیکاری بالا، درآمد سرانه پایین، وجود شکاف عمیق میان وضع موجود و مطلوب زیربناها بویژه در زمینه آب، راه، سوخت و انرژی، فاصله قابل توجه شاخص‌های توسعه انسانی با سطح استان و ملی، شمار قابل توجه خانواده‌های بی‌سرپرست و بدسرپرست، سطح پایین آموزش‌های عمومی و ترویجی و... را رقم زده است.

برغم وجود تنگناها و محدودیت‌های یاد شده، این مناطق از قابلیت‌ها و ظرفیت‌های درخور توجه، به منظور بهبود وضعیت موجود و دستیابی به سطوح بالاتر توسعه برخوردارند. از جمله این ظرفیت‌ها می‌توان به پذیرش عمومی و توسعه خواهی ساکنان (بویژه نسل جوان)، ارتقای سطح فرهنگ عمومی، افزایش اهمیت کسب علم و دانش‌اندوزی نزد ساکنان، افزایش تعداد نیروی کار تحصیلکرده، وجود تشکلهای داوطلب غیردولتی، میل افزون نهادهای انجمن‌های مستقر در محلات به خدمات‌رسانی، فعالیت شهردار محله‌ها و فعالان محلی، نگرش مثبت جامعه به فعالیت‌های توانمندسازی، سازمان‌پذیری و مشارکت جویی، وجود روحیه قناعت و... اشاره کرد.

«طرح توسعه مهارت‌های پایه در سکونت‌گاه‌های غیررسمی شهر زاهدان» با هدف بهره‌مندی حداکثری از ظرفیت‌ها و قابلیت‌های منطقه و نیز توانمندسازی و ظرفیت‌سازی سکونت‌گاه‌های غیررسمی هشت‌گانه شهر زاهدان و به منظور ارتقاء، ساماندهی، بهبود و توسعه مدیریت شهری سازگار با اولویت‌های محلی، به دنبال آن است تا جوامع مورد نظر، از طریق **کسب مهارت و آموزش-های اولیه و قابل استفاده سریع در بازار کار**، بتوانند با دستیابی به فرصت‌های شغلی و خوداشتغالی به درآمدزایی رسیده و اقتصاد محلی را رونق بخشند.

با این رویکرد، مرحله نخست اجرای طرح به شناخت وضع موجود، انجام آماده‌سازی‌های لازم و آگاهی از موقعیت سکونت‌گاه‌ها و نیازهای اساسی آنها اختصاص یافت. در این مرحله پس از اعلام موجودیت طرح در محلات، برقراری تعامل اداری و عملیاتی با دستگاه‌های مرتبط و نیز شناسایی‌های مقدماتی از طریق:

- بازدید از سکونت‌گاه‌ها
- مراجعه به سازمان‌ها و مراجع
- برگزاری جلسات معارفه و کارگاه اطلاع‌رسانی با افراد و دستگاه‌های

کمک کار

- برپایی نشست‌های مشترک با مسئولین استان و نمایندگان محلی

• انجام ارزیابی سریع از سکونت‌گاه‌های هشت‌گانه

«گزارش ارزیابی سریع» از سکونت‌گاه‌های هشت‌گانه تنظیم و در انتها استراتژی ورود به محلات ترسیم شد. بر اساس این استراتژی، در میان هشت سکونت‌گاه غیررسمی شهر زاهدان، محلات شیرآباد، کریم‌آباد و مرادقلی به عنوان محلات پیشرو و مدخل ورودی « طرح آموزش مهارت‌های پایه» انتخاب شدند.

در مرحله بعد، به منظور آشنائی و درک آگاهانه از موقعیت منطقه، شناخت ویژگی‌های بومی هر سکونتگاه و انجام تحلیل واقع‌بینانه با نگرشی عمیق‌تر به محلات، بررسی

- ✓ ویژگی‌های جمعیتی و نیروی انسانی سکونت‌گاه‌ها
- ✓ ویژگی‌های اقتصاد محلی شامل فعالیت‌های اقتصادی، کسب و کارهای موجود، اشتغال و بیکاری و سطح درآمد خانوار
- ✓ مطالعه و بررسی اجمالی موقعیت آموزشی محلی با رویکرد آموزش فنی و حرفه‌ای

و

- ✓ موقعیت اجتماعی و فرهنگی سکونت‌گاه‌ها

از طریق مطالعات اسنادی و میدانی گسترده در دو سطح محلی و استانی صورت پذیرفت.

- | در سطح محلی مصاحبه با: | در سطح استانی مصاحبه با: |
|------------------------|-----------------------------------|
| - شهردار محله‌ها | - مراکز کاریابی |
| - روحانیون | - کمیته امداد |
| - معتمدین | - اداره کار و امور اجتماعی |
| - افراد کلیدی | - اداره صنایع |
| - فعالان محلی | - معاونت نظارت راهبردی |
| - مسئولین NGOها | - سازمان فنی و حرفه‌ای |
| | - جهاد کشاورزی |
| | - شهرداری |
| | - آموزشگاه‌های آزاد فنی و حرفه‌ای |
| | - اصناف |

بر این اساس، از توان و ظرفیت تمامی مسئولین و عوامل محلی کمک کار و موثر در پیشبرد طرح بهره گرفته شد.

گزارش حاضر پس از تجمیع تمامی یافته‌ها، به تحلیل وضعیت سکونت‌گاه‌ها از نظر کالبدی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی اختصاص دارد. توصیف و ترسیم موقعیت و وضعیت هر یک از محلات، در ۱۲ سرفصل ذیل تنظیم و طبقه‌بندی شده است:

- ۱- توصیف کلی محله
- ۲- الگوی ساختار محله و تحلیل کالبدی
- ۳- ویژگی‌های جمعیتی و نیروی انسانی سکونت‌گاه
- ۴- امکانات عمومی محله و خدمات شهری
- ۵- اقتصاد محله
- ۶- موقعیت اجتماعی، فرهنگی و آموزشی سکونت‌گاه
- ۷- پیشینه توانمندسازی
- ۸- شناسایی گرایش‌های موجود در سطح محله

چالش‌ها

مزیت‌ها

۹- ظرفیت‌ها

۱۰- ضرورت‌های پیش رو

بخش اول

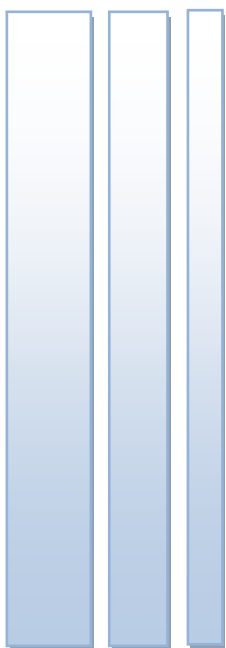
توصیف ها :

موقعیت و وضعیت شناسی محلات هدف

- شیرآباد
- کریم آباد و پشت فرودگاه
- بابائیان
- پشت گاراژ و کارخانه نمک
- مرادقلی



محله شیرآباد



۱- توصیف کلی محله

محله شیرآباد با مساحت ۱۷۷ هکتار در انتهای شمال شرقی محدوده قانونی شهر زاهدان قرار دارند. نقشه و عکس هوایی زیر موقعیت جغرافیایی محله را نشان می دهد.



این محله حدود ۳۰ سال قدمت دارد و شکل گیری آن به اواخر دهه ۱۳۵۰ باز می گردد. در پی وقوع انقلاب و پس از آن آغاز جنگ های داخلی افغانستان، زاهدان به علت نزدیکی به افغانستان و وجود تشابهات فرهنگی، به اولین سرمنزل آواره های افغانی تبدیل شد. بتدریج تعداد بیشتری از افغانه بدلیل عدم توانایی مالی برای خرید مسکن و یا پرداخت اجاره در داخل شهر، به مناطق حاشیه ای روی آوردند. به این ترتیب با گسترش روزافزون آلونک نشینی و کپرنشینی، زمینه های ایجاد محله شیرآباد فراهم آمد.

شیرآباد وسیع ترین محله در میان سایر سکونت گاه های شهر زاهدان است. محله های قاسم آباد و چلی آباد نیز در محدوده شیرآباد قرار گرفته اند. محله قاسم آباد که در شرق محله شیرآباد و شمال محله سیک سوزی واقع شده، جدیدترین سکونت گاه غیررسمی خارج از محدوده قانونی شهر است. چلی آباد (در زبان محلی چلی به معنای کولی است) نیز محله ای کوچک واقع در میان دو کوه است. میزان محرومیت چلی آباد (بویژه نقاط انتهایی آن) در مقایسه با سایر نقاط شیرآباد بسیار بیشتر است. بطوری که هر چه به قسمت های داخلی این محله پیش می رویم بر میزان فقر، فلاکت و محرومیت ساکنان افزوده می شود. تجمع تعداد زیاد معتادان، وقوع انواع جرائم و رواج فحشاء در این بخش از شیرآباد موجب شده است تا دو کوچه انتهایی این محله به "کوچه مرگ" شهرت یابد و جلوه ای سیاه و کثیف در میان ساکنان محله داشته باشد. تا جایی که ساکنان دیگر قسمت های محله، حتی ساکنان بخش های ابتدایی چلی آباد نیز از ورود به آن واهمه دارند. این امر موجب شده است تا افرادی که در مبادی محله چلی آباد سکنی گزیده اند، سکونت گاه خود را با عنوان محله «صنعتگران» معرفی کنند و چلی آباد را تنها محدود به بخش های انتهایی بدانند. همچنین در نزدیکی محله شیرآباد دو روستای همّت آباد و احمد آباد وجود دارد که ساکنان آن بسیار محروم و فقیرند و جهت تأمین مایحتاج خود ناگزیر به شیرآباد مراجعه می کنند.

۲- ساخت کالبدی محله و وضعیت ترابری

اغلب واحدهای مسکونی محله غیر مستحکم‌اند و در ساخت آنها از اسکلت فلزی و یا بتون استفاده نشده است. عمده مصالح بکارفته در ساخت سرپناه‌ها بلوک سیمانی، خشت و آجر است که در برابر سیل و باران‌های شدید مقاومتی ندارند و احتمال تخریب آنها بالاست. ساکنان برای ساخت خانه‌ها مجوزی دریافت نمی‌کنند و تنها برای دیوارکشی، از شهرداری کسب اجازه می‌شود.



در این محله تعداد معدودی ساختمان با نمایی مدرن به چشم می‌خورد که غالباً با شرایط بومی محل سازگاری نداشته و صرفاً تقلیدی از نماهای شهری است. به عنوان مثال در نمای این ساختمان‌ها از شیشه‌های جیوه‌ای استفاده شده که نورخورشید را به شدت بازتاب می‌دهند. این در حالی است که منطقه به جهت آفتابی بودن بخش عمده‌ای از سال، به «دیوار آفتاب» شهرت دارد. تابش شدید نور خورشید و انعکاس آن از طریق شیشه ساختمان‌های شبه مدرنی که برغم برخورداری از نمایی به ظاهر مدرن از استحکام چندانی برخوردار نیستند، نه تنها برای خانه‌های مجاور مزاحمت ایجاد می‌کند، بلکه در تولید حرارت بیشتر نیز موثر است. همچنین در نتیجه رواج استفاده از مصالح و ادوات ساختمانی ناسازگار با منطقه، بر میزان مصرف وسایل سرمایشی و اتلاف انرژی نیز افزوده شده است.



معب‌های اصلی محله شیرآباد آسفالت شده است اما اکثر معبرهای فرعی همچنان خاکی است و تنها تعداد معدودی از آنها آسفالت است. نکته شایان توجه آن است که به علت عدم هماهنگی میان سازمان‌های مختلف در انجام طرح‌های عمرانی، برخی از خیابان‌های آسفالت شده جهت انجام اقدامات کالبدی تخریب می‌شود.

حمل و نقل محله بیشتر از طریق تاکسی و خودروهای شخصی صورت می گیرد. برخی از جوانان محل، از دوچرخه نیز استفاده می کنند. حمل و نقل عمومی در سطح محله وجود ندارد و اهالی جهت استفاده از اتوبوس باید از محله خارج شوند.

۳- ویژگی های جمعیتی و نیروی انسانی سکونت گاه

شیرآباد محله ای وسیع و پرجمعیت است. طبق اطلاعات برگرفته از مرکز آمار⁴⁷، جمعیت این محله بیش از ۴۸ هزار نفر برآورد می شود. در جدول شماره ۱ جمعیت شیرآباد به تفکیک جنسیت نشان داده شده است.

جدول شماره ۱: تعداد جمعیت محله شیرآباد به تفکیک جنسیت - نفر / درصد

کل جمعیت		مرد		زن	
تعداد	سهم	تعداد	سهم	تعداد	سهم
۴۸۳۶۷	۲۵۰۷۲	۵۲	۲۳۲۹۵	۴۸	

مأخذ: مشاور، ۱۳۸۹

میانگین سنی جمعیت شیرآباد، ۱۷/۱۲ سال است که از جوان بودن جمعیت این محله حکایت می کند. با مقایسه میانگین سنی محلات در جدول شماره ۲، مشخص می شود که شیرآباد، جوان ترین محله در میان تمامی محلات هدف است.

جدول شماره ۲: مقایسه میانگین سنی جمعیت محلات هدف							
میانگین سنی	کل محلات	شیرآباد	کریم آباد	کارخانه نمک	بابائیان	پشت گاراژ	پشت فرودگاه
	مرادقلی	۱۷,۱۲	۱۸,۷۵	۱۷,۲۶	۲۰,۹۵	۱۹,۴۳	۱۹,۴۳
	۱۹,۰۳						۱۹,۹

مأخذ: مشاور، ۱۳۸۹

بطور معمول خانوارهای ساکن در این محله از نوع خانوار گسترده هستند و بصورت فامیلی با یکدیگر زندگی می کنند. بطوری که ممکن است در یک واحد مسکونی ۳ خانواده با هم زندگی کنند. تعداد جمعیت هر خانوار متناسب با پدیده چند همسری متغیر است. اما بطور کلی متوسط جمعیت هر خانواده ۷ نفر است. مردم شیرآباد بیشتر بلوچ و اهل

⁴⁷ داده های محلات هدف که از مرکز آمار به دست آمده به طور تقریبی منطبق بر واقعیت های آماری آن هاست. زیرا با توجه به ساختار قومیتی در این محلات، به نظر نمی رسد که پاسخ های شفاف در همه موارد از سوی ساکنان ارائه شده باشد. به رغم وجود این نقصان، به دلیل اینکه مرکز آمار اصلی ترین مرجع اطلاعاتی کشور است و داده های اطلاعاتی محلات نیز در پایگاه رسمی دیگری موجود نیست، از اطلاعات موجود در مرکز آمار برای دستیابی به یک پایگاه نسبی در خصوص ساختار جمعیتی محلات استفاده می شود.

سنت‌اند که اغلب در بخش‌های مرکزی شیرآباد سکونت دارند. یکی از دلایل گسترده بودن خانوارهای این محل آن است که بلوچ‌ها بر این باورند بمنظور حفظ و ازدیاد نسل بلوچ و نیز جامعه اهل سنت باید زاد و ولد بیشتری داشته باشند.

از نظر سطح سواد، متوسط تحصیلات مردان در شیرآباد پنجم ابتدایی ذکر می‌شود که به تازگی پسران خانواده‌هایی که دارای سرپرستند و از وضعیت اقتصادی مناسب تری نیز برخوردار هستند، سوادشان به سطح راهنمایی افزایش یافته است. اما تعداد معدودی از آنها ادامه تحصیل داده و تا اخذ مدرک دیپلم پیش رفته‌اند. چراکه بسیاری از پسران ارشد خانواده‌ها برای کمک به تأمین معاش، بسیار زود وارد بازار کار می‌شوند و اقدام به ترک تحصیل می‌کنند. در این میان تعداد پسرانی که تمایل زیادی برای ادامه تحصیلات حوزوی دارند، قابل توجه است. بطور کلی شرایط اقتصادی خانوار، چندمین فرزند خانواده بودن و میزان حمایت اعضای خانواده از یکدیگر، بر گرایش پسران جهت ترک تحصیل تأثیرگذار است.

۴- امکانات عمومی محله و خدمات شهری

محله تقریباً بی بهره از خدمات اصلی شهری است. در شیرآباد منازل بصورت غیر قانونی برق خود را تأمین می‌کنند. به وفور مشاهده می‌شود که از یک تیر چراغ برق ده‌ها کابل به سمت منازل کشیده شده است. همچنین توزیع آب شرب از طریق تانکر صورت می‌گیرد. مردم محل با مراجعه به تانکرها دبه‌های خود را پر و به منازل حمل می‌کنند. از آنجا که زاهدان خود فاقد شبکه توزیع گاز شهری است، لذا محلات نیز از این امکان بی بهره‌اند. به همین دلیل مردم از طریق کپسول‌های گاز، سوخت لازم برای پخت و پز را تأمین می‌کنند. در میان کلیه خدمات شهری قابل عرضه، تنها خطوط تلفن در محلات دیده می‌شود بطوری که در اکثر منازل تلفن ثابت وجود دارد. علاوه بر خط تلفن ثابت، تعداد زیادی از ساکنان دارای تلفن همراه نیز هستند. یکی از دلایل این امر ارزان بودن خطوط تلفن در مقایسه با سایر خدمات است و همچنین از آنجا که این خدمت نیاز چندانی به انجام اقدامات زیربنایی ندارد از امکان عرضه سریع تر و ارزان تری برخوردار است. شایان ذکر است که خطوط تلفن ثابت و همراه تعداد زیادی از ساکنان به علت عدم توانایی مالی در پرداخت آبونمان، مسدود یا قطع است.

در محله، سیستم جمع‌آوری زباله وجود ندارد. به همین علت زباله‌ها در سراسر محله پراکنده‌اند و کودکان بر روی زباله‌ها مشغول بازی‌اند. پراکندگی زباله و فاضلاب در سطح محله، فقر شدیدی اقتصادی و فقدان امکانات بهداشتی همگی شرایطی فراهم آورده است تا این محله از نظر بهداشت در سطح پایینی قرار گرفته باشد.



با این وجود مرکز بهداشت شیرآباد با سه شعبه فعال، نهادی است که سعی می‌کند حداقل نیازهای بهداشتی مردم محله را فراهم آورد. علاوه بر این مرکز، تعدادی پایگاه بهداشت نیز به عنوان زیر مجموعه این مرکز فعالیت می‌کنند. طبق آمار مرکز بهداشت شیرآباد، هر پایگاه بهداشتی جمعیتی حدود ۱۶ هزار نفر را تحت پوشش قرار می‌دهد و به نظر می‌رسد که مرکز بهداشت و پایگاه‌های آن بیشترین سطح ارتباط را بصورت مستمر با خانواده‌ها، خصوصاً زنان برقرار می‌کنند. در این محله پایگاه‌های دیگری نیز دیده می‌شوند که در حد بضاعت خود به ارائه خدمت می‌پردازند. از جمله؛ مجتمع خدمات بهزیستی، پایگاه زایمان و شورای حل اختلاف. محله از پست بانک، باجه خودپرداز، بانک، تاکسی تلفنی، مهدکودک خصوصی و ۳ زمین فوتبال خاکی نیز بهره‌مند است.

برغم اینکه محله شیرآباد جوان‌ترین محله در میان محلات هدف است، نهادها و پایگاه‌های فرهنگی مورد علاقه جوانان مانند کتابخانه، سالن ورزشی، کافی نت و ... وجود ندارد.

۵- اقتصاد محله

جریان‌های اقتصادی موجود در محله غالباً غیررسمی است و نوع اشتغال مردم به انجام مبادلات خرد محدود می‌شود. در این محله که وسیع‌ترین و پرجمعیت‌ترین سکونت‌گاه غیررسمی شهر زاهدان است تعداد قابل توجهی مغازه با یک نفر کارکن دیده می‌شود اما از بنگاه‌های اقتصادی با مقیاس متوسط خبری نیست. تعدادی از صاحبان حرف و مشاغل در سطح محله وجود دارد که سطحی از مهارت را در حرفه خود کسب کرده و از آن استفاده می‌کنند. تعمیر یخچال، موتور، دوچرخه و موبایل، سیم‌کشی اتومبیل، تعویض روغن، کف‌اشی، عکاسی و فیلمبرداری و کارواش حرفه‌هایی است که در این دسته قرار می‌گیرند. در این میان تعدادی از افراد که توانایی پرداخت هزینه‌های آموزش را داشته‌اند مهارت‌هایی نظیر تعمیر موبایل را آموخته‌اند و کارگاه تعمیرات موبایل دایر کرده‌اند. به نظر می‌رسد مهارت‌های حرفه‌ای مردان و پسران تنها از طریق آموزش‌های غیررسمی کسب می‌شود. چنانچه روال سنتی آموزش پدر به پسر و استاد - شاگردی بسیار مرسوم است. در سطح محله، شغل تعداد قابل توجهی از مردان، کارگری فصلی است. این کارگران اغلب به فعالیت‌های ساختمانی مشغولند و یا به شهرهای اطراف مانند یزد و رفسنجان مسافرت می‌کنند. در میان فعالیت‌های اقتصادی جاری در محل، آنچه که بیش از همه جلب توجه می‌کند، دستفروشی است. تعداد زیادی از پسران نوجوان و مردان از طریق سوخت‌فروشی، آب‌فروشی و خرده‌فروشی‌های پراکنده مانند وسایل تزئینی و لباس‌های زنانه مانند لباس زیر، روسری، پارچه و نیز لباس بچه‌امرار معاش می‌کنند. اما حتی یک فروشنده زن را نمی‌توان میان آنها مشاهده کرد.



ساختار بازار محلی شیرآباد بگونه‌ای است که هر چه به بخش‌های ابتدایی بازار محلی نزدیک شویم از تعداد دستفروشان کاسته و در عوض بر تعداد مغازه‌ها افزوده می‌شود. بنظر می‌رسد که این مغازه‌ها دارای سرقفلی باشند. علاوه بر کسب و کارهای یاد شده، تعدادی از مردان محل به کار قاچاق کالا، مواد مخدر و اسلحه مشغولند. بیشترین حجم جابجایی اینگونه از کالاها در محدوده قاسم آباد صورت می‌گیرد.

ارزیابی سریع نشان می‌دهد که زنان محله بیشتر در خانه به انجام کارهایی نظیر خیاطی، بلوچی دوزی و بطور کلی صنایع دستی مشغولند. با توجه به مشکلات فرهنگی و قومی موجود در منطقه، زنان نه تنها اجازه انجام کار در خارج از منزل را ندارند بلکه تمایلی نیز از خود نشان نمی‌دهند. با این وجود برخی از زنان محروم و فقیر که از توانایی و مهارت لازم برخوردار نیستند، به عنوان کارگر در منازل دیگران به کار مشغول می‌شوند.

مسئله نداشتن هویت و کارت شناسایی، تمامی ابعاد زندگی مردان را تحت تأثیر خود قرار داده است بطوریکه نداشتن کارت شناسایی بسیاری از آنان را از فرصت تحصیل و یادگیری حرفه محروم ساخته است. اما اصلی‌ترین مانع برای دستیابی به شغل مناسب، نرفتن به سربازی به دلیل نداشتن شناسنامه است. نداشتن کارت پایان خدمت تنها به دلیل نداشتن مدرک شناسایی نیست؛ بلکه بسیاری از فرزندان ارشد خانواده که از خانوارهای فقیر و محرومند به عنوان عنصر موثر در تأمین هزینه‌های زندگی خانواده هایشان، نمی‌توانند به خدمت سربازی بروند. زیرا که نگران چگونگی امرار معاش خانواده‌های خود هستند. مستقل از آنچه عنوان شد، داشتن سرمایه اولیه برای راه اندازی کار، یکی از دغدغه‌های اصلی جوانان بشمار می‌رود.

بنابر نتایج به دست آمده از ارزیابی سریع، متوسط درآمد روزانه دستفروشان بین ۵۵۰۰ تا ۶۰۰۰ تومان است که این سطح از درآمد تحت تأثیر شرایط فصلی تغییر می‌کند. استادکاران بناً نیز روزانه ۱۷ هزار تومان درآمد دارند که این دستمزد به نسبت میزان مهارت آنان متغیر است. همچنین کارگران فصلی در نیمه اول سال بطور متوسط روزانه ۱۱ هزار تومان درآمد کسب می‌کنند.

زنان ساکن در شیرآباد معتقدند که با درآمد ماهانه ۷۰ هزار تومان می‌توان گذران زندگی در حد سد جوع کرد. در این میان، برخی از خانوارها تحت پوشش حمایتی کمیته امداد هستند که هر سه ماه یکبار حدود ۱۰۰ هزار تومان دریافت می‌کنند. به گفته زنان محله، یکی دیگر از عوامل تأثیرگذار بر هزینه‌های خانوار اعتیاد است. از آنجا که بخش قابل توجهی از مردان محل اعتیاد دارند، هزینه تأمین مواد، ضربه سنگینی به اقتصاد و معیشت خانواده وارد کرده است. علاوه بر مردان، زنان محله نیز بخشی از بار اقتصادی خانواده را به دوش می‌کشند. به همین علت با انجام کارهای خانگی سعی در تأمین هزینه‌های خانواده دارند. بلوچی دوزی و سوزن دوزی از منابع مهم درآمد زایان محسوب می‌شوند و آنها احساس قربت خاصی با این نوع حرفه دارند. علاوه بر سوزن دوزی و بلوچی دوزی، زنان شیرآبادی به خیاطی نیز می‌پردازند. به نظر می‌رسد زنان بیشترین درآمد خود را از خیاطی کسب می‌کنند که میزان آن بین ۵ تا ۱۰

هزار تومان برای هر دست لباس، متغیر است. امروزه با ورود طرح های بلوچی کامپیوتری به بازار زاهدان⁴⁸، زنان کم درآمد به علت ارزان بودن این طرح ها، در دوخت لباس بلوچی از آن استفاده می کنند. از آنجا که استفاده از طرح های کامپیوتری در دوخت لباس تا حد زیادی در زمان صرفه جویی می کند به همین علت برخی زنان به استفاده از این طرح ها روی آورده اند. زنان طبقات محروم تر و نیز کم سوادتر ساکن در شیرآباد که با پخت نان سنتی آشنایی دارند، به کار پخت نان سنتی و سمبوسه مشغولند که در نهایت محصولاتشان توسط مردان خانواده در بازار شیرآباد بفروش می رسد و از این طریق کسب درآمد می کنند.

نان، قوت اصلی مردم محله به شمار می آید و این حقیقت را می توان از ازدحام مردم در نانوائی ها درک کرد. از گروه مواد غذایی، آنچه که بیشتر در بازار محلی بفروش می رسد نان، سیب زمینی، پیاز و گوجه فرنگی است. به عبارت دیگر سبب اصلی کالای خانوار را این اقلام تشکیل می دهند.

۶- موقعیت اجتماعی، فرهنگی و آموزشی سکونتگاه

نگاهی اجمالی به وضعیت محله، از موقعیت پایین اجتماعی و فرهنگی آن حکایت می کند. در بازدید مقدماتی از محلات، تراکم قابل ملاحظه جمعیت در بازار محلی به چشم می خورد. در همین حال تعداد افغانه ساکن در شیرآباد قابل توجه است. بیشترین جمعیت افغانی ساکن در شیرآباد در محله قاسم آباد (محله ای در مجاورت باغ های در حال تخریب پسته و عناب) مستقر شده اند.

زنان و مردان از پوشش محلی استفاده می کنند. تعداد زیادی از زنان (در مقابل در منازل) و مردان در طول روز میان کوچه ها و بعضاً به شکل تجمعات کوچک دیده می شوند. حضور زنان و دختران در معابر اصلی، کمتر به چشم می خورد.

از دیگر سو حضور کپه های جوانان در قسمت های مختلف محله و بازی انبوه کودکان پا برهنه، در نگاه اول جلب توجه می کند. در اکثر منازل باز است و دیوارهای آن مملو از شعارهایی است که از وجود تنش های قومی و مذهبی حکایت میکند. چهره اغلب اهالی محل در برخورد اولیه با آنها کاملاً بی تفاوت می نماید.

اعتیاد عنصر لاینفک معضلات اجتماعی محله محسوب می شود. بطوری که طبق گفته های یک فعال محلی که در مرکز گذری اعتیاد مشغول بکار است، تنها در چلی آباد بیش از ۱۰۰ پاتوق تزریق مواد مخدر با الگوی مصرف کریستال وجود دارد. این فعال محلی معتقد است که الگوی مصرف مواد مخدر به تازگی به شیشه تبدیل شده و با قیمت بسیار ارزان تر از مرکز، قابل دسترسی است. چلی آباد به گفته فعالان محلی و نیز طبق مشاهدات صورت گرفته در زمره آسیب خیزترین محله های غیررسمی به شمار می رود.

امکانات آموزشی و فرهنگی شیرآباد محدود است به: ۲ دبستان پسرانه، ۱ دبستان دخترانه و ۱ دبیرستان دخترانه. یک خانه فرهنگ و یک خانه محله متروکه نیز از جمله دارایی های اجتماعی محله است. شیرآباد در مقایسه با سایر

⁴⁸ طرح های کامپیوتری عمدتاً از یزد وارد زاهدان می شود.

محلات تعداد بیشتری نهاد عمومی را در خود جای داده است که خود به دلیل سابقه بیشتر این محله در اجرای طرح های توانمندسازی است. N.G.O های نواندیشان، زیتون، پایگاه سلامت فرزانه و تلاشگران جامعه هدف، از آن جمله‌اند. مساجد امام هادی، امام ابوحنیفه، ربانی و ذوالنورین، مسجدهای محوری محله هستند و در این میان مسجد ابوحنیفه و ذوالنورین به عنوان مکان تجمع مردم محل به شمار می روند. مولوی ناصر ریگی، مولوی آبیلا و مولوی کشادزی، سرشناس ترین مولوی های محل هستند. مهدی گرگیج، حاج مهدی اربابی و سردار احمد رودینی نیز معتمدان شاخص محله‌اند. از سویی محمد گرگیج پهلوان به عنوان شهردار محله به ایفای نقش اجتماعی می پردازد.

۷- پیشینه توانمندسازی

محله شیرآباد زاهدان، به لحاظ اجرای طرح های توانمندسازی پیشتاز سایر محلات است. تاکنون طرح های مختلفی از سوی نهادهای دولتی و یا بین المللی برای محله در نظر گرفته شده است که اغلب به سرانجام نرسیده اند. همین امر منجر به بروز موجی از بی اعتمادی در سطح محله نسبت به طرح های توانمندسازی شده است. تا بدانجا که مردم محله به این باور رسیده اند که به نام آنها طرح های توانمندسازی آغاز، ولی در نهایت منافع آن متوجه افرادی غیر از جامعه محلی می شود. با این وجود در برخی از قسمت های محله، آثار اجرای نیمه تمام برخی از طرح ها را می توان مشاهده کرد.

در طول دهه اخیر سه پروژه اصلی توانمندسازی در شیرآباد به اجرا درآمده است:

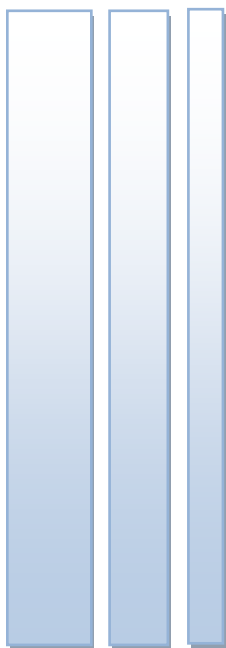
- طرح "کاهش فقر در استان سیستان و بلوچستان - مورد محله شیرآباد" به سفارش UNDP در سال ۱۳۸۰ به مدیریت دکتر پرویز پیران به اجرا گذاشته شد. در این پروژه شناخت مشکلات مناطق با مرکزیت نظرات ساکنان آنها در اولویت قرار گرفت. اجرای پروژه‌های سخت افزاری و سپس نرم‌افزاری جهت بهبود شاخص‌های اقتصادی - اجتماعی مورد تأکید این طرح قرار گرفت. (متن گزارش مجری)
- پروژه "امکان سنجی بهبود محیط شهری و توانمندسازی ساکنان سکونتگاه‌های غیر رسمی زاهدان" توسط مهندسین مشاور معمارعرش در ۱۳۸۲ به سفارش بانک جهانی اجرا شد. هدف از اجرای طرح، ارائه استراتژی نوسازی، کاهش فقر، توانمندسازی مجتمع‌های زیستی و جلوگیری از تکثیر محله‌های فقیر بوده است. (متن گزارش مجری)
- پروژه "ساماندهی صنایع دستی در سکونتگاه‌های غیررسمی شهر زاهدان" به قصد تثبیت موقعیت صنایع دستی در فرهنگ و بازار منطقه توسط مهندسین مشاور شرق آیند در تابستان ۱۳۸۷ به اجرا درآمده است. شیرآباد، کریم آباد، کارخانه نمک و پشت گاراژ، جوامع هدف این طرح بوده‌اند. (متن گزارش مجری)

۸- شناسایی آموزش های مهارتی موجود در سطح محله و گرایش ها

پیشینه آموزش مهارت های حرفه ای در محله شیرآباد به طور عمده محدود به آموزش هایی در سطح خُرد بوده و به نظر می رسد آموزش های ارایه شده در چارچوب مهارت های فنی - حرفه ای به آموزش هایی نظیر قالببافی و خیاطی (بلوچدوزی)، سوزن دوزی و ... محدود بوده است.

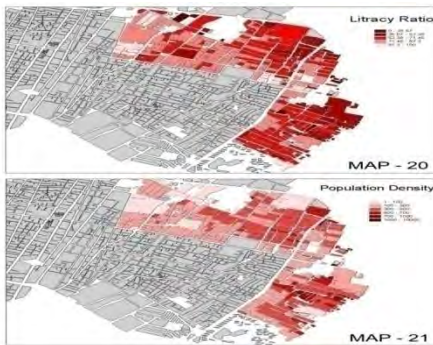
گرایش زنان جوان و دختران شیرآباد به سمت صنایع دستی نظیر خیاطی، بلوچی دوزی، سوزن دوزی، قالببافی و برخی کارهای هنری از قبیل ملیله دوزی، گلسازی و ... است. اما عده ای نیز به دنبال تغییر طرح و مدل لباس سنتی بلوچی اند و سعی می کنند مدل لباس های زنانه را با نیاز بازارهای خارج از محل تطبیق دهند. علاوه بر خیاطی، آرایشگری نیز طرفداران زیادی را به خود جذب کرده است و دختران علاقه وافری به این حرفه پیدا کرده اند. بطوری که در سراسر محله، متعدد آرایشگاه زنانه دیده می شود. در مقابل، پسران به خرید و فروش و تعمیر موبایل و کامپیوتر علاقه دارند.

محله کریم آباد



۱- توصیف کلی محله

محله کریم آباد با مساحت ۳۷۷ هکتار در گوشه شرقی و شمال شرقی محدوده قانونی شهر زاهدان قرار دارد. کریم آباد در حد فاصل فلکه کشاورز تا انتهای فرودگاه قرار گرفته است. در ضلع شرقی این محله، اراضی فرودگاه بین‌المللی زاهدان واقع است که به وسیله دیوار حائل، جدا شده و خود مانع از توسعه محله است. این محدوده به محله پشت فرودگاه شناخته می‌شود. محله کریم آباد با وسعتی کمتر از محله شیرآباد، در نزدیکی آن قرار دارد. نقشه و عکس هوایی زیر محدوده این محله و موقعیت مکانی آن را نسبت به شهر زاهدان به نمایش گذاشته شده است.



محله کریم آباد از قدمتی ۳۰ ساله برخوردار است. این محله با هجوم افغانه در اواخر دهه ۵۰ و نیز در پی باز شدن مرزهای کشور در سال‌های پس از انقلاب به روی آوارگان افغان و در نتیجه گسترش آلونک نشینی پدیدار شد. در میان سکونتگاه‌های حاشیه‌ای شهر زاهدان، کریم آباد از وسعت قابل توجهی برخوردار است. این سکونتگاه دارای بافت روستایی و شبه شهری است. بخش‌های انتهایی کریم آباد که در نزدیکی دیوار فرودگاه بین‌المللی شهر زاهدان واقع شده، محل سکونت بسیاری از اهالی فقیر و محروم این محله است. این قسمت‌ها بیشتر بافت روستایی دارند اما بخش‌های مرکزی کریم آباد از وضعیت مناسب‌تری برخوردارند و به نوعی دارای بافت شبه شهری هستند.

۲- ساخت کالبدی محله و وضعیت ترابری

در محله کریم آباد سرپناه‌ها اغلب از خشت و آجر ساخته شده‌اند. تعداد اندکی از آن‌ها نیز دارای نمای سنگی‌اند. ضمن آنکه تعداد قابل توجهی بیغوله نیز در سطح محله دیده می‌شود. سرپناه‌های واقع در قسمت پشت فرودگاه، بدون استحکام‌اند و مصالح مناسب در ساخت آنها بکار نرفته است. اهالی ساکن در این محدوده از هر وسیله‌ای برای ساخت سقف و دیوار استفاده کرده‌اند.

معبرهای اصلی محله، آسفالت شده است اما معبرهای فرعی غالباً خاکی است. بخش‌های ورودی خیابان اصلی کریم‌آباد که به بازار محلی منتهی می‌شود، آسفالت است اما انتهای خیابان (محدوده نزدیک به بازار) آسفالت نشده است. باران

های شدید و براه افتادن سیل در مسیل، یکی از شوک‌هایی است که مردم کریم آباد آن را تجربه می‌کنند و بسیاری از اهالی از این مسئله شکایت دارند.



در خیابان‌های کریم آباد وسایل نقلیه عمومی دیده نمی‌شود و بیشترین جابجایی مسافر از طریق خودروهای شخصی انجام می‌شود. میزان تردد وسایل نقلیه شخصی در محله زیاد است. که یکی از علل اصلی آن استقرار مرکز بهداشت تاحدودی مجهز و همچنین یک درمانگاه دندانپزشکی در این محله است که مراجعان بسیاری از سایر محلات را به خود جذب می‌کند.

۳- ویژگی‌های جمعیتی و نیروی انسانی سکونتگاه

کریم آباد محله‌ای است با تراکم جمعیتی بالا. همانطور که در جدول شماره ۳ پیداست ۱۳۷۷۲ نفر در این محله سکنی گزیده‌اند و از این تعداد ۵۲ درصد مرد و ۴۸ درصد زن هستند.

جدول شماره ۳: جمعیت محله کریم‌آباد به تفکیک جنسیت -			
نفر/درصد			
کل جمعیت		مرد	
		زن	
تعداد	سهم	تعداد	سهم
۱۳۷۷۲			
۷۱۴۲	۵۲	۶۶۳۰	۴۸

مأخذ: مشاور، ۱۳۸۹

در سطح محله انبوه‌کودکان مشاهده می‌شوند که مشغول بازی‌اند. تجمع کپه‌ای مردان و پسران جوان در مقابل در منازل را نیز می‌توان شاهد بود. اما حضور زنان در سطح محله بسیار کم رنگ است. تعداد افغانی‌های پناهنده در کریم آباد قابل توجه است و طبق آمار مرکز بهداشت حدود ۳۰۰ خانوار افغان در این محله تحت پوشش درمانی قرار دارند. به

نظر می‌رسد که میانگین تعداد افراد هر خانوار ۷ نفر است و بطور متوسط در هر خانه، ۴ خانوار با یکدیگر زندگی می‌کنند. فرهنگ حاکم بر قوم بلوچ مبنی بر ترویج چند همسری و نیز زندگی کردن به شکل خانواده گسترده، رابطه مستقیمی با تراکم خانوار دارد. این شیوه زندگی حتی در میان نسل جوان آنها نیز دیده می‌شود. بیشتر اهالی دارای تحصیلات ابتدایی‌اند. بطور کلی سطح سواد زنان پایین است. به نظر می‌رسد که مسئله ادامه تحصیل با سطح اقتصادی و درآمد خانوار ارتباط مستقیم دارد چنان که جوانانی که تا مقطع راهنمایی ادامه تحصیل داده‌اند عموماً صاحبان مشاغل و حرف در محله هستند.

۴- امکانات عمومی محله و خدمات شهری

در منازل محله کریم آباد بصورت غیررسمی از برق استفاده می‌شود. آب لوله کشی در محدودی از خانه‌ها وجود دارد اما اغلب ساکنان آب شرب را از طریق تانکر تأمین می‌کنند. در این محله نیز اهالی از خطوط تلفن ثابت بهره‌مندند. سوخت مورد نیاز برای پخت و پز از طریق کپسول گاز تأمین می‌شود. جای توجه است که برخی از خانه‌های واقع در کریم آباد حتی از امکانات اولیه بهداشتی نظیر دستشویی بی بهره‌اند. در این محله سیستم جمع‌آوری زباله وجود ندارد و انبوه زباله در سطح محله پراکنده است.



از جمله امکانات عمومی محله می‌توان به خانه بهداشت^{۴۹}، شورای حل اختلاف، خانه محله (غیرفعال) و زمین فوتبال کوچک خاکی اشاره کرد.

۵- اقتصاد محله

در کریم آباد کسب و کارهای متنوعی در جریان است از آن جمله: سوخت فروشی، آب فروشی، تعداد قابل توجه آرایشگاه‌های زنانه، تعمیرگاه یخچال و لوازم برقی، صافکاری، سوزن دوزی، خیاطی دستی، خیاطی با چرخ (سبک عربی، هندی، بلوچی، فارسی)، شکسته بندی، خرازی، فروش آهن قراضه، قالیشویی، دامداری- شترداری. اخیراً برخی حرفه‌های جدید نظیر فروش و تعمیرات موبایل، عکاسی دیجیتال و مرکز بازی‌های رایانه‌ای در سطح محل بخصوص در میان

^{۴۹} دو پایگاه بهداشتی مستقر در محله، ۳۲ هزار نفر را تحت پوشش خود قرار داده‌اند.

جوانان رواج یافته است. در این میان تعداد زیادی نیز به دستفروشی می‌پردازند. در میان مشاغل موجود، مغازه داری یکی از حرفه‌های درآمدزا و پرطرفدار است. اما در حال حاضر به علت رکود ایجاد شده، شاگرد مغازه ها و حتی گاهی خود مغازه داران به ناچار به کارگری روی می‌آورند.

در مورد هزینه های مربوط به کار، برخی از جوانان اظهار کرده اند هزینه های آغاز کار بسته به نوع آن متغیر است بطور مثال سرمایه مورد نیاز برای راه اندازی یک مغازه تعمیر موبایل ۱ میلیون تومان است اما برای راه اندازی یک تعمیرگاه ماشین به ۳ تا ۴ میلیون سرمایه احتیاج است .

وجود اشکال گوناگونی از قاچاق سوخت، بخصوص بنزین در محله قابل رویت است. زباله گردی و فروش مواد قابل بازیافت، جمع آوری آهن قراضه و فروش آن در کارگاه های پرس نیز از دیگر مشاغل اهالی این محله است که در نهایت این مواد به پاکستان منتقل می‌شوند. همانطور که عنوان شد یکی از مشاغل موجود در محله آب فروشی به شکل کلی و جزئی است. تعدادی از مغازه‌داران دارای تانکرهای آب هستند و به آب فروشی به شکل عمده می‌پردازند. اما در این میان تعدادی از اهالی آب را در حجم کمتر بصورت گالنی، یا دبه ای از قرار هر ۲۰ لیتر ۱۵۰ تومان به فروش می‌رسانند.

کارگران فصلی روزمزد اظهار داشته اند درآمدشان تقریباً برابر با هزینه های جاری خانوار است و به هیچ وجه توانایی پس‌انداز ندارند. کسانی که به کار فروش سوخت می‌پردازند نیز به ازای هر گالن سوخت، ۸ هزار تومان دریافت می‌کنند. درآمد برخی استادکاران در حرفه های مختلف مانند طلاسازی بالا است. بطوری که آنها یک میلیون تومان درماه تنها برای آموزش، از مهارت آموزان خود دریافت می‌کنند.

از مجموع مشاهدات اینگونه برمی‌آید که مهمترین مسئله ساکنان بعد از مشکلات زیرساختی و کالبدی، بیکاری است. در سراسر محله تجمع جوانان بیکار را می‌توان دید. نداشتن شناسنامه یکی از دلایل مهم بیکاری آنها محسوب می‌شود. سبد اصلی کالای مردم در این محله متشکل است از نان، سیب زمینی، پیاز و گوجه فرنگی. این سبد کالایی به نوعی سطح درآمد خانوار را نشان می‌دهد.

۶- موقعیت اجتماعی، فرهنگی و آموزشی سکونتگاه

در بدو ورود به کریم آباد آنچه که بیش از همه جلب توجه می‌کند دیوارهای مملو از شعارها است که از وجود تنش‌های قومی و مذهبی در محله حکایت می‌کند. بر این اساس معتمدین محلی بر دو نکته کلیدی تأکید داشتند: مذهب و ناموس. آنها معتقد بودند مردم محله به شدت نسبت به این دو حوزه حساسند و اجرای طرح نباید با اصول مذهبی مردم در تضاد باشد. همچنین معتمدان اظهار کردند که اهالی نسبت به دختران و زنانشان تعصب دارند و اجازه خروج آنها به خارج از محل را نمی‌دهند. این دختران بطور معمول بعد از سن ۱۲ سالگی ازدواج می‌کنند. در برخی موارد دیده می‌شود که دختران حتی قبل از رسیدن به سن بلوغ، به جرگه زنان متأهل می‌پیوندند.

در محدوده پشت فرودگاه، دو مکتب خانه دخترانه فعال‌اند که به تدریس علوم دینی می‌پردازند. همچنین در محدوده اصلی کریم آباد نیز تعدادی مدارس دینی و حوزوی پسرانه به چشم می‌خورد.

مکتب خانه حضرت سمیه



ارزیابی سریع نشان می دهد که بخش های مرکزی کریم آباد از وضعیت اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی مناسبتری برخوردارند. رابطین و مسئولین مرکز بهداشت نیز، عنوان داشته اند سطح فرهنگ ساکنان قسمت های مرکزی کریم آباد نسبت به سایر محدوده های آن بالاتر است. در این محله نیز به مانند سایر محلات، زنان در سطح محل رفت و آمد محدودی دارند.

اعتیاد بصورت پنهانی در محله جریان دارد بطوری که هیچیک از افراد مصاحبه شونده به اعتیاد اشاره نکردند اما تجمع مردان و جوانان داخل پارک کوچکی در کریم آباد، می تواند نشانگر یکی از مکان های مصرف مواد مخدر باشد. یکی دیگر از مسائل موجود، وجود بیماری های مسری از جمله سل در محله است که ریشه در سوء تغذیه و ضعف جسمی و همچنین عدم رعایت بهداشت در محله دارد. وجود گرد و خاک شدید و سایر آلودگی های محیطی نیز بر شدت بیماری های عفونی و مسری افزوده است.

نکته بارز در میان پسران جوان، احساس خشم و سرخوردگی آنان نسبت به شرایط موجود است. تا بدانجاکه گاهی احساس طردشدگی و حقارت از میان کلمات و نیز عکس العمل هایشان قابل درک است. وقتی از کودک ده ساله ای پرسیده شد که "دوست داری چه کاره شوی؟" جواب داد: "مولوی. برای اینکه مولوی ها عزت دارند و همه به آنها احترام می گذارند."

در کریم آباد برخی امکانات آموزشی مستقر است که خود، پاسخگوی کافی نیازهای آموزشی محل نیست. ۴ دبستان پسرانه، ۲ دبستان دخترانه، ۲ راهنمایی دخترانه، ۵ حوزه علمیه و ۳ مکتب خانه خواهران، مجموعه بضاعت های آموزشی کریم آباد را شامل می شوند. شعبه ای از سازمان غیردولتی زیتون واقع در محله شیرآباد و کارگروه فرهنگی مسجد جامع به عنوان نهادهای عرصه عمومی در این محله فعالیت می کنند.

تعداد مساجد محله قابل توجه است که مهمترین آنها مساجد جامع، امیر حمزه، عزت النبی و مدرسه علمیه اند. در این میان مسجد جامع، محل تجمع مردم محل است. مولوی روح اله شاهزهی، مولوی سفر ریگی، مولوی ایاز حسن زهی و

مولوی داوود، برجسته ترین مولوی های محله‌اند. محمدرضا شاه‌وزهی و نظام الدین ریگی نیز شهرداران محله هستند و اهالی محل به آنها اعتماد کامل دارند.

۷-پیشینه توانمندسازی

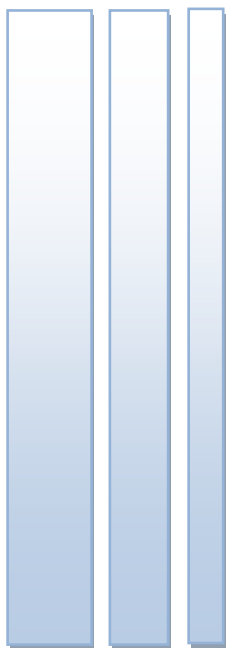
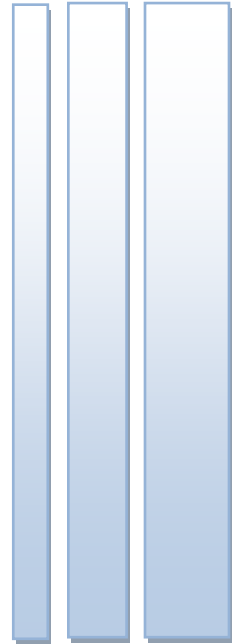
محله کریم آباد تجربه طرح های توانمندسازی را داراست. پروژه "ساماندهی صنایع دستی در سکونتگاه‌های غیررسمی شهر زاهدان" توسط مهندسين مشاور شرق آيند در سال ۱۳۸۷، از پروژه‌های توانمندسازی با هدف آموزش صنایع دستی و تثبیت موقع این صنعت پرپیشینه در این محله به اجرا درآمده است. اما این طرح ها کارکرد موفق نداشته و حتی در برخی زمینه ها آثار نامطلوبی را در محل بجا گذاشته‌اند. شهردارمحله کریم‌آباد معتقد است، یکی از دلایل به ثمر نرسیدن طرح‌های پیشین، عدم مشارکت فعال و بکارگیری افراد کلیدی در طرح‌ها بوده است. زیرا بدون حضور معتمدان و افراد کلیدی، پشتوانه‌های محلی و مشارکت ساکنان فراهم نشده و در عمل طرح‌ها به شکست انجامیده‌اند.

۸- شناسایی گرایش‌های موجود در سطح محله

در محله کریم آباد، بسیاری از جوانان و نوجوان به ورزش فوتبال علاقمند هستند و فوتبالیست شدن آرزوی بسیاری از آنها است. علاوه پسران جوان گرایش زیادی به انجام حرف جدید مانند خدمات کامپیوتری دارند. اما گرایش غالب دختران کارهای هنری، صنایع دستی و آرایشگری است. اظهارات فعالان NGO ها حاکی از آن است که ساکنان محله، بویژه جوانان از آموزش‌های جدید و نوظهور بیشتر استقبال می‌کنند. آنها ابراز داشته‌اند که در این محله تعداد قابل توجهی رابط بهداشت و فعال محلی وجود دارد که خواستار یادگیری و بهره‌مندی از دوره‌های آموزشی نوین و پیشرفته‌اند.

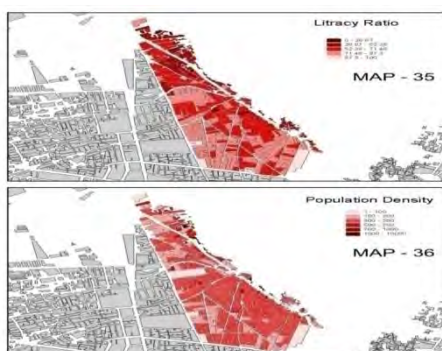
علاوه بر آموزش‌های فنی و حرفه‌ای، مسئولین مرکز بهداشت کریم‌آباد ابراز داشته‌اند، مناطق حاشیه‌ای زاهدان متفاوت از سایر مناطق حاشیه نشین کشور است. عمق فقر و محرومیت در این محلات به مراتب شدیدتر است. ساکنان، در طول زندگی خود همواره فقر، تنگدستی و انواع محرومیت‌های اجتماعی را تجربه می‌کنند. از همین رو، بیماری‌های روحی و روانی بشدت در تمامی اقشار و در هر رده سنی شایع است. بطوری که بسیاری از ساکنان، بویژه جوانان تمایل به برگزاری دوره‌های آموزشی پیرامون «بهداشت روان» دارند.

محلہ بابائیان



۱- توصیف کلی محله

محله بابائیان در قسمت شمالی محدوده قانونی شهر زاهدان واقع شده و ۲۰۵ هکتار وسعت دارد. در حال حاضر بخش‌هایی از منتهی‌الیه شمالی محله در خارج از محدوده قانونی شهر قرار گرفته است که به «غریب‌آباد» معروف است. در نقشه زیر موقع جغرافیایی محله نشان داده شده است.



این محله قدیمی‌ترین سکونتگاه نابسامان زاهدان با قدمتی حدود ۴۰ سال است. قدیمی‌ترین قسمت بابائیان در جنوب این محله قرار دارد. خشکسالی، یکی از زمینه‌های اصلی شکل‌گیری محله بابائیان است. به طوری که سیستم‌های بر اثر خشکسالی از دهه ۴۰ به زاهدان آمده و در این محله اسکان یافتند. فقر و گرانی مسکن در مرکز شهر نیز عامل دیگری است که موجب شده است تا مهاجرین، این بخش از حاشیه شهر را به عنوان محل سکونت خود انتخاب کنند. بطور کلی محله بابائیان به دو بخش بالا و پایین کوه تقسیم می‌شود. منظور از بالای کوه، قسمت راست انتهای جاده منتهی به محله بابائیان است و پایین کوه در سمت چپ جاده واقع شده است. ساکنان قسمت‌های بالای کوه بسیار فقیر و محروم‌اند اما در مقابل، پایین کوه وضعیت به مراتب بهتری دارد و طیف گسترده‌تری از امکانات و تسهیلات در آن مستقر است.

همچون سایر محلات، بابائیان از دیرباز پذیرای مهاجرین پشتو، تاجیک، ازبک و... بوده است. از این رو هم اینک اقوام گوناگونی در جوار قوم بلوچ زندگی می‌کنند که سطح تعاملات اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی‌شان روز به روز عمق می‌یابد.

۲- ساخت کالبدی محله و وضعیت ترابری

در بابائیان پایین کوه، سرپناه‌ها عموماً خشتی است و در ساخت تعداد معدودی از خانه‌ها آجر بکار رفته است. البته تعداد قابل توجهی خانه با نمای سنگی و یا آجر سه سانی نیز مشاهده می‌شود. اما در بابائیان بالای کوه، سرپناه‌ها اغلب خشتی و آجری بوده و استحکام کافی ندارند. از جمله مشکلات و مسائلی که اهالی این قسمت (به خصوص خانواده

های نزدیک به رودخانه) با آن مواجه اند، سیل هایی است که براثر بارش باران های شدید بوجود آمده و خانه هایشان را تخریب می کند.



بابائیان پایین کوه به لحاظ کیفیت راه های عبور و مرور از وضعیت بهتری در مقایسه با سایر محلات برخوردار است. بطوری که تعداد زیادی از معبرهای اصلی و فرعی محله آسفالت شده است. همین امر موجب شده تا فضای غبار آلود در سطح محل پدید نیاید. اما در بابائیان بالای کوه عملاً هیچ گونه راه دسترسی استاندارد وجود ندارد. بطوری که تمامی معبرها، تپه ای و ناهمواراند و حتی در بخش هایی از محله، وسیله نقلیه نمی تواند وارد شود. در محله بابائیان حمل و نقل بیشتر از طریق خودروهای شخصی و تاکسی صورت می گیرد. آنچه که در این زمینه جلب توجه می کند، تردد تعدادی اتومبیل پژو، ۲۰۶، پراید و زانتیا در بخش پایین کوه است که اغلب به ساکنان محل اختصاص دارد.



۳- ویژگی های جمعیتی و نیروی انسانی سکونتگاه

بابائیان جمعیتی معادل ۳۵۶۱۲ نفر دارد که ۱۸۲۱۰ نفر (۵۱ درصد) مرد و ۱۷۴۰۲ نفر (۴۹ درصد) زن

هستند.

جدول شماره ۴: جمعیت محله بابائیان به تفکیک جنسیت - نفر / درصد

کل جمعیت		مرد		زن	
تعداد	سهم	تعداد	سهم	تعداد	سهم
۳۵۶۱۲		۱۸۲۱۰	۵۱	۱۷۴۰۲	۴۹

مأخذ: مشاور، ۱۳۸۹

در محله بابائیان میزان زاد و ولد بالاست و این واقعیت را از تعداد زیاد کودکان پراکنده در سطح محل می‌توان براحتی دریافت. سیستمی‌های ساکن در این محل پایبندی بیشتری به رعایت تنظیم خانواده دارند و از وسایل جلوگیری از بارداری استفاده می‌کنند. اما بلوچ‌ها، تنظیم خانواده را کمتر رعایت می‌کنند و میزان زاد و ولد در آنها بالاتر است. تعداد جمعیت خانواده‌ها بسته به قومیت و نگرش‌های ناشی از آن متفاوت است. اما بطور کلی تعداد افراد هر خانواده ۵ نفر به بالا است و گاهی در یک واحد مسکونی تا ۲۰ نفر هم زندگی می‌کنند. نکته حائز اهمیت دیگر، حضور قابل توجه افغانه با ویژگی‌های خاص فرهنگی و اجتماعی خود در سطح محله است.

به لحاظ سطح تحصیلات، بنظر می‌رسد اکثر ساکنان از سطح بالای سواد برخوردار نیستند. به این ترتیب که معمولاً کودکان (به‌خصوص پسران) تنها تا مقطع راهنمایی تحصیل می‌کنند. بطور کلی سطح سواد مردان از زنان بیشتر است. اما عده‌ای از دختران جوان که به عنوان رابط بهداشت فعالیت می‌کنند، دیپلمه بوده و دوره آموزش‌های فنی و حرفه‌ای برگزار شده از سوی مرکز بهداشت را نیز گذرانده‌اند.

۴- امکانات عمومی محله و خدمات شهری

ساکنان پایین کوه از برق بصورت قانونی استفاده می‌کنند. آب شرب نیز از طریق تانکرهای مستقر بر پشت بام‌ها و تانکرهای متحرک تأمین می‌شود. همچنین اغلب منازل از خطوط تلفن بهره‌مندند. در بخش بالای کوه محله نیز مردم اغلب از خطوط تلفن برخوردارند اما سایر خدمات در سطح بسیار محدودی عرضه می‌شود. منازل بصورت غیرقانونی از برق استفاده می‌کنند که اغلب شب‌ها به علت فشار بیش از حد، برق منازل قطع می‌شود.

در بخش‌های پایین کوه محله بابائیان، سیستم جمع‌آوری زباله وجود دارد. به همین علت میزان زباله پراکنده در سطح محل به حداقل رسیده است. وجود جوی‌های هدایت‌کننده آب گذرا و فاضلاب، در بهداشت و پاکیزگی ظاهری محل تأثیر بسزایی داشته است. اما در قسمت‌های بالای کوه، فاضلاب در سطح محله جاری است و بوی بسیار تندی را در فضا پخش می‌کند.



در این محله به مانند دیگر محلات حاشیه، زباله و خاکروبه مأمّن اصلی بازی کودکان و نوجوانان است. گاه دیده می‌شود که کودکان پابرهنه و با دست مشغول ساخت کپه و یا خانه‌های بازی از جنس زباله و فضولات حیوانی هستند. به علت تماس دست آلوده، چشمان غالب این کودکان تراخم و یا پوست سر و صورت آنها عفونت کرده است. بطوری که حتی برخی از آنها به بیماری «کچلی» دچار شده‌اند.

۵- اقتصاد محله

در محله بابائیان (بیشتر در بخش پایین کوه) کسب و کارهای متنوعی در جریان است، همچون: آب فروشی، نانوايي، دستفروشی، خوارو بار فروشی، اغذیه‌فروشی، بستنی‌فروشی، میوه‌فروشی، مرغ و ماهی فروشی، قنادی، سبزی‌خردکنی، بلوچی‌دوزی، آرایشگری، رانندگی، عطاری، بنگاه معاملات ملکی، سوزن‌دوزی مردانه و سبزی پاک‌کنی. اخیراً برخی حرفه‌های جدید نیز نظیر فروش و تعمیرات موبایل، فروش CD، عکاسی بانوان، خدمات کامپیوتر و ویدئو کلپ نیز رواج یافته است. علاوه بر این مشاغل، برخی از مردان، کارگران فصلی ساختمانی و یا خدماتی هستند. تعداد معدودی از مردان نیز به عنوان کارمند مشغول به کارند. بنا به اظهارات رابطین بهداشت، برخی مردان به دنبال دریافت وام از سازمان و نهادهای دولتی و یا بانک‌ها به منظور راه‌اندازی فعالیت‌های اقتصادی‌اند. اما در عمل با مشکلات بیشماری مواجه می‌شوند و تنها عده معدودی از طریق برقراری روابط خاص اداری به این وام‌ها (در حدود ۳ میلیون تومان) دست می‌یابند. طبق نتایج حاصل از ارزیابی سریع، اغلب پسران جوان محل بیکار هستند و تعدادی نیز به کار قاچاق می‌پردازند. زنان اغلب خانه دارند و بیشتر به کارهای دستی نظیر خیاطی، سوزن‌دوزی، گلسازی و خصوصاً بلوچ‌دوزی مشغولند. همچنین آرایشگری از مشاغل پر طرفدار میان زنان است. عده‌ای از زنان نیز که از مهارت‌های کمتری دارند، به عنوان کارگر در منازل مردم به کار نظافت می‌پردازند. نکته جالب توجه آن است که تعداد اندکی از زنان بابائیان پایین کوه، به دبیری اشتغال دارند. در این محله نیز به مانند سایر محلات، تعدادی زن سرپرست خانوار وجود دارد. رابطین بهداشت بر این باورند از هر ۳۰ واحد مسکونی، ۱ واحد دارای زن سرپرست خانوار است.

بطور کلی مردم محله (بخصوص ساکنان بالای کوه) از لحاظ اشتغال و اقتصاد در مضیقه هستند و مسئله اصلی آنها تأمین درآمد است. از این رو بدنبال راه‌های مختلف حتی غیرمعارف و غیرقانونی جهت کسب درآمدند. درآمد مردان به حدی است که گاهی حتی جوابگوی نیازهای تغذیه‌ای خانواده نیست. بنا به اظهارات، این خانواده‌ها تنها در هفته یکبار میوه و در ماه ۱۰۰ گرم گوشت مصرف می‌کنند. درآمد اغلب خانواده‌ها از ۲۵۰ هزار تومان بیشتر نیست و برخی بیان کرده‌اند که این درآمد برای معیشت حداقلی یک خانواده ۳ تا ۴ نفره کافی است. بطور کلی زنان با مشکلات مالی دست به گریبانند و بنظر می‌رسد که درآمد آنها کمتر یا برابر با هزینه‌هایشان باشد. متوسط درآمد ماهانه زنان سرپرست خانواده، ۷۰ هزار تومان است و آنان بیشترین درآمد خود را از خیاطی بدست می‌آورند. خانواده‌ها اغلب مستأجرند و میزان اجاره ماهانه در سطحی میان ۷۰ تا ۱۰۰ هزار تومان با پول پیش ۲۰۰ تا ۵۰۰ هزار تومان قرار دارد. این رقم بسته به موقعیت محلی متفاوت است.

سبد اصلی کالای مردم این محل متشکل از نان، سیب‌زمینی، گوشت، پیاز، گوجه‌فرنگی و میوه است. اقلام این سبد به نوعی از سطح پایین درآمد خانوار حکایت می‌کند. چرا که این سبد از کیفیت و تنوع قابل قبولی برخوردار نیست.

۶- موقعیت اجتماعی، فرهنگی و آموزشی سکونتگاه

اهالی ساکن در این محله، ترکیبی از دو قوم بلوچ و سیستانی و از نظر مذهبی سنی و شیعه‌اند. گرچه ازدواج میان آنها جریان دارد اما این مسئله مانع از وقوع درگیری‌های میان دو قوم نیست. از منظر اجتماعی و فرهنگی، بخش‌های واقع در پایین کوه، در موقعیت مناسب‌تری نسبت به بخش بالای کوه قرار دارند و مردم ساکن در بخش بالای کوه، فقیرتر و محروم‌تر و با سطح فرهنگ پایین‌ترند. اظهارات مسئولان بهداشت محل حاکی از آن است که سطح اطلاعات و آگاهی زنان در زمینه برنامه‌های تغذیه بسیار کم است و از سوی دیگر میزان اعتیاد در آنها حتی نسبت به زنان سایر محلات بالاست. در سطح محله، تعداد دختران ازدواج نکرده و در حال تحصیل (به احتمال زیاد در میان سیستانی‌ها) بالاست. حتی در برخی بلوک‌ها (مانند بلوک سیستان ۳۴)، در هر خانواده یک نفر دانشجویست. در این محله نیز همچنان حضور زنان و دختران در محلات نادر است و تنها محل تجمع آنان مقابل در منازل است.

پوشش اغلب ساکنان، بخصوص جوانان از لباس محلی به بلوز و شلوار تغییر یافته است. پوشش کودکان ساکن در پایین کوه، تمیزتر و مرتب‌تر از بالای کوه است. بنا به اظهارات مسئولان بهداشت، تولد کودکان کم‌توان ذهنی و با بیماری‌های مادرزادی در محل شایع است.

محله بابائیان از امکانات آموزشی وسیعی برخوردار است: دبستان پسرانه، دبستان دخترانه، راهنمایی پسرانه، راهنمایی دخترانه، کاردانش پسرانه، دبیرستان پسرانه و دبیرستان دخترانه. از دیگر امکانات قسمت‌های پایین کوه می‌توان به خانه بهداشت، مرکز بهداشت، انجمن و مرکز گذری کاهش آسیب، بانک، گرمابه، کارواش، داروخانه، آموزشگاه کامپیوتر، آموزشگاه فنی-حرفه‌ای^{۵۰} خیاطی، آموزشگاه رانندگی پایه یک، پایگاه همیاران سلامت و

⁵⁰ در بابائیان ۲ مرکز فنی و حرفه‌ای وجود دارد که از آنها استفاده نمی‌شود. اما ساختمان فنی و حرفه‌ای خیابان شهید رجایی فعال است.

مهدکودک‌های خصوصی اشاره کرد. در این محله دو نهاد عمومی نیز فعالیت دارند: انجمن بانوان شمس و پایگاه همیاران سلامت.

مسجدهای سیدالشهدا، قدس، صدیقیه و امام رضا از مساجد محوری محله هستند و مرکز تجمع مردم، بیشتر در مساجد صدیقیه و امام حسن است. مولوی کریم کشته، مولوی خمر و مولوی عبدالرحمن شاه‌وزهی سرشناس‌ترین مولوی‌های محل هستند. غلام نبی براهویی به عنوان شهردار محله و موسی شایسته نژاد و حاج عظیم اکرامیان به عنوان معتمدان محل، به ایفای نقش اجتماعی می‌پردازند.

۷- پیشینه توانمندسازی

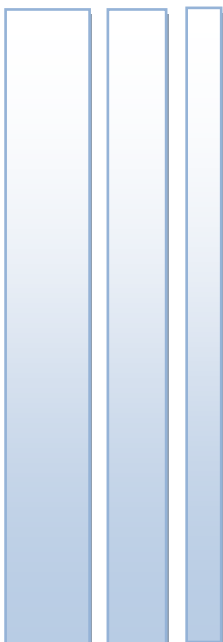
محله بابائیان از تجربه اجرای طرح‌های توانمندسازی برخوردار است. طرح Community Based Rehabilitation (CBR)، طرح توانبخشی مبتنی بر اجتماع بود که سازمان ملل در سال ۲۰۰۶-۲۰۰۷ در این منطقه به‌مورد اجرا گذاشت. هدف این طرح ایجاد توانمندی در افراد مبتلا به معلولیت و ناتوانی جسمی بود. در سال ۱۹۹۹ طرح دیگری با عنوان Afghan health worker از سوی سازمان ملل با کمک یک NGO بریتانیایی و نیز مرکز بهداشت استان انجام شد که در پی اجرای آن پایگاه بهداشتی حضرت مریم تأسیس و تجهیز شد. علاوه بر این اقدام، در خلال طرح، برای ۲۰۰ تا ۳۰۰ خانوار توالی‌های بهداشتی ساخته شد. NGO دیگری با عنوان Global partner، آموزش مهارت‌هایی نظیر خیاطی، آرایشگری و نجاری را در دستور کار خود قرار داد. طرح دیگری با عنوان Community Based Organization (CBO)، که طرح فقرزدایی است از سوی سازمان ملل با همکاری سازمان بهزیستی در این محله به‌مورد اجرا گذاشته شده است.

۸- شناسایی گرایش‌های موجود در سطح محله

در این محله بطور کلی دختران جوان به کارهای هنری علاقمندند و پسران جوان بیشتر بدنبال مشاغلی چون خدمات فنی و کامپیوتر و فروش و تعمیر موبایل هستند.

محله

کارخانه نمک و پشت گاراژ



۱- توصیف کلی محله

محله‌های پشت گاراژ و کارخانه نمک در شمال غربی زاهدان و در نزدیکی ترمینال مسافربری قرار دارند. نقشه و عکس هوایی زیر موقع جغرافیایی این محله‌ها را در شهر زاهدان نمایش می‌دهد.



محدوده پشت گاراژ



محدوده کارخانه نمک



محدوده کارخانه نمک و پشت گاراژ

این دو محله هر دو در یک محدوده جغرافیایی واقع شده‌اند و خیابان کوثر و بلوار بهشت، آنها را از یکدیگر جدا می‌کند. محلات پشت گاراژ و کارخانه نمک در مجموع ۲۸۷ هکتار مساحت دارند و ۲۰ سال از شکل‌گیری آنها می‌گذرد. زمینه اصلی ایجاد این محله‌ها، مهاجرت طیف‌های کم بضاعت به این محدوده بدلیل گرانی مسکن در مرکز شهر و نیز هجوم افغانه در سال‌های پس از انقلاب بوده است. پشت گاراژ و کارخانه نمک جزء محله‌های کم وسعت سکونتگاه‌های حاشیه‌ای زاهدان محسوب می‌شوند. این دو محله در نزدیکی یکدیگر قرار دارند و تنها یک خیابان، حائل دو محله شده است. برای رسیدن به محدوده پشت گاراژ و کارخانه نمک می‌بایست از میدان و منطقه بازار مشترک^{۵۱} عبور کرد.

محله کارخانه نمک، از نظر بافت کالبدی و ویژگی‌های اقتصادی و اجتماعی تفاوت‌های بارزی با محدوده پشت گاراژ

^{۵۱} بازار مشترک، بازاری است که در آن کالاها و اجناس بازار مشترک (عموماً قاچاق) عرضه می‌شود.

دارد. در گذشته به دلیل آنکه حجم زیادی از نقل و انتقالات و جابجایی‌های بار و مسافر در محله پشت گاراژ صورت می‌گرفته، این محله از جایگاه و اهمیت خاصی برخوردار بوده است. در سال‌های اخیر این طیف از خدمات به مکان دیگری از شهر انتقال یافته اما همچنان این محله به گاراژ معروف است. آنچه که بیش از همه در این محلات جلب توجه می‌کند، محیطی عاری از فضای سبز است. اظهارات شهردار محله‌ها حاکی از آن است که دستگاه‌های دولتی هیچ‌گونه سرمایه‌گذاری بر روی فضای سبز این محلات نکرده است. به منظور رفع این معضل، افراد محلی خود دست به اقداماتی زده‌اند. به عنوان مثال برخی از ساکنان در داخل حیاط و یا مقابل در منازلشان درختکاری کرده‌اند. از طرفی شهردار محله کارخانه نمک نیز، با ارایه طرح "یک خانه، یک درخت" به شهرداری سعی در تلطیف فضای محله داشته است. اما برغم تقدیر «فرهنگسرای تفکر تهران» از این طرح، شهرداری زاهدان استقبال چندانی به عمل نیاورده است.

شهرداری منطقه ۴

محل احداث فضای سبز!



۲- ساخت کالبدی محله و وضعیت ترابری

در محله پشت گاراژ منازل بصورت فشرده در کنار یکدیگر قرار گرفته و غالباً از آجر و خشت ساخته شده‌اند. در محله کارخانه نمک نیز سرپناه‌ها بصورت فشرده و متراکم ساخته شده‌اند و بیشتر خشتی و آجری هستند. اما تعدادی سرپناه نیمه مخروبه نیز در این محله دیده می‌شود. در بسیاری از کوچه‌های محله پشت گاراژ، ساخت و سازهای جدیدی در دست انجام است که به نظر می‌رسد بیشتر در تدارک افزودن یک اتاق به واحد مسکونی و یا بازسازی، گچ کاری و سیمان کاری مجدد خانه‌ها برآمده‌اند.



در محله کارخانه نمک، دکان بیشتر مغازه داران خصوصاً خوار و بارفروشان، در مجاورت خانه هایشان است و در برخی موارد دیده می شود که یکی از اتاق های مشرف به کوچه تبدیل به دکان شده است. محله پشت گاراژ فاقد راسته بازار محلی است و تک مغازه های پراکنده در آن دیده می شود اما در محله کارخانه نمک یک بازار خرد و ابتدایی با تنوع گسترده (میوه، صیفی، دیگ و قابلمه، کاه، گوسفند و...) وجود دارد. مساجد موجود در این محله برخلاف سایر محلات، بزرگ و از آجر ساخته شده اند و از معماری جدیدتری برخوردارند. در محله پشت گاراژ، معبرها اغلب خاکی است و خیابان های آسفالت کمتر در آن دیده می شود. اما در محله کارخانه نمک معبرهای اصلی آسفالت شده اند اما معبرهای فرعی بیشتر خاکی هستند. به لحاظ کالبدی هر دو منطقه دارای کوچه هایی پهن و ماشین رو هستند. حمل و نقل در این محلات بیشتر از طریق تاکسی و یا خودروهای شخصی^{۵۲} صورت می گیرد. برخی اهالی نیز از دوچرخه استفاده می کنند.



^{۵۲} در محله کارخانه نمک تردد تعدادی اتومبیل مدل بالا جلب توجه می کند.

۳- ویژگی‌های جمعیتی و نیروی انسانی سکونتگاه‌ها

محلله‌های کارخانه نمک و پشت گاراژ در مجموع ۴۱۶۸۸ نفر جمعیت دارند. در جدول شماره ۵، جمعیت این محلات را به تفکیک می‌توان می‌توان مشاهده کرد. عمده ساکنان محله، بلوچ و از طایفه گرگیج هستند. برخی ساکنان این محله‌ها افغانند که تعداد آنها در محله پشت گاراژ بیشتر است.

جدول شماره ۵: جمعیت محله‌های پشت گاراژ و کارخانه نمک به تفکیک جنسیت - نفر/درصد

نام محله	کل جمعیت	مرد		زن	
		تعداد	سهم	تعداد	سهم
کارخانه نمک	۳۳۷۷۹	۱۷۲۷۴	۵۱	۱۶۵۰۵	۴۹
پشت گاراژ	۷۸۰۹	۳۹۹۹	۵۱	۳۸۱۰	۴۹

مأخذ: مشاور، ۱۳۸۹

به نظر می‌رسد که در هر دو محله، بیشتر خانواده‌ها بیش از ۳ فرزند دارند و معمولاً در یک خانه مشترک با بیش از ۴ خانوار با یکدیگر زندگی می‌کنند. بالا بودن تعداد افراد ساکن در یک واحد مسکونی با فرهنگ چند همسری در منطقه و نیز شیوه زندگی به شکل خانواده گسترده، رابطه مستقیم دارد.

در این محلات نیز به مانند سایر مناطق بلوچ نشین، اغلب زنان کم سواد و یا بی سواد هستند و بسیاری از آنها، تا بیش از کلاس پنجم نمی‌توانند تحصیل کنند. بطور عام آموزش‌های مخصوص زنان، آموزش‌های دینی است و مکتب خانه‌های دخترانه یکی از مکان‌های مهم آموزش دختران بشمار می‌رود. سطح تحصیلات مردان در مقایسه با زنان بالاتر است. بطوری که برخی فراتر از تحصیلات ابتدایی، مقاطع راهنمایی و دبیرستان را نیز گذرانده‌اند.

۴- امکانات عمومی محله و خدمات شهری

در محله پشت گاراژ استفاده از برق، به هر دو صورت قانونی و غیرقانونی دیده می‌شود. اهالی، از طریق لوله کشی به آب شیرین دسترسی دارند. در اغلب منازل از تلفن استفاده می‌شود و ساکنان از طریق کپسول گاز سوخت مورد نیاز خود برای پخت و پز را تأمین می‌کنند. حجم انباشت زباله در محله پشت گاراژ نسبت به کارخانه نمک بیشتر است. فضولات حیوانی پراکنده در سطح محل، به همراه علوفه دام‌ها بوی نامطبوعی را در فضا پراکنده است.



در این میان کودکان زیادی را می توان مشاهده کرد که با دست مشغول جمع آوری زباله ها (بخصوص فضولات حیوانی) از مقابل خانه هایشان هستند .



در هر دو محله، فاضلاب در سطح کوچه، خیابان و مقابل در منازل جاری است. به علت عدم خدمات رسانی از سوی شهرداری، جمع آوری زباله و فاضلاب توسط ساکنان (اغلب کودکان) صورت می گیرد. اما محله کارخانه نمک از این حیث تمیزتر بنظر می رسد.



گزارش نهایی طرح

توسعه مهارت‌های پایه در سکونتگاه‌های غیررسمی شهر زاهدان

علاوه بر آلودگی‌های محیطی، بواسطه وجود کارخانه آرد شهرکی، ساکنان این محلات از آلودگی‌های تنفسی نیز

رنج می‌برند.



زمین خاکی کوچکی نیز در مرکز محله پشت گاراژ وجود دارد که به هنگام غروب آفتاب محل تجمع بسیاری از نوجوانان است که به ورزش فوتبال علاقه زیادی نشان می‌دهند. علاوه بر این زمین خاکی، اخیراً یک زمین چمن محصور در این محله احداث شده است که با استقبال زیاد جوانان همراه بوده است.



اما در محله کارخانه نمک وضعیت بگونه دیگری است. کوچه‌ها در مقایسه با محله پشت گاراژ بسیار تمیزتر بنظر می‌رسند. بسیاری از مغازه‌داران برای جلوگیری از ایجاد فضای غبارآلود، جلوی در مغازه‌ها را عصر هنگام، آب پاشی می‌کنند. در داخل بسیاری از کوچه‌ها، جوی آبی وجود دارد که پسماند فاضلاب حیاط‌خانه‌ها را جمع و هدایت می‌کند.

در این محله ساکنان از برق بصورت غیرقانونی استفاده می‌کنند. در داخل اغلب منازل تلفن وجود دارد و از کپسول گاز برای پخت و پز بهره می‌گیرند. در محدوده این منطقه، یک مرکز نیروی انتظامی و نیز دو مرکز بهداشت (مرکز بهداشت امام رضا و مرکز بهداشت الغدیر) برای ارائه خدمات بهداشتی مستقراند. در میان افراد تحت پوشش این مراکز، حدود ۶۰۰ خانوار افغانی نیز از خدمات بهره می‌گیرند.

شایان توجه است که به علت کمبود واحدهای درمانی و محدودیت امکانات و تجهیزات مراکز بهداشتی مستقر در محلات، ساکنان به اجبار به بیمارستان‌های سطح شهر و یا خارج آن مراجعه می‌کنند. به همین علت آنها علاوه بر هزینه‌های سنگین درمان، بناچار هزینه‌های حمل و نقل را نیز متحمل می‌شوند. از آنجا که دریافت خدمات درمانی از پاکستان به مراتب کم هزینه‌تر است، اغلب ساکنان به پاکستان مسافرت می‌کنند.

۷- اقتصاد محله

در محله پشت گاراژ فعالیت های اقتصادی مختلفی در جریان است. همانند: خیاطی، کارگری، آرایشگری و دستفروشی. در محله کارخانه نمک نیز حرفه های گوناگونی دیده می شود که از تنوع بیشتری در مقایسه با محله پشت گاراژ برخوردارند، همچون فروش سوخت قاجاق، فروش آب، خواروبارفروشی، خرازی، خیاطی، آرایشگری، رانندگی، مغازه داری، کارمند، کارگری، سوزن دوزی، آینه کاری و سکه دوزی. در هر دو محله، مردان بیشتر به کار آزاد مشغولند. همچنین در سطح محلات، مشاغل خدمات فنی جدید مانند تعمیر موبایل نیز دیده می شود. در کارخانه نمک تعدادی از مردان در بازار چهارراه رسولی مغازه دارند. در میان ساکنان این محله، تعدادی کارمند و تعدادی دیگر نیز راننده‌اند. تعدادی از مردانی که از تحصیلات بالاتری برخوردارند، خدمات کامپیوتری عرضه می‌کنند. همانطور که پیشتر عنوان شد، در محدوده این دو محله، یک بازار مشترک وجود دارد که خارج از معیارهای تعریف شده برای یک بازار استاندارد است. در این بازار، مردان بیشتر به میوه فروشی و دست فروشی اشتغال دارند. غالب آنها فاقد یک مکان سرپوشیده برای فروش اجناس خود هستند و با استفاده از چادر یا کپر، فضایی را جهت فروش اجناس خود ایجاد کرده‌اند. این افراد برغم پرداخت ماهانه ۸۰ تا ۹۰ هزار تومان عوارض به شهرداری، هیچ‌گونه خدمات و تسهیلاتی دریافت نمی‌کنند.



شهردار محله‌ها بر این باورند، آنچه که بیش از همه مانع از شکل‌گیری کسب و کار مولد اقتصادی در منطقه شده، نبود سرمایه اولیه است. به گفته ایشان برای برخی حرفه‌های جدید و مورد نیاز بازار، مانند عرضه خدمات کامپیوتری، حداقل به پنج میلیون تومان سرمایه نیاز است که خارج از توانایی مالی بسیاری از جوانان است.

در این محلات، اکثر زنان به کارهای خانگی مشغولند اما بطور کلی دو حرفه آرایشگری و خیاطی بیشتر مورد استقبال است. بعلاوه در محله چند نفر استادکار زن بلوچی دوز، فعالیت دارند. در همین حال برخی هنرهای دستی

مانند ملیله‌دوزی، گلدوزی، سوزن دوزی و سکه دوزی نیز میان زنان رایج است. بنابر گزارش ارزیابی سریع، درآمد خانواده‌ها در محله کارخانه نمک نسبت به پشت گاراژ بیشتر است و کسب و کار آنها اغلب رسمی است. اما بنظر می‌رسد که در محدوده پشت گاراژ، مشاغل غیررسمی مانند گازوئیل فروشی و بنزین فروشی بیشتر رایج است. همچنین کارگران فصلی و ساختمانی نیز بیشتر در همین محله سکونت دارند.



به نظر می‌رسد اکثر اهالی در هر دو محدوده مستأجر باشند. کرایه خانه در محله پشت گاراژ تقریباً ماهی ۱۳۰ هزار تومان است اما در کارخانه نمک متوسط اجاره خانه ماهی ۲۰۰ هزار تومان با ۱ میلیون تومان پول پیش است. قدرت خرید مردم در محله کارخانه نمک بیشتر از پشت گاراژ است حتی بسیاری از زنان توانایی پس انداز هفتگی دارند. اما در محله پشت گاراژ بسیاری از خانواده‌ها، تنها توانایی برآوردن نیازهای اساسی خود را دارند و تعدادی از آنها تحت پوشش کمیته امداد هستند. برخی نیز برای تأمین معاش خود، ناگزیر به قاچاق سوخت روی می‌آورند. طبق اظهارات شهردار محله پشت‌گاراژ، برخی از ساکنان متمول، که به نوعی سرمایه داران محله بشمار می‌روند، سرمایه‌های خود را صرف تجدید بنای ساختمان، احداث ساختمان‌های مسکونی، خرید خودروهای مدل بالا و در نهایت تجدید فراش می‌کنند.

هزینه حمل و نقل یکی از اقلام مهم هزینه خانوار بشمار می‌رود. تمامی اتوبوس‌های موجود در محلات، ریالی هستند و به ازای هر سفر درون شهری، ۷۵۰ تا ۱۰۰۰ ریال دریافت می‌کنند. علاوه بر اتوبوس، تاکسی نیز مورد استفاده قرار می‌گیرد. اما میزان کرایه تاکسی به نسبت درآمد ساکنان بالاست. به عنوان نمونه پرداخت کرایه ۱۰۰۰ تومانی جهت رسیدن به سطح شهر، برای یک کارگر که روزانه تنها ۸۰۰۰ تومان درآمد دارد، درخور توجه است. این امر خود، به مانعی بر سر راه خروج مردان از محل، برای کار کردن تبدیل شده است.

درآمد زنان از خیاطی تقریباً با سایر محلات برابر است. بطور مثال معمولاً برای دوخت یک دست لباس بلوچی به همراه سوزن دوزی یک ماه زمان لازم است و درآمد حاصل از آن ۱۱ تا ۱۲ هزار تومان ذکر می‌شود. آرایشگری نیز به عنوان دومین حرفه پرطرفدار درآمد مناسبی به همراه دارد. بطور مثال، یک آرایشگر خانم که دارای مکانی مناسب است، بطور متوسط ماهانه ۱۵۰ هزار تومان درآمد دارد.

در پشت گاراژ، سبد اصلی کالا که اغلب مورد استفاده ساکنان قرار می گیرد شامل نان، سیبزمینی، پیاز و گوجه فرنگی است. اما در کارخانه نمک سبد اصلی کالا متنوع تر است و اقلامی چون نان، سیبزمینی، پیاز، گوجه-فرنگی، خربزه و سیب را دربرمی گیرد.

۸- موقعیت اجتماعی و فرهنگی و آموزشی سکونتگاه ها

با وجود آنکه محله های پشت گاراژ و کارخانه نمک در یک محدوده جغرافیایی قرار دارند، اما به لحاظ اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی، تفاوت های آشکاری میانشان دیده می شود. از این منظر، وضعیت در کارخانه نمک به مراتب بهتر است. تجمع زنان در خانه ها بصورت فامیلی یا همسایگی شکل می گیرد. این زنان اغلب تنها ۵ کلاس سواد دارند و نمی توانند ادامه تحصیل دهند. چرا که به علت وجود تعصبات قومی و فرهنگی، خانواده ها اجازه ادامه تحصیل به دخترانشان را نمی دهند و آنها را در سنین پایین مجبور به ازدواج می کنند. غلظت این تعصبات تا حدی است که حتی مدارس دو شیفته (یک نوبت دختران - یک نوبت پسران) وجود ندارد و تلاش می شود تا تمامی عرصه ها و فضاهای اجتماعی برای پسران و دختران مجزا باشد. در هر دو محله زنان حضور محسوسی در فضای عمومی ندارند و بیشتر در آرایشگاه ها و خیاطخانه ها می توان آنها را یافت. زنان و مردان محل از پوشش سنتی استفاده می کنند و تعدادی از زنان نیز برای پوشش صورت، روبند می بندند. در سراسر محله حلقه های متعددی از جوانان و نوجوانان بیکار، مقابل در منازل دیده می شوند.



بر بام برخی از خانه ها دیش ماهواره مستقر است که اغلب جوانان بیکار، الگوی رفتاری خود را از شبکه های ماهواره ای انتخاب می کنند. در پشت گاراژ تعداد زیادی کودک پابرهنه با پوشش نامناسب، در سطح محله دیده می شوند که بر روی زباله ها مشغول بازی اند. در کارخانه نمک نیز کودکان پراکنده در سطح معابر، چشمگیر است.

به گفته مسئول مرکز بهداشت^{۵۳}، اعتیاد در میان زنان افغان رایج است و اغلب آنها از ناس استفاده می کنند. در میان زنان بلوچ نیز کشیدن قلیان مرسوم است و ممکن است در تنباکو، مواد مخدر مخلوط کنند. تریاک، الگوی مصرف مواد در این دو محله است. گاهی اوقات زنان بارداری معتاد نیز به مرکز بهداشت مراجعه می کنند. شهردار محله ها نیز بر

^{۵۳} مرکز بهداشت، هر دو محله پشت گاراژ و کارخانه نمک را تحت پوشش خود دارد.

شیوع استفاده از ناس و حشیش صحنه گذاشته و به گفته ایشان، حتی قبل از سیگار، بسیاری از جوانان، ناس مصرف می‌کنند. آنها بر این باورند میزان اعتیاد افغانه بیش از ایرانی هاست. بطوری که مهاجران بیرجندی و مهاجرانی که در اطراف خاش سکنی گزیده‌اند، اعتیاد کمتری دارند. معتمدین محلی نیز از همه‌گیر بودن مصرف مواد مخدر در تمامی سنین و رواج ماده مخدر کریستال، میان جوانان به شدت ابراز نگرانی می‌کنند.

یکی از پدیده‌های ناگوار اجتماعی که به تازگی در این محلات رواج یافته، تهدید و ارباب کودکان است. این مسئله به شدت بر عدم امنیت محله دامن زده و موجی از نگرانی را در میان خانواده‌ها پدید آورده است. این درحالی است که این معضل بارها به مسئولین ذیربط و نیروی انتظامی توسط شهردار محله گزارش شده است اما تاکنون هیچ‌گونه پیگیری از سوی آنها صورت نگرفته است.

کارخانه نمک از امکانات آموزشی نسبتاً وسیعی در مقایسه با سایر محلات برخوردار است. بطوری که ۱ دبستان دخترانه و پسرانه، ۱ دبستان پسرانه، ۱ مدرسه راهنمایی دخترانه، ۱ مدرسه راهنمایی پسرانه، ۱ دبیرستان دخترانه و ۱ هنرستان فنی پسرانه در این محله وجود دارد. امکانات آموزشی موجود در محله پشت گاراژ شامل ۲ دبستان پسرانه، ۱ دبستان دخترانه، ۱ راهنمایی دخترانه و ۱ دبیرستان دخترانه است. طبق اظهارات شهردار محله کارخانه نمک، متناسب با نیازهای آموزشی محلات و برغم وسعت اراضی منطقه، بودجه کافی برای توسعه فضاهای آموزشی اختصاص داده نمی‌شود. این امر در پایین بودن سطح تحصیلات محلات تأثیر بسزایی داشته است.

همچنین در کارخانه نمک موسسه پرچم سبز و شورایاری به‌عنوان دو نهاد عمومی فعال‌اند که در حل مسائل و مشکلات محله، نقش موثری ایفا می‌کنند. اما در پشت گاراژ هیچ گونه نهاد عمومی وجود ندارد.

در محله کارخانه نمک بیشترین رفت و آمد اهالی به دو مسجد عثمانیه و فاروغیه جریان دارد و ساکنان، اغلب از شاخه حنفی هستند. علاوه بر این دو مسجد، مساجد دیگری نظیر قبا و پیامبراعظم نیز به عنوان مراکز محوری در سطح محل شناخته می‌شوند. در این محله مولوی‌ها عبدالرئوف، محمود و عبدالکریم شاه‌زهی سرشناس‌تر و شاخص‌تر از دیگرانند. همچنین عبدالصمد شه‌بخش، محمد حنیفه براهویی، شهرکی و حبیب اله حسن زهی به عنوان معتمدان محل شناخته می‌شوند. احمد براهویی نژاد و علی وحیدی فر شهردار محله هستند و ایفاگر نقش اجتماعی‌اند.

در محله پشت گاراژ مسجدهای پیامبراعظم، حضرت عبدالله، محمد رسول اله، حضرت ابراهیم خلیل اله و مرکز توحید، مساجد محوری محله محسوب می‌شوند. مولوی عبدالعزیز در مرکز توحید و مولوی حبیب الهی در مسجد ابراهیم در زمره برجسته ترین مولوی های قرار دارند. در این محله نیز علی وحیدی فر، احمد براهویی و عیدو نارویی شهردار محله هستند. حاج عبدالرئوف و شه‌بخش نیز علاوه بر پشت گاراژ در زمره معتمدان این محل‌اند.

۹- پیشینه توانمندسازی

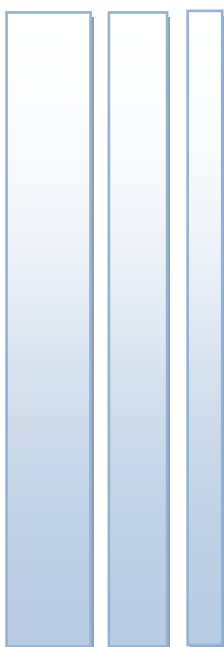
در محله کارخانه نمک تاکنون هیچ گونه طرح توانمندسازی به اجرا درنیامده است. اما محله پشت گاراژ یک طرح توانمندسازی را تجربه کرده و آن به پروژه "ساماندهی صنایع دستی در سکونتگاه های غیررسمی شهر زاهدان" که با

هدف تقویت صنایع دستی در بازار منطقه توسط مهندسين مشاور شرق آيند در سال ۱۳۸۷ اجرا شده، باز می گردد. اما اين طرح بطور کامل به اجرا درنيامده است.

۱۰- شناسایی گرایش های موجود در محله

با توجه به اینکه در این محلات طرح های توانمندسازی به اجرا در نیامده و یا بطور کامل پیش نرفته است، هیچ گونه پیش زمینه آموزش مهارت وجود ندارد .

محلۀ مرادقلی



۱- توصیف کلی محله

با هجوم افغانه در اواخر دهه ۵۰ و در پی باز شدن مرزهای کشور در سال های پس از انقلاب بر روی آوارگان افغان، آلونک نشینی در بخش های حاشیه ای شهر زاهدان شدت یافت. بتدریج با گسترش این روند، شرایطی فراهم آمد که محله مرادقلی به عنوان یکی از سکونتگاه های حاشیه ای شهر زاهدان پدیدار شد. عکس هوایی زیر موقعیت این محله را نشان می دهد.



در میان سکونتگاه های حاشیه ای شهر زاهدان، محله مرادقلی به شهر نزدیکتر است. این قرابت، در ایجاد شباهت های ظاهری میان ساختار محله با بخش های مرکزی شهر تأثیر بسزایی داشته است. در نگاهی کلی به سطح محله، از به ثمر رسیدن تعداد بیشتری از طرح های عمرانی در مقیاس کوچک نشان می یابیم. بگونه ای که منظر عمومی این محله کاملاً متفاوت با سایر محلات است.

۲- ساخت کالبدی محله و وضعیت ترابری

مصالح ساختمانی بکار رفته در سرپناه های محله، بیشتر از جنس آجر و سیمان است و نمای اغلب خانه ها تمیز است. بنظر می رسد که در این محله سرپناه ها از استحکام بیشتری برخوردارند. در محله مرادقلی راسته مغازه ها و نیز تک مغازه ها دیده می شوند. نحوه استقرار این مغازه ها و نیز چیدمان داخلی آنها بسیار شبیه به سوپرمارکت های مرکز شهر است. در عین حال می توان برخی از دکان ها را دید که در حقیقت یکی از اتاق های واحد مسکونی است که با باز کردن در بیرونی آن بسوی خیابان تبدیل به دکان شده است.

معبراه های اصلی محله، آسفالت شده اما معبرهای فرعی همچنان خاکی است. در برخی از خیابان ها و پیاده روها نیز قسمت هایی از آسفالت کنده شده است. مسئله خاکی بودن معبرهای فرعی و برخی خیابان ها همواره مورد اعتراض مردم محله بوده است. همچنین آنها از عدم استحکام تیرهای چراغ برق که سرکوپه ها قرار دارند نیز شکایت می کنند. چراکه هر آن ممکن است تیرها شکسته و بر روی واحدهای مسکونی بیفتند و یا راه عبور و مرور را سد کنند. با توجه به مشاهده صورت گرفته، میزان تردد تاکسی در محله بالاست. همچنین طبق گفته شهردار محله تعداد زیادی از اهالی محل، راننده تاکسی اجاره ای هستند و یا خود تاکسی دارند. به همین علت در اکثر خانه ها بخشی از فضای حیاط به صورت پارکینگ درآمد که در آن از جنس کرکره مغازه هاست.

۳- ویژگی‌های جمعیتی و نیروی انسانی سکونتگاه

این محله به نسبت وسعت خود، تراکم جمعیتی بالایی دارد اما در مقایسه با سایر محلات خلوت تر بنظر می‌رسد. جدول شماره ۶ نشان می‌دهد که محله مرادقلی ۳۰۵۴۶ نفر جمعیت دارد که از این تعداد ۵۱ درصد مرد و ۴۹ درصد زن هستند.

جدول شماره ۶: جمعیت محله مرادقلی به تفکیک جنسیت - نفر / درصد

کل جمعیت		مرد		زن	
تعداد	سهم	تعداد	سهم	تعداد	سهم
۱۵۵۸۴	۵۱	۱۴۹۶۲	۴۹		

مأخذ: مشاور، ۱۳۸۹

در این محله تجمع جوانان در کوچه‌ها و خیابان‌ها کمتر است اما همچنان تعداد کودکان پراکنده در معابر قابل توجه است. حضور زنان نیز در سطح محله کم‌رنگ است و تنها معدودی از آنها در معابر مشاهده می‌شوند. در محله مرادقلی هر خانواده متشکل از ۵ تا ۶ نفر است و در هر واحد مسکونی ۲ تا ۴ خانواده با هم زندگی می‌کنند. اما دیده می‌شود که در برخی واحدهای مسکونی، ۱۲ تا ۱۵ نفر با یکدیگر زندگی می‌کنند. به بیان دیگر در این محله نیز "خانواده گسترده" قابل مشاهده است. بر اساس اظهارات رابطین بهداشت، سن ازدواج دختران از ۱۲ تا ۱۸ سال و پسران بیش از ۲۰ سال است. بطور معمول پسران در حین دوران سربازی نامزد کرده و پس از اتمام آن ازدواج می‌کنند. اما در سال‌های اخیر سن ازدواج پسران بالا رفته است و آنها تنها پس از یافتن شغل مناسب تن به ازدواج می‌دهند. سطح تحصیلات طیفی از مردان در حد دیپلم است که تعدادی لیسانسه نیز به آنها افزوده می‌شوند. این طیف معمولاً کارمند و یا معلم هستند. سطح سواد زنان در مقایسه با مردان پایین‌تر است ولی بنظر می‌رسد که سطح سواد آنان از زنان سایر محلات بیشتر باشد.

۴- امکانات عمومی محله و خدمات شهری

در مرادقلی مردم محل از طریق کشیدن کابل از تیرچراغ برق به داخل منازل، بصورت غیررسمی از برق استفاده می‌کنند.



همچنین آب شرب محل را تانکرهای آب تأمین می کنند. اغلب ساکنان نیز از تلفن همراه و خطوط تلفن ثابت برخوردارند.

آنچه که بیش از همه در محله مرادقلی جلب توجه می کند، پراکندگی کمتر زباله در سطح محله است. زیرا در این محله شهرداری اقدام به جمع آوری منظم زباله ها می کند. نزدیک بودن محله به شهرداری زاهدان خود کمکی است به، در میدان دید بودن این محله و سعی شهرداری برای نظافت مناسب تر آن. این مزیت، خود به عامل جذب خانوارهای با وضعیت درآمدی بهتر جهت سکونت در مرادقلی تبدیل شده است.

در این محله یک خانه بهداشت وجود دارد که نیازهای اولیه درمانی و بهداشتی مردم محل را مرتفع می کند. همچنین یک واحد کلینیک دامپزشکی ارایه دهنده خدمات بهداشتی مربوط به دام است. یک مجموعه ورزشی به نام مجموعه ورزشی کشاورز از جمله امکانات محلی است که زمین آن چمن است و به مکان جاذبی برای تجمع جوانان محل تبدیل شده است.

۵- اقتصاد محله

در این محله فعالیت های اقتصادی متنوعی انجام می شود. حرفه های محسوس در سطح محله شامل آب فروشی، مغازه داری، تاکسی رانی، تعمیراتومبیل، تعمیرگاه لوازم یدکی، صافکاری و نقاشی اتومبیل، سیم کشی، پمپ بنزین، کلیدسازی، بتایی، گاوداری، گوشت فروشی، آپاراتی، قنادی والکتریکی است. علاوه بر آن، امروزه جوانان به فعالیت های جدیدی روی آورده اند که روز به روز بر رونق آن ها افزوده می شود، از آن جمله عکاسی دیجیتال و تعمیرات موبایل.

در محله، برخی از مردان کارگر فصلی هستند و به طور عمده در فعالیت های ساختمانی مشغول بکارند. عده ای دیگر نیز که از تمکن مالی بالاتری برخوردارند به بنگاه داری روی آورده اند. تعدادی از مردان محل نیز در اطراف شهر و یا خارج از آن (یزد و رفسنجان) به عنوان کارگر مشغول به کارند. به نظر می رسد که در میان تمام حرفه ها، مغازه داری از رونق بیشتری در این محل، برخوردار باشد. تعداد زیاد مغازه های خوار و بار، پوشاک، لوازم آرایشی و بهداشتی و ... از این امر نشان دارد. در میان مردان محله، تعداد اندکی کارمند و معلم دیده می شوند که در شهر کار می کنند. تعدادی استادکار محلی نیز در حریف مختلف وجود دارند که دانش خود را به شاگردان آموزش می دهند. از سویی برخی از

ساکنان که از بیرجند به این محله نقل مکان کرده اند، عمدتاً به گاوداری مشغولند. در مرادقلی تعدادی از اهالی نیز بیکارند. شهردار محله بر این باور است که تعداد جوانان بیکار در محله زیاد است و برخی از آنها از ناگزیر به انجام کارهای غیرقانونی روی می آورند

در این محله تعداد زنان سرپرست خانوار کم است و بیشتر آنها خانه دارند. عده کمی از آنها در خانه به آرایشگری مشغولند که گاه این حرفه را بصورت رایگان نیز به سایرین آموزش می دهند اما پس از آموزش هیچ مدرکی به مهارت‌آموزان اعطا نمی شود.

از آنجا که تعداد قابل توجهی از مردان محل به مغازه‌داری مشغولند و مغازه‌داری نیز از درآمد خوبی برخوردار است. می‌توان نتیجه گرفت که وضعیت درآمدی خانواده‌ها در این محله بهتر از سایر محلات باشد. از سویی کارگران فصلی روزانه ۷ تا ۱۰ هزار تومان درآمد دارند. بنا به اظهارات رابطین بهداشت، هزینه یک خانواده بطور متوسط ماهانه ۲۰۰ تا ۳۰۰ هزار تومان است. اما در خانواده‌های با درآمد بالاتر این رقم به ۵۰۰ هزار تومان افزایش می یابد. طبق گفته های ایشان درآمد مطلوب و مورد انتظار ساکنان این محله ماهانه ۶۰۰ هزار تومان است. عده ای از مردم که در سطح پایین تر اقتصادی بسر می برند تحت پوشش کمیته امداد قرار دارند. بنا به اظهارات شهردار محله، افراد فقیر و کم درآمد بیشتر در کوچه های مراد قلی شماره ۳۰ به پایین مجتمع اند.

تعداد قابل توجهی از ساکنان محل مستأجرند و اجاره ای که پرداخت می کنند بین ۸۰ تا ۱۲۰ هزار تومان است که برای عده ای از آنها پرداخت این میزان اجاره با توجه به میزان درآمدی که بدست می آورند، سنگین است.

هزینه حمل و نقل یکی دیگر از اقلام هزینه خانوار بشمار می رود. ساکنان، اغلب با تاکسی، خودروهای شخصی و یا اتوبوس جابجا می شوند. هزینه نقل و انتقال با اتوبوس به مانند سایر محلات، به ازای هر مسیر ۷۵۰ تا ۱۰۰۰ ریال است. برخی خانواده‌ها به منظور حل مشکلات مالی خود اقدام به ایجاد صندوق‌های پس انداز خانوادگی کرده اند. به این ترتیب که تمامی اعضای مشارکت‌کننده، مبالغی را به ریش سفید خود داده و او به فراخور زمان و ضرورت مسائل، اقدام به اعطای وام می کند. لازم به ذکر است که واریز پول به این صندوق‌ها بصورت ماهانه صورت نمی گیرد. بلکه با بروز مشکلات، اعضا وجوه خود را می‌پردازند. ساکنانی که در این صندوق‌ها مشارکت دارند، ابراز داشته‌اند که تشکیل پس-اندازهای مالی تنها در سطح اقوام و بستگان جریان دارد و در سطح ساکنان محله دیده نمی شود.

نان، به عنوان عنصر اصلی سبد غذایی مردم محل، دارای قیمتی معادل هر قرص ۱۲۵ تا ۲۵۰ تومان است. نان به-رغم گران بودن، از کیفیت مناسبی نیز برخوردار نیست. همچنین قیمت هر کیلو گوشت ۴۵۰۰ تومان است که برخی از مردم توانایی خرید آن را ندارند. سبد اصلی غذایی مردم در این محل از تنوع بیشتری برخوردار است که به نوعی، از بالاتر بودن میزان درآمد مردم مرادقلی نسبت به سایر محلات حکایت می کند. اقلام این سبد نان، سیب زمینی، کشک زرد، گوشت قرمز، گوشت مرغ، گوجه فرنگی، پیاز، گوشت و خربزه است. بطور متوسط خانواده‌ها در هفته ۳ تا ۴ مرتبه گوشت مرغ به قیمت هر کیلو ۲۰۰۰ تومان مصرف می کنند. اما در خانواده‌های کم درآمد این میزان مصرف به یک وعده در هفته می رسد.

۶- موقعیت اجتماعی، فرهنگی و آموزشی سکونتگاه

ساکنان محله مرادقلی، بلوچ و سیستانی‌اند و در این محله جمعیت اهل تسنن اندکی بیشتر از جمعیت شیعه است. در این محله گاهی اوقات بین مردم شیعه و سنی درگیری‌هایی رخ می‌دهد. بافت فرهنگی این محله همچون سایر محلات بگونه‌ای است که امکان برقراری هیچ گونه تعامل و همکاری میان دختران و پسران وجود ندارد. معتمدین محل اعتقاد دارند که در زاهدان و بخصوص در محلات حاشیه‌نشین، به هیچ وجه امکان شکل‌گیری ارتباط موثر و مثبت میان جنس مخالف فراهم نیست. به باور آنها این محدودیت‌ها در بروز خشونت و آسیب‌های اجتماعی تأثیر بسزایی داشته است.

در این محله نیز به مانند سایر محلات، گاه میان جوانان ماجراجو و قدرت طلب محله درگیری‌هایی رخ می‌دهد که در مواردی به درگیری‌های مسلحانه منتهی می‌شود.

طی مصاحبه‌های صورت گرفته، یکی از مصاحبه‌شوندگان اظهار داشت که مسأله اصلی جوانان محل، اعتیاد و قچاق است و ثروت برخی از خانواده‌ها نیز از این راه تأمین می‌شود. شهردار محله نیز بر دو مشکل اعتیاد و سرقت در میان جوانان صحنه می‌گذارد. در این محله نیز انواع مواد مخدر از قبیل ناس، حشیش و تریاک رواج دارد اما طبق اظهارات شهردار محله، طی سال‌های اخیر، مصرف ماده مخدر کریستال میان جوانان شایع شده است.

در محله مرادقلی مدارس ابتدایی و راهنمایی دخترانه، راهنمایی پسرانه و نیز ۱ واحد دبیرستان دخترانه دایر است. تعداد قابل توجهی از کودکان و نوجوانان نیز در مدرسه علوم دینی به آموزش دروس حوزوی مشغولند.

کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان شهر زاهدان در نزدیکی محله مرادقلی قرار دارد که خود، امتیازی دیگر برای محله برشمرده می‌شود. چراکه فعالیت آن می‌تواند تأثیر بسزایی بر ارتقای سطح فرهنگ محله و نیز ترویج کتابخوانی میان کودکان و جوانان داشته باشد. به نظر می‌رسد که تعریف یک کارکرد مناسب برای کانون پرورش فکری کودکان با توجه به نیازهای محلی می‌تواند حساسیت نوجوانان و جوانان را نسبت به مسائل مربوط به محله‌شان افزایش دهد. در مصاحبه با یکی از زنان سیستانی، وی خواستار پرداخت پول بطور مستقیم به خانواده‌ها بود. این امر به نوعی گویای گسترش فرهنگ گداپروری در منطقه، بخصوص در ۴ سال اخیر است.

در این محله هیچ موسسه غیردولتی فعالیت نمی‌کند. اما تعداد قابل توجهی مسجد وجود دارد که به نوعی نقش نهاد اجتماعی و فرهنگی محل را نیز ایفا می‌کنند. مسجد نعمان و مسجد الاقصی مهمترین مساجد محله‌اند که مرکز اصلی تجمع مردم محسوب می‌شوند.

مولوی زمان و مولوی عنایت‌اله شه‌بخش، حاج محمد ریگی و محمد علی رحمان زاده (معتمد) و خدارحم حسن‌زهی (شهردار محله) نقش کلیدی در حل و فصل مسائل محل را بر عهده دارند و کانون فعالیت‌های خود را در مسجد قرار داده‌اند.

۷- پیشینه توانمندسازی

محلۀ مرادقلی، فاقد پیشینه اجرای پروژه‌های توانمندسازی است و در آن تنها برخی اقدامات کالبدی در سطح خُرد از سوی شهرداری به انجام رسیده است.

۸- شناسایی آموزش‌های مهارتی موجود در سطح محلۀ و گرایش‌ها

جوانان محلۀ عموماً به شرکت در کلاس‌های آموزشی تمایل دارند. پسران محل به کلاس‌های ورزشی خصوصاً فوتبال و همچنین تعمیر موبایل و آموزش کامپیوتر علاقه مندند. همچنین آنها به کاسبی علاقه ویژه‌ای دارند و متمایلند که این حرفه را به عنوان شغل خود انتخاب کنند. عده‌ای دیگر که از سرمایه کافی جهت راه اندازی کسب برخوردار نیستند، تمایل دارند طلبه شوند. این گرایش علاوه بر نیاز به تأمین درآمد، می‌تواند بیانگر اهمیت اعتقادات مذهبی در مردم، الگوپردازی مردم از علمای دینی و نیز احساس نیاز آنها به برخورداری از کرامت و احترام باشد. چراکه اهل سنت همواره احترام زیادی برای علمای دینی خود قائل‌اند و در برخی مصاحبه‌ها جوانان ابزار کرده‌اند که برای کسب احترام و عزت می‌خواهند مولوی شوند.

دختران و زنان جوان به شرکت در کلاس‌های اخلاق و خیاطی تمایل نشان می‌دهند. همچنین آنها به انجام کارهای دستی و هنری نیز علاقه‌مندند. به نظر می‌رسد دختران جوان به دلیل سابقه تاریخی تعصبات قومی و فرهنگی در محل، کمتر بدنبال یادگیری کامپیوتر و رشته‌های جدیدند.

در این محلۀ تعدادی استادکار محلی وجود دارد که توان و ظرفیت خود را برای آموزش جوانان و نوجوانان بکار می‌گیرند. بنا به اظهارات علما و روحانیون این محلۀ، برگزاری دوره‌های آموزشی نباید تنها با اتکا به صنایع دستی منطقه باشد. بلکه امروزه جوانان از آموزش‌های جدید که متناسب با نیاز بازار و علایق آنان است استقبال می‌کنند.

رابطین بهداشت نیز معتقدند نسل جدید، رو به پیشرفت و تحول‌اند. میل و گرایش آنها به یادگیری بیش از گذشته است و از آرایه آموزش‌های نوین به شدت استقبال می‌کنند.

بخش دوم

✓ چالش‌ها

✓ مزیت‌ها

✓ ظرفیت‌ها

✓ ضرورت‌ها

پیش از متن

برداشتی کلی از وضعیت محلات هدف نشان می‌دهد که سکونت‌گاه‌های غیررسمی هدف طرح، در داخل شهر واقع شده و به نوعی چسب شهراند. این سکونت‌گاه‌ها طی سه دهه اخیر به دنبال بروز جنگ‌های داخلی کشور افغانستان و مهاجرت افغانه به زاهدان و خشکسالی شدید سال‌های گذشته پدید آمده‌اند. در بدو ورود به این محلات، وجود خانه‌هایی غیرمستحکم، بنا شده از خشت، سیمان و آجر خودنمایی می‌کند. این محلات مملو از گرد و غبار برخاسته از خیابان‌های خاکی است. در تمامی محلات، تنها تعداد معدودی خیابان آسفالت به چشم می‌خورد و تمامی خیابان‌های فرعی خاکی است. جمعیت ساکن در محلات به رقم ۱۷۸۵۵۳ نفر می‌رسد که از این تعداد ۵۱ درصد مرد و ۴۹ درصد زن هستند. ساختار سنی محلات با میانگین ۱۹/۰۳، از جوانی جمعیت حکایت می‌کند. ازدواج‌های زودهنگام، فرزندآوری متعدد، خانواده‌های گسترده، رواج چندهمسری، وجود تعداد قابل توجهی زن خود سرپرست و مردان تارک خانواده از ویژگی‌های بارز جمعیتی محلات بشمار می‌رود. ساکنان از سواد کافی برخوردار نیستند. بطوری که سطح سواد زنان بطور عمده، پنجم دبستان است و مردان نیز اغلب تا مقطع راهنمایی ادامه تحصیل می‌دهند. مردم این محلات بی بهره از خطوط برق، آب لوله کشی، گاز، سیستم جمع‌آوری زباله و فاضلاب اند. این امر موجب شده است تا تمامی محلات در سطح بسیار پایینی از بهداشت قرار گیرند. فعالیتهای اقتصادی مولد در منطقه جریان ندارد. از این رو غالب مردان به مشاغل فصلی، روزمزدی، دستفروشی و در نهایت قاچاق روی می‌آورند. درآمد حاصل از این فعالیت‌ها مستمر و پایدار نیست و به همین دلیل ساکنان همواره با مشکلات معیشتی دست به گریبانند. نرخ بیکاری ۲۰ درصدی، نبود فرصت‌های شغلی را به مهمترین معضل ساکنان بدل کرده است. در جای جای محلات، دسته‌های متعددی از جوانان بیکار را می‌توان مشاهده کرد که هیچ چشم اندازی برای آینده شغلی خود متصور نیستند. برخی محله‌ها از تجربه طرح‌های توانمندسازی برخوردارند. آنچه که از اجرای این طرح‌ها بجای مانده، موجی از بی اعتمادی و بدبینی ساکنان نسبت به ستاد توانمندسازی و طرح‌های بهسازی و بهبود محیط است. این مسئله، خود به مشکلی بدل شده که ورود طرح‌های توانمندسازی و پذیرش آن از سوی ساکنان را بسیار دشوار ساخته است. توصیف کلی محلات از ساختار نابسامان کالبدی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی حکایت می‌کند که با ایجاد محدودیت‌ها و تنگناها، منجر به بروز دور باطل توسعه نیافتگی در منطقه شده است.

تمامی موارد برشمرده، موانع و چالش‌های متعددی را فراروی طرح مهارت‌آموزی قرار می‌دهد. اهمیت و ضرورت توجه به این چالش‌ها تا حدی است که موفقیت هرگونه فعالیت آموزشی در گرو مرتفع ساختن آنهاست. از این رو در این بخش، بطور مجزا به «چالش‌های طرح مهارت‌آموزی» می‌پردازیم.

برغم موانع، تنگناها و محدودیت‌های یاد شده، این محلات کماکان از مزیت‌ها و قابلیت‌هایی برخوردارند که به نوعی نقطه عزیمت تحول و توسعه آنها محسوب می‌شوند.

این مزیت‌ها و ظرفیت‌ها را می‌توان در سه حوزه

- اقتصادی
- اجتماعی
- فرهنگی

دسته بندی کرد.

آنچه که از بطن مزایا و پتانسیل‌های یاد شده استخراج می‌شود، مجموعه‌ای از ضرورت‌ها و الزامات است که حرکتی در مسیر ارتقا و تحول منطقه بشمار می‌رود. از این رو در انتهای گزارش حاضر، ضرورت‌ها و توجهات کلیدی برآمده از نتایج بررسی‌ها، بطور ویژه مورد توجه قرار گرفته‌اند.

چالش‌های مهارت‌آموزی

چالش‌های طرح مهارت‌آموزی را می‌توان در سه حیطه چالش‌های مختص؛

- زنان و دختران
- مردان و پسران
- و
- مشترک

عنوان کرد.

- مهمترین چالش‌های مهارت‌آموزی مختص زنان و دختران به شرح زیر است:
 - پایین بودن سن ازدواج (۱۲ تا ۱۵ سالگی) و فرزندآوری‌های متعدد و با فاصله کم، امکان استفاده از کلاس‌های آموزشی حرفه‌آموزی را برای زنان محدود ساخته است.
 - تقسیم‌بندی وظایف خانواده در محلات حاشیه‌نشین بگونه‌ای است که زنان به تنهایی تمامی مسئولیت‌های داخلی خانواده را بر عهده می‌گیرند. آنها علاوه بر اداره امور منزل، تربیت و پرورش فرزندان را بطور کامل بر دوش دارند. سنگینی این مسئولیت زمانی بیشتر احساس می‌شود که بطور متوسط هر زن موظف به نگهداری و پرورش ۷ فرزند است. از این رو بسیاری از زنان علاقمند، فرصت و توان کافی برای حضور در دوره‌های آموزشی را ندارند.
 - به علت کثرت فرزندان و لزوم رسیدگی و رفع احتیاجات آنها، زنان فقط صبح‌ها یعنی قبل از تعطیلی مدارس و بازگشت همسر به منزل، امکان حضور از دوره‌های آموزشی را دارند.
 - تعداد زیادی از زنان جوان به علت بارداری و یا شیردهی، ناچار در کلاس‌های حرفه‌آموزی شرکت نکرده و یا نیمه‌کاره آن را رها می‌کنند.
 - زنان و دختران به دلیل مسائل فرهنگی و نیز ناامنی موجود در محله نمی‌توانند از کلاس‌های آموزشی خارج از محله خود استفاده کنند.
 - تعداد معدودی از زنان که می‌توانند به خارج از محله خود رفت و آمد کنند، در غالب موارد به سبب عدم توانایی مالی در پرداخت هزینه‌های حمل و نقل بطور مداوم و مستمر در کلاس‌های آموزشی حاضر نمی‌شوند.
 - مردان محله نسبت به زنان و دخترانشان بسیار متعصبند. آنها علاوه بر اینکه اجازه خروج از محله را به زنان نمی‌دهند، بلکه در مواقعی مانع از حضور آنها در دوره‌های آموزشی می‌شوند.

- تنها مکان‌هایی که زنان آزادانه رفت و آمد می‌کنند مراکز بهداشت، مکتب‌خانه و مدارس است. از این رو آنها از بیشتر دوره‌های آموزشی دایر در خارج از محله و یا سطح شهر محروم می‌شوند.
- به علت پائین بودن سواد و سطح آگاهی ساکنان، والدین و یا شوهران مانع از ورود دختران و زنان به دوره‌های آموزشی جدید می‌شوند. بطوری که زنان و دختران تنها امکان حضور در برخی رشته‌های مرسوم و مورد تأیید مانند خیاطی، بلوچی‌دوزی و آرایشگری دارند.

■ مهمترین چالش‌های مهارت‌آموزی مردان و پسران جوان را می‌توان در قالب موارد زیر برشمرد:

- چالش اساسی آموزش مردان، ایجاد احساس نیاز و برانگیختگی و جذب پسران جوان است. چراکه سرخوردگی، خشم، یأس و ناامیدی محسوسی در آنها به چشم می‌خورد.
- فقر و نداشتن درآمد کافی موجب شده است تا جوانان به سمت مشاغل غیر رسمی، قاچاق و نیز درآمدهای سهل‌الوصول گرایش یابند و ضرورتی برای یادگیری حرفه‌های جدید حس نکنند.
- شیوع بی حد اعتیاد موجب کاهش انگیزه و تمایل مردان و پسران جوان برای یادگیری حرفه‌های مختلف شده است.
- مسئله اصلی مردان برای دستیابی به شغل، سرمایه اولیه است و بسیاری از جوانان بدلیل نداشتن سرمایه اولیه، توانایی راه اندازی شغل و استفاده از مهارت‌هایشان را ندارند. از این رو بسیاری از آنها شرکت در دوره‌های مهارت‌آموزی را بی‌فایده می‌دانند.
- به دلیل عدم موفقیت طرح‌های آموزشی پیشین، پسران جوان کمتر از دوره‌های مهارت‌آموزی کنونی استقبال می‌کنند.
- در کنار تمامی عوامل محیطی که انجام فعالیت‌های توانمندسازی را با چالش مواجه می‌سازد، رخوت، سستی و عدم اتخاذ تصمیمات راسخ و پایدار تعدادی از قابل توجهی از مردان نیز در به ثمر نرسیدن این فعالیت‌ها تأثیرگذار بوده است.

■ چالش‌هایی که مردان و زنان بطور مشترک در فرا راه مهارت‌آموزی با آن مواجهند، به شرح زیر بیان می‌شوند:

- ساکنان این محلات به شدت نسبت به طرح‌های توانمندسازی بدبین هستند و بروز این امر به عدم موفقیت طرح‌های پیشین بازمی‌گردد. از این رو متقاعد ساختن مجدد آنها برای شرکت در دوره‌های حرفه-آموزی به سختی امکان‌پذیر است.
- در طرح‌های قبلی که در محلات به اجرا درآمده‌اند، به سبب ایجاد فاصله زمانی طولانی از مرحله شناسایی-ها تا برگزاری دوره، از کارایی و در برخی موارد، کیفیت محتوای آموزشی کاسته شده است. این امر در کاهش میزان استقبال ساکنان از دوره‌های آموزشی جدید تأثیرگذار است.

- به علت عدم تطابق فعالیت‌ها و اقدامات به‌سازانه دستگاه‌های دولتی با نیازهای محله، ساکنان، انجام هرگونه فعالیت‌های توانمندسازی و حتی برگزاری دوره‌های اجتماعی و فرهنگی را چندان مفید و راهگشا نمی‌دانند.
- به علت پایین بودن سطح فرهنگ و نیز سطح سواد ساکنان، آرایه آموزش‌ها از طریق CD، کتاب و جزوه-های آموزشی کمتر راهگشاست. چنانچه مسئولان پایگاه بهداشت نیز تجربه موفق از این اقدامات نداشته-اند.
- موضع‌گیری منفی و برخورد نامناسب نهادها و دستگاه‌های دولتی همچون نهضت سوادآموزی، سازمان آموزش و پرورش و برخی شعب سازمان فنی و حرفه‌ای با اهل سنت، موجب شده است که زنان و مردان بلوچ تمایلی برای یادگیری مهارت و حرفه‌آموزی نداشته باشند.
- فقر مضاعف اجتماعی و فرهنگی سکونت‌گاه‌های غیررسمی زاهدان موجب شده است که علاوه بر پایین بودن سطح سواد ساکنان محلات نسبت به سایر نقاط شهر، کیفیت آن نیز بسیار نامناسب باشد. به عبارت بهتر سطح دانش و آگاهی حاشیه‌نشینانی که درمقاطع مختلف فارغ‌التحصیل می‌شوند، به مراتب کمتر از دانش‌آموزان فارغ‌التحصیل در شهر زاهدان است. این امر موجب شده است تا تعدادی از ساکنان توانایی درک و دریافت محتوای آموزشی برخی رشته‌ها فنی و حرفه‌ای را نداشته باشند.
- غالب دوره‌های آموزشی آرایه شده از سوی سازمان فنی و حرفه‌ای و دیگر سازمان‌ها، متناسب با سطح سواد ساکنان محلات حاشیه‌نشین نیست. از این رو آنها از برخی دوره‌های آموزشی محروم می‌شوند.
- از آنجا که مردان می‌باید به نوعی مایحتاج خانواده خود را تأمین کنند و زنان نیز مسئولیت‌های داخلی خانواده را به تنهایی بر عهده دارند، امکان حضور طولانی مدت آنان در دوره‌های مهارت‌آموزی فراهم نیست.
- امروزه با توجه به افزایش تعدد و تنوع نیازهای بازار کار، رشته‌های نوظهوری در مراکز فنی و حرفه‌ای و آموزشی تدریس می‌شوند. عدم اطلاع و آگاهی کافی ساکنان از این رشته‌ها موجب شده است که آنها تنها به تعداد معدودی رشته تمایل داشته باشند و از دوره‌های آموزشی جدید استقبال نکنند.

مزیت‌ها

همانطور که پیشتر عنوان شد برغم تمامی محدودیت‌ها، تنگناها و چالش‌های موجود، این محلات از برخی مزیت‌ها و ظرفیت‌ها برخوردارند که شناسایی هوشمندانه و بهره‌مندی از آنها، خود بستری برای ساماندهی و بهسازی سکونت‌گاه‌های غیررسمی ایجاد خواهد کرد. این مزیت‌های و ظرفیت‌ها در سه حوزه؛

✓ اقتصادی

✓ اجتماعی

و

✓ فرهنگی

دسته‌بندی شده‌اند. وجود هر یک از مزیت‌ها و ظرفیت‌های برشمرده، چشم‌اندازی را برای این سکونت‌گاه‌ها و کل استان رقم می‌زند که در انتهای این بخش، به چشم‌های بلندمدت نیز اشاره شده است.

مزیت‌های اقتصادی

• گرایش جوانان به انجام فعالیت‌های جدید اقتصادی

بر اساس نتایج مصاحبه با معتمدین، روحانیون، رابطین بهداشت، شهردار محله‌ها و نیز یافته‌های "گزارش ارزیابی سریع"، امروزه جوانان محلات به یادگیری حرفه‌های جدید، تمایل بیشتری نشان می‌هند و از رواج آنها استقبال می‌کنند. وجود تعداد قابل توجهی واحد خدمات کامپیوتر، فروش و تعمیر موبایل، عکاسی، آرایش و پیرایش و... از تغییر گرایش نسل جوان به سمت فعالیت‌های نوین حکایت می‌کند. از سوی دیگر نتایج برآمده از تحلیل "فرمهای/اعلام/آمدگی داوطلبان" گویای آن است که تعداد زیادی از داوطلبان به یادگیری دوره‌های آموزشی، پیرامون تعمیرات موبایل و کامپیوتر علاقه‌مندند.

• وجود حوزه‌های بکر در اقتصاد بومی

یکی از دلایل بالا بودن نرخ بیکاری (۲۰ درصد) در محلات، عدم شناسایی و بهره‌گیری از فرصت‌های موجود در اقتصاد بومی است. برخی از این حوزه‌های بکر، به شرح زیر هستند:

- تولید و عرضه صنایع دستی منطقه مانند سوزن‌دوزی، سکه‌دوزی و بلوچی‌دوزی، صورتی زنانه به خود گرفته است و بطور انحصاری، توسط زنان انجام می‌شود. به عبارت دیگر مردان در هیچ یک از مراحل تولید و بازاریابی این فعالیت‌ها وارد نمی‌شوند. بدیهی است با حضور مردان در این حوزه،

بویژه در مرحله بازاریابی، علاوه بر رونق بیشتر صنعت بومی منطقه، از میزان بیکاری کاسته خواهد شد.

- «رقص چوب» و «سُرنازی» هنرهای دیرینه خطه سیستان و بلوچستان است و غالب مردان و زنان این خطه، بخوبی بر آن اشراف دارند.

برغم امکان بهره‌گیری از این فعالیت‌های هنری در عرصه‌های اقتصادی و اجتماعی، تنها در اعیاد و مراسم ازدواج از آنها استفاده می‌شود. از آنجا که تعداد قابل توجهی از ساکنان محلات، آشنایی کافی با این فعالیت‌های هنری دارند، می‌توان در هتل‌ها، تورهای ایرانگردی و جهانگردی، نمایشگاه‌های هنری، تئاتر، فرهنگسراها، پارک‌ها و... به عنوان فعالیت‌های اقتصادی و هنری از آنها بهره جست.

- وجود برخی میوه‌های گرمسیری مانند خرما و انبه امکان دیگری است برای فعالیت ساکنان محلات. زیرا با انجام سرمایه‌گذاری در کشت، فراوری، بسته‌بندی و صدور این محصولات، امکان جذب تعداد قابل توجهی از زنان و مردان منطقه در این حوزه فراهم می‌شود.

- استان سیستان و بلوچستان، در قسمت مناطق خشک و بیابانی کشور جای گرفته است. این امر تأثیر بسزایی بر کمبود شدید فضای سبز منطقه داشته است.

امروزه با بکارگیری علوم نوین کشاورزی و باغبانی و نیز شناسایی گیاهان قابل رویش، می‌توان از خشکی و عریانی مناطق گرمسیر کاست. از این رو توجه مسئولین و دستگاه‌های مرتبط، به باغبانی شهری و درختکاری و جذب نیروی کار در این حوزه، می‌تواند جلوه‌ای تازه در منطقه ایجاد کرده و بر میزان اشتغال بیفزاید.

- فرهنگ حاکم بر محلات و باورهای مذهبی ساکنان بگونه‌ای است که تنها زمانی اقدام به خریداری گوشت و مرغ می‌کنند که نسبت به ذبح شرعی حیوانات اطمینان داشته باشند. از این رو ذبح دام در حضور ایشان و در سطح محله انجام و گوشت بصورت غیربهداشتی عرضه می‌شود. حال با توجه به حساسیت یاد شده، می‌توان تمهیداتی را اتخاذ کرد که به موجب آن ذبح و کشتار دام صورتی بهداشتی بخود گیرد و عرصه‌ای دیگر برای ورود افراد در سن فعالیت به بازار کار فراهم شود.

✓ انتخاب قصاب مورد وثوق، از میان ساکنان

✓ انتقال مکان کشتار دام به خارج از محلات

✓ بسته‌بندی گوشت و مرغ

✓ عرضه آن به بازار محلی و شهر

هر یک به تنهایی، زمینه‌ای برای جذب نیروی کار و افزایش سطح اشتغال بشمار می‌رود.

- هشت سکونت‌گاه غیررسمی هدف طرح، در داخل شهر زاهدان واقع شده‌اند. همانطور که پیشتر عنوان شد، این محلات یک سوم تنه اصلی شهر را دربرمی‌گیرند و ساکنان این سکونت‌گاه‌ها با شهر پیوندی مستمر دارند. اما غالب راه‌های دسترسی موجود در محلات از ویژگی‌های استاندارد مسیرهای درون شهری برخوردار نیستند. این مسیرها خاکی، بدون روشنایی و ناهموارند. حال با آرایه خدمات جاده‌ای به این مناطق مانند آسفالت‌ریزی، جدول‌کاری، روشنایی و تابلوگذاری علاوه بر ساماندهی جاده‌های درون شهری و بهبود کالبد محلات، تعداد قابل توجهی از جوانان در این بخش مشغول بکار خواهند شد.
- شهرها همواره کانون تولید و عرضه کالاها و خدمات جدید هستند. «تبلیغات» یکی از موثرترین شیوه‌های رایج، جهت معرفی و فروش این کالاها بشمار می‌رود. اما در شهر زاهدان، به عنوان مرکز استان، جلوه‌ای کم‌رنگ از این فعالیت مهم اقتصادی دیده می‌شود. بنابراین با توجه به استقبال جوانان، از فعالیت‌های نوظهور مانند بازاریابی و تبلیغات، می‌توان اقدامی موثر در جهت افزایش اشتغال جوانان انجام داد.

• امکان ایجاد و گسترش صندوق‌های خانوادگی و محلی

- در سکونت‌گاه‌های غیررسمی زاهدان، روابط مستحکم خویشاوندی و همسایگی برقرار است. این هم‌پیوندی عمیق، گاه به حوزه‌های اقتصادی نیز گسترش می‌یابد. با بهره‌گیری از این روابط و مناسبات، می‌توان پایه‌های ایجاد صندوق‌های اعتبارات خرد را بنیان نهاد. به این ترتیب که با توجه به اعتماد و عمق روابط بستگان و همسایگان به یکدیگر، صندوق‌های قرض‌الحسنه خانوادگی و محلی ایجاد شود تا با استفاده از وام‌های صندوق، امکان راه‌اندازی کسب و کار برای جوانان فراهم شود.

✚ مزیت‌های اجتماعی

• نسبت جمعیت محلات به کل جمعیت شهر زاهدان

نقشه‌های موجود از سکونت‌گاه‌های هدف نشان می‌دهد که این سکونت‌گاه‌ها در داخل شهر قرار گرفته‌اند. بطوری که بخش قابل توجهی از جمعیت شهر (۳۱ درصد) را ساکنان محلات تشکیل می‌دهند.

جدول شماره ۷: نسبت جمعیت محلات به کل جمعیت شهر زاهدان - نفر/ درصد

۵۶۷۴۴۹

جمعیت شهر زاهدان

۱۷۸۵۵۳

جمعیت محلات

مأخذ: مشاور، ۱۳۸۹

• جوانی جمعیت

به دنبال ازدواج‌های زودهنگام و فرزندآوری‌های متعدد، میانگین سنی جمعیت محلات پایین است. در جدول شماره ۸ میانگین سنی محلات به تفکیک نشان داده شده است. ارقام جدول از برجستگی هرم سنی محلات، در رده‌های سنی جوانان حکایت می‌کند.

جدول شماره ۸: مقایسه میانگین سنی جمعیت محلات هدف							
میانگین سنی	کل محلات	شیرآباد	کریم آباد	کارخانه نمک	بابائیان	پشت گاراژ	پشت فرودگاه
۱۹,۰۳	۱۷,۱۲	۱۸,۷۵	۱۷,۲۶	۲۰,۹۵	۱۹,۴۳	۱۹,۴۳	۱۹,۹

مأخذ: مشاور، ۱۳۸۹

• وجود مدارس و آموزشگاه‌ها

ساختار اقتصادی و اجتماعی محلات بگونه ای است که امکان ادامه تحصیل دختران و پسران را محدود می‌سازد. از سوی دیگر وضعیت نابسامان نهادهای آموزشی و اداری نیز بر تشدید این امر دامن زده است. اما وجود بیش از ۲۰ مدرسه و نهاد آموزشی حداقل فرصت‌ها را پیش روی نوجوانان و جوانان مایل به ادامه تحصیل قرار می‌دهد.

• مساجد و مکتب‌خانه‌ها

مسجد محوری‌ترین محل اجتماع ساکنان محلات بشمار می‌رود. به دلیل جایگاه خاص مسجد در میان ساکنان، بویژه اهل سنت، در هر محله بیش از ۴۰ مسجد وجود دارد. بطور معمول در کنار مساجد، مکان‌های دیگری به عنوان «مکتب‌خانه خواهران» دایر است که به آموزش دروس دینی برای زنان اختصاص دارد. مساجد کانون همگرایی ساکنان و زمینه‌ساز تأسیس نهادهای مدنی است. از این رو از قابلیت ایجاد صندوق اعتبارات خرد برای هر محله و جلب ساکنان برای مشارکت در این امر برخوردارند.

• گردهمایی مردان در نماز جمعه هر هفته

یکی از سنت‌های دیرینه جامعه اهل سنت، حضور در نماز جمعه است. پس از انجام فریضه نماز، شرایطی فراهم می‌شود تا نمازگزاران نسبت به احوال یکدیگر و اخبار پیرامون اطلاع حاصل کنند. به همین دلیل بدون نیاز به وسایل ارتباطی مانند تلویزیون، روزنامه، پوستر، آگهی، اینترنت و...، وقوع هرگونه رخداد و تحول در محلات به سرعت میان اهالی منتشر می‌شود.

• تعامل تنگاتنگ ساکنان با مراکز بهداشت

بافت فرهنگی و اجتماعی محلات ایجاب می کند که زنان، حضور پررنگ در مکان های عمومی و معابر نداشته باشند. مکتب خانه و مرکز بهداشت تنها مکان هایی اند که زنان بیشتر در آنها دیده می شوند. این مکان ها مورد پذیرش مردان است و هیچ مخالفتی با حضور زنان در این مکان ها از خود بروز نمی دهند. از این رو مسئولین کلینیک و رابطین بهداشت در تعاملی تنگاتنگ با زنان قرار دارند. زنان، بسیاری از مشکلات جسمی، روحی و حتی خانوادگی خود را با آنها در میان می گذارند. از این رو رابطین بهداشت از جایگاهی خاص نزد ساکنان برخوردارند. ساکنان اعم از مرد و زن به آنها اطمینان داشته و برای حل خصوصی ترین مشکلات خود، آنها را طرف مشاوره قرار می دهند.

- **بالا نبودن سطح انتظارات ساکنان**

فقر و فلاکت حاکم بر محلات حاشیه نشین شرایطی را ایجاد کرده است که ساکنان از کوچکترین روزنه ایجاد تغییر و تحول استقبال می کنند. نتایج مصاحبه ها حاکی از آن است که غالب ساکنان از فقر مهارتی و مادی به شدت رنج می برند. بسیاری از آنها خواستار یادگیری ساده ترین آموزش ها هستند.

- **وجود NGO ها و نهادهای عمومی**

در پی اجرای طرح های توانمندسازی در برخی محلات مانند شیرآباد، کریم آباد و باباییان، تعدادی NGO و نهاد عمومی همچون مرکز گذری کاهش آسیب (DIC)، انجمن نواندیشان، زیتون، تلاشگران جامعه هدف، شیدای جنوب شهر و... پایه گذاری شده و به بهره برداری رسیده اند. گرچه هم اکنون سطح فعالیت تعدادی از این نهادها کاهش یافته، اما برخی از آنها نزد ساکنان از جایگاه ویژه ای برخوردارند و با حمایت مراجعان به فعالیت خود ادامه می دهند.

- **تجربه توانمندسازی در برخی محله ها**

همانطور که اشاره شد در برخی محله ها طرح های توانمندسازی و پروژه های ارتقای معیشت و بهبود محیط به انجام رسیده است. حتی اگر این پروژه ها به اهداف مطلوب خود دست نیافته باشند گام نخست در ایجاد تفکر توانمندسازی و درک ضرورت آن برای محلات حاشیه ای را ایجاد کرده اند. این محله ها در مقایسه با محله هایی که فاقد هرگونه تجربه توانمندسازی هستند، از آمادگی افزونتری برای پذیرش تغییر در راستای بهبود محیط برخوردارند.

مزیت های فرهنگی

- **میل افزون نسل جوان به پیشرفت**

مجموع مصاحبه ها و شناسایی های صورت گرفته از محلات هدف نشان می دهد که با گسترش وسایل ارتباطی مانند ماهواره و اینترنت، آگاهی نسل جدید نسبت به دنیای پیرامون افزایش یافته است. امروزه جوانان به دنبال دستیابی به آینده ای متحول و پیشرفته اند و به حفظ وضع موجود اکتفا نمی کنند.

- **افزایش آگاهی رو به افزایش ساکنان بویژه در دهه اخیر**

طبق اظهارات رابطین بهداشت، سطح آگاهی عمومی ساکنان در سال‌های اخیر در حیطه‌های گوناگون افزایش یافته است. از آنجا که رابطین بهداشت دارای ارتباط مستمر با مردم هستند این تغییر را بخوبی درک می‌کنند. به گفته آنان درگذشته انجام هرگونه فعالیت بهداشتی - درمانی و یا طرح‌های توانمندسازی مستلزم صرف وقت و پیگیری مداوم از سوی مجریان این طرح‌ها بود. اما اکنون مادران و بطور کلی ساکنان خود، مراجعات مکرر به مراکز بهداشت داشته و از هرگونه اقدام اجتماعی و فرهنگی استقبال می‌کنند.

• **تعلق خاطر ساکنان به قومیت و فرهنگ بلوچی**

در ایران زمانی که از واژه قومیت سخن به میان می‌آید، اولین نکته‌ای به ذهن متبادر می‌شود بروز درگیری‌ها و تنش‌های قومی است. حال اگر بطور مشخص قوم بلوچ مطرح نظر باشد، به دلیل شرایط خاص استان، این تلقی پررنگتر می‌شود. اما باید توجه داشت که بر خلاف دیدگاه رایج، همبستگی و وحدت موجود میان مردمان یک قوم، می‌تواند عاملی باشد برای ایجاد انگیزه و تقویت اذهان، جهت نیل به توسعه و پیشرفت. قوم بلوچ نیز یکی از اقوام بزرگ ایران بشمار می‌رود. آنها تعلق خاطر زیادی به قومیت و فرهنگ خود دارند و سعی در حفظ نموده‌های قومی خود همچون لباس، موسیقی و رقص بلوچی دارند. از این رو در سطح محلات می‌توان تعداد زیادی از مردان و زنان را دید که لباس بلوچی به تن کرده‌اند.⁵⁴

• **جایگاه خاص روحانیون و شهردارمحل‌ها و معتمدین نزد ساکنان اهل سنت**

پایبندی به مذهب و حفظ اصول و ارزش‌های آن، رکن محوری تفکرات دینی اهل سنت بشمار می‌رود. از این رو بلوچ‌ها برای روحانیون و علمای خود جایگاه خاصی قائلند و همواره به تأسی از آنها سعی در حفظ شعائر و آرمان‌های خود دارند. علاوه بر روحانیون، معتمدین و شهردارمحل‌ها نیز به سبب پیگیری و حل مشکلات ساکنان، مورد وثوق آنها بوده و مرجعی مطمئن برای ساکنان محسوب می‌شوند. استقبال جوانان از کامپیوتر و اینترنت

براساس گفته‌های رابطین بهداشت امروزه استفاده از کامپیوتر و اینترنت میان جوانان و حتی در داخل خانواده‌ها به شدت مورد استقبال واقع شده است. بطوری برخی والدین متناسب با رشته‌های تحصیلی فرزندان‌شان اقدام به خرید کامپیوتر کرده‌اند. وجود این دستگاه و رواج بهره‌گیری از آن، نقش موثری در افزایش ارتباطات ساکنان با محیط پیرامونی خواهد داشت.

استحکام روابط فامیلی و همسایگی و شکل‌گیری ارتباط‌های سریع میان آنها با توجه به آنکه زنان برای حضور در مجامع و محافل عمومی محدودیت دارند، آنها با تشکیل گروه‌های فامیلی و همسایگی سعی در

⁵⁴ در سال‌های اخیر تعداد معدودی از جوانان بلوچ به تقلید از الگوهای شهری از پوشش بلوچی استفاده نمی‌کنند. اما همچنان تعداد جوانان ملبس به لباس بلوچی بسیار بیشتر از آنهاست.

ایجاد ارتباط با محیط پیرامونی خود دارند. یکی از مزایای این گروه های فامیلی، شکل گیری ارتباط های سریع و اطلاع رسانی و نیز امکان پایه گذاری مشاغل خانگی زنانه است.

ظرفیت ها

• ظرفیت های اقتصادی

• وسعت استان و وجود اراضی بایر

یکی از ویژگی های بارز استان، وسعت قابل ملاحظه آن است. این استان ۱۱/۴ درصد از مساحت کشور را به خود اختصاص داده است. این وسعت به نوعی مزیت استان محسوب می شود. زیرا با ایجاد صرفه های اقتصادی، می توان از اراضی بایر به نسبت هموار، برای ایجاد کارخانه های صنعتی وسیع که امکان پایه گذاری آنها در شهر وجود ندارد، بکار گرفته شوند.

• آفتابگیر بودن منطقه

استان سیستان و بلوچستان در منطقه ای آفتابگیر واقع شده است. بگونه ای که ۳۰۰ روز سال، آفتابی است. امروزه با پیشرفت تکنولوژی امکان بکارگیری انرژی خورشیدی فراهم شده است. از این رو در بسیاری از کشورها از انرژی خورشیدی به عنوان پاکترین انرژی استفاده می شود. در یکی از روستاهای کشور ما نیز به منظور تأمین برق ساکنان از این انرژی استفاده شده است. به این ترتیب که با نصب صفحات خورشیدی در پشت بام منازل برق مورد نیاز ساکنان تهیه می شود.

با توجه به مشکل برق رسانی در محلات حاشیه ای زاهدان و استفاده غیرقانونی از برق، ایجاد انرژی برق خورشیدی در این محلات علاوه بر رفع نیازهای ساکنان و جلب سرمایه گذاری می تواند تعدادی از افراد غیرشاغل را به خود جذب کند.

• وجود ظرفیت های بلااستفاده انسانی

نرخ بیکاری ۲۰ درصدی از ظرفیت های بلا استفاده انسانی در محلات حکایت می کند. در سراسر محله ها، دسته های متعدد جوانان بیکار را می توان مشاهده کرد. با عنایت به تغییر تعریف سرمایه، از سرمایه فیزیکی به سرمایه انسانی در عصر حاضر، می توان گفت سرمایه گذاری بر روی جوانان به منظور ارتقای ظرفیت های آنان، مطمئن ترین روش برای افزایش منابع و دارایی های منطقه است.

• ابراز تمایل زنان به حضور در بازار کار

تکمیل ۳۲ درصد فرم‌های مراکز کاریابی توسط زنان، از تمایل آنها به حضور در بازار کار حکایت می‌کند. اما تقاضای بازار کار به سمت مردان متمایل است. بطوری که ۷۲ درصد تقاضای بازار کار از مردان و تنها ۲۸ درصد تقاضا از زنان صورت گرفته است. این درحالی است که زنان نیمی از جامعه محلات حاشیه نشین را تشکیل می‌دهند. بدیهی است کنار گذاشتن این گروه به معنای از دست دادن ظرفیت‌ها و قابلیت‌های نیمی از جامعه است. بنابراین با توجه به تمایل و اعلام آمادگی زنان برای حضور در بازار کار، فراهم ساختن بسترها و پیش‌نیازهای لازم برای ورود آنها به جرگه شاغلین، گام موثری در کاهش بیکاری و ارتقای محیط برداشته خواهد شد.

• تمایل جوانان به کسب مشاغل جدید

گرایش جوانان به یادگیری و کسب مهارت‌های جدید و نرم‌افزاری، از تغییر جهت تدریجی بازار کار از مشاغل سنتی و قدیمی به حرفه‌های جدید حکایت می‌کند. از سوی دیگر نیازهای ساکنان نیز دستخوش تغییر و تحولاتی شده و از حالت نیازهای سنتی صرف خارج شده است. با توجه به نیازهای رو به گسترش ساکنان، رواج مشاغل جدید نقش بسزایی در رفع احتیاجات آنها خواهد داشت.

• وجود ظرفیت‌های خالی در بخش صنعت

در گزارش بازار کار تصریح شده است که بازار زاهدان، خدمات محور است. این امر موجب شده است تا سایر بخش‌ها از جمله کشاورزی و بویژه بخش صنعت جایگاه خود را در اقتصاد استان و منطقه باز نیابد. آمارها این طور نشان می‌دهد که تنها ۵ درصد متقاضیان شغل، به اشتغال در بخش صنعت تمایل دارند و از سوی دیگر ۳ درصد تقاضا برای جذب نیروی کار در بخش صنعت وجود دارد. با توجه به بالا بودن نرخ بیکاری در استان و منطقه، بخش صنعت از ظرفیت‌های قابل توجهی برای جذب نیروی کار و ایجاد تحول در اقتصاد منطقه برخوردار است.

• وجود ظرفیت‌های پایین دستی در بخش تجارت

بخش تجارت ظرفیت قابل توجهی برای ایجاد مشاغل پایین دستی مانند مشاغل خدماتی، رستوران و اغذیه، آپاراتی، مکانیکی و پمپ بنزین و... داراست. استفاده از ظرفیت‌های مشاغل پایین دستی بخش تجارت، کمک شایانی برای بهبود شاخص‌های کلان اقتصادی منطقه خواهد کرد.

• مزیت استان در بخش ترانزیت

موقعیت جغرافیایی و توپوگرافی^{۵۵} استان بگونه‌ای است که بخش ترانزیت یکی از مزیت‌های اصلی منطقه بشمار می‌رود. از یک سو امکان جابجایی کالا به کشورهای همجوار از راه زمینی و با کمترین هزینه امکانپذیر است و از سوی دیگر سیستان و بلوچستان معبر ورود و خروج کالا از محور شرقی است. باتوجه به وجود مسائل مختلف در

کشورهای همسایه مانند جنگ و درگیری، ناامنی و نیاز کشورهای همسایه به تولیدات ایرانی، سیستان و بلوچستان از مزیت ویژه ای در این بخش برخوردار است.

• احیای بخش کشاورزی و ورود آن به چرخه تولید

بخش کشاورزی، بخشی است که بطور کامل مغفول واقع شده و هیچ سهمی در ایجاد ارزش افزوده استان ندارد. اقلیم خشک و کاهش شدید نزولات جوّی طی سال های گذشته، نقش موثری در حذف بخش کشاورزی استان داشته است. اما در کنار موانع طبیعی، نارسایی سیاست های کلان در بخش کشاورزی، عدم بهره گیری از قابلیت های کشاورزی منطقه را تشدید کرده است. امروزه با بکارگیری روش های نوین کشاورزی و باغداری در استان- های مجاور منطقه، شاهد رشد قابل توجه بخش کشاورزی در حساب های ملی استان هستیم. استفاده از ظرفیت- های بلااستفاده بخش کشاورزی مانند پرورش قارچ، پرورش ماهی و کشت گلخانه ای و ...

• توجه به تقاضای بازار و کارفرمایان

با توجه به نتایج بدست آمده از فرم های نظرخواهی از کارفرمایان و مدیران صنوف، بازار کار منطقه بیش از همه به رشته های خیاطی، ساختمان و تعمیر لوازم خانگی احتیاج دارد. همچنین حرفه های جدیدی چون برنامه نویسی، بسته بندی و حسابداری نیز مورد نیاز بازار است. بنابراین پرورش نیروی کار در حوزه های یاد شده علاوه بر رفع خلاء بازار، اقدام موثری در کاهش بیکاری خواهد بود.

• توجه به نیازهای برآمده از محلات هدف

بر اساس مصاحبه ها و مشاهده های انجام شده و واکاوی بافت محلات و بازارهای مستقر در آن، مشاغل مورد نیاز محلات تا حد امکان شناسایی شدند. فهرست این مشاغل در جدول صفحه بعد آمده است.^{۵۶}

جدول شماره ۹ : فهرست مشاغل مورد نیاز محلات (برآمده از مصاحبه ها و مشاهده ها)			
رشته‌های آموزشی مردان		رشته‌های آموزشی زنان	
لوله کشی گاز	تعمیر و نصب آبگرمکن	نازک دوزی	آرایشگری
تعمیر خودروهای سنگین	تعمیر خودروهای بنزینی	بلوچی دوزی	پرده دوزی
مخابرات	مخابرات	چادر دوزی	خیاطی
نقاشی ساختمان	کاشی کاری	البسه محلی	قالی‌بافی
بلوچی دوزی و پرده دوزی	آرایشگری	عکاسی	پرورش قارچ
حسابداری	تعمیرات موبایل	رایانه	حسابداری
عکاسی	رایانه	کاربر گیاهان دارویی	
ذبح و بسته بندی گوشت و مرغ	باغبانی شهری و فضای سبز		
بازیافت زباله	آسفالت ریزی و جدول چینی		

✚ ظرفیت‌های اجتماعی

• تمایل ظهور یافته ساکنان به کسب مهارت‌های زندگی و اجتماعی

امروزه با توجه به گسترش وسایل ارتباطی مانند تلویزیون، رادیو، ماهواره، اینترنت، روزنامه و ... سطح آگاهی و اطلاعات عموم جامعه افزایش یافته است. محلات حاشیه نشین نیز از این قاعده مستثنی نیستند. بطوری که تمامی خانوارها، تلویزیون و تعداد قابل توجهی نیز به ماهواره و اینترنت دسترسی دارند. رشد آگاهی ساکنان تا حدی است که آنها خواستار بهبود شرایط زندگی خود هستند و بخوبی می دانند که پیش شرط هرگونه تغییر محیط در گرو ایجاد تغییر و تحول در ساکنان است. بدین سبب ساکنان (بویژه زنان) به کسب مهارت‌های اجتماعی و مهارت‌های پایه تمایل نشان می دهند. با توجه به علاقه ساکنان جهت فراگیری مهارت‌های یاد شده، برگزاری دوره‌های مرتبط با این گرایش‌ها مورد استقبال واقع شده و شکل‌گیری بسترهای اجتماعی توسعه را تسهیل خواهد کرد.

• میل افزون جامعه به پیشرفت و تحول

سمت و سوی رشته‌های آموزشی مورد تقاضا از سوی ساکنان، بویژه جوانان، حاکی از تمایل آنها به پیشرفت و دگرگونی است. تأکید بسیاری از زنان و مردان بر کسب مهارت‌های اجتماعی مانند مشاوره قبل از ازدواج، دوره‌های ترک اعتیاد، کودک یاری و... و نیز مهارت‌های فنی جدید مانند کامپیوتر (سخت افزار و نرم افزار)، تعمیرات موبایل، طراحی (اسکیس) و... تغییر گرایش ساکنان از سنتی به جدید را نشان می دهد. باید توجه داشت که رشته‌های مورد تقاضا با توجه به تمامی محدودیت‌های ارتباطی و فرهنگی اعلام شده‌اند. در صورتی که ساکنان از دیگر دوره‌های مربوط به مهارت‌های اجتماعی و فنی اطلاع حاصل کنند، قدر مسلم از این دوره‌ها نیز استقبال خواهند کرد.

• قابلیت افزایش سطح سواد ساکنان

نرخ باسوادی در کل کشور در سال ۱۳۸۵، ۸۵ درصد است. این نرخ برای استان و شهر زاهدان در همین سال به ترتیب ۶۸ و ۷۷ درصد بوده است. نرخ باسوادی محلات کمتر از سه سطح دیگر است. بطوری ۶۵ درصد مردان و زنان محلات باسوادند و میزان باسوادی مردان بیش از زنان است. بطوری که ۵۶ درصد باسوادان مرد و ۴۴ درصد زن هستند. برغم تعداد کمتر زنان باسواد در مقایسه با مردان، زنان به ادامه تحصیل گرایش بیشتری دارند. بطوری که بر اساس گزارش "تحلیل فرم‌های اعلام آمادگی داوطلبان"، تعداد زنان دیپلمه و یا دانشجوی بیش از مردان است. با توجه به تمایل ساکنان (بویژه زنان) به ادامه تحصیل، گسترش فرصت‌های آموزشی، نقش موثری در افزایش سطح سواد و ارتقای شاخص‌های اجتماعی و فرهنگی محلات خواهد داشت.

جدول شماره ۱۱: مقایسه سطح سواد در سه سطح کشور، استان، زاهدان و محلات به تفکیک جنسیت، ۱۳۸۹

	باسواد			بی سواد		
	مرد و زن	مرد	زن	مرد و زن	مرد	زن
کشور	۵۴۰۸۲۱۸۴	۲۸۸۳۵۳۵۹	۲۵۲۴۶۸۲۵	۹۸۳۷۹۷۳	۳۶۵۸۸۶۱	۶۱۷۹۱۱۲
	۰.۸۵	۰.۵۳	۰.۴۷	۰.۱۵	۰.۳۷	۰.۶۳
استان	۱۳۷۸۵۴۸	۷۶۵۴۴۲	۶۱۳۱۰۶	۶۴۸۵۳۹	۲۶۳۱۱۴	۳۸۵۴۲۵
	۰.۶۸	۰.۵۶	۰.۴۴	۰.۳۲	۰.۴۱	۰.۵۹
شهر زاهدان	۳۶۸۶۹۹	۲۰۰۶۸۳	۱۶۸۰۱۶	۱۱۱۹۵۵	۴۶۳۳۲۷	۶۵۶۲۸
	۰.۷۷	۰.۵۴	۰.۴۶	۰.۲۳	۰.۴۱	۰.۵۹
محلات	۹۶۶۱۱	۵۴۰۱۸	۴۲۵۹۳	۵۱۱۱۶	۲۱۷۴۵	۲۹۳۷۱
	۰.۶۵	۰.۵۶	۰.۴۴	۰.۳۵	۰.۴۳	۰.۵۷

مأخذ: مشاور، ۱۳۸۹

• مکان افزایش تعداد محصلین

با توجه به جدول وضع فعالیت نیروی انسانی، ۲۴ درصد از جمعیت غیرفعال از نظر اقتصادی، محصل هستند. این نسبت در مقایسه با رقم معادل در سطح کشور (۳۷ درصد) پایین است. نظر به اینکه تعداد زیادی از افراد غیرفعال اقتصادی، خانه‌دار و یا دارای درآمد بدون کار هستند، فراهم کردن بسترهای لازم برای ادامه تحصیل ایشان، قابل اتکاترین مسیر برای ایجاد شغل این افراد در آینده است.

✚ ظرفیت‌های فرهنگی

• بهره‌گیری از پیوندهای مستحکم فAMILI و نقش محوری ریش سفیدان

بافت فرهنگی و اجتماعی محلات بگونه ای است که خانواده‌ها، بزرگان و ریش سفیدان خود را بسیار تکریم می‌کنند. ریش سفیدان، کانون مراجعات بستگان و مورد وثوق آنها هستند. زین رو این افراد از قدرت و نفوذ زیادی در خانواده‌ها برخوردارند.

در راستای انجام فعالیت مشارکتی، به منظور تقلیل مشکلات اقتصادی خانواده‌ها، راه اندازی صندوق‌های مالی فAMILI می‌تواند راهگشا باشد. اما بطور معمول به علت نبود یک فرد محوری برای مدیریت صندوق‌ها، ضمانت اجرایی این فعالیت مشارکتی کاهش می‌یابد. ریش سفیدان بلوچی و زابلی می‌توانند چنین نقشی را پذیرا شده و مشوق انجام اقدامات مشارکت جویانه‌ای از این دست باشند.

- **استفاده از ظرفیت جوانان برای گسترش ارتباط منطقه با محیط خارج**

همانطور که گفته شد، غالب جمعیت ساکن در محلات بسیار جوانند. تفاوت عمده ای که میان نسل امروز و نسل گذشته دیده می شود، بهره گیری جوانان از وسایل ارتباطی متنوع همچون اینترنت و ماهواره است. از این رو امکان آگاهی از شرایط و وضعیت دنیای پیرامون، بیش از پیش فراهم شده است.

هم گیر شدن وسایل ارتباطی نویت از یک سو شرایط الگوبرداری ناصحیح جوانان از سبک و شیوه غربی را ایجاد می کند که بروز دوگانگی اجتماعی را به دنبال دارد. اما از دیگر سو، دنیایی متفاوت از محلات را پیش روی جوانان می نهد. امروزه جوانان بخوبی به کمبودها، نداشته ها و کم توسعه یافتگی محلات خود و نیز شرایط بهتر زیست و سطوح بالاتر توسعه در محیط پیرامون واقفند. این امر به عاملی تبدیل شده است که نسل امروز نسلی پرسشگر و طالب بهبود شرایط و ویژگی های زندگی خود باشد. بنابراین افزایش سطح آگاهی جوانان از ویژگی ها، دستاوردها و راهکارهای محیط خارج، می تواند انگیزه لازم در جوانان برای کاهش شکاف توسعه محلات ایجاد کند.

- **استفاده از ظرفیت های خالی بخش آموزش**

یکی از دلایل پایین بودن سطح سواد در محلات کمبود آموزشگاه ها و مدارس و کیفیت نامناسب این واحدهای آموزشی است. علاوه بر افزودن کم و کیف این واحدها می توان با ایجاد واحدهای جانبی نظیر خانه محله، فرهنگسرا، سینما و تئاتر سیار، کتابخانه و نمایشگاه سیار خلاء و ضعف سیستم های آموزشی موجود را برطرف کرد.

ضرورت‌ها

دستیابی به توسعه متعادل و متوازن در منطقه، شناسایی و بکارگیری مزیت‌های یاد شده و ایجاد ظرفیت‌های اقتصادی و اجتماعی، مستلزم درک پاره‌ای از توجهات کلیدی و ضرورت‌هاست. این ضرورت‌ها در ۴ حوزه؛

✓ ضرورت‌های توسعه‌ای

✓ ضرورت‌های اقتصادی

✓ ضرورت‌های اجتماعی

و

✓ ضرورت‌های مهارت‌آموزی

جای می‌گیرند.

درک و دریافت صحیح از ضرورت‌ها و الزامات توسعه‌ای، اقتصادی و اجتماعی و اتخاذ تصمیمات متناسب با آنها نیازمند صرف زمان و اقدامات بنیادی و گسترده است. اما توجه به این ضرورت‌ها، هر چند اجمالی، در شکل‌گیری بینشی آگاهانه و نزدیک به واقع از ضرورت‌های توانمندسازی و بطور ویژه «مهارت‌آموزی» و در نهایت تجهیز و دارا کردن افراد فقیر به دارایی مهارت، نقش بسزایی خواهد داشت. از این رو ضمن گذری بر ضرورت‌های و الزامات پایه‌ای (ضرورت‌های توسعه-ای، اقتصادی و اجتماعی)، بطور مشخص ضرورت‌های مهارت‌آموزی را مورد بررسی قرار خواهیم داد.

✚ ضرورت‌های توسعه‌ای

• فراگیری توسعه اقتصادی، اجتماعی و سیاسی

شاخص توسعه انسانی (HDI) نشان می‌دهد که استان سیستان و بلوچستان در جایگاه توسعه نیافته ترین و محروم ترین استان کشور در مقایسه با سایر استان‌ها جای گرفته است. همچنین بررسی سطوح توسعه داخلی استان نیز از وجود شکاف عمیق توسعه حکایت می‌کند. به این معنی که بخش‌هایی از استان و شهر زاهدان بطور نسبی، توسعه‌یافته‌تر از سایر بخش‌ها هستند. در این میان، سکونت‌گاه‌های غیررسمی شهر زاهدان حائز پایین‌ترین سطوح توسعه هستند.

بنابراین ضروری‌ترین اقدام برای خروج استان از دور باطل توسعه‌نیافتگی، حاکمیت رویکرد توسعه متوازن و متعادل در سطح استان، شهر و محلات است. این رویکرد، ضمن کاهش شکاف توسعه، منجر به فراگیر شدن توسعه اقتصادی، اجتماعی و نیز توسعه سیاسی خواهد شد.

• دگر دیسی روابط موجود و شکل گیری روابط مدرن

یکی از عوامل مهم توسعه نیافتگی و شکل گیری شکاف های عمیق توسعه در استان و منطقه، عدم تغییر و دگرگونی روابط و مناسبات حاکم، متناسب با تغییر و تحولات عصر حاضر است. روابط اقتصادی، اجتماعی، سیاسی و فرهنگی استان بگونه ای است که خود منجر به تولید فقر می شود. از این رو تحول و دگر دیسی در مناسبات کنونی و شکل گیری روابط مدرن، گام بعدی در افزایش سطح توسعه استان است.

• ایجاد سرمایه اجتماعی

سرمایه فیزیکی و انسانی ضرورت حتمی برای دستیابی به رشد و توسعه پایدار است. به ویژه بدون انسان های کارآمد، امکان انجام اقدامات بنیادین میسر نخواهد شد. "امروزه در کنار سرمایه های انسانی، مالی و اقتصادی، سرمایه دیگری به نام سرمایه اجتماعی (Social Capital) مورد توجه قرار گرفته است. سرمایه اجتماعی، نقشی بسیار مهم تر از سرمایه فیزیکی و انسانی در سازمان ها و جوامع ایفا می کند. در جامعه امروزین بدون سرمایه اجتماعی، دستیابی به توسعه امکان پذیر نخواهد بود زیرا بدون این سرمایه، استفاده از دیگر سرمایه ها به طور بهینه انجام نخواهد شد. سرمایه اجتماعی، شبکه ای از روابط اجتماعی است که با هنجارهایی مانند اعتماد و مشارکت مدنی و اجتماعی سنجش می شود." ۵۷

بررسی شبکه های اجتماعی منطقه گویای آن است که اعتماد درون گروهی در میان ساکنان بالاست. معتمدین، شهردار محله ها، ریش سفیدان و مولوی ها نقش موثری در پی ریزی و ایجاد اعتماد اجتماعی ایفا می کنند. اما با ورود افراد خارجی به شدت از میزان اعتماد اجتماعی کاسته می شود. بطوری که مردم بلوچ و بویژه ساکنان محلات، به افراد تازه وارد و نمایندگان دستگاه ها و نهادهای دولتی و خصوصی اطمینان ندارند. از سوی دیگر فقر و تنگدستی حاکم بر منطقه انگیزه و توان انجام هرگونه فعالیت اجتماعی را از ساکنان سلب کرده است. مجموعه این عوامل موجب شده است تا میزان سرمایه اجتماعی در منطقه در سطح بسیار نازلی باشد.

ایجاد هرگونه تغییر و تحول در منطقه مستلزم درگیر شدن تمامی گروه ها و نهادهای موجود در منطقه و برخورد فعال ساکنان با این قبیل اقدامات است. و تحقق سرمایه اجتماعی ضامن موفقیت فعالیت های مشارکت جویانه است. بنابراین ایجاد و تقویت سرمایه اجتماعی از ضرورت های مبرم منطقه بشمار می رود.

• جلب مشارکت اجتماعی و نهادهای

در پی شکل گیری سرمایه اجتماعی، میزان مشارکت اجتماعی ساکنان افزایش می یابد. اما باید توجه داشت که تداوم و استمرار این فعالیت ها زمانی تضمین می شود که انجام فعالیت های اجتماعی و مشارکت مدنی، نهادینه شود. گام نخست در نهادهای فعالیت های مشارکتی، ایجاد نهادهای درونی در ساکنان است. به این معنی که افراد همواره در برابر انجام فعالیت های مشارکتی احساس وظیفه کرده و خود را

ملزم به انجام آن بدانند. ایجاد نهادهای عمومی و مدنی در اجتماع، در اولویت بعدی قرار دارد. با ایجاد نهادهای عمومی و خصوصی، پایگاه‌های اجتماعی برای انجام فعالیت‌های مشارکت محور ایجاد می‌شود.

• مشارکت مردم در تدوین، اجرا و نظارت برنامه‌ها

تاکنون طرح‌های گوناگون پیرامون توانمندسازی سکونتگاه‌های غیررسمی، از جمله سکونتگاه‌های غیررسمی شهر زاهدان به اجرا درآمده است. اما میزان موفقیت این طرح‌ها اندک بوده و یا برخی به شکست انجامیده است. یکی از دلایل موفقیت محدود و یا شکست این طرح‌ها، عدم مشارکت فعال ساکنان در تهیه، اجرا و نظارت آنها است. بطور معمول برنامه‌های توانمندسازی بصورت متمرکز و با اتکای صرف به نیروهای کارشناسی دولتی تهیه و تدوین می‌شوند. از آنجا که افراد محلی در این فرآیند نقشی ندارند، نیازها و نظرات آنان نادیده گرفته می‌شود. در نهایت پروژه‌هایی به اجرا درمی‌آید که متناسب با شرایط و ویژگی‌های خاص سکونتگاه‌های غیررسمی نیست.

امروزه تمامی کارشناسان و صاحب‌نظران برنامه‌ریزی، بر بکارگیری و مشارکت افراد محلی در مراحل تهیه و اجرای طرح‌های توانمندسازی تأکید ویژه دارند. بطوری که اجرای طرح‌های مشارکتی توانمندسازی، یکی از شرایط اساسی پذیرش این طرح‌ها از سوی نهادهای بین‌المللی همچون بانک جهانی است. بدیهی است در شرایطی که ساکنان خود در مرحله تنظیم، اجرا و پایش طرح مشارکت داشته باشند، نیازها و خواسته‌های آنان بطور واقعی در نظر گرفته می‌شود، ساکنان نسبت به طرح تعلق خاطر پیدا می‌کنند، میزان موفقیت پروژه افزایش می‌یابد و در نهایت انجام فعالیت‌های مشارکتی تداوم می‌یابد.

✚ ضرورت‌های اقتصادی

• ایجاد و گسترش روابط اقتصادی مدرن و پویا

بررسی‌های صورت گرفته پیرامون اقتصاد محلات حاکی از آن است که غالب فعالیت‌های اقتصادی، مولد نیستند. مقایسه سهم بخش‌های اقتصادی نشان می‌دهد که اقتصاد استان، خدمات محور است و فعالیت چشمگیری در بخش‌های صنعت و کشاورزی رخ نمی‌دهد. از سوی دیگر حجم زیاد قاچاق کالا و مواد مخدر، ره‌آورد مالی قابل توجهی را نصیب فعالان این حوزه‌ها می‌کند. از این رو جوانان به دلیل فقدان فرصت‌های شغلی مناسب، به انجام فعالیت‌های غیرقانونی روی می‌آورند. در این میان فعالیت‌های اقتصادی رسمی و قانونی نیز اغلب سنتی و موروثی‌اند و ظرفیت ایجاد تحول در ساختار اقتصادی منطقه را ندارند.

مجموعه موارد یاد شده منجر شده است تا روابط اقتصادی حاکم بر منطقه پویا و به روز نباشند. از این رو هرگونه تغییر و تحول در ساختار اقتصادی منطقه در گرو ایجاد تحول در روابط اقتصادی و همگرایی با تحولات اقتصادی عصر حاضر است.

- **ایجاد نظام‌های مالی تسهیلگر و ظرفیت ساز**

یکی از اقدامات موثر در شکل‌گیری روابط اقتصادی پویا، پایه‌گذاری نظام‌های مالی تسهیلگر و ظرفیت ساز است. نظام مالی منطقه اغلب به تخصیص یک جانبه منابع مالی (بصورت محدود) از سوی دستگاه‌ها و نهادهای دولتی خلاصه می‌شود. ناکارآمدی این سیستم بخوبی مشهود است. زیرا برغم اعطای وام و تسهیلات مالی به متقاضیان، تحول چشمگیری در نوع فعالیت های اقتصادی آنها پدید نیامده است. رویکرد دستگاه‌های دولتی جهت برون رفت از فقر و توسعه نیافتگی منطقه، رویکرد اعانه‌ای است. مسئولین، به تصور اینکه اینگونه اقدامات موجب ارتقای سطح معیشت ساکنان می‌شود، به تزریق مستقیم منابع مالی می‌پردازند. این رویکرد علاوه بر ایجاد روحیه گداپروری، مانع از ایجاد و گسترش فعالیت های اقتصادی مولد می‌شود.

- **ضرورت‌های اجتماعی**

- **الحاق بخش غیررسمی و به بخش رسمی**

نگاهی کلی بر سکونت‌گاه‌های غیررسمی، از طردشدگی ساکنان و بافت محلات حاشیه ای از بدنه اصلی شهر حکایت می‌کند. دامنه روابط اقتصادی و اجتماعی محلات با بخش رسمی شهر بسیار محدود است. یکی از دلایل این امر باور عمومی حاکم بر شهر است که محلات حاشیه ای را در زمره بخش غیررسمی طبقه بندی می‌کنند. از این رو مسئولین و ساکنان شهر سطح تعاملات خود با سکونت گاه های غیررسمی را به نازل ترین میزان ممکن رسانده اند. تا جایی که برخی تاکنون هیچ گونه مراجعتی به این مناطق نداشته اند.

از این رو کارشناسان بر این باورند که حل مشکلات مناطق حاشیه نشین (به عنوان بخش غیررسمی) مستلزم الحاق و بشمارآوردن آنها در شهر (به عنوان بخش رسمی) است. این الحاق ابتدا می باید در باور، فرهنگی و مناسبات اجتماعی رخ دهد و سپس به روابط اقتصادی و سیاسی نیز تسری یابد.

- **شهروند شدن ساکنان**

یکی از اقدامات اساسی جهت تسهیل الحاق بخش غیررسمی به رسمی، آشنا شدن ساکنان با حقوق و مسئولیت‌های شهروندی و ارتقای آنها از شهروند درجه دو به شهروند درجه یک است. اهمیت این امر زمانی دوچندان می‌شود که یکی از دلایل ناکارآمدی مدیریت شهری و شکل‌گیری و گسترش بافت‌های حاشیه ای، نبود شهروند و عدم توجه به حقوق شهروندی است. بنابراین درک صحیح از مفهوم شهروند و حقوق آن، گامی موثر در راستای ممانعت از ایجاد سکونت‌گاه‌های غیررسمی و نیز تخفیف مشکلات حاشیه‌نشینان است.

• گسترش فناوری اطلاعات و ارتباطات

شاهراه ورود به مسیر تحول در منطقه، افزایش سطح اطلاع رسانی، گسترش ارتباطات و میزان آگاهی ساکنان از محیط پیرامون است. امروزه با پیشرفت فناوری اطلاعات این امکان فراهم است که به راحتی با محیط خارج ارتباط برقرار کرد. از آنجا که تعداد قابل توجهی از منازل ساکنان، مجهز به رایانه است و جوانان نیز به استفاده از آن علاقه نشان می دهند، اینترنت نقش بسزایی در ایجاد رابطه با محیط پیرامون خواهد داشت.

✚ ضرورت‌های طرح مهارت‌آموزی

توانمندسازی نیازمند انجام فعالیت های خرد مقیاس و با مشارکت ساکنان محله‌های هدف است.

• ضرورت ارایه آموزش‌های فنی و اجتماعی

بالا بودن نرخ بیکاری در محلات، درآمد اندک و نیاز مبرم ساکنان جهت دستیابی به شغل، ضرورت یادگیری مهارت‌های فنی و حرفه ای را دوجندان می کند. از دیگر سو، پایین بودن سطح سواد و فقر شدید، موجب شده است تا ساکنان در مناسبات اجتماعی و خانوادگی با مشکلات عدیده‌ای دست به گریبان باشند. از این رو ضرورت برگزاری دوره‌های مربوط به مهارت‌های اجتماعی نیز بخوبی احساس می-شود.

• تأکید بر آموزش رسمی

امروزه یکی از شرایط ورود به بازار کار، ارایه مدرکی دال بر دارا بودن مهارتی خاص است. کارفرمایان بر اساس تأیید مدارک از نوع و سطح مهارت متقاضیان اطلاع حاصل کرده و اقدام به جذب آنها می کنند. بنابراین ارایه گواهینامه به مهارت‌آموزان در انتهای دوره‌های آموزشی ضروری است.

• توجه به مذهب

همانطور که پیشتر عنوان شد جمعیت ساکن در محلات بطور عمده مرکبند از بلوچ‌ها و زابلی‌ها. زابلی‌ها شیعه و بلوچ‌ها اهل تسنن‌اند. هم اکنون این دو تیره قومی و مذهبی بدون کوچکترین تنشی درکنار یکدیگر زندگی می کنند. ساکنان، درک متقابلی از حساسیت‌های مذهبی یکدیگر دارند و علاوه بر مرادوات اقتصادی و اجتماعی، پیوندهای زناشویی نیز برقرار می کنند. بر اساس مصاحبه‌ها و مطالعات، به دنبال ایجاد حساسیت‌های ساختگی و تحریکات بیرونی، برخی اختلافات و درگیری‌ها میان آنها بروز می کند. بر این اساس می باید مجری، باورهای مذهبی ساکنان را درک کرده، به آنها احترام گذارد و بدون هرگونه سوگیری سعی در اجرای هرچه بهتر طرح داشته باشد.

• توجه به ساخت فرهنگی و اجتماعی

ساختار اجتماعی و فرهنگی زاهدان و به ویژه محلات هدف بگونه‌ای است که مانع از حضور پررنگ زنان در عرصه اجتماع می شود.

- **توجه به جنسیت**

تجارب طرح های توانمندسازی در سطح بین الملل و کشور نشان می دهد که زنان در مقایسه با مردان همواره مشارکت بیشتری در این طرح ها داشته اند. طرح مهارت آموزی نیز تأیید کننده مطلب است. زیرا نتایج فرم های اعلام آمادگی داوطلبان نشان می دهد که ۷۰ درصد از متقاضیان دوره های مهارت آموزی زنان هستند و ۳۰ درصد مردان. بنابراین ضروری است تا برخورد فعال با مشارکت حداکثر زنان محلات صورت گیرد.

- **توجه به سن**

تحلیل فرم های اعلام آمادگی داوطلبان حاکی از آن است که ۶۹ درصد از داوطلبان در فاصله سنی ۱۶-۲۵ سال قرار دارند. یعنی بخش عمده متقاضیان، جوان هستند. بنابراین ضروری است تمهیدات لازم، مختص این گروه اتخاذ شود و دوره های مهارت آموزی توجه ویژه به این گروه از داوطلبان داشته باشد.

سخن پایانی

اندیشه و دیدگاه کنونی توسعه بر «توسعه انسان محور»^{۵۸} به عنوان عاملی متمایز و متفاوت با رشد صرفاً اقتصادی تأکید می‌ورزد. شواهد زیادی وجود دارد که نشان می‌دهد نرخ بالای رشد اقتصادی مترادف با بهبود سریع شاخص‌های زندگی برای اقشار فقیر جامعه نیست و افزایش سطح استانداردهای زندگی از طریق اعمال استراتژی‌هایی قابل حصول است که تنها بر رشد اقتصادی متمرکز نباشد. مفهوم این چنین توسعه‌ای چیزی جز توسعه و پیشرفت انسان نیست و سطح آگاهی، توانایی و درک انسان‌ها عاملی تعیین‌کننده در آن بشمار می‌رود.

با اتکا بر رهیافت انسان محور، نیروی انسانی ماهر و متخصص از عوامل کلیدی و انکارناپذیر در توسعه اقتصادی و اجتماعی بشمار می‌رود و هرگونه سرمایه‌گذاری در خصوص آموزش آنها، رشد اقتصادی سالم و مولد را به همراه خواهد داشت. به همین دلیل اندیشمندان توسعه بر این باورند که ارتقای مهارت‌های فردی و گسترش فعالیت‌های کارآفرینی در جامعه، نقش قابل توجهی در فرآیند توسعه اقتصادی جوامع دارد. هم اکنون تجارب فراوانی از کشورهای توسعه‌یافته وجود دارد که نشان می‌دهد بخش عظیمی از دستاوردهای توسعه اقتصادی آنها مرهون ارتقای سطح آگاهی فردی، مهارت‌های فنی نیروی انسانی و توسعه کارآفرینی است. این نتایج چشمگیر موجب شده است تا مقوله آموزش بطور اعم و آموزش‌های فنی و حرفه‌ای بطور اخص، به یکی از ساختارهای محوری جوامع پیشرفته بدل شود. زیرا تصمیم‌سازان و تصمیم‌گیران این کشورها به این باور رسیده‌اند که توسعه اقتصادی، بطور مستقیم و یا غیرمستقیم در گرو فعالیت‌های افرادی است که در حرف و مهارت‌های گوناگون تخصص دارند.

با توجه به جایگاه خطیر آموزش‌های فنی و حرفه‌ای در توسعه اقتصادی و اجتماعی، در غالب کشورها بویژه کشورهای در حال توسعه از این آموزش‌ها در جهت؛

- ارتقای کیفیت نیروی انسانی
- افزایش بهره‌وری نیروی کار
- افزایش تولید کالا و خدمات
- کاهش نرخ بیکاری
- کاهش شکاف توانایی‌های نیروی کار سنتی با تحولات نوظهور بازار کار
- تأمین نیروی انسانی جانشین
- انتقال مهارت‌ها به نیروی‌های جوان جامعه

و در انتها

- توزیع عادلانه درآمد

بهره‌گیری می‌شود.

در کشور ما نیز، طی سال‌های اخیر ارایه طیف وسیعی از آموزش‌های فنی و حرفه‌ای اثربخش، به منظور بهره‌مندی از مزایای این آموزش‌ها در امر توسعه و افزایش کارآفرینی خلاق، مطمح نظر مسئولین و سیاست‌گذاران بوده است. به همین جهت در غالب طرح‌های توانمندسازی مختص مناطق محروم، بر دارا کردن افراد فقیر به ثروت مهارت و توانایی‌های فردی تأکید ویژه صورت گرفته است.

در استان سیستان و بلوچستان نیز به عنوان یکی از محروم‌ترین استان‌های کشور، رویکرد اصلی طرح‌های توانمندسازی، ارتقای دارایی‌های غیرمادی و غیر فیزیکی ساکنان بوده است. در همین راستا، **طرح توسعه مهارت‌های پایه در سکونت‌گاه‌های غیررسمی شهر زاهدان**، با محوریت ارتقای مهارت‌های فردی، ترویج خوداشتغالی و فعالیت‌های کارآفرینی به دنبال آن بوده است تا از طریق؛

✓ ایجاد مهارت‌های فکری و ذهنی

✓ افزایش پویایی در توانایی‌های فردی

✓ آشنایی با آموزش‌های نوظهور

و

✓ آموزش مهارت‌های فنی و حرفه‌ای مورد نیاز بازار کار

بستری را فراهم آورد تا ساکنان این سکونت‌گاه‌ها، خود بتوانند به عرصه فعالیت‌های اقتصادی مولد گام نهاده و در حالت متعالی با ایده‌پردازی‌های خلاقانه راهی برای ایجاد کسب و کارهای جدید بگشایند.

فصل هفتم؛

شناسایی‌ها و ارزیابی‌ها

۱. دیدارها و مذاکرات گروه آموزش با دستگاه‌ها و

نهادهای مرتبط با اهداف طرح

۲. ارزیابی اداره فنی – حرفه ای شهر زاهدان

۳. ارزیابی آموزشگاه‌های خصوصی شهر زاهدان

۱. دیدارها و مذاکرات گروه آموزشی با دستگاه ها و نهادهای مرتبط با اهداف طرح

گروه آموزش طرح "آموزش مهارت های پایه در سکونت گاه های غیررسمی شهر زاهدان"، همزمان با برنامه سفر گروه های پژوهش و مداخله، دیداری دو روزه از زاهدان داشت که ضمن آن نشست هایی چند با دستگاه ها و نهادهایی که از امکانات آموزشی، ترویجی و اعتباری برخوردارند و در سفر مردادماه گروه به زاهدان، تمایل خود را برای همکاری با طرح اعلام کرده بودند، برگزار کرد. از آن جمله :

- ۱- سازمان فنی - حرفه ای : آقای خلیقی، معاون سازمان
 - ۲- اداره کار و امور اجتماعی: آقای عرب، مدیر کل و خانم سرابندی، رئیس اداره اشتغال
 - ۳- کمیته امداد: آقایان غلامیان، مدیر کل، جعفری، مسئول آموزش و پودینه کارشناس مسئول اشتغال
 - ۴- سازمان جهاد کشاورزی: آقای دهباشی، معاون ترویج
 - ۵- سازمان صنایع دستی: آقای مهندس شهرکی، رئیس سازمان
- در مجموع نشست های انجام شده مثبت ارزیابی می شود و مدیران دستگاه های طرف مذاکره، آمادگی خود را جهت همکاری با طرح اعلام کردند. نتایج کلی مذاکرات را می توان در چهار سطح، طبقه بندی کرد :
- ۱- امکان استفاده مناسب از موقعیت های آموزشی سازمان ها و نهادهای مربوطه (بویژه سازمان فنی - حرفه ای، سازمان صنایع دستی و اداره کار و امور اجتماعی)
 - ۲- فرصت استفاده از داده های اطلاعاتی موجود در سازمان ها و اداره های مربوطه (بویژه سازمان فنی - حرفه ای، اداره کار و امور اجتماعی، صنایع دستی، کمیته امداد)
 - ۳- معرفی داوطلبان آموزش بر اساس شاخص های مورد نظر نواندیش از طرف کمیته امداد
 - ۴- اصلاح سیاست های جاری دستگاه ها، متناسب با نیازهای طرح از طریق مشارکت سازمان های مادر در تهران (از جمله امکان ثبت نام افراد فاقد کارت هویت در مراکز فنی - حرفه ای، امکان ثبت نام مدارک پائین تر از دیپلم، تأمین هزینه مهارت آموزان که از طریق بخش خصوصی ثبت نام می شوند، کاهش مدت دوره های آموزشی بر حسب نیاز، تعریف استانداردهای رشته های جدید پیشنهادی)
- گزارش هر دیدار، شامل زمینه های همکاری، امکانات قابل دسترسی، محدودیت ها، توصیه ها و توافق ها به قصد آگاهی و تصمیم گیری ها و اقدامات پی آیند آن، در این مکتوب ارائه شده است.

○ مرکز آموزش فنی - حرفه ای

■ زمینه های همکاری

- آموزش مهارت های فنی - حرفه ای به مهارت آموزان از طریق چهار مرکز در شهر زاهدان
- اطلاع رسانی در مورد موقعیت تحصیلی کارآموزان فعلی مرکز که ساکن محلات هدف طرح اند.
- (در سال ۸۷ در چهار مرکز شهر زاهدان، ۳۷۵ کارآموز از ۶ محله کریم آباد، شیرآباد، مرادقلی، کارخانه نمک، بابائیان و جاده قدیم مشغول به تحصیل بوده اند که ۹۰ درصد آنان زیردیپلم و ۱۰ درصد دیپلمه بوده اند).

■ امکانات قابل دسترسی

- فضای آموزشی ۴ مرکز فنی - حرفه ای
- فضای آموزشی مرکز کریم آباد (از سال ۸۹)
- مربیان آموزشگاه های دولتی فنی - حرفه ای
- تأمین احتمالی هزینه تحصیلی افراد معرفی شده از سوی کمیته امداد و بهزیستی جهت تحصیل در آموزشگاه های خصوصی (این امکان در سال ۸۷ قطع شده است)
- برگزاری آزمون مهارت آموزان در آموزشگاه های دولتی و خصوصی
- صدور گواهینامه برای کارآموزان
- ثبت نام کارآموزان دارای تحصیلات کمتر از دیپلم ساکن در محلات هدف
- آموزش سیار در صورت وجود تجهیزات و فضای آموزشی لازم در محلات (در شرایط تداوم دوره تا دو ماه، مرکز امکان تجهیز فضای آموزشی محلات را خواهد داشت).
- آموزش دوره های کارآفرینی (۵۰ ساعت مقدماتی و ۱۲۰ ساعت تکمیلی)
- آموزش دوره آمادگی شغلی برای فارغ التحصیلان دانشگاهی
- آموزش معلولین در دوره های جاری (پیش از این، یک دوره تعمیر لوازم خانگی به طور اختصاصی برای معلولین برگزار شده است).

■ محدودیت ها

- انتقال ۶۲ رشته آموزشی به مراکز خصوصی فنی - حرفه ای (براساس سیاست انتقال رشته هایی که شرایط تدریس آن در آموزشگاه های خصوصی مهیا است، این رشته ها از مراکز دولتی حذف و به موسسات خصوصی واگذار شده است).
- عدم امکان آموزش افغانه و افراد فاقد کارت هویت (سیستم اطلاعات مرکز براساس شماره کارت ملی طراحی شده است).
- امکان جذب حداکثر ۲۰ نفر در اکثر رشته ها (متوسط مدت دوره ۶۰۰ ساعت و طی ۵ ماه متوالی است).

■ توصیه ها

- با توجه به دانش محدود ساکنین محلات، فرهنگ سازی از طریق آموزش های اجتماعی در این طرح بسیار مهم است.
- هدف طرح، جذب افراد تحصیل کرده نبوده و افراد ضعیف مدنظر باشند.
- جذب افراد از طریق معتمدین محلی و با برگزاری نشست های جمعی صورت گیرد.

■ توافقی ها

- ۱- تنظیم تفاهم نامه ای براساس تعهدات طرفین (مرکز فنی و حرفه ای و کارفرما- وزارت مسکن -) توسط نواندیش
- ۲- حداقل ۲ ماه قبل از شروع دوره های آموزشی مورد توافق، تعداد و رشته های مورد نظر از طرف نواندیش به مرکز اعلام شود.
- ۳- به منظور پذیرش کارآموزان فاقد کارت هویت، مقرر شد تا نواندیش در راستای اصلاح سیستم ثبت نام کارآموزان در مرکز، توافق سازمان فنی - حرفه ای تهران را جهت حذف شماره کارت ملی جلب کند.
- ۴- قرار بر این شد دوره های کوتاه مدت درخواستی نواندیش ابتدا به مرکز زاهدان اعلام شود. چنانچه موضوع در حوزه اختیار عمل مرکز قرار داشت، نسبت به اجرای آن اقدام کند. در غیر اینصورت موضوع از طرف نواندیش به سازمان مرکزی در تهران منعکس و پس از تأیید آن سازمان، دوره ها توسط مرکز قابل اجرا خواهد بود.
- ۵- قرار شد دوره های جدید فنی و حرفه ای مورد نظر نواندیش به مرکز فنی - حرفه ای زاهدان اعلام و از طریق آن مرکز، دوره های جدید برای تصویب به سازمان مرکزی در تهران ارجاع شود.

۶- سعی نواندیش برای جلب توافق سازمان مرکزی جهت تأمین هزینه مهارت آموزان (تحت پوشش کمیته امداد و بهزیستی) برای بهره‌مندی از آموزش‌های خصوصی.

اداره کار و امور اجتماعی

■ زمینه‌های همکاری

- مهیا ساختن امکانات آموزش کسب و کار و کارآفرینی و تأمین هزینه‌های آن
- آرایه اطلاعات مربوط به متقاضیان کار در شهر زاهدان و اطلاعات مربوط به استانداردهای رشته‌های شغلی بخش خدمات

■ امکانات قابل دسترسی

- آموزش دوره‌های کسب و کار و کارآفرینی و در صورت امکان، تأمین فضای آموزشی
- آمادگی برای اجرای دوره‌های سیار کسب و کار در محلات
- در اختیار قرار دادن سالن همایش اداره (با ظرفیت ۲۵۰ نفر و امکانات صوتی و تصویری) به منظور برگزاری همایش‌های یک روزه.

■ محدودیت‌ها

- برای محصولات خانگی در شهر زاهدان بازار وجود ندارد.
- حداقل سطح سواد لازم برای آموزش گیرندگان دوره‌های کسب و کار، دیپلم است.
- برای افراد فاقد کارت هویت، گواهینامه صادر نمی‌شود.

توصیه‌ها

- نواندیش در مسیر اجرای طرح به نکاتی چند توجه کند:
- ✓ زیرساخت‌های اشتغال در استان فراهم نشده است.
- ✓ بازارهای هدف در دو کشور افغانستان و پاکستان فرصت‌های عدیده‌ای پیش روی قرار می‌دهند اما در مسیر دستیابی به آنها، از مرزهای این دو کشور بهره‌برداری مناسبی نمی‌شود.
- ✓ قوانین جداگانه‌ای در حوزه اشتغال و کسب و کار، متناسب با شرایط استان وضع نشده است.

✓ بخش خدمات نسبت به سایر بخش های اقتصادی در زاهدان فعال تر است.

(بویژه در زمینه حمل و نقل به دلیل بازارچه مرزی زابل، راه های ارتباطی استان و فعالیت صنایع دستی)

✓ برخی از دوره های آموزش های فنی - حرفه ای، قدیمی و غیرقابل استفاده است.

✓ تنها ۲۴ درصد از وام های زود بازده استان بازگشت داشته است.

✓ استان، طرح های کوچک را بیشتر پذیراست.

- برنامه ریزی طرح بیشتر متمرکز بر مردان باشد، چون ۹۵ درصد زنان ساکن سکونت گاه ها، بیسواد هستند.

- آموزش به کسانی پوشش دهد که منبع درآمد خانواده اند.

■ توافقی ها

۱- ارایه اطلاعات درخواستی نواندیش درمورد بیکاران مراجعه کننده به مراکز کاریابی زاهدان از جمله ساکنین محلات هشت گانه

۲- تعیین تعداد مهارت آموزان واجد شرایط استفاده از دوره های کارآفرینی، توسط نواندیش برای آموزش آنان در دوره های کارآفرینی اداره کار

۳- معرفی مهارت آموزان (تحت پوشش کمیته امداد و بهزیستی)

○ کمیته امداد

■ زمینه های همکاری

- معرفی بخشی از مددجویان کمیته به طرح برای مشارکت در دوره های آموزشی

■ امکانات

- ارایه خدمات فنی - تخصصی به طرح مهارت آموزی (از جمله ۶۵ ناظر پاره وقت در بخش کشاورزی)

- تأمین احتمالی بخشی از هزینه های آموزشی مهارت آموزان تحت پوشش در صورت توافق و تأمین بودجه آن توسط کمیته امداد مرکز

■ محدودیت ها

- فقدان مکان آموزشی برخی رشته های آموزشی در زاهدان (قالی بافی در زابل، کشاورزی در سیستان، تعطیل شدن تراش سنگ های قیمتی در زاهدان)

- کمیته امداد افراد فاقد کارت هویت را فقط طی شش ماه تحت پوشش قرار می دهد و پس از آن می بایست این افراد کارت شناسایی خود را به کمیته ارایه دهند.

▪ توصیه ها

- توجه به ایجاد اشتغال برای مهارت آموزان ساکن سکونتگاه های غیررسمی

▪ توافقی ها

- ۱- تنظیم و انعقاد تفاهم نامه ای میان کمیته امداد با وزارت مسکن جهت همکاری فیمابین در طرح مهارت آموزی زاهدان
- ۲- معرفی ۵۰۰ نفر از واجدین شرایط برای طرح مهارت آموزی از میان مددجویان تحت پوشش کمیته در محلات (پرسشنامه های مربوطه توسط کمیته امداد تکمیل خواهد شد).

○ صنایع دستی

▪ زمینه های همکاری

- برگزاری دوره های آموزشی صنایع دستی برای مهارت آموزان
- ارایه اطلاعات هنرجویان ساکن در سکونتگاه های غیررسمی به خانه پژوهش نواندیش

▪ امکانات قابل دسترسی

- آموزش رایگان به هنرجویان ساکن سکونتگاه ها در زاهدان، از جمله آموزش سیار (مرکز آموزش صنایع دستی پیش از این در شیرآباد فعال بوده است)
- برخورداری از مربی در کلیه رشته های صنایع دستی
- تجهیز کوتاه مدت فضای آموزشی محلات جهت آموزش صنایع دستی
- استفاده از فروشگاه صنایع دستی توسط هنرجویان در زاهدان

▪ محدودیت ها

- ناتوانی هنرجویان برای بازاریابی محصولات خود
- استمرار سیاست نادرست منع خرید محصول از صنعتگران توسط سازمان صنایع دستی زاهدان همچون سایر نقاط کشور (حتی امکان بسته بندی محصولات آنها از طرف سازمان وجود ندارد)
- موجود نبودن بازار رقابتی صنایع دستی در زاهدان

▪ توصیه

- کمک به ایجاد بازار صنایع دستی در خارج از منطقه

▪ توافقی‌ها

- ۱- اعلام نیاز رشته های صنایع دستی به همراه تعداد و شرایط هنرجویان از سوی نواندیش به سازمان صنایع دستی، جهت برگزاری دوره های آموزشی متمرکز و سیار به طور رایگان
- ۲- در اختیار نهادن اطلاعات هنرجویان فعلی ساکن سکونتگاه های غیررسمی از سوی سازمان بر اساس درخواست نواندیش

○ معاونت ترویج جهاد کشاورزی

▪ زمینه همکاری

- برگزاری دوره های آموزشی در بخش کشاورزی از طریق آموزشگاه های خصوصی معتبر و تحت نظارت سازمان نظام مهندسی

▪ امکانات

- هموار نمودن امکان آموزش های مورد نیاز از طریق آموزشگاه های معتبر بخش خصوصی
- ارائه خدمات تخصصی در حوزه کشاورزی و دامپروری از طریق سازمان فنی - حرفه ای

▪ محدودیت ها

- نبود فعالیت کشاورزی در سکونتگاه های غیررسمی
- وجود فعالیت کشاورزی در خارج از زاهدان
- عدم امکان واگذاری زمین تا محدوده ۴۰ کیلومتری زاهدان
- عدم امکان گسترش فعالیت های کشاورزی در زاهدان

▪ توصیه ها

- توجه به گسترش صنایع تبدیلی کشاورزی در محلات هدف
- مقرون به صرفه نبودن فعالیت کشاورزی در محلات

▪ توافقی‌ها

- اعلام نیاز رشته های کشاورزی بر اساس مطالعات انجام شده نواندیش به سازمان جهاد کشاورزی و فراهم کردن امکان آموزش های لازم از طریق سازمان نظام مهندسی

۲. ارزیابی اداره فنی - حرفه ای شهر زاهدان

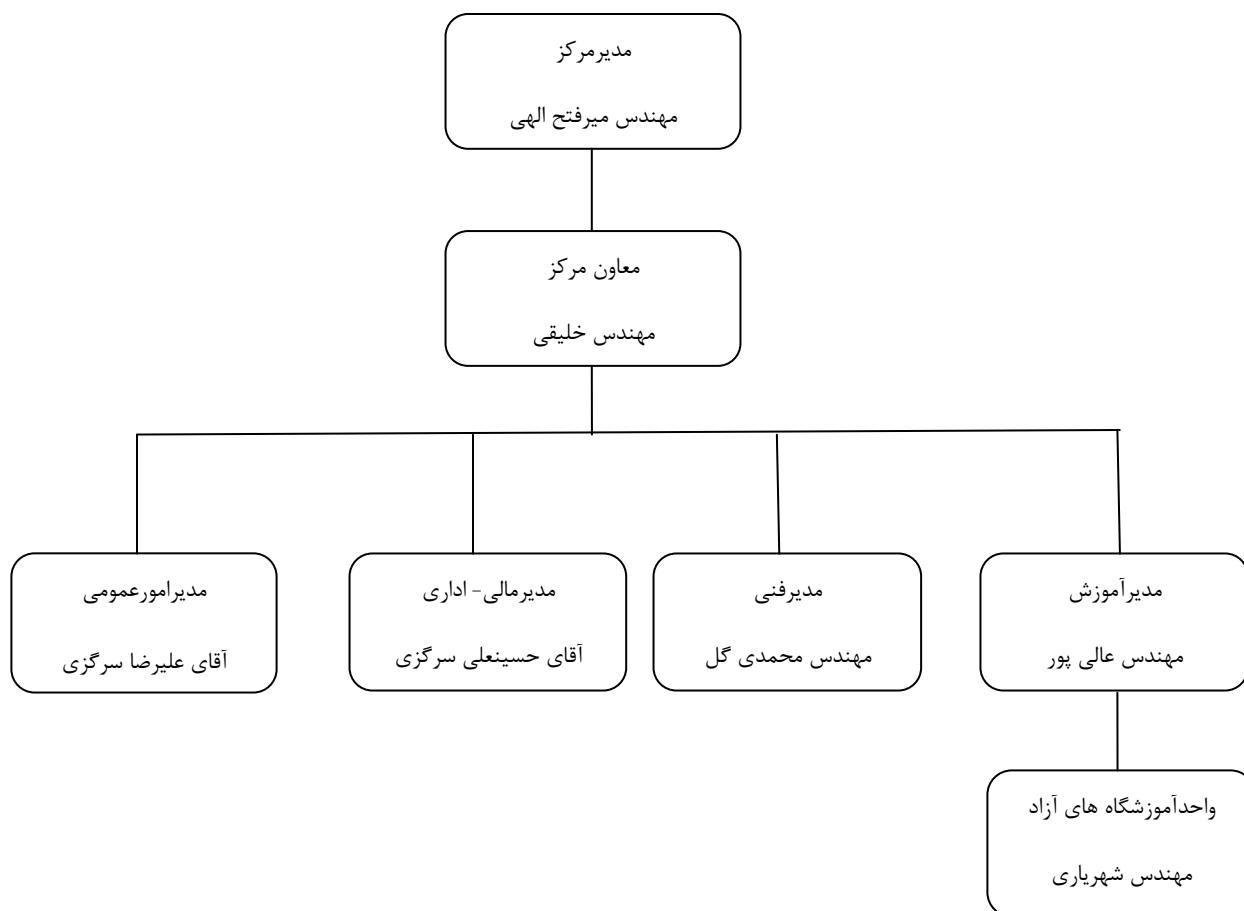
گزارش وضعیت مرکز آموزش فنی - حرفه‌ای زاهدان برگرفته از یافته‌های حاصل از مشاهده‌ها و مصاحبه‌هایی است که به قصد ارزیابی از ظرفیت‌ها، قابلیت‌ها و محدودیت‌های این مرکز به عنوان همکار اصلی طرح صورت پذیرفته است. این موارد شامل:

- بازدید تیر ماه ۸۷ از مرکز و مصاحبه با آقایان میرفتح‌الهی (مدیر مرکز)، محمدی گل (مدیر فنی مرکز) و خلیقی (معاون مرکز)
 - گفتگو و مذاکره تیر ماه ۸۸ با آقای جهان تیغی از مدیران مرکز آموزش فنی - حرفه‌ای (تهران)
 - بازدید تیرماه ۸۸ از مرکز آموزش در حال احداث کریم آباد در حاشیه شهر زاهدان و مصاحبه با آقایان میرفتح‌الهی، محمدی گل، و شهریاری (مسئول واحد آموزشگاه‌های آزاد مرکز)
 - مصاحبه مرداد ماه ۸۸ با آقایان خلیقی، عالی‌پور (مدیر آموزش مرکز) و شهریاری
 - مصاحبه مرداد ماه ۸۸ با آقای حیدری مدیر سابق مرکز
- است.

گزارش در پی آن است تا امکانات و تنگناهای مرکز را که همکار اصلی طرح قلمداد می‌شود، روشن و شفاف ساخته، چگونگی همکاری مرکز با طرح و رویه‌های مرسوم منجر به انعقاد توافقنامه را توضیح داده و برای رفع تنگناهای مورد بحث که از موانع اجرای طرح محسوب می‌شوند، ارائه طریق کند.

ساختار مدیریتی مرکز

مرکز آموزش فنی - حرفه ای استان سیستان و بلوچستان مستقر در شهر زاهدان از یک ساختار مدیریتی نه چندان گسترده بهره می گیرد. این ساختار دربرگیرنده مدیریت کل، معاونت وسه مدیریت فنی، مالی - اداری و امورعمومی است:



در این ساختار مدیر مرکز از مجرای یک معاونت با چهار مدیریت مرتبط است. از میان این چهار مدیریت، آموزش از وزن و جایگاه سنگین تر و شاخص تری برخوردار است. این مدیریت که ایفاگر مأموریت اصلی مرکز (آموزش فنی - حرفه ای مهارت آموزان) است از طریق واحد آموزشگاه های آزاد با مجموعه موسسات خصوصی آموزش فنی - حرفه ای در استان پیوند و تعامل دارد. در همین ساختار، مدیریت فنی، سامانده و پیگیر کلیه

پروژه‌های ساخت و ساز و نیز تعمیر و نگهداری مرکز آموزش فنی حرفه‌ای استان است و دو مدیریت دیگر نیز وظیفه پشتیبانی اداری- مالی و امور عمومی مرکز را بر عهده دارند.

• ملاحظات:

- مدیر مرکز نسبت به شرایط اقتصادی - اجتماعی و فرهنگی استان و شهر زاهدان آگاه است و به عنوان یک فرد صاحب تحلیل می‌تواند طرف مشورت در حوزه مسائل کلان منطقه قرار گیرد.
- معاون و مدیریت آموزش مرکز از روحیه همکاری مناسبی برخوردار و کمک کار اجرای طرح تلقی می‌شوند.
- مسئول واحد آموزشگاه‌های آزاد، در زمینه معرفی و انتخاب آموزشگاه‌ها و مربیان خصوصی کارا، یاری رسان طرح خواهد بود.
- مدیر فنی مرکز بسیار صمیمی و راهگشاست.

فضای عمومی مرکز و تعداد مراکز آموزشی در استان و در شهر زاهدان

مرکز فنی- حرفه‌ای استان سیستان و بلوچستان در سطح استان دارای ۲۴ مرکز آموزشی و در شهر زاهدان دارای ۴ مرکز آموزشی اصلی است. این مراکز چهارگانه عبارتند از: مرکز شماره ۱، مرکز شماره ۲، مرکز IT و مرکز خواهران. تعداد رشته‌های ارائه شده در هر یک از این مراکز متفاوت بوده و به ترتیب شامل ۳۰، ۱۴، ۱۵ و ۱۲ مورد می‌شود.

برخی از رشته‌های ارائه شده در این مراکز آموزشی عبارتند از:

مرکز شماره ۱ برادران: اتومکانیک درجه ۱ و ۲، اتومکانیک ۱۸ ماهه، درودگری، جوشکاری در و پنجره، جوشکاری آرگون، لوله‌کشی آب گرم و سرد، تاسیسات، CNC، مکانیک برق خودرو سایپا

مرکز شماره ۲ برادران: برق ساختمان درجه ۱ و ۲، برق صنعتی، سیم‌پیچی الکتروموتور، مخابرات (عمومی)، فن‌ورز نصب شبکه کابل، الکترونیک، تعمیر تلویزیون، نقشه‌کشی ساختمان، تعمیر لوازم خانگی گردنده، تعمیر لوازم خانگی سردکننده، برق خودرو، لوله‌کشی گاز خانگی، کابینت سازی چوبی

مرکز خواهران: خیاطی و زیررشته‌های آن (لباس شب، لباس عروس، گل‌دوزی، نازک‌دوزی و...)، سفالگری، نقشه‌کشی ساختمان درجه ۲، عکاسی، مکرومه‌بافی، سفره‌آرایی عقد

مرکز IT: زیرمجموعه‌های رشته کامپیوتر

مستقل از این مراکز، امکانات آموزشی در زندان‌ها و پادگان‌ها نیز فراهم شده است؛ به گونه‌ای که ۵ رشته فنی- حرفه‌ای در زندان خواهران و ۷ رشته در زندان برادران و همچنین ۲ رشته در پادگان‌ها آموزش داده می‌شود.

در بخش خصوصی ۲۰۰ مرکز آموزش فنی- حرفه‌ای در سطح استان موجود است که از این بین هم اکنون ۱۵۷ واحد فعالند. در ۲ سال اخیر در حدود ۷۰ رشته از حوزه آموزشی مرکز فنی- حرفه‌ای خارج شده و به بخش خصوصی سپرده شده است.

نیروی انسانی مرکز

مجموعه نیروی تحت اختیار مرکز در استان سیستان و بلوچستان مشتمل بر ۵۰۰ نفر است که ۱۰۰ نفر از آنها در حوزه اداری و ۴۰۰ نفر در حوزه آموزشی مشغول به کارند. از این میان ۲۰۶ نفر تحت عنوان استاد مربی، سرمربی و کمک مربی در حوزه تدریس فعالیت می‌کنند که اغلب آن‌ها حق‌التدریسی بوده و ۹۰ درصد نیز بومی هستند.

از میان این ۲۰۶ کادر آموزشی ۳ درصد (۶ نفر) استاد مربی، ۱۵ درصد (۳۰ نفر) سرمربی و بقیه (۱۷۰ نفر) کمک مربی‌اند.

وضعیت مربیان و سطح بندی آن‌ها

در مجموع ۲۰۶ مربی در سه سطح استاد مربی، سر مربی و کمک مربی در سطح استان فعال هستند که رتبه‌بندی آنان بر اساس سطح تحصیلات، کیفیت آموزش و سابقه کار صورت می‌گیرد.

حداقل تحصیلات مربیان در مراکز آموزش فنی- حرفه‌ای استان دیپلم است و هم اکنون تعداد قابل توجهی از مربیان مرکز دارای مدرک فوق دیپلم و لیسانس هستند و تعداد اندکی از مربیان نیز فوق لیسانس دارند. در برنامه‌های جدید استخدامی و همچنین برنامه واگذاری رشته‌ها و کارگاه‌ها به بخش خصوصی به ویژه در سطح آموزش‌های پیشرفته سعی می‌شود سطح تحصیلات مربیان بالاتر از لیسانس باشد.

ملاحظه:

- مدیران مرکز زاهدان و نیز مدیران مرکز در تهران به ضعف نسبی مربیان اشاره می‌کنند.
- مرکز برای جذب مربیان بومی خارج از کادر خود مشکلی ندارد، تنها محدودیت پیش روی متقاضیان داشتن حداقل مدرک تحصیلی دیپلم است.

- مربیان هر ساله ملزم به گذراندن ۸۰ تا ۱۰۰ ساعت آموزش در کرج هستند. طرح می‌تواند بر ضرورت بازآموزی و ارتقای کیفیت مربیان تاکید ورزد.
- مربیان بومی به ویژه در محلات از ظرفیت‌هایی هستند که لازم است در طرح مورد توجه قرار گیرند زیرا مربیان بومی با ساکنان مناطق حاشیه نشین سهل‌تر و کاراتر رابطه برقرار می‌کنند.

ظرفیت‌های آموزشی و تعهدات سه سال اخیر

از مجموع ۲۰۰۰ رشته‌ای که از سوی سازمان فنی- حرفه‌ای به عنوان رشته‌های استاندارد شده معرفی شده‌اند، تعداد ۲۸۵ رشته در استان سیستان و بلوچستان تدریس می‌شود. تعهدات آموزشی این مرکز در سال ۸۶ معادل ۴۳۰۰۰ نفر- دوره بوده است که در سال ۸۷ با حدود ۲۳ درصد افزایش به سطح ۵۲۷۹۰ نفر- دوره رسید. با عنایت به تغییر واحد آموزش از نفر-دوره به نفر-ساعت، میزان تعهدات مرکز در سال جاری به ۶۲۰۰۰۰۰ نفر- ساعت رسیده است. محل اطلاع است که در سال گذشته (۸۷) بیش از ۱۰۰ درصد تعهدات مرکز انجام شده است.

امکانات فیزیکی و تجهیزات در راه

از ابتدای سال ۸۶ پروژه احداث مرکز آموزش فنی- حرفه‌ای خواهران و برادران در محله کریم آباد واقع در حاشیه شهر زاهدان با حمایت بانک جهانی و با هدف توانمندسازی قشر آسیب‌پذیر و ارتقای شاخص‌های آموزشی، فرهنگی و اجتماعی به ویژه در میان جوانان جویای کار آغاز شد. انتظار می‌رود این مرکز حداکثر تا دو ماه آینده به بهره‌برداری برسد. این مرکز ظرفیت پذیرش ۷۶۰ نفر مهارت آموز مرد در ۷ رشته (جوشکاری درب و پنجره، تعمیر لولزم خانگی، تعمیرکار برق خودرو، لوله کشی، اتومکانیک ماشین‌های سواری، رایانه و حسابداری) و ۱۱۰۰ نفر مهارت آموز زن در ۹ رشته (سوزن دوز بلوچ، رودوز سنتی، قالی‌بافی، گلیم بافی، خیاطی، گلسازی، گلدوزی، توپ دوزی و رایانه) را داراست.

ملاحظه:

- بنا به توصیه مهندس شعلی‌بر مسئول ستاد توانمندسازی و هماهنگ کننده محلی طرح، خانه پژوهش پس از شناسایی نیازهای آموزشی ذینفعان می‌تواند در سمت‌دهی رشته‌های آموزشی این مرکز نو احداث ایفای نقش کند.

رشته های اصلی مورد آموزش

در سال های اخیر مشتری مداری در کانون توجه مرکز آموزش فنی- حرفه ای استان سیستان و بلوچستان قرار گرفته و رشته ها بر اساس نیازسنجی هایی که در منطقه صورت می گیرد ارائه می شوند. این نیازسنجی ها در قالب بومی سنجی، مردم سنجی و محلی سنجی صورت می گیرد. بر اساس نیازسنجی های گذشته، نیازهای آموزشی مهارت آموزان شهر زاهدان لوله کشی گاز، ساخت و ساز، لوله کشی پکیج، برق ساختمان و صافکاری بوده اند.

هم اکنون اصلی ترین رشته ها برای آقایان اتومکانیک (صافکاری و برق خودرو)، جوشکاری، لوله کشی و تاسیسات و تعمیرات لوازم خانگی است و به تازگی رایانه و تعمیر موبایل نیز به رشته های مورد تقاضای مهارت آموزان افزوده شده است.

برای خانم ها نیز رشته های اصلی مورد تقاضا عبارتند از صنایع دستی، خیاطی، آرایشگری، که به تازگی رشته های عکاسی و فیلمبرداری، حسابداری و رایانه نیز به جمع رشته های مورد تقاضای بانوان اضافه شده است.

بدلیل تعدد بیشتر در زیررشته های بانوان، تعداد رشته های بانوان و تنوع آن ها در مقایسه با رشته های آموزشی آقایان بیشتر است.

اولویت های آموزشی مرکز از منظر گروه های هدف

اولویت بندی مرکز فنی- حرفه ای استان سیستان و بلوچستان بر مبنای هدف گذاری برنامه چهارم به ترتیب عبارتند از:

۱. شاغلینی که بر اساس درخواست بنگاه ها نیاز به ارتقای مهارت دارند

۲. فارغ التحصیلان و دانشجویان

۳. زنان

۴. کارجویان روستایی

۵. کارجویان شهری

طیف‌های هدف طرح مهارت آموزی یعنی زنان و جوانان محلات حاشیه نشین در اولویت های سوم و پنجم برنامه آموزشی مرکز قرار می‌گیرند.

ترکیب جنسی مهارت آموزان

در سطح استان سیستان و بلوچستان حدود ۴۰ درصد از متقاضیان آموزش های فنی- حرفه‌ای را زنان و حدود ۶۰ درصد از متقاضیان را مردان تشکیل می‌دهند. این نسبت در شهر زاهدان به ۳۵ درصد برای زنان و ۶۵ درصد برای مردان تغییر می‌یابد. در آموزشگاه‌های آزاد (بخش خصوصی) این نسبت ۵۰-۵۰ است.

سطح سواد مهارت آموزان

غالب مهارت‌آموزانی که در دوره‌های آموزشی مرکز شرکت می‌کنند، دیپلمه‌اند اما مهارت‌آموزانی تا سطح فوق لیسانس نیز در این مراکز ثبت نام می‌کنند. آموزش‌ها در دو سطح کلی آموزش‌های پیشرفته و عادی انجام می‌پذیرد؛ در سطح آموزش های پیشرفته می‌بایست سطح سواد افراد بالاتر از فوق دیپلم باشد اما در آموزش‌های عادی امکان شرکت افراد بی سواد و کم سواد نیز فراهم شده است. ارفاق خاصی در خصوص مهارت جویان بی سواد از سوی این مرکز اعمال نمی‌شود و مدرک اعطایی به آنها نیز همانند مدرک مهارت آموختگان باسواد، باارزش محسوب می‌شود. از جمله تسهیلاتی که مرکز برای این افراد قائل می‌شود تغییر نسبت سئوالات تئوری به سئوالات عملی است. امتحانات تئوری این دسته از افراد یا از طریق منشی و یا از طریق پرسش و پاسخ شفاهی انجام می‌پذیرد. از دیدگاه تجربی مدیران مرکز آموزش فنی- حرفه‌ای، کارآموزان به طور عمومی زیر دیپلم و بعضاً دیپلم با ضریب هوش پایین و نیز از طبقات محروم بوده و روحیه‌ای عملگرا دارند.

تمایلات و ترجیحات آموزشی مهارت آموزان

اغلب مردان مهارت‌آموز مایل هستند در رشته اتومکانیک، جوشکاری، تراشکاری و تعمیر لوازم خانگی آموزش ببینند. کارهای ساختمانی نیز در بازار کار از تقاضای خوبی برخوردار است اما به دلیل آب و هوای گرم این مناطق تمایل محدودی از سوی مهارت آموزان برای یادگیری مهارت‌های ساختمانی وجود دارد. در میان جوانان تمایلات جدیدی در خصوص یادگیری تعمیرات موبایل و تا حدودی رایانه ابراز می‌شود.

خیاطی، آرایشگری و صنایع دستی صاحب بیشترین تقاضا در بین زنان مهارت آموز اند. به تازگی رشته های عکاسی و فیلمبرداری و کار با رایانه نیز به جمع رشته های مذکور افزوده شده است. نکته جالب توجه حضور زنان در دوره هایی است که پیش از این تنها آقایان در آنها شرکت می کرده اند، از آن جمله اتومکانیک و درودگری. مدیران مرکز تقاضای آموزشی مراجعان را در سه سطح غریزی، نیاز بازار کار و گرایش به آموزش های جدید طبقه بندی می کنند.

میانگین مدت زمان دوره های آموزشی

آموزش رشته های فنی - حرفه ای در دو گروه نرم افزاری و سخت افزاری ارائه می شوند. حداقل زمان مورد نیاز برای آموزش در رشته های فنی - حرفه ای ۳۰۰ ساعت و حداکثر زمان مورد نیاز ۲۸۰۰ ساعت می باشد. میانگین زمان آموزش در مجموعه رشته های فنی - حرفه ای ۶۰۰ ساعت برآورد می شود. حداقل زمان آموزش برای رشته های نرم افزاری و سخت افزاری متفاوت بوده به گونه ای که برای رشته های نرم افزاری ۸۰ ساعت و برای رشته های سخت افزاری ۵۰۰ ساعت است. امکان تعدیل دوره در آموزش های سیار و آموزش هایی که در صنایع و صنوف ارائه می شود، در صورت تایید سازمان مرکز فنی - حرفه ای امکان پذیر است. در کارگاه های ثابت امکان تعدیل دوره وجود ندارد و مهارت آموزان برای کسب گواهینامه باید ساعت استاندارد دوره را بگذرانند.

آموزش های متمرکز و سیار

مرکز آموزش فنی - حرفه ای زاهدان مستقل از ارائه آموزش های متمرکز در مراکز ۱ و ۲، مرکز خواهران و مرکز IT، توان راه اندازی آموزش سیار را نیز داراست. آموزشگاه های سیار اغلب در زندان ها، پادگان ها، روستاها و در جوار کارخانه ها و کارگاه ها راه اندازی می شوند. در صورت وجود تقاضا ارائه آموزش های سیار امکان پذیر است. اگر سازمان ها، ارگان ها و شرکت ها تقاضای آموزش سیار ارائه دهند و سازمان فنی - حرفه ای هم امکان ارائه داشته باشد، دوره ها به صورت سیار برگزار می شود.

ملاحظه:

- در آموزش‌های سیار و در محلات هدف، تامین مکان آموزش با مجری (خانه پژوهش نواندیش) است. این مکان می‌تواند مسجد، حسینیه، محل تجمع و یا خانه محله‌ها باشد. در همین مورد می‌توان از مکان ارگان‌های دولتی نظیر بهزیستی و کمیته امداد بهره گرفت.

آزمون دوره‌ها و اعطای گواهینامه

آزمون در رشته‌های فنی - حرفه‌ای در دو بخش تئوری و عملی صورت می‌گیرد. مهارت‌آموزان ابتدا می‌بایست در آزمون تئوری شرکت کرده و پس از کسب موفقیت وارد مرحله آزمون عملی شوند. در حالتی که آموزش به عهده بخش خصوصی باشد، ممتحنان از سوی مرکز فنی - حرفه‌ای معرفی می‌شوند. در صورت قبولی ۸۰ درصد (قبلاً این نسبت ۵۰ درصد بود) از مهارت‌آموزان آموزشگاه‌های آزاد در آزمون، هزینه دوره آموزشی توسط مرکز به این آموزشگاه‌ها پرداخت خواهد شد. در صورتی که آمار قبولی بالاتر از ۹۰ درصد باشد تسهیلات و جوایزی به بخش خصوصی پرداخت خواهد شد. آزمون دوره‌های سیار همانند دوره‌های ثابت است. این آزمون‌ها هم در محل و هم در سازمان امکان برگزاری دارند.

نسبت دارندگان گواهینامه به کارآموزان

به طور متوسط حدود ۷۰ درصد افرادی که در آزمون شرکت می‌کنند موفق به دریافت گواهینامه می‌شوند. این نسبت در رشته‌های مختلف متفاوت است و گاهی قریب به ۱۰۰ درصد نیز می‌رسد. مهارت‌آموختگان در صورتی که در یک مرحله آزمون مردود شوند، می‌توانند در دو مرحله دیگر شرکت کنند و در صورتی که در هیچ‌یک از سه مرحله موفق نشوند باید تجدید دوره شوند. بخشی از ریزش مهارت‌آموزان در مرحله آزمون به این دلیل است که گروهی فقط متقاضی آموزش‌اند و به دنبال کسب گواهینامه نیستند و با همان سطح از آموزش برای خود کسب و کار راه می‌اندازند.

نسبت کارآموزان شاغل به دارندگان گواهینامه

یکی از دغدغه‌های اصلی در آموزش فنی - حرفه‌ای پیوستن مهارت‌آموختگان به بازار کار است. زیرا تنها در این صورت سرمایه‌گذاری‌های آموزشی می‌تواند ثمربخش واقع شود. خاصه آنکه اگر مهارت‌آموز در فاصله کوتاهی جذب بازار کار نشود به تدریج آموخته‌های خود را از یاد می‌برد.

میزان جذب مهارت آموختگان به بازار کار با رشته انتخابی و سطح مهارت آنان ارتباط دارد. به عنوان مثال در طرح های ۱۸ ماهه آموزشی حدود ۹۰ درصد مهارت آموختگان جذب بازار می شوند. بر اساس رشته ها نیز در رشته هایی چون درودگری و مخابرات به طور معمول تا ۹۰ درصد مهارت آموزان جذب بازار کار می شوند. این نسبت برای رشته تعمیرات لوازم خانگی ۷۵ درصد است. به طور متوسط ۶۸ درصد کارآموزان مهارت دیده گواهینامه دارند و ۵۰ درصد مهارت آموختگان در پایان دوره آموزشی جذب بازار کار می شوند.

به علت فراهم نبودن زمینه مساعد جذب در بازار کار تنها ۳۰ تا ۳۵ درصد مهارت آموختگان جذب مشاغل مرتبط با رشته شان می شوند.

راهبرد خصوصی سازی و واگذاری کارگاهها و عملکرد آن (۱۳۸۷-۱۳۸۸)

از سال ۱۳۸۷ سازمان فنی - حرفه ای در جهت اجرایی کردن اصل ۴۴ قانون اساسی و مواد ۳۱ و ۸۸ برنامه چهارم توسعه، سیاستهایی را به منظور تحقق خصوصی سازی در حوزه آموزش فنی - حرفه ای به کار بسته است.

راهبرد خصوصی سازی در مرکز آموزش فنی - حرفه ای زاهدان در دو سطح دنبال می شود: واگذاری رشته و واگذاری کارگاه. واگذاری رشته ها از بدو ابلاغ سیاستهای کلی اصل ۴۴ به این سازمان مورد توجه قرار گرفت و از سال گذشته نیز واگذاری مدیریت کارگاهها آغاز شده است. در این سطح از واگذاری دولت نقش حمایتی، هدایتی و نظارتی را بر عهده دارد. درواگذاری کارگاه، مرکز فنی - حرفه ای امکانات، تجهیزات و فضا را به متقاضیان واجد شرایط واگذار می کند و تامین مواد مصرفی و پرداخت دستمزد مربی به عهده بخش خصوصی است.

اولویت در واگذاری کارگاه ها با مربیان فعال در کارگاههای مرکز است. اولویت های بعدی واگذاری به ترتیب عبارتند از آموزشگاه های آزاد، شرکت ها و تعاونی های دارای مجوز آموزش و افراد حقیقی و حقوقی. واگذاری کارگاه برای یک دوره معین زمانی انجام می شود و در صورت رضایت مرکز از مدیریت و سطح آموزشی، مدت تمدید می شود.

در جهت تحقق برنامه های خصوصی سازی در سال ۱۳۸۷ تعداد ۳۸ رشته، ۳ مرکز و ۸۷ کارگاه به بخش خصوصی واگذار شد. لازم به ذکر است که از میان ۸۷ کارگاه واگذار شده ۸۶ مورد آن به مربیان مرکز واگذار شده است.

تنگناها و محدودیتها مرکز

مجموعه تنگناها و محدودیت‌های مرکز آموزش فنی- حرفه ای زاهدان را به ترتیب اهمیت در چهار سطح می توان فهرست کرد:

سطح مدیریتی

- احتمال تغییر مدیریت مرکز در چارچوب فعل وانفعالات ناشی از شروع کار دولت جدید
- تغییر در سیاست های مدیریتی جاری وهدف گذاری ها

سطح آموزشی

- پایین بودن نسبی سطح دانش مربیان مرکز
- اختلاف دستمزد مربیان مرکز با کارکنان مشابه در دیگر دستگاه ها بویژه مربیان در هنرستان های فنی-حرفه ای آموزش وپرورش

سطح مهارت آموزان

- اختلاف سطح دانش وسواد کارآموزان در یک کارگاه(راهنمایی،دیپلم،لیسانس)
- اختلاف سطح فرهنگی کارآموزان در یک کارگاه(شهرنشین،حاشیه نشین)
- ریزش کارآموزان ناشی از مراجعه بدون تحقیق وآینده نگری

سطح بازار کار

- عدم توانایی کافی بازار کار شهر زاهدان در جذب مهارت آموختگان فنی-حرفه ای

مرکز و طرح؛

نوع برخورد مدیریت مرکز با طرح:

سازمان فنی- حرفه ای به عنوان همکار اصلی طرح، رویکرد مثبتی به طرح داشته و تمایل به همکاری با طرح را ابراز کرده است.

مرکز در زمینه های مختلفی از جمله آموزش و مشاوره، مایل به همکاری با مجری است.

سیر اداری منجر به عقد تفاهم نامه با مرکز آموزش فنی – حرفه‌ای زاهدان:

در مرحله نخست بر اساس نیازسنجی‌های صورت گرفته از ذینفعان اصلی طرح توسط مجری، رشته‌های مورد نیاز آموزشی به مرکز ابلاغ می‌شود. در مرحله بعد مرکز متناسب با ظرفیت‌ها و توان آموزشی خود و آموزشگاه‌های خصوصی، حوزه دولتی و خصوصی آموزش و نیز مربیان مربوطه را تعیین خواهد کرد.

پس از طی این مرحله، مهارت آموزان به مرکز معرفی و روند آموزش آغاز می‌شود. این سیر با مرحله‌بندی‌های خاص خود در چارچوب تفاهم‌نامه‌ای میان مرکز با کارفرمای طرح (طرح عمران و بهسازی مسکن) شکل اجرایی به خود گرفته و قرارداد با محاسبه هزینه سرانه مهارت آموزان، توسط سازمان مرکزی آموزش فنی – حرفه‌ای تأمین مالی خواهد شد. برای استفاده از ظرفیت آموزشگاه‌های خصوصی می‌باید در مورد هزینه سرانه آموزشی توافق حاصل شده و پس از آن قرارداد با آموزشگاه‌های مورد نظر منعقد می‌شود.

استانداردسازی رشته‌های جدید:

پس از کشف و معرفی رشته‌های جدید آموزشی توسط مجری، مرکز آموزش فنی – حرفه‌ای زاهدان رشته‌های تازه کشف شده‌ای را که در حوزه آموزشی مرکز قرار ندارند برای استاندارد سازی آموزشی به سازمان مرکزی (تهران) ابلاغ می‌کند. در این چارچوب ابتدا نیازسنجی صورت می‌گیرد و سپس متقاضی استانداردسازی، رشته مورد نظر را معرفی کرده تا رشته مورد نظر تحت بررسی‌های کارشناسان مرکز قرار گیرد و در صورت تایید کارشناسان سازمان، رشته جدید به مرکز فنی – حرفه‌ای محل برای آموزش ابلاغ می‌شود تا به مدت یک سال به صورت آزمایشی آموزش داده شود. رشته استاندارد شده در صورت موفقیت آموزشی به یک رشته پایدار و ثبت شده تبدیل می‌شود. مدت زمان استانداردسازی از ۱۰ روز تا ۳۰ روز پیش بینی می‌شود.

- **ملاحظه:** آقای جهان تیغی از مدیران مرکز تهران در نشست با مجری و نمایندگان کارفرما (۱۰ تیر ۸۸) قول مساعد داده است که ظرف ۱۰ روز استانداردسازی صورت پذیرد.

پیش نیازها، ضرورت‌ها و اقدامات متناسب

به قصد عملی ساختن مأموریت اصلی طرح (آموزش مهارت به ذینفعان اصلی) سلسله اقداماتی چند می‌باید در سه سطح سامان یابد:

سطح اول؛ مجری:

- تنظیم و ارسال گزارش نهایی وضعیت مرکز آموزش فنی – حرفه ای زاهدان به کارفرما برای انجام اقدامات و تمهیدات مقتضی در سطح کارفرما
- شناسایی دقیق ظرفیت‌ها و استانداردهای آموزشگاه‌های خصوصی شاخص شهر زاهدان از طریق مصاحبه با مدیران و مشاهده کارگاه‌ها و روش آموزش آنان
- شناسایی دقیق ظرفیت‌های آموزشی دستگاه‌ها و نهادهای محلی (سازمان کار و امور اجتماعی، ترویج کشاورزی، کمیته امداد، صنایع دستی و...) برای بهره‌گیری از این ظرفیت‌ها در چارچوب اهداف طرح

سطح دوم؛ مجری – کارفرما:

- تعیین ترکیب جنسیتی ذینفعان اصلی
- تعیین پراکندگی جغرافیایی ذینفعان میان محلات هدف هشتگانه
- مشخص کردن معیار اصلی گزینش ذینفعان اصلی (فقرترین‌ها، آموزش نادیده‌ها و...)

سطح سوم؛ مجری، کارفرما و مرکز آموزش فنی – حرفه‌ای

مذاکره مجدد، جدی‌تر و مشخص‌تر با مدیران سازمان آموزش فنی – حرفه‌ای مرکزی با هدف:

- هم‌اندیشی در خصوص تخفیف و رفع مشکل توان آموزشی مربیان مرکز زاهدان
- تعیین یک رابط مشخص از میان مدیران مرکز زاهدان برای همکاری مستقیم با طرح
- هم‌اندیشی در مشخص کردن معیار اصلی گزینش ذینفعان اصلی
- طراحی اولیه چارچوب تفاهم نامه همکاری میان کارفرما – مرکز
- مشخص کردن دقیق چالش‌های طرح با هم‌اندیشی کارفرما و مدیران مرکز

۳. ارزیابی آموزشگاه‌های خصوصی فنی - حرفه‌ای شهر زاهدان

بازدید از آموزشگاه‌های خصوصی در سفر دوم توسط گروه پژوهش (۱۱-۱۶ مهرماه) به منظور ارزیابی از توان، ظرفیت، امکانات و محدودیت‌های آموزشگاه‌های خصوصی صورت گرفت. شناسایی ظرفیت‌های مرکز فنی - حرفه‌ای دولتی در سفر اول انجام شد. براساس اهداف طرح و به منظور استفاده حداکثری از امکانات شهر زاهدان، طرح در نظر دارد با توجه به توان و ظرفیت‌های فنی - حرفه‌ای دولتی (به عنوان همکار اصلی طرح) و توان آموزشگاه‌های خصوصی، ذینفعان اصلی طرح را در هر دو مجرا، تحت پوشش آموزشی قرار دهد. انتخاب اولیه از آموزشگاه‌های خصوصی براساس نظرات واحد آموزشگاه‌های آزاد مرکز فنی - حرفه‌ای استان صورت گرفت. براساس مفاد قرارداد طرح، سازمان فنی - حرفه‌ای دولتی همکار اصلی طرح در روند آموزش‌ها معرفی شده بود، اما در طول اجرای طرح و با رسیدن به سرفصل آموزش، فنی - حرفه‌ای اینگونه بیان نمود که تنها در برخی رشته‌ها آمادگی همکاری با طرح را داشته و به دلیل خصوصی سازی رشته‌هایی که بیشترین تقاضای افراد در آن‌ها بود مجری باید از آموزشگاه‌های خصوصی استفاده کند. به گونه‌ای که ۹۳ درصد آموزش‌ها توسط آموزشگاه‌های خصوصی صورت گرفت و آموزش‌هایی که در قرارداد رایگان مفروض بود، با هزینه آموزشگاه‌های خصوصی در اختیار ذینفعان قرار گرفت.

بر این اساس، ارزیابی آموزشگاه‌های خصوصی یکی از گام‌های کلیدی در طول بسترسازی آموزش بوده و معرفی طرح به آموزشگاه‌های خصوصی و توجیه آموزشگاه‌ها برای پذیرش و ثبت نام افراد ساکن محلات حاشیه نشین از کارهای اولیه در پیشبرد طرح بوده است. در ادامه نمونه‌ای از ارزیابی برخی آموزشگاه‌های همکار در طرح آمده است.

آموزشگاه صدف

مشخصات:

- سال تأسیس: ۱۳۷۲
- مدیر: خانم فریبا شه بخش (رئیس انجمن خیاطی و طراحی دوخت)

- رشته ها: طراحی دوخت، آرایش و پیرایش، صنایع دستی

امکانات:

- ۲۲۰ متر مساحت زیربنا (ملک شخصی)
- ۵ مربی طراحی دوخت، ۲ مربی صنایع دستی، ۲ مربی آرایش و پیرایش

محدودیت ها و تنگناها:

- تعداد زیاد آموزشگاه های خصوصی با کیفیت پایین در سطح شهر
- فقدان حمایت های مالی از طرف مرکز فنی - حرفه ای به منظور بهبود امکانات

امکان آموزش سیار:

- در صورت فراهم بودن مکان آموزش امکان اعزام مربی وجود دارد

پیشینه انعقاد قرارداد آموزشی:

- قرارداد یکساله با آموزش و پرورش در زمینه آموزش طراحی دوخت به دانش آموزان
- سه دوره همکاری با جهاد کشاورزی در زمینه آموزش زنان روستایی در منطقه همت آباد

شرایط انعقاد قرارداد:

- امکان پرداخت شهریه به صورت قسطی وجود دارد
- مهارت جوین بدون کارت هویت تنها می توانند در دوره ها شرکت کنند و امکان شرکت در آزمون را ندارند، مگر با توافق مرکز فنی - حرفه ای

ارزیابی:

- این آموزشگاه که برای همکاری با طرح ابراز تمایل و همکاری می کند، از جمله موسسات آموزشی فعال و با پیشینه طولانی و دارای توان آموزشی مطلوبی است.

آموزشگاه نسل برتر:

مشخصات:

- سال تأسیس: ۱۳۸۲
- مدیر: خانم نگین ریاحی
- رشته‌ها: فناوری اطلاعات، امور مالی، کشاورزی

امکانات:

- ۵ مربی IT، ۶ مربی کشاورزی، ۱ مربی عمران، ۳ مربی حسابداری در این مرکز مشغول فعالیت هستند
- ۴ شعبه روستایی در روستاهای چشمه زیارت، خاش، زهک، لاویز دارند

امکان آموزش سیار:

- در صورت وجود امکانات برای آموزش سیار، مربی در اختیار طرح قرار می‌دهند

نکات:

- اولویت آموزشی آموزشگاه در روستا و بخش کشاورزی است

ارزیابی:

- این مؤسسه ضمن برخورد مثبت با طرح تمایل زیادی برای همکاری از خود نشان می‌دهد. به دلیل سابقه آموزش روستایی و همچنین داشتن ظرفیت داوطلبانه برای کمک به مناطق محروم می‌توان از این آموزشگاه در زمینه اطلاع رسانی و آموزش استفاده کرد

آموزشگاه امین:

مشخصات:

- سال تأسیس: ۱۳۸۱
- مدیر: آقای علی ریگی
- رشته‌ها: عمران، اتومکانیک، لوازم خانگی، برق کشی

امکانات:

- تعداد مربیان براساس تعداد مهارت آموزان متغیر است

محدودیت‌ها و تنگناها:

- محدودیت‌های مالی و نبود حمایت مالی برای بازسازی و جایگزینی امکانات

امکان آموزش سیار:

- در صورت فراهم بودن مکان آموزش، امکان آموزش سیار دارند و تجهیزات سبک را نیز می‌توانند برای آموزش در اختیار طرح بگذارند ولی در مورد تجهیزات سنگین، باید در مکان فراهم شود.

پیشینه انعقاد قرارداد آموزشی:

- سابقه انعقاد قرارداد با آموزش و پرورش و فنی - حرفه‌ای

ارزیابی:

- به‌رغم آنکه نوع مواجهه مؤسسه با طرح مثبت بود، اما تجهیزات موجود آن فرسوده است، گرچه تجهیزات آن در حال بازسازی است. به نظر می‌رسد در صورت بازسازی تجهیزات بتوان از این مرکز در زمینه آموزش استفاده کرد.

و در پایان ...

❖ در مجموع براساس مشاهدات صورت گرفته این گونه بیان شد که:

- ✓ در صورتی که امنیت در محلات فراهم باشد، ظرفیت آموزش سیار در محلات، در آموزشگاه‌های خصوصی وجود دارد. این مؤسسات تنها مربی را در اختیار طرح قرار می‌دهند و سایر امکانات باید از طرف مجری تأمین شود.
- ✓ تمایلات بانوان در سطح شهر بیشتر در زمینه رشته‌های بلوچی دوزی، طراحی دوخت، آرایش و پیرایش است.
- ✓ تعداد زیاد آموزشگاه‌های خصوصی با کیفیت پایین از معضلات اظهار شده از سوی تمامی آموزشگاه‌های مورد بازدید بود.
- ✓ در صورت هماهنگی سازمان فنی- حرفه‌ای استان، آموزشگاه‌ها برای جذب افراد بدون کارت شناسایی مشکلی ندارند.
- ✓ محل توجه است که تعدادی از آموزشگاه‌های خصوصی، دیدگاه مثبتی به اهالی محلات هدف نداشته و آمادگی روحی- روانی حضور در روند آموزشی اینگونه از مهارت آموزان فاقدند. (به عنوان نمونه آموزشگاه آزاد پیشگامان)
- ✓ هیچکدام از این آموزشگاه‌ها، پیشینه همکاری با طرح‌های توانمندسازی قبلی را ندارند.
- ✓ نکته قابل تاکید در مورد آموزش‌ها و انتقال مهارت جویان به آموزشگاه‌های آزاد واقع در شهر این است که مجری با قرار دادن سرویس برای همه مهارت جویان در همه رشته‌ها زمینه حضور در آموزشگاه‌های واقع در شهر را فراهم کرد.

فصل هشتم؛

**شناخت تقاضای بازار و مهارت های
مورد نیاز**

پیشامتن

تحلیل تقاضای بازار کار شهر زاهدان یکی از سرفصل‌های اصلی در ارزیابی فرصت‌ها و تهدیدهای پیش‌روی طرح "توسعه مهارت‌های پایه در سکونتگاه‌های غیررسمی شهر زاهدان" به شمار می‌آید. تخصیص اولویت به مهارت‌هایی که بتوانند حتی‌المقدور در کوتاه‌مدت و پس از تجهیز مهارتی، فرد را به بازار کار پیوند دهد، نیازمند بررسی سهم فعالیت‌های اقتصادی و تعیین گروه‌های شغلی قائم بر اقتصاد منطقه هدف است. علاوه بر این، توجه به ظرفیت‌های نیروی کار در قالب شاخص‌هایی که در سمت عرضه بازار کار مطرح‌اند نیز از اهمیت برخوردار است. بنابراین ارزیابی تقاضای بازار کار با تاکید بر ملاحظات بر آمده از عرضه نیروی کار، ستون‌های اصلی گزارش تحلیلی تقاضای بازار محسوب می‌شوند؛ گزارشی که به دنبال تخمین معادلات عرضه و تقاضا در بازار کار به شیوه کلاسیک نیست بلکه تلاش می‌کند چشم‌انداز کاربردی از ظرفیت‌ها و کمبودهای بازار کار را پیش‌روی بگذارد. نوشتار حاضر از ۶ بخش اصلی تشکیل می‌شود: نخست پیشامتنی که مشرف بر کل نوشتار است؛ پیشامتنی که هدف، جایگاه و مسیر تحلیلی گزارش را مشخص و الگوی مطالعه بازار کار را ارائه می‌کند. سپس چهار سرفصل که متن اصلی را تشکیل می‌دهند طرح خواهند شد. این چهار، اگرچه از یک بستر تغذیه می‌شوند، اما هم به اعتبار روش و هم به اعتبار پایگاه اطلاعاتی مستقل از یکدیگرند:

- تحلیل آمارهای رسمی بازار کار،
- تجمیع دانش مطلعان و دست‌اندرکاران بازار کار،
- ارزیابی داده‌های مراکز کاریابی در قالب نمونه‌گیری و
- واکاوی بازارهای محلی

سرفصل‌ها پس از توضیح روش تحقیق و منابع اطلاعاتی، ذیل چهار عنوان مورد مذاقه قرار می‌گیرند:

۱. اهمیت مبحث

۲. کارکرد تحلیلی

۳. نتایج

۴. نکته‌ویژه‌ها

در بخش آخر نیز با عنوان جمع‌بندی و نتیجه‌گیری نهایی عصاره گزارش عرضه می‌شود و ضرورت

آموزش،

مهارت،

اشتغال و

الحاق

مورد تاکید ویژه قرار می‌گیرد.

الگوی مطالعاتی بازار کار

پدیده‌های اجتماعی و انسانی از آن جهت که از پیچیدگی خاص خود برخوردارند، نمی‌توانند تنها معلول یک یا چند علت محدود باشند. از سویی طرح این ادعا که کلیه عوامل تاثیرگذار بر یک پدیده اجتماعی مشخص را می‌توان با ابزارهای رایج و شاخص‌های مورد پذیرش در یکی از شاخه‌های علوم اجتماعی تبیین کرد، مورد قبول نخواهد بود.

جلوگیری از خطای کاهش‌گرایی⁵⁹ در علوم اجتماعی، ما را بر آن می‌دارد تا به طور اجمالی اشاره‌ای به سایر عوامل تاثیرگذار داشته باشیم. اگرچه ممکن است بررسی متغیرهای اقتصادی به عنوان متغیرهای تشخیصی⁶⁰ مد نظر قرار گیرد اما عرصه تاثیرپذیری پدیده‌های اجتماعی را نمی‌توان تنها در یک شاخه علوم اجتماعی جستجو کرد. برای نیل به این هدف در بررسی بازار کار که مأموریت اصلی این گزارش به شمار می‌آید، توجه داریم که روابط حاکم بر این بازار متأثر از متغیرها و علل مختلفی است که لزوماً ماهیت یکسانی نداشته و با شاخه‌های مختلف علوم اجتماعی هم‌پیوند هستند. بنابراین در فرآیند ایجاد فرصت‌های شغلی باید به این موضوع پراهمیت توجه داشت که تمامی انواع و سطوح مبادلات اقتصادی که باعث ایجاد فرصت شغلی می‌شوند، اگر چه در مدار اقتصادی جامعه قرار دارند ولی به واقع محاط در محیطی هستند که می‌توان از آن به عنوان سپهر زیستی یاد کرد. سطح و نوع فعالیت‌های اقتصادی در تمام بازارها بویژه بازار کار، در فضای عمومی یا سپهر زیستی - که دارای عناصر و مؤلفه‌های بسیاری است - شکل می‌گیرند و از آن تأثیر می‌پذیرند. در حالت کاملاً انتزاعی می‌توان سپهر زیستی را به زیرمجموعه‌هایی، مانند سپهر دانایی، سپهر سیاسی، سپهر حقوقی و سپهر اقتصادی تقسیم کرد. سپهرهای مذکور نیز هریک دارای عناصر و مؤلفه‌های خاص خود هستند:

سپهر دانایی را سطح عمومی سواد و تخصص و آگاهی اجتماعی، سطح اطلاعات، دانش، ارتباطات، تنوع و کارکرد رسانه‌ها، تجربیات و ارزشها و چگونگی بهره‌مندی جامعه از آنها، همچنین نهادها و فرایندهای آموزشی، جایگاه اندیشه و تفکر در نزد مردم، توجه به علم و پذیرش علم در استفاده و حل مسائل عمومی جامعه در گذار به مراحل بالاتر توسعه، می‌توان قلمداد کرد. عناصر و مؤلفه‌های موجود در این سپهر در واقع سطح توانمندی‌های علمی جامعه و درک شعور اجتماعی را مشخص می‌سازند.

سپهر سیاسی جامعه را میزان تمایل و خرد لازم برای همکاری بین خانوارها، بنگاه‌ها و دولت از یک سو و در تعامل با دنیای خارج از سوی دیگر و همچنین رعایت قواعد بازی در عرصه اجتماع توسط قوای سه‌گانه کشور، احزاب سیاسی، تشکلهای صنفی، نهادهای علمی و تخصصی، تشکلهای غیردولتی، مطبوعات، رسانه‌ها و... می‌توان تعریف کرد. عناصر و مؤلفه‌های موجود در این سپهر، تعیین کننده سطح امید به آینده و شکل‌گیری صحیح انتظارات و تصمیم‌گیری‌های منطقه‌ای عاملان اقتصادی است.

⁵⁹ Reductionism

⁶⁰ Diagnostic variables

سپهر حقوقی جامعه را مجموعه قوانین و مقررات موجود، پویایی، کارآمدی و پایداری نسبی آنان، حسن نظارت بر اجرای قوانین توسط مردم، نهادها و حکومت و همچنین میزان پایداری افراد، نهادها و حکومت به قوانین و مقررات می‌توان تعریف کرد. این سپهر تعیین و تثبیت کننده حقوق و امنیت عاملان اقتصادی و اجتماعی است.

سپهر اقتصادی جامعه شامل سطح موجودی سرمایه‌های مالی، انسانی، طبیعی و فیزیکی از یک سو و سطح تکنولوژی و نحوه به کارگیری و تلفیق عوامل تولید، میزان تکامل نهادها و بازارها، رقابت‌پذیری، فرهنگ بهره‌وری، نگرش جامعه به کار و تلاش‌های انسانی و ریسک‌پذیری در بین عاملان اقتصادی، از سوی دیگر است. همچنین وجود کارفرمایان، کارآفرینان، مدیران، مشاوران، نظریه‌پردازان و نوآوران در محیط‌های کسب و کار، تعیین کننده سطح چرخه فعالیت‌های اقتصادی در این سپهر است.

بنابراین، شکل‌گیری فرصت‌های شغلی در سمت عرضه و در سمت تقاضا به عوامل بی‌شماری بستگی دارد که هرگاه این عوامل دچار تغییر یا تحولی شوند، بی‌درنگ در بازار کار تأثیر می‌گذارند. لذا از دیدگاه مسأله‌شناسی می‌توان گفت که «تقاضای نیروی کار» به مثابه پدیده‌ای اقتصادی، اجتماعی و سیاسی در ارتباط با عوامل متعددی است که بر سطح تولیدات و سپهر زیستی جامعه اثر می‌گذارند.

به دنبال تحولات سپهر زیستی جامعه یا فضای عمومی یک کشور، تولیدات جامعه دستخوش دگرگونی‌های بسیاری می‌شوند. تغییرات ایجاد شده در سطح تولیدات، منجر به ایجاد تغییراتی در بازار اشتغال شده و پیوندی تنگاتنگ با این بازار برقرار می‌کند. چرا که تولیدات صورت گرفته در یک جامعه، حاصل کنش‌های عاملان اقتصادی در چرخه اقتصادی است.

بطور کلی چرخه اقتصادی یک جامعه متشکل از **عاملان اقتصادی و بازارهای اقتصادی** است. منظور از عاملان اقتصادی:

- ۱- خانوارها (به عنوان عرضه کننده عوامل تولید و تقاضاکننده کالا و خدمات)
- ۲- بنگاه‌ها (به عنوان عرضه کننده کالا و خدمات و تقاضاکننده عوامل تولید)
- ۳- دولت (به عنوان عرضه کننده کالاهای عمومی)

و در نهایت

- ۴- بخش خارجی

است.

بازارهای اقتصادی نیز خود مشتمل بر بازارهای دیگری نظیر بازار کالا و خدمات، بازار کار، بازار پول و بازار سرمایه است.

کارشناسان برای باورند که عرضه و تقاضای نیروی کار (بازار کار) پدیده‌هایی چند بُعدی هستند که همواره متأثر از عوامل گوناگونی اند و هنگام تحلیل آن‌ها باید به همه عوامل موثر بر چرخه اقتصادی، وقوف و اشراف داشت.

از آنجا که بازار کار و میزان تولید یک جامعه، ارتباطی دوسویه با یکدیگر دارند، شناسایی عوامل مؤثر بر آنها از اهمیت شایانی برخوردار است. این عوامل را می توان در دو دسته **عوامل فنی** و **عوامل محیطی** به شرح زیر خلاصه کرد:

✓ عوامل فنی: به طور مشخص، مربوط به روش تلفیق یا ترکیب منابع تولید برای نیل به سطح معینی از تولید می باشند و بدیهی است که میزان موجودی عوامل و قیمت آنها (دستمزد، نرخ بهره، نرخ ارز، قیمت انرژی و ...) بر انتخاب روش تولید مؤثرند.

✓ عوامل یا شرایط محیطی: بر سطح تولید جامعه نیز اثر گذارند و نقشی تعیین کننده دارند. این شرایط را به طور خلاصه می توان به صورت عوامل سیاستی، فضای اجتماعی و سیاسی، ویژگی های فرهنگی، اعتماد متقابل عاملان اقتصادی و ترتیبات نهادی، طبقه بندی کرد.

حال از آنجا که شناسایی تقاضای بازار محلی در شناسایی و انتخاب نوع خدمات آموزشی ارائه شده به مهارت آموزان، از اهمیت بسزایی برخوردار است، **بازار کار** بطور مشخص مورد بررسی قرار می گیرد.

بازارهای اقتصادی خود مشتمل است بر بازار کالا و خدمات، بازار پول، بازار سرمایه و **بازار کار**. بازار کار نیز متشکل از دو عنصر **عرضه و تقاضای نیروی کار** است. از آنجا که این دو، عناصر اصلی تشکیل دهنده بازار کار هستند، تحلیل این بازار نیز بر پایه همین عناصر صورت می گیرد. بنابراین، شناخت ویژگی های عناصر یاد شده، گام موثری است در تحلیل هر چه بهتر بازار کار.

در راستای دستیابی به ویژگی های **عرضه** نیروی کار می باید داده هایی چون:

- جمعیت ، جمعیت در سنین فعالیت، جمعیت فعال بر حسب جنس، گروه سنی، سطح تحصیلات و ... همچنین نرخ مشارکت زنان و مردان در بازار کار

و

- تعداد خانوارها و ویژگی های آنان

را در نظر گرفت.

و در سمت **تقاضا** نیز توجه به

✓ تعداد کارگاه ها و واحدهای بهره برداری کشاورزی

✓ میزان تولید ناخالص و سرمایه گذاری

✓ گروه های فعالیت (کشاورزی ، معدن ، صنعت و ...)

✓ گروه های شغلی (متخصصان، مدیران، قانونگذاران، کارکنان ماهر...)

✓ وضع شغلی (شاغل در بخش خصوصی یا عمومی)

ضروری است.

گزارش نهایی طرح

توسعه مهارت‌های پایه در سکونتگاه‌های غیررسمی شهر زاهدان

مدار اول: تحلیل آمارهای رسمی بازار کار

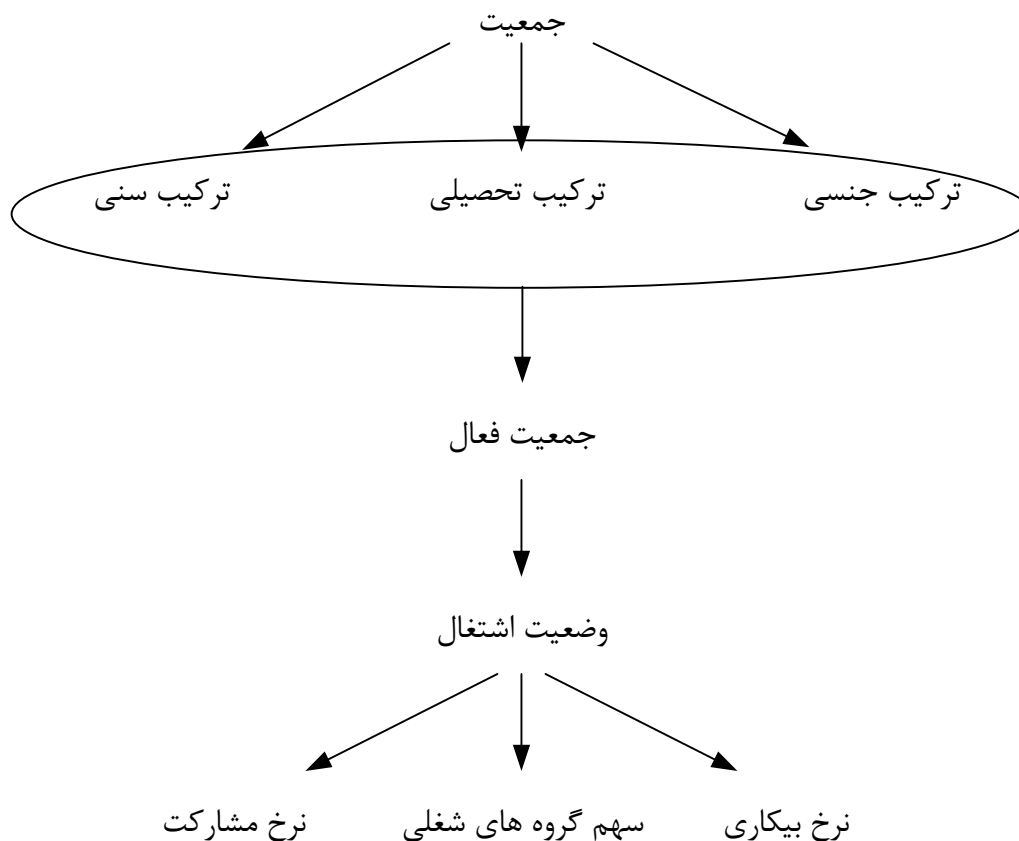
در گزارش "محیط شناسی؛ مروری بر مدار استان سیستان و بلوچستان و شهر زاهدان" در سه سطح استان، شهرستان و شهر شاخص‌های کلان اقتصادی مورد بررسی قرار گرفته است. در این جا با تمرکز بر شاخص‌های بازار کار در دو سطح شهر و محلات، فضای حاکم بر بازار کار محیط بر جامعه هدف مورد بررسی قرار می‌گیرد:

مختصات بازار کار شهر زاهدان

در این بخش سعی می‌شود با بررسی شاخص‌های زیر مختصات بازار کار شهر زاهدان تبیین شود:

۱. جمعیت به تفکیک زن و مرد
۲. جمعیت به تفکیک وضعیت سواد
۳. ترکیب سنی جمعیت
۴. جمعیت فعال
۵. وضعیت اشتغال
۶. نرخ مشارکت
۷. نرخ بیکاری
۸. سهم گروه‌های شغلی

در نمودار صفحه بعد شاخص‌های فوق‌الذکر در الگویی مطابق جای داده شده‌اند تا ارتباط منطقی و سطح محاسباتی آن‌ها آشکار شوند. در ادامه بر اساس همین نمودار مختصات بازار کار شهر زاهدان استخراج خواهد شد.



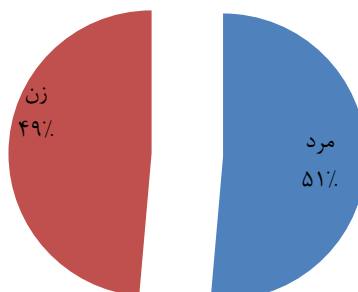
۱. ویژگی‌های عام جمعیتی شهر زاهدان: ترکیب جنسی، سنی و تحصیلی

۹۸ درصد ساکنان شهرستان زاهدان و ۲۳ درصد ساکنان استان سیستان و بلوچستان، جمعیت ۵۶۷۴۴۹ نفری زاهدان را تشکیل می‌دهند. از سه شاخص کلیدی برای بررسی رونمای جمعیتی شهر می‌توان استفاده کرد. این سه شاخص عبارتند از ترکیب جنسی، ترکیب سنی و ترکیب تحصیلی.

۱.۱. ترکیب جنسی:

جمعیت ۵۶۷۴۴۹ نفری شهر زاهدان از ۲۹۱۵۷۵ نفر مرد (۵۱ درصد) و ۲۷۵۸۷۴ نفر زن (۴۹ درصد) تشکیل شده است که نشان از ترکیب جنسی متعادل جمعیت در این شهر دارد. نمودار زیر ترکیب جنسیتی جمعیت این شهر را به تصویر می‌کشد:

ترکیب جنسی جمعیت در شهر زاهدان



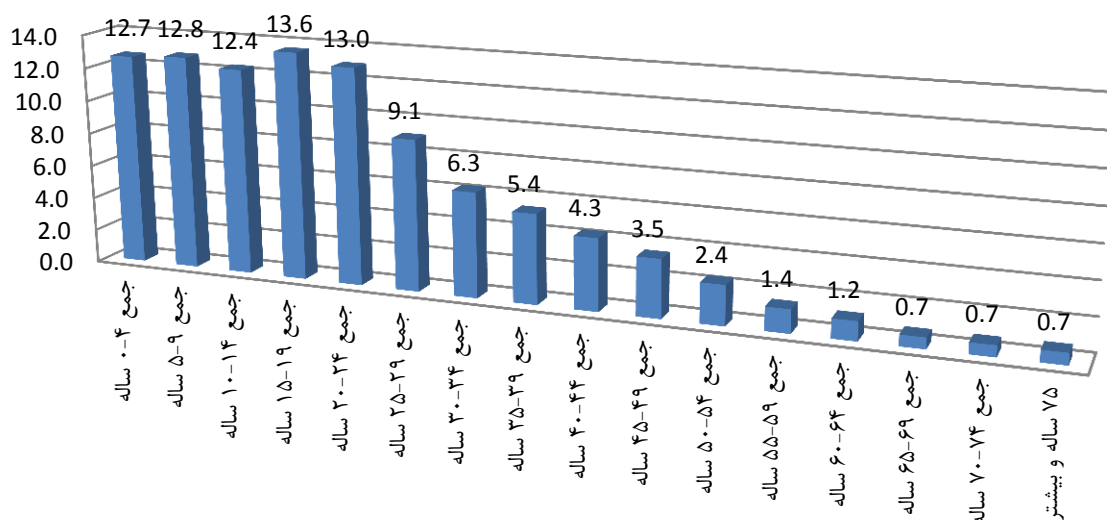
۱.۲. ترکیب سنی:

جمعیت شهر زاهدان ماهیت مرکب دارد که برآمده از ویژگی مهاجرت‌پذیری این شهر از سایر استان‌ها و از خارج از کشور است. نیاز تخصصی این شهر به عنوان مرکز استان سیستان و بلوچستان عامل اصلی مهاجرت در سطح داخلی به شمار می‌آید. در عرصه خارجی نیز دافعه کشورهای همجوار به ویژه پاکستان و افغانستان و جاذبه نسبی سیستان و بلوچستان منجر به مهاجرت اتباع خارجی به این شهر شده است.

بنابراین در حوزه ترکیب سنی که در سمت عرضه بازار کار از اهمیت برخوردار است باید دو الگو مورد توجه قرار گیرد: نخست- ترکیب سنی جمعیت شهر زاهدان و دوم- ترکیب سنی جمعیت رقیب در شهر زاهدان. منظور از جمعیت رقیب، اتباع خارجی هستند که الگوی جمعیتی آن‌ها بر بازار کار زاهدان سایه می‌افکند و به دلیل برخی ملاحظات مانند هزینه‌های بیمه و حداقل دستمزد، گاه نیروی کار ارجح به شمار می‌آیند.

همانطور که در نمودار مشاهده می‌کنید بیشترین فراوانی در رده سنی ۱۵-۱۹ سال جای گرفته است. از آنجا که این داده‌ها متعلق به سرشماری سال ۱۳۸۵ است هم اکنون بخشی یا کل این فراوانی جمعیتی به رده سنی بعدی انتقال یافته یا در حال انتقال است. بنابراین هم اکنون بخش اعظم عرضه نیروی کار را جوانان جویای کار یا در ابتدای مجاری بازار کار تشکیل می‌دهند.

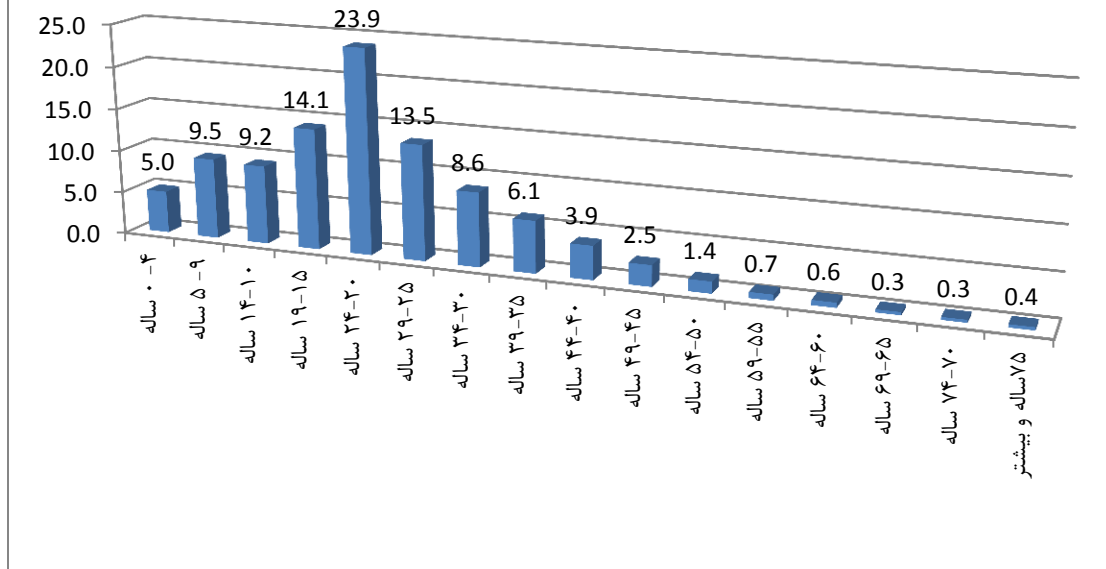
ترکیب سنی جمعیت (درصد از کل)



از این جهت می‌توان نتیجه گرفت که نقطه اوج هرم جمعیتی در شهر زاهدان بین سنین ۱۵ تا ۲۴ سال قرار دارد. این رده سنی را می‌توان مفصل نیروی کار فعال با بازار کار دانست. این واقعیت از دو سو قابلیت پردازش دارد. نخست سمت تقاضای بازار کار باید به گونه‌ای باشد که بتواند فرصت‌های شغلی پایایی برای این افراد فراهم کند که این امر بستگی به تقسیم کار استانی و نقش شهر زاهدان در تولید ملی دارد. از سوی دیگر و در سمت عرضه توان نیروی کار به عنوان دارایی قابل مبادله در بازار کار از اهمیت برخوردار است. میزان تولید نهایی نیروی کار به عنوان توجیه اقتصادی سطح دستمزد بستگی مستقیمی با سطح توانایی افراد دارد. به هر شکل، فراوانی نیروی کار جوان در مجرای ورودی بازار کار هم می‌تواند به عنوان فرصتی برای بازار کار به شمار آید و در عین حال می‌تواند در قالب ارتش بیکاران منجر به بروز ناهنجاری‌های اقتصادی اجتماعی شود.

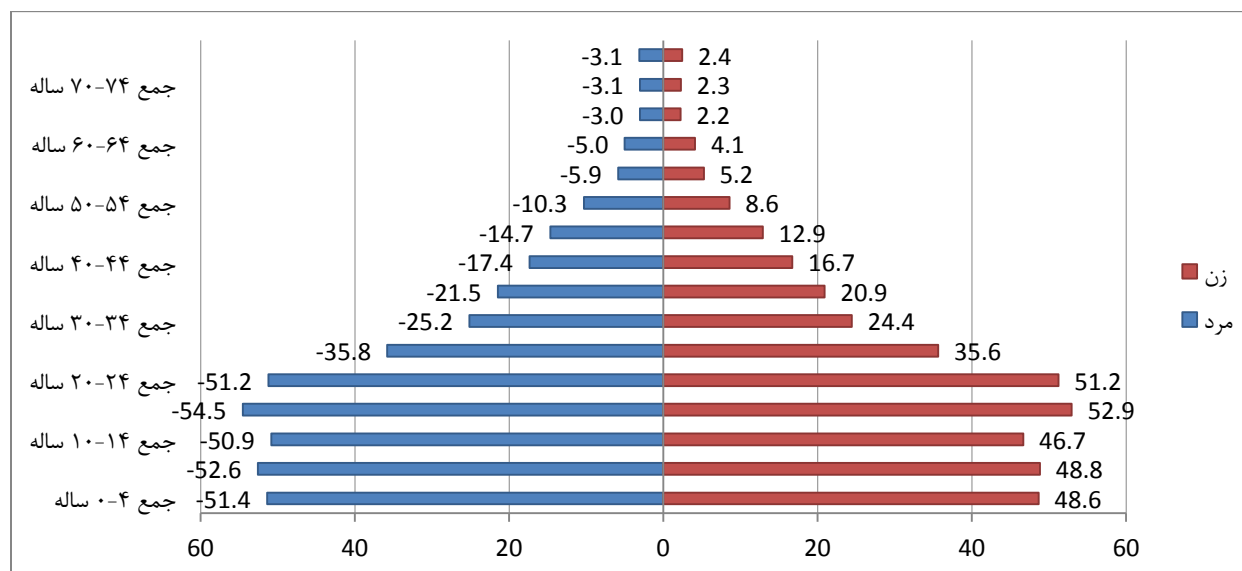
یکی از تهدیدهایی که در کوتاه مدت وجه گریزناپذیر بازار کار شهر زاهدان است الگوی سنی جمعیت رقیب، متشکل از اتباع خارجی می‌باشد. ترکیب سنی جمعیت ۷۷۹۴۷ نفری رقیب که ۱۴ درصد کل جمعیت شهر زاهدان را تشکیل می‌دهند در نمودار نشان داده شده است.

ترکیب سنی جمعیت رقیب در بازار کار (درصد از کل)



در میان جمعیت رقیب نیز ترکیب سنی به گونه‌ای است که بیشترین فراوانی در سال ۱۳۸۵ در فاصله سنی ۲۰-۲۴ واقع شده است. اگرچه این جمعیت هم اکنون در رده سنی ۲۵-۲۹ سال قرار گرفته‌اند اما جوانی نیروی کار مهاجر حکایت از همپوشانی سنی آن‌ها و نیروی کار بومی دارد. بنابراین نیروی کار مهاجر فارغ از الگوی مهارتی که دارد به عنوان عامل ازدیاد عرضه نیروی کار در این شهر عمل می‌کند.

از دو شاخص فوق‌الذکر می‌توان به هرم زیر دست یافت که نمایانگر ترکیب سنی-جنسی جمعیت شهر زاهدان است.

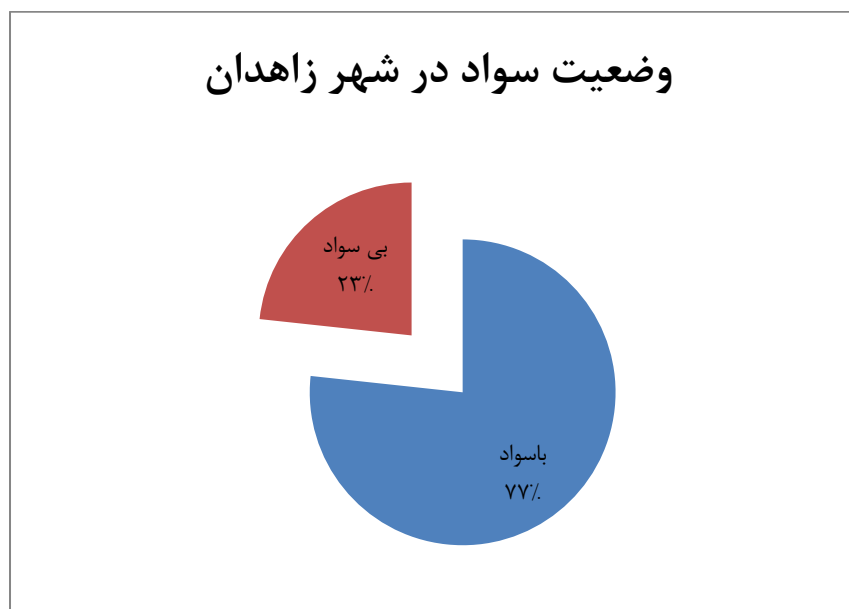


در نمودار فوق نسبت زنان و مردان به کل جمعیت در هر رده سنی نشان داده شده است. همانطور که مشاهده می‌شود این هرم در سنین ۱۵ تا ۲۴ سال به صورت متورم است که نشان از تراکم هر دو جنس در دو رده سنی ۱۵-۱۹ و ۱۹-۲۴ سال دارد.

۱.۳. وضعیت تحصیلی

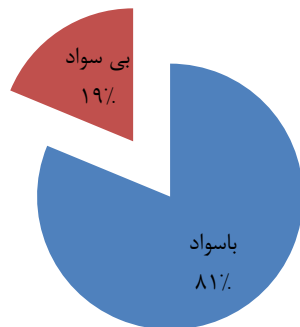
ذیل این عنوان به ساده‌ترین طبقه‌بندی رایج برای سنجش سپهر دانش یک جامعه در قالب نسبت باسوادان و بی‌سوادان به کل جمعیت بسنده شده و در بخش‌های بعد با توجه به نمونه‌گیری صورت گرفته از مراکز کارمایی، اطلاعاتی در خصوص سطوح تحصیلی شهروندان در زاهدان ارائه خواهد شد. به هر حال داده‌های جزئی در خصوص سطوح تحصیلی در سطح شهر زاهدان در میان آمارهای مرکز آمار ایران موجود نیست.

نمودار زیر نشان می‌دهد که ۷۷ درصد ساکنان شهر زاهدان باسواد و ۲۳ درصد آن‌ها بی‌سواد هستند. فارغ از سطح کیفی آموزش در این منطقه نسبت قابل قبولی از افراد باسواد هستند و این امر می‌تواند تا حدی زیرساخت توسعه مهارت‌های مورد نیاز بازار کار باشد. با این وجود، مشاهدات نشان از کیفیت پایین سواد در این منطقه دارد و آمارهای رسمی نیز نشان می‌دهد که حدود یک سوم از جمعیت بی‌سواد هستند.

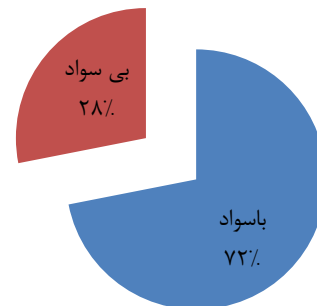


این نسبت در میان زنان و مردان متفاوت است. دو نمودار زیر این تفاوت را به تصویر می‌کشند:

وضعیت سواد در شهر زاهدان
(مردان)



وضعیت سواد در شهر زاهدان
(زنان)



همانطور که مشاهده می‌کنید نسبت باسوادان به بی‌سوادان در میان مردان ۸۱ درصد به ۱۹ درصد می‌باشد و این نسبت در میان زنان تضعیف شده و ۷۲ درصد به ۲۸ درصد است. اگرچه اختلاف معنی‌دار نیست اما تعداد مردان باسواد بیش از زنان باسواد است.

۲. جمعیت فعال

بر اساس تعریف مرکز آمار ایران تمام افراد در سن کار (حداقل سن تعیین شده) که در هفته تقویمی قبل از هفته آمارگیری طبق تعریف کار، در تولید کالا و خدمات مشارکت داشته (شاغل) و یا از قابلیت مشارکت برخوردار بوده‌اند (بیکار) جمعیت فعال محسوب می‌شوند. آنچه از تعریف بر می‌آید مفهوم جمعیت فعال چیزی بیش از شاغلین و ویژگی توانایی ورود به بازار کار و قراردادن در سن کار عناصر تعیین‌کننده هستند. به بیان دیگر جمعیت فعال ظرفیت بالقوه اقتصاد در تامین نهاده نیروی کار را نشان می‌دهد این نیروی کار در عرصه فعل، ممکن است بیکار یا شاغل باشند. جمعیت فعال شهر زاهدان ۲۷۹۸۳ نفر معادل ۳۵ درصد کل جمعیت در سن فعالیت شهر زاهدان است که ۸۴ درصد از این جمعیت شاغل و ۱۶ درصد بیکار هستند. لازم به ذکر است که ۸۵ درصد کل جمعیت فعال را مردان و تنها ۱۵ درصد از این جمعیت را زنان تشکیل می‌دهند.

۳. وضعیت اشتغال: نرخ مشارکت، نرخ بیکاری و سهم اشتغال گروه‌های شغلی

بررسی وضعیت اشتغال در بازار کار با توجه به محدودیت آمارهای رسمی شهر زاهدان با استفاده از سه شاخص

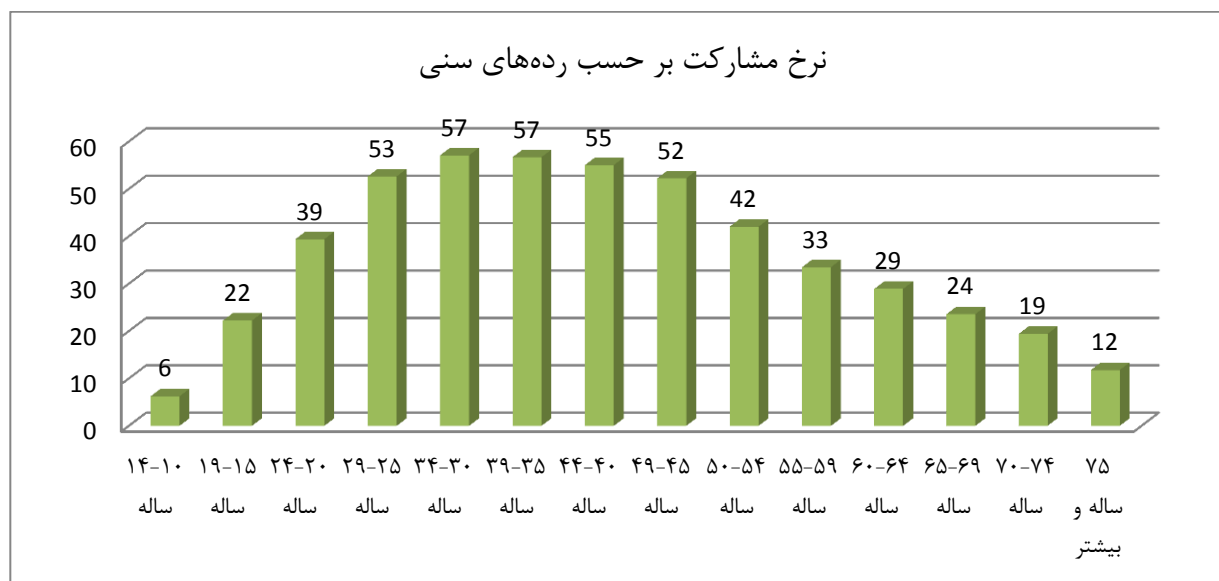
- نرخ مشارکت
- نرخ بیکاری
- سهم اشتغال گروه‌های مختلف شغلی

صورت می‌پذیرد.

۳.۱. نرخ مشارکت

منظور از نرخ مشارکت نسبت جمعیت فعال به کل جمعیت در سن کار (۱۰ سال به بالا) می‌باشد. این نرخ برای شهر زاهدان ۳۵ درصد است. نرخ مشارکت جنسیتی در شهر زاهدان حکایت از اختلاف معنی داری میان زنان و مردان دارد. نرخ مشارکت در شهر زاهدان برای مردان ۶۰ درصد و برای زنان ۱۱ درصد است که نشان از بازار کار مردانه این شهر دارد.

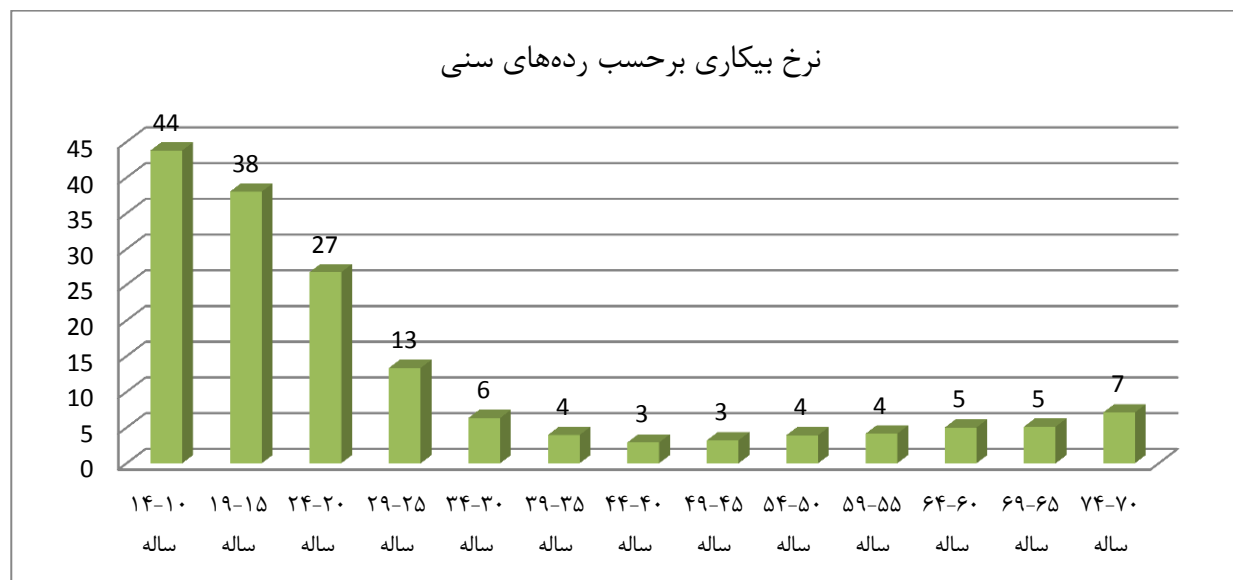
نمودار زیر نرخ مشارکت ویژه سنی در شهر زاهدان را نشان می‌دهد. منظور از نرخ مشارکت ویژه سنی، نسبت جمعیت فعال به کل جمعیت در هر گروه سنی است.



همانطور که مشاهده می‌کنید بالاترین نرخ مشارکت ویژه سنی (۵۷ درصد) متعلق به رده‌های سنی ۲۹-۲۵ سال و ۳۴-۳۰ سال است.

۳,۲. نرخ بیکاری

نرخ بیکاری یکی از شاخص‌های تعیین‌کننده در بازار کار و فراتر از آن در اقتصاد کلان به شمار می‌آید. اشتغال یا بیکاری رابطه مستقیمی با سطح معیشت افراد دارد و از این جهت بسیار تعیین‌کننده است. نرخ بیکاری در شهر زاهدان ۱۵ درصد و بالاتر از نرخ متوسط بیکاری در سطح ملی (۱۳ درصد) است. نمودار زیر نرخ بیکاری ویژه سنی را برای شهر زاهدان نشان می‌دهد.

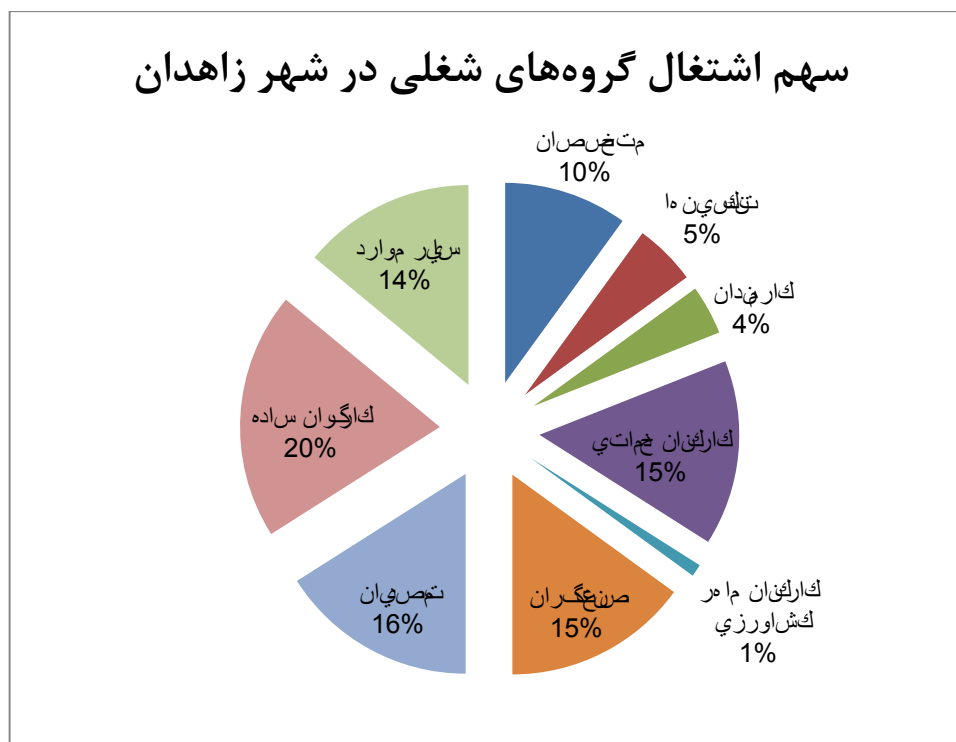


در میان رده‌های سنی مختلف، نرخ بیکاری دو رده ۲۴-۲۰ سال و ۲۹-۲۵ سال از اهمیت برخوردار است. این دو رده سنی، آستانه ورود به بازار کار را نشان می‌دهند. این در حالی است که در مناطق محروم‌تر سن پیوند نیروی کار به بازار پایین‌تر از حد متوسط کشوری است و بنابراین تا حدودی نرخ بیکاری در سنین ۱۹-۱۵ سال نیز در این شهر مهم جلوه می‌کند.

همانطور که در نمودار فوق مشاهده می‌شود نرخ بیکاری ویژه سنی در میان ۲۰ تا ۲۴ ساله‌ها بالاست. به بیان دیگر افرادی که در این رده سنی قرار دارند برای پیوستن به بازار کار رسمی با مشکل مواجه هستند که این مشکل را می‌توان در دو سطح توان جذب بازار کار و کیفیت ذخیره قابل مبادله نیروی کار مورد بررسی قرار داد.

۳,۳. سهم اشتغال گروه‌های مختلف شغلی

سهم اشتغال در گروه‌های مختلف شغلی توان جذب بالفعل بازار کار به تفکیک گروه‌های شغلی را نشان می‌دهد. نمودار زیر نسبت اشتغال جمعیت شاغل شهر زاهدان در گروه‌های شغلی نه‌گانه را به تصویر می‌کشد.



همانطور که در نمودار فوق مشاهده می‌شود کارگران ساده بیشترین سهم معادل ۲۰ درصد از شاغلین در گروه‌های شغلی را به خود اختصاص می‌دهند. این امر موید ماهیت خدماتی بازار کار شهر زاهدان در حداقل سطح مهارت می‌باشد. کارکنان خدماتی که سطح بالاتری از خدمات را ارائه می‌دهند در کنار صنعتگران ۱۵ درصد جمعیت شاغل را تشکیل می‌دهند. متخصصان با ۱۰ درصد سهم و تکنسین‌ها و کارمندان به ترتیب با ۵ و ۴ درصد سهم رتبه‌های بعدی را به خود اختصاص می‌دهند.

نکته ویژه‌های برآمده از مدار اول تحلیل

حوزه تحلیل	واقعیت	نقطه تمرکز
ترکیب جنسی	زنان نیمی از توان تولیدی بازار کار	ارتقای ظرفیت زنان در قالب برنامه های توانمندسازی
ترکیب سنی	تراکم نیروی کار جوان در مجرای ورودی به بازار کار	نیاز به تقویت ذخیره دارایی برای حضور موثر و پایا در بازار کار
وضعیت سواد	یک سوم جمعیت بی سواد	امکان ارتقای کیفیت نیروی کار با استفاده از دوره‌های آموزش کوتاه مدت
نرخ مشارکت	مشارکت بسیار پایین زنان در بازار کار رسمی	توانمندسازی زنان برای مشارکت بیشتر در بازار کار
نرخ بیکاری	نرخ بیکاری بالاتر از متوسط ملی و تشدید آن در رده سنی ۲۰-۲۴ ساله‌ها	لزوم ارتقای سطح مهارت به عنوان دارایی قابل مبادله در بازار کار
سهم گروه‌های شغلی	بالاترین سهم از آن نازلترین سطح مهارتی (کارگران ساده)	ارتقای سطح مهارت برای مهارت آنسفال خدمات نازل

مدار دوم: تجميع دانش مطلعان و دست اندرکاران بازار کار

بررسی وضعیت کنونی بازار کار و نیازهای فعلی و آتی آن یکی از عناصر تعیین کننده در تحلیل تقاضای بازار کار به شمار می‌آید. برای دستیابی به این منظور، ۵ گروه از افراد درگیر در بازار کار شهر زاهدان، شناسایی و اطلاعات آن‌ها در قالب مصاحبه و پرسشنامه استخراج شد.

پنج گروه مذکور عبارتند از:

۱. کارفرمایان صنعتی
۲. مدیران صنوف
۳. مدیران مراکز کارایی دولتی
۴. مدیران مراکز کارایی خصوصی
۵. سایر صاحب‌نظران بازار کار

هدف از طرح سئوالات در قالب پرسشنامه و مصاحبه استخراج اطلاعات زیر است:

۱. تشخیص گروه رشته‌های مهارتی مورد نیاز بازار کار
۲. اولویت بندی رشته‌های مورد نیاز
۳. بررسی امکان استفاده از ظرفیت‌های آموزشی اصناف
۴. بررسی تجربه شغلی مشترک با ساکنان مناطق هدف طرح

مدار سوم: ارزیابی داده‌های مراکز کاریابی در قالب نمونه‌گیری

اگرچه رسالت طرح توسعه مهارت‌های پایه در سکونتگاه‌های غیررسمی، ایجاد اشتغال نیست اما در عین حال بهبود کیفیت زندگی زمانی رخ خواهد داد که فرد در بازار کار مشغول و به درآمد دست یابد. به همین جهت می‌باید مهارت‌ها به نحوی انتخاب شوند که احتمال جذب افراد در بازار کار شهر زاهدان یا محلات هدف افزایش یابد. از این حیث تحلیل بازار کار شهر زاهدان می‌تواند راهگشا باشد زیرا فرصت‌های شغلی و ظرفیت‌های جذب نیروی کار را آشکار می‌سازد.

یکی از مسیرهای دستیابی به اطلاعات بازار کار شهر، مراجعه به مراکز کاریابی است. شهر زاهدان دارای چهار مرکز کاریابی فعال است. این مراکز کاریابی در ناحیه مرکزی شهر زاهدان واقع شده‌اند. بنابراین انتظار می‌رود مراجعات به این مراکز به لحاظ جغرافیایی دارای توزیع نرمال باشد. بنابراین تحلیل‌های به دست آمده از داده‌های مراکز کاریابی می‌تواند نمودی از واقعیات موجود بازار کار شهر زاهدان به حساب بیاید. ذکر این نکته حائز اهمیت است که جذب نیروی کار در برخی گروه‌های شغلی از مسیری غیر از مراکز کاریابی صورت می‌گیرد اما ماهیت و ویژگی‌های نیروی کار ساکن در محلات هدف (مهارت کم، سطح سواد پایین و ملاحظات قومی) به گونه‌ای است که با ویژگی‌های غالب افراد ثبت نام شده در مراکز کاریابی همخوانی دارد.

به هر شکل، داده‌های به دست آمده از مراکز کاریابی می‌تواند در خصوص بازار کار شهر زاهدان اطلاعات مفیدی به دست دهد. این اطلاعات از دو فرم "ارائه آمار عملکرد کاریابی‌های غیردولتی" و همچنین یک نمونه تصادفی ۲۸۰ فرمی تکمیل شده توسط متقاضیان کار استخراج شده است. فرم‌های ارائه عملکرد شامل اطلاعاتی از قبیل:

- تعداد جویندگان کار ثبت شده به تفکیک جنسیت، وضعیت سواد جویندگان کار، وضع مهارت جویندگان کار، وضع سن جویندگان کار
- تعداد بکارگمارده‌شدگان به تفکیک جنسیت، وضعیت سواد بکارگمارده‌شدگان، وضع مهارت بکارگمارده‌شدگان، وضع سن بکارگمارده‌شدگان
- تعداد معرفی شدگان به فرصت‌های شغلی اعلام شده به تفکیک جنسیت، فرصت‌های شغلی به تفکیک فعالیت و فرصت‌های شغلی به تفکیک مالکیت
- بکارگمارده‌شدگان در بخش‌های مختلف اقتصادی به تفکیک جنسیت، تعداد بکارگمارده‌شدگان به تفکیک نوع فعالیت اقتصادی و نوع مالکیت واحدهای متقاضی نیروی کار
- توزیع جویندگان کار به تفکیک مشاغل عمده، توزیع فرصت‌های شغلی بدست آمده به تفکیک فعالیت‌های عمده اقتصادی، توزیع بکارگمارده‌شدگان به تفکیک گروه‌های عمده شغلی، توزیع بکارگمارده‌شدگان به تفکیک فعالیت‌های عمده اقتصادی

هستند.

فرم‌های ثبت تقاضای کار که ۲۸۰ مورد آن توسط گروه پژوهش طرح به صورت تصادفی انتخاب و تحلیل شده است شامل جنسیت مراجعان، سن مراجعان، محل سکونت، سطح سواد، شغل در خواستی، طول مدت بیکاری، وضعیت مهارتی (دارای مهارت یا بدون مهارت)/ نوع مهارت، وضعیت تأهل، تعداد افراد تحت سرپرستی و درآمد درخواستی می‌شود. شاخص‌های به دست آمده از داده‌های مربوط به مراکز کاریابی در یک طبقه‌بندی هشتگانه قرار می‌گیرد که عبارتند از: جنسیت، سن، سطح تحصیلات، نهاد آموزشی، مهارت، بخش‌های اقتصادی، گروه‌های شغلی، فعالیت‌های اقتصادی. شایان ذکر است نتایج به دست آمده از این شاخص‌ها در دو سمت عرضه و تقاضا، مورد پردازش و تحلیل قرار گرفته‌اند و به طور تقریب در امتداد روند داده‌های بالادستی (شهرستان و استان) قرار دارند. نمونه تصادفی ۲۸۰ فرمی نیز برای دستیابی به دو هدف مورد استفاده قرار می‌گیرد: نخست آنکه مشخص شود اطلاعات به دست آمده از این نمونه تصادفی تا چه اندازه آمارهای استخراج شده از فرم‌های ارائه عملکرد مراکز کاریابی را تأیید می‌کنند و دوم اینکه اطلاعاتی را از ساکنان محلات هدف که در نمونه تصادفی قرار گرفته‌اند به دست دهد و ممیزه‌های افراد ساکن در این منطقه در ارتباط با شاخص‌های بازار کار را مشخص کند.

نتایج به دست آمده از این گزارش، گروه پژوهش را در انتخاب نوع مهارت‌ها یاری می‌دهد. این نتایج در وهله نخست مشخص می‌سازد چه مهارت‌هایی با تقاضای بیشتری در بازار کار مواجه هستند و از سوی دیگر روشن می‌کند آیا افرادی که در سکونت‌گاه‌های غیررسمی ساکن هستند توانایی لازم برای کسب این مهارت‌ها را دارند یا نه.

در ادامه....

تحلیل بازار کار شهر زاهدان بر اساس داده‌های مراکز کاریابی در حلقه سه‌گانه‌ای جای می‌گیرد که به تحلیل دقیق‌تر از فرصت‌ها و پتانسیل‌های بازار کار می‌انجامد. این دسته‌بندی سه‌گانه عبارتست از:

- (۱) نتایج مشاهده بازار شهر
- (۲) نتایج مصاحبه با تولیدکنندگان
- (۳) تحلیل بازار کار شهر زاهدان با استفاده از داده‌های مراکز کاریابی

در گزارش حاضر ابتدا شرح مختصری در مورد هر یک از مراکز کاریابی شهر زاهدان ارائه و سپس فهرست کلی اطلاعات جمع‌آوری شده از این مراکز ذکر می‌شود. در بخش بعد به برخی نکته ویژه‌ها که از مشاهده واقعیات بازار کار و مصاحبه با مدیران مراکز کاریابی و سایر دست‌اندرکاران این بازار به دست آمده است پرداخته خواهد شد. در گام بعد با استفاده از آمارهای به دست آمده از مراکز کاریابی شهر زاهدان، تحلیلی از وضعیت بازار کار این استان در دو سمت عرضه و تقاضای نیروی کار ارائه می‌شود. پیش از این گزارش، تحلیل‌هایی در سطوح استان و شهرستان نیز صورت گرفته است؛ با نیم‌نگاهی به تحلیل‌های پیشین سعی می‌شود با استفاده از آمارهای به دست آمده از بازار کار سطح تحلیل به جامعه هدف (محلات) نزدیک شود. در پایان داده‌های به دست آمده از نیروی کار محلات که در نمونه ۲۸۰ فرمی منتخب از مراکز کاریابی قرار گرفته‌اند، تحلیل خواهد شد.

(۱) معرفی مراکز کاریابی

(۱-۱) مرکز کاریابی زاگرس

مرکز کاریابی زاگرس در خیابان امیرالمومنین، نبش کوچه امیرالمومنین ۲ واقع شده است. این مرکز در سال ۱۳۸۶ تاسیس شده و مدیریت آن به عهده خانم دکتر اربابی می‌باشد. تاکنون این مرکز حدود ۲۰۰۰ فرم درخواست کار را ثبت کرده است.

۲-۱) مرکز کاریابی تفتان

مرکز کاریابی تفتان در خیابان شریعتی، مجتمع تجاری ستاره بلوچ واقع شده است. این مرکز در سال ۱۳۸۵ آغاز به کار کرده و مدیریت آن را آقای براهویی عهده‌دار است. تاکنون در این مرکز ۷۰۰۰ فرم درخواست کار ثبت شده است.

۳-۱) مرکز کاریابی کارپویا

مرکز کاریابی کارپویا در خیابان مسجد جامع واقع شده است. این مرکز در سال ۱۳۸۰ با مدیریت آقای نخعی پایه‌گذاری شده است. لازم به ذکر است تاکنون حدود ۱۰۰۰۰ فرم درخواست کار در این مرکز به ثبت رسیده است.

۴-۱) مرکز کاریابی نیمروز^{۶۱}

مرکز کاریابی نیمروز مرکزی تازه تاسیس (مهر ۱۳۸۸) به شمار می‌آید. این مرکز در خیابان مصطفی خمینی حد فاصل شریعتی و امیرالمومنین در مجتمع تجاری میلاد نور تحت اداره آقای هدایت فعالیت خود را شروع کرده است. تاکنون تنها حدود ۲۰۰ مورد فرم درخواست کار در این مرکز به ثبت رسیده است.

۲) اطلاعات جمع‌آوری شده از مراکز کاریابی

اطلاعات این مراکز از دو فرم اصلی جمع‌آوری شده است:

۱. فرم درخواست کار که توسط کارجویان تکمیل می‌شود

۲. فرم ارائه آمار عملکرد کاریابی‌های غیردولتی که به صورت ماهانه به اداره کار و امور اجتماعی زاهدان فرستاده می‌شود.

عناوین اطلاعات جمع‌آوری شده از فرم اول شامل مواردی از جمله :

تعداد مراجعان، جنسیت مراجعان، سن مراجعان، محل سکونت، سطح سواد، شغل درخواستی، طول مدت بیکاری، وضعیت مهارتی (دارای مهارت یا بدون مهارت)/ نوع مهارت، وضعیت تأهل، تعداد افراد تحت سرپرستی و درآمد درخواستی می‌باشد.

فرم دوم حاوی اطلاعات زیر است:

تعداد جویندگان کار ثبت شده به تفکیک جنسیت، وضعیت سواد جویندگان کار، وضع مهارت جویندگان کار، وضع سن جویندگان کار، تعداد بکارگمارده‌شدگان به تفکیک جنسیت، وضعیت سواد بکارگمارده‌شدگان، وضع مهارت بکارگمارده‌شدگان، وضع سن بکارگمارده‌شدگان، تعداد معرفی‌شدگان به فرصت‌های شغلی اعلام شده به تفکیک جنسیت، فرصت‌های شغلی اعلام شده به تفکیک جنسیت، فرصت‌های شغلی به تفکیک فعالیت، فرصت‌های شغلی به تفکیک مالکیت، بکارگمارده‌شدگان در بخش‌های مختلف اقتصادی به تفکیک جنسیت، تعداد بکارگمارده‌شدگان به تفکیک نوع فعالیت اقتصادی، نوع مالکیت واحدهای متقاضی نیروی کار، توزیع جویندگان کار به تفکیک مشاغل عمده،

^{۶۱} به دلیل تعداد کم رکوردها به این مرکز مراجعه نشد.

توزیع فرصت‌های شغلی بدست آمده به تفکیک فعالیت‌های عمده اقتصادی، توزیع بکارگمارده‌شدگان به تفکیک گروه‌های عمده شغلی، توزیع بکارگمارده‌شدگان به تفکیک فعالیت‌های عمده اقتصادی.

شایان ذکر است که با مدیران مراکز کاریابی نیز مصاحبه صورت گرفته و از اطلاعات تجربی آنان در تحلیل نهایی استفاده شده است.

(۳) نکته ویژه‌ها؛ دانستنی‌های ضروری

- اغلب فرم‌های درخواست کار توسط افرادی پر شده است که در سال‌های دهه ۶۰ تا دهه ۷۰ متولد شده‌اند.
- به نظر می‌رسد مسئولان کاریابی نیز اصرار زیادی به کامل بودن اطلاعات ثبتی در فرم کاریابی ندارند و به اطلاعات اولیه بسنده می‌کنند.
- ساکنان سکونت‌گاه‌های غیررسمی در برخی موارد به آدرس‌هایی ارجاع می‌دهند که به طور مستقیم دربردارنده نام سکونت‌گاه غیررسمی نباشد.
- گفتگو با مشاوران شغلی و مدیران مراکز کاریابی حاکی از آن است که کارفرمایان تمایل کمی برای استخدام کارجویان ساکن در سکونتگاه‌های غیررسمی داشته و در این خصوص دلایل زیر را بیان می‌کنند:
 - ظاهر این افراد به لحاظ نوع پوشش و نظافت، مناسب نیست.
 - نحوه برخورد این افراد با کارفرما چه به لحاظ گفتاری و چه به لحاظ رفتاری از کیفیت پایینی برخوردار است.
 - در برخی موارد نیز قومیت این افراد (بلوچ) به عنوان عاملی بازدارنده در استخدامشان ذکر می‌شود.
- مدیران و مشاوران شغلی این مراکز، رشته‌های زیر را به عنوان رشته‌های پرتقاضا در بازار کار زاهدان معرفی می‌کنند:
 - کارگر ساده
 - خدمتکار خانه
 - منشی
 - حسابدار
 - اپراتور کامپیوتر
- از نظر مدیران و مشاوران شغلی مراکز کاریابی، مدت زمانی که از ارائه درخواست شغل تا جذب کارجو به طول می‌انجامد بستگی به نوع مهارت افراد دارد؛ اما در مجموع می‌توان گفت افرادی که متقاضی شغل‌های ساده خدماتی نظیر کارگری ساده و ارائه خدمت در خانه هستند سریعتر جذب می‌شوند. رشته‌هایی نظیر حسابداری و کار با کامپیوتر نیز از جمله رشته‌های رایج و پرتقاضا در بازار کار شهر زاهدان به شمار می‌آیند.

- در برخی موارد ساکنان دیگر شهرهای استان سیستان و بلوچستان از جمله زابل، سراوان، نوک آباد و خاش نیز اقدام به پر کردن فرم در مراکز کارایی شهر زاهدان کرده‌اند.
- کلیه مراکز کارایی به لحاظ موقعیت مکانی در منطقه مرکزی شهر زاهدان واقع شده اند و بنابراین انتظار می‌رود مراجعات به این مراکز از نظر جغرافیایی دارای توزیع نرمال باشد.

(۴) ملاحظات آماری

آمارهای رسمی مرتبط با گستره هدف طرح، به آمارهای استان سیستان و بلوچستان و در سطح نزدیکتر به آمارهای شهرستان زاهدان (شامل شهرهای زاهدان، میرجاوه و نصرت آباد) منتهی می‌شود و آمارهای رسمی مربوط به شهر زاهدان بسیار محدودند. داده های مرکز آمار بر اساس سرشماری سال ۱۳۸۵ برای شهر زاهدان تنها شامل گروه سنی و نیروی انسانی (شامل جمعیت فعال، جمعیت غیرفعال، وضع شغلی به تفکیک بخش خصوصی و بخش عمومی) می‌شود. اگرچه این اطلاعات بسیار محدودند اما تحلیل آن در قالب گزارش دیگری ارائه خواهد شد.

با مراجعه به ۳ مرکز کارایی شهر زاهدان واقع در نواحی مرکزی این شهر، اطلاعات قابل قبولی در اختیار گروه پژوهش قرار گرفت. این اطلاعات از آن جهت قابل قبول هستند که با مشاهدات کارشناسی و واقعیات ارائه شده از سوی دست‌اندرکاران و همچنین با تحلیل‌های به دست آمده از داده های استانی و شهرستانی انطباق دارند.

(۵) حجم نمونه

مراکز کارایی شهر زاهدان عبارتند از مرکز کارایی تفتان با ۷۰۰۰ رکورد ثبت شده، مرکز کارایی زاگرس با ۲۰۰۰ رکورد ثبت شده و مرکز کارایی کارپویا با ۱۰۰۰۰ رکورد ثبت شده. اطلاعات مربوط به فرمهای عملکرد این مراکز که ماهیانه به اداره کار استان ارسال می شوند، در ۱۲ ماهه منتهی به مهر ماه ۸۸، مورد بررسی قرار گرفت و ۲۸۰ فرم نیز به صورت تصادفی از فرم هایی که در ۶ ماهه منتهی به مهر ۸۸ پر شده بود برای تحلیل انتخاب شد.

(۶) معرفی و تحلیل شاخص‌ها

پیش از معرفی شاخص‌ها پرداختن به تعریف دو مفهوم کلیدی در این گزارش یعنی عرضه نیروی کار و تقاضای نیروی کار که عوامل تشکیل دهنده بازار کار هستند، مفید به نظر می‌رسد:

✓ **عرضه نیروی کار** شامل افرادی می شود که اولاً در سن کار قرار دارند و ثانیاً مایل و قادر به کار کردن در سطح دستمزدهای رایج هستند. به عبارت دیگر عرضه نیروی کار همان جمعیت فعال است.

✓ **تقاضای نیروی کار** عبارت است از تعداد افرادی که در دستمزدهای معین مایل و قادر به کارکردن هستند. به عبارت دیگر تقاضای نیروی کار همان جمعیت شاغل به شمار می آید.

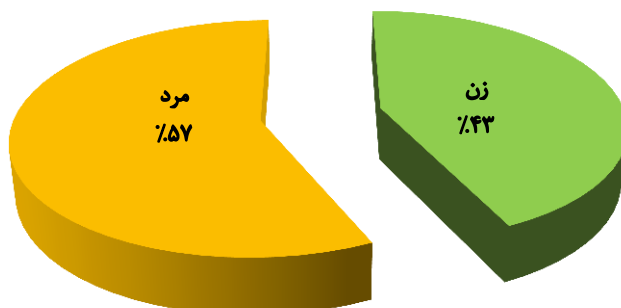
شاخص‌هایی را که در این گزارش از آنها استفاده شده است می‌توان در قالب موارد کلی زیر طبقه‌بندی کرد:

- جنسیت
- سن
- سطح تحصیلات
- نهاد آموزشی
- مهارت
- بخش‌های اقتصادی
- گروه‌های شغلی
- فعالیت‌های اقتصادی

۶.۱. ساختار جنسی بازار کار

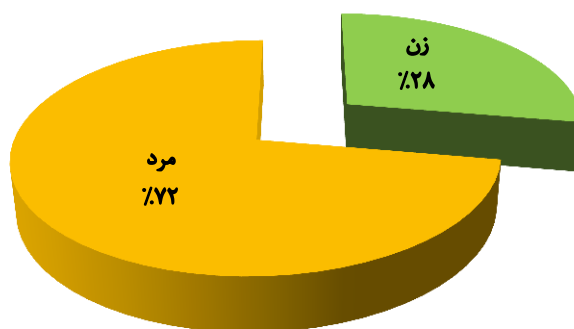
برای استخراج نسبت جنسیتی در سمت عرضه بازار کار، نسبت زنان و مردانی که به مراکز کاریابی مراجعه کرده بودند به کل مراجعه‌کنندگان استخراج شد (نمودار ۱). ۴۳ درصد از مراجعه‌کنندگان را زنان و ۵۷ درصد را مردان تشکیل می‌دهند. اگرچه این دو رقم اختلافی معادل ۱۴ درصد را نشان می‌دهند اما با عنایت به ویژگی‌های قومی و مذهبی حاکم بر این منطقه نسبت‌های به دست آمده مطلوب هستند و نشان می‌دهند زنان برای ورود به بازار کار تمایل قابل قبولی دارند.

نمودار ۱. ترکیب جنسیتی عرضه نیروی کار



اما سمت تقاضای نیروی کار حاکی از "مرد محور بودن" بازار کار شهر زاهدان است (نمودار ۲)؛ سهم زنان از کل تقاضای نیروی کار ۲۸ درصد و سهم مردان از کل تقاضای نیروی کار ۷۲ درصد می‌باشد یعنی نسبت جذب مردان به جذب زنان در بازار نیروی کار حدود ۳ به ۱ است.

نمودار ۲. ترکیب جنسیتی تقاضای نیروی کار



نتیجه اینکه عرضه نیروی کار زن در بازار کار وجود دارد اما بازار، توانایی فراهم کردن زمینه مساعد برای استخدام زنان را ندارد. با مشاهده بازار کار زاهدان می‌توان پی برد که مشاغل یدی که قدرت بدنی مردانه را طلب می‌کنند نسبت به سایر مشاغل از سهم بیشتری برخوردارند. موانع فرهنگی نیز شاید یکی دیگر از دلایل مردانه بودن بازار کار شهر زاهدان باشد اما نیاز به بررسی بیشتری در این خصوص وجود دارد. اعلام آمادگی زنان و ثبت تواناییهایشان در بازار کار نشان می‌دهد که شاید در بخش عرضه نیروی کار موانع فرهنگی بازدارنده کم‌رنگ‌تر شده باشند.

۶.۲. ساختار سنی بازار کار

بررسی آمارهای به دست آمده نشان می‌دهد که بیش از نیمی از متقاضیان کار در گروه سنی ۲۵-۱۵ سال قرار دارند (جدول ۱). نیاز اصلی چنین بازار کاری، ایجاد فرصت‌های شغلی با دوام است زیرا این افراد در مراحل ابتدایی فرایند جستجوی شغل قرار دارند.

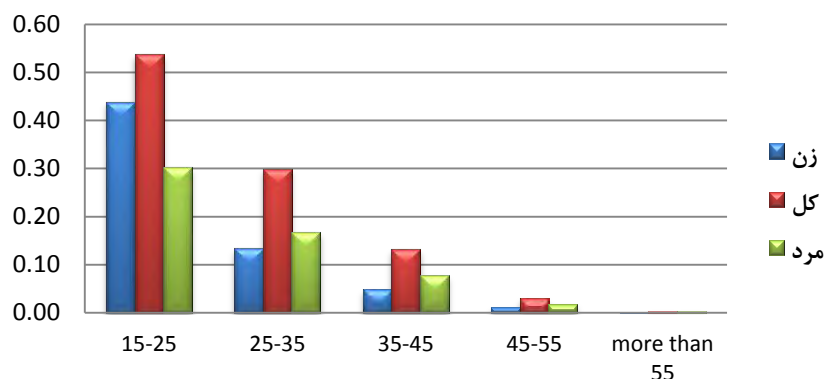
در نمودار ۳ هر چه از گروه سنی ۲۵-۱۵ سال به سمت گروه‌های سنی بالاتر پیش می‌رویم از فراوانی متقاضیان کار (عرضه نیروی کار) کاسته می‌شود. بر اساس جدول ۱ بیش از ۵۳ درصد متقاضیان کار در گروه سنی ۲۵-۱۵ سال قرار دارند. این رقم برای گروه‌های سنی ۲۵-۳۵، ۳۵-۴۵، ۴۵-۵۵ و بیش از ۵۵ سال به ترتیب ۲۹/۱، ۱۳/۱، ۲/۹ و ۰/۳ درصد می‌باشد که نمایانگر سیر نزولی یاد شده است.

از منظر جنسیتی نیز روند کاهشی، قابل مشاهده است اما هر چه به گروههای سنی بالاتر نزدیک می‌شویم شکاف میان عرضه نیروی کار زنان و مردان به نفع مردان افزایش می‌یابد. برای نمونه حدود ۴۴ درصد از متقاضیان کار در گروه سنی ۱۵-۲۵ سال را زنان و ۵۶ درصد را مردان تشکیل می‌دهند که نسبت تقریباً یکسانی است اما در گروه سنی ۴۵-۵۵ سال وضعیت به گونه ای دیگر است و ۳۹/۳ از عرضه نیروی کار در این گروه سنی را زنان و ۶۰/۷ درصد را مردان تشکیل می‌دهند.

جدول ۱. ساختار سنی - جنسی عرضه نیروی کار شهر زاهدان (درصد)

	بیش از ۵۵	۴۵-۵۵	۳۵-۴۵	۲۵-۳۵	۱۵-۲۵
کل	۰,۳۱	۲,۹۳	۱۳,۱۵	۲۹,۸۹	۵۳,۷۳
زن	۱۳,۳	۳۹,۳	۳۷,۰	۴۴,۸	۴۳,۸
مرد	۸۶,۷	۶۰,۷	۵۸,۲	۵۵,۷	۵۶,۲

نمودار ۳. ساختار سنی عرضه نیروی کار



بر اساس جدول ۲ در سمت تقاضا نیز روند کلی حفظ می‌شود به این معنا که اغلب استخدام‌شدگان (تقاضای نیروی کار) از گروه سنی ۱۵-۲۵ سال (۵۲/۵ درصد) می‌باشند و این رقم برای گروه سنی ۲۵-۳۵، ۳۵-۴۵، ۴۵-۵۵ به ترتیب ۳۵/۱، ۱۱، ۱/۲ درصد است. همانگونه که در نمودار ۴ مشاهده می‌شود با افزایش سن، روند تقاضای نیروی کار سیر نزولی دارد.

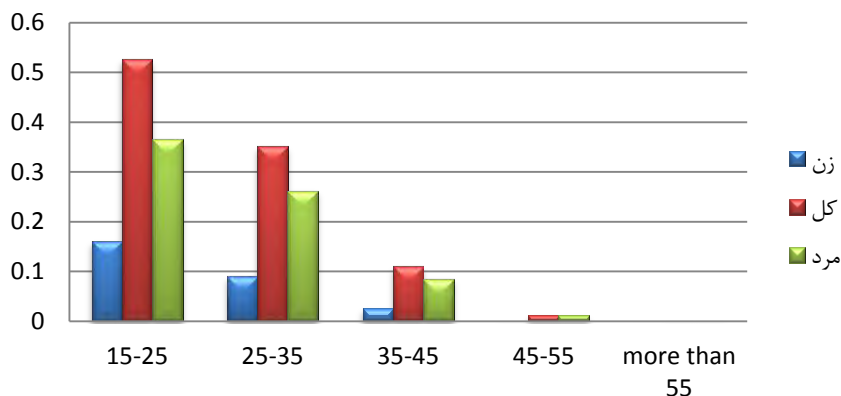
از بعد جنسیتی تقاضای نیروی کار به سمت نیروی کار مردانه تمایل دارد که یافته‌های پیشین مبنی بر مردانه بودن فرصت‌های شغلی را تایید می‌کند. برای نمونه در گروه سنی ۱۵-۲۵ سال حدود ۷۰ درصد استخدام‌شدگان را

مردان و تنها ۳۰ درصد را زنان تشکیل می‌دهند. هر چه از گروه سنی ۱۵-۲۵ سال به سمت گروه سنی بیش از ۵۵ سال پیش می‌رویم این نسبت افزایش می‌یابد. برای نمونه در گروه سنی ۴۵-۵۵ سال تنها ۶ درصد از استخدام شدگان را زنان و ۹۴ درصد را مردان تشکیل می‌دهند.

جدول ۲. ساختار سنی - جنسی تقاضای نیروی کار شهر زاهدان (درصد)

	بیش از ۵۵	۴۵-۵۵	۳۵-۴۵	۲۵-۳۵	۱۵-۲۵
کل	۰	۱,۲۵	۱۰,۹۹	۳۵,۱۴	۵۲,۵۴
زن	۰	۶,۶۷	۲۲,۷۳	۲۵,۵۹	۳۰,۴۳
مرد	۰	۹۳,۳۳	۷۷,۲۷	۷۴,۴۱	۶۹,۵۷

نمودار ۴. ساختار سنی تقاضای نیروی کار



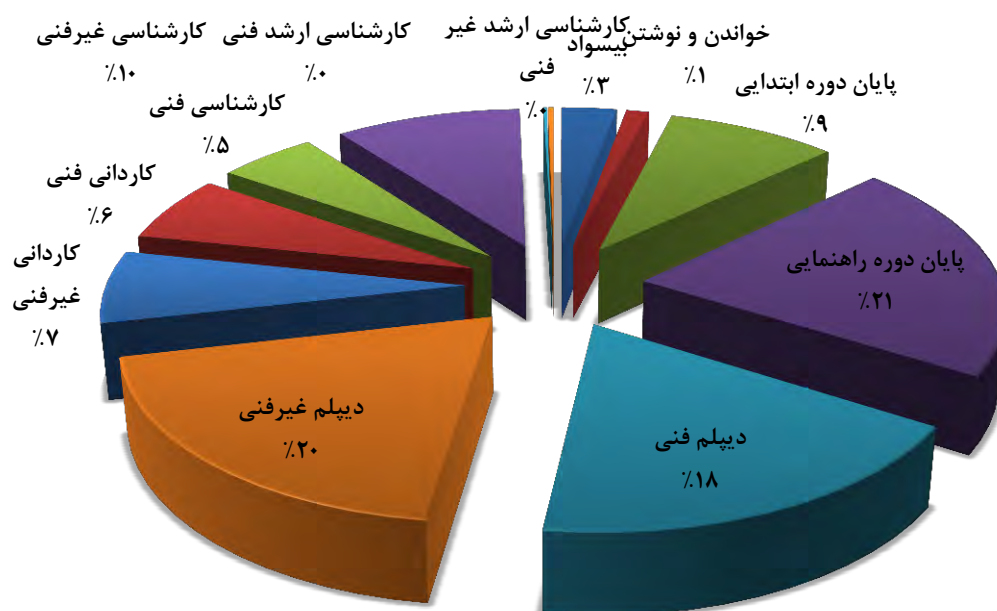
۶,۳. سطح تحصیلات در بازار کار

براساس اطلاعات موجود در مراکز کاریابی (جدول ۳)، ۴۳ درصد زنان و ۵۷ درصد مردان در سمت عرضه نیروی کار در شهر زاهدان، باسواد هستند. نمودار ۵ فراوانی نسبی سطح تحصیلات در سمت عرضه را نشان می‌دهد؛ ۳۴ درصد متقاضیان کار دارای تحصیلات زیر دیپلم بوده و بیشترین فراوانی متقاضیان در سطح تحصیلی دیپلم (فنی و غیر فنی) و معادل ۳۸ درصد کل می‌باشد. کارشناسی غیرفنی (۱۰ درصد)، کاردانی غیرفنی (۷ درصد)، کاردانی فنی (۶ درصد)، کارشناسی فنی (۵ درصد) به ترتیب رده‌های بعدی فراوانی نیروی کار در سمت عرضه را به خود اختصاص می‌دهند.

جدول ۳. عرضه نیروی کار به تفکیک سطح تحصیلات (درصد)

	پیشود	خواندن و نوشتن	پایان دوره ابتدایی	پایان دوره راهنمایی	دیپلم فنی	دیپلم غیرفنی	کاردانی غیرفنی	کاردانی فنی	کارشناسی فنی	کارشناسی غیرفنی	کارشناسی ارشد فنی	کارشناسی ارشد غیرفنی
کل	۲.۸۹	۱.۱۷	۸.۹۱	۲۰.۹۰	۱۸.۱۲	۱۹.۲۷	۶.۸۶	۶.۲۸	۵.۱۳	۹.۷۳	۰.۱۹	۰.۲۹
زن	۲.۴۷	۱.۲۱	۴.۵۱	۸.۰۱	۱۵.۹۶	۲۲.۹۵	۸.۵۹	۱۰.۲۴	۷.۲۸	۱۷.۳۷	۰.۲۹	۰.۶۳
مرد	۳.۰۸	۱.۱۴	۱۲.۲۲	۳۰.۵۹	۱۹.۷۰	۱۶.۴۳	۵.۵۴	۳.۶۳	۳.۴۸	۳.۹۳	۰.۱۱	۰.۰۴

نمودار ۵. عرضه نیروی کار به تفکیک سطح تحصیلات



نمودار ۶ و جدول ۴ تقاضای نیروی کار براساس میزان تحصیلات را نشان می‌دهد. همانگونه که مشاهده می‌شود بیشترین تقاضا برای نیروی کار در سطح تحصیلات دیپلم غیرفنی (۳۰ درصد)، پایان دوره راهنمایی (۲۲ درصد)، دیپلم فنی (۱۹ درصد) است. به عبارت دیگر تقاضا برای نیروی کار تحصیلکرده ناچیز است که این امر از غیرتخصصی بودن

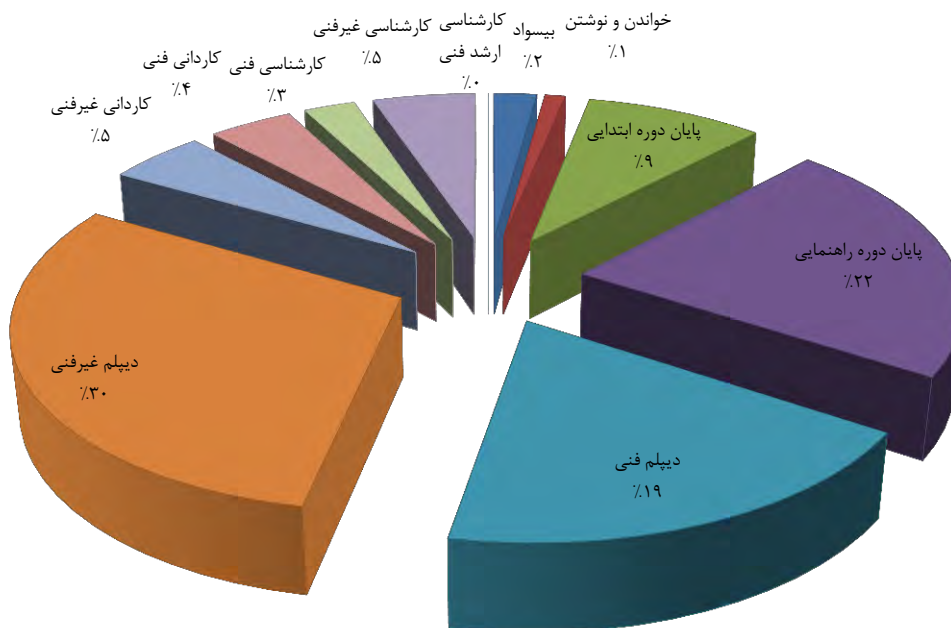
بازار کار شهر زاهدان خبر می دهد. برای نمونه سهم نیروی کار با مدرک کارشناسی غیرفنی از تقاضای نیروی کار ۵ درصد و با مدرک کارشناسی فنی ۳ درصد می باشد.

یک فرضیه دیگر نیز برای تبیین علت پایین بودن تقاضای نیروی کار تحصیل کرده بر اساس آمارهای مراکز کاریابی قابل طرح است: جذب نیروی کار تحصیل کرده از طریق مراکز کاریابی صورت نمی گیرد و یا نیروی متخصص از سایر شهرها یا استان ها به بازار کار این منطقه تزریق می شوند.

جدول ۴. تقاضای نیروی کار به تفکیک سطح تحصیلات

	پیسواد	خواندن و نوشتن	پایان دوره ابتدایی	پایان دوره راهنمایی	دیپلم فنی	دیپلم غیرفنی	کاردانی غیرفنی	کاردانی فنی	کارشناسی فنی	کارشناسی غیرفنی	کارشناسی ارشد فنی	کارشناسی ارشد غیرفنی
کل	۲۰۱۴	۱۰۰۲	۸۸۸	۲۱۰۹۴	۱۸۰۶۷	۳۰۰۱۰	۴۰۸۰	۴۰۱۸	۲۰۵۵	۵۰۱۰	۰	۰
زن	۰۰۷۳	۱۰۰۹	۸۰۷۶	۱۷۰۵۲	۱۱۰۶۸	۳۲۰۸۵	۳۰۲۸	۸۰۷۶	۱۰۴۶	۰	۰	۰
مرد	۲۰۶۵	۰۰۹۸	۸۸۰	۲۳۰۴۶	۲۱۰۰۹	۲۸۰۶۳	۵۰۳۱	۲۰۳۷	۳۰۰۷	۳۰۷۷	۰	۰

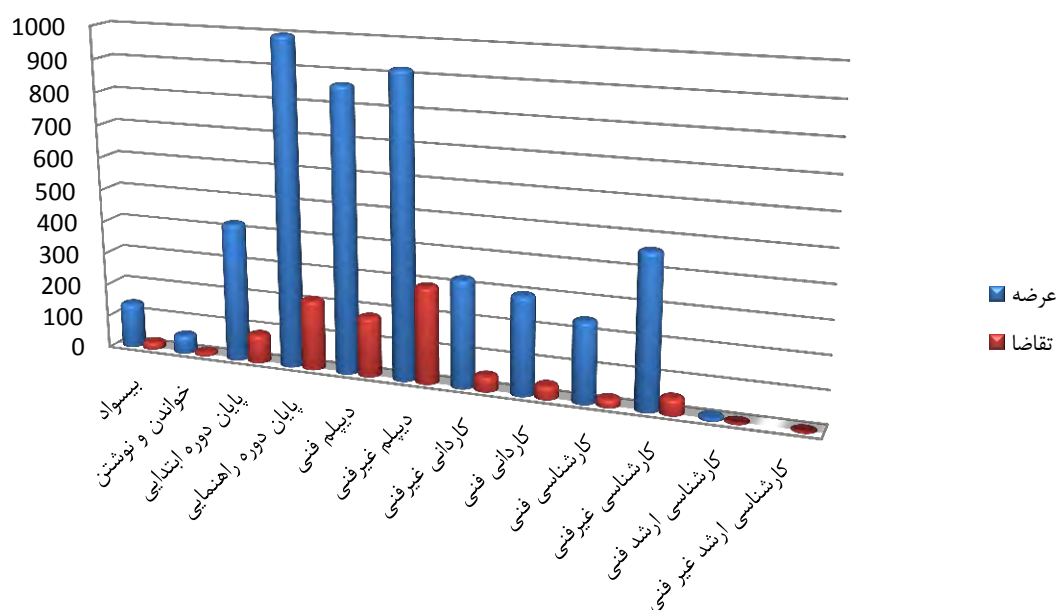
نمودار ۶. تقاضای نیروی کار به تفکیک سطح تحصیلات



در نمودار ۷ میزان عرضه نیروی کار به تقاضای نیروی کار به تفکیک سطح تحصیلات در بازار کار، براساس اطلاعات مراکز کاریابی نشان داده شده است. همانگونه که مشاهده می شود در همه سطوح تحصیلی اختلاف فاحشی

میان عرضه و تقاضای نیروی کار وجود دارد. شکاف میان عرضه و تقاضا در سطح تحصیلی کارشناسی غیرفنی به اوج خود می رسد. می توان چنین نتیجه گرفت که هر چه سطح تحصیلات افزایش می یابد شکاف میان عرضه و تقاضا نیز افزایش می یابد به عبارت دیگر بازار توان جذب نیروی کار تحصیلکرده را ندارد.

نمودار ۷. عرضه و تقاضای نیروی کار به تفکیک سطح تحصیلات



نمودار ۸ میزان حساسیت بازار کار به تحصیلات را نشان می دهد. در اینجا حاصل تقسیم تقاضای نیروی کار به عرضه نیروی کار به تفکیک سطح تحصیلات به عنوان شاخص حساسیت بازار کار به تحصیلات مورد ارزیابی قرار گرفته است (جدول ۵).

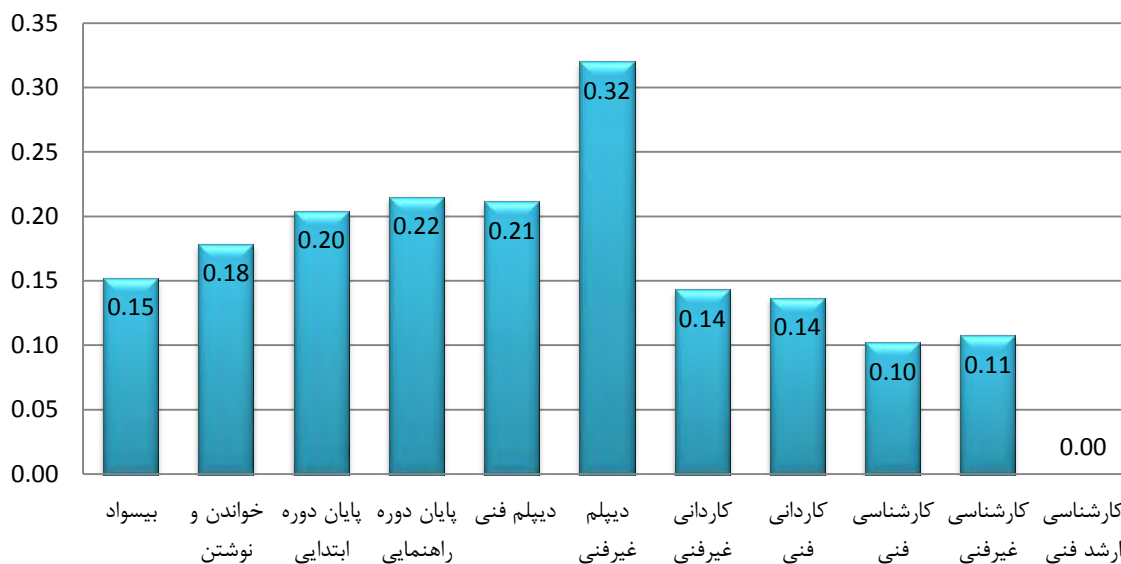
جدول ۵. ضریب جذب نیروی کار بر اساس سطح تحصیلات

	بی سواد	خواندن و نوشتن	پایان دوره ابتدایی	پایان دوره راهنمایی	دیپلم فنی	دیپلم غیرفنی	کاردانی غیرفنی	کاردانی فنی	کارشناسی غیرفنی	کارشناسی ارشد غیرفنی	کارشناسی	کارشناسی ارشد فنی
کل	۰.۱۵	۰.۱۸	۰.۲۰	۰.۲۲	۰.۲۱	۰.۳۲	۰.۱۴	۰.۱۴	۰.۱۰	۰.۱۱	۰	۰
زن	۰.۰۴	۰.۱۲	۰.۲۶	۰.۲۹	۰.۱۰	۰.۱۹	۰.۰۵	۰.۱۱	۰.۰۳	۰	۰	۰
مرد	۰.۲۳	۰.۲۳	۰.۱۹	۰.۲۰	۰.۲۸	۰.۴۶	۰.۲۵	۰.۱۷	۰.۲۳	۰.۲۵	۰	۰

با توجه به آنکه کشش، حساسیت و شاخص هایی از این نوع به صورت اعشاری بیان می شوند در این بخش ضریب جذب که به نوعی حساسیت بازار کار به میزان تحصیلات را نشان می دهد، به صورت اعشار بیان خواهد شد.

بیشترین نسبت جذب متعلق به سطح تحصیلی دیپلم غیرفنی (۰/۳۲) و پایان دوره راهنمایی (۰/۲۲) است که نسبت به سطوح تحصیلی بالاتر (کاردانی غیرفنی ۰/۱۴، کاردانی فنی ۰/۱۴، کارشناسی فنی ۰/۱ و کارشناسی غیرفنی ۰/۱۱) و یا حتی دیپلم فنی (۰/۲۱)، نیروی کار نامطلوبتری به شمار می‌آیند. به نظر می‌رسد اغلب این افراد جذب بخش یدی بازار نیروی کار می‌شوند و اغلب به صورت کارگر ساده به استخدام درمی‌آیند.

نمودار ۸. ضریب جذب نیروی کار (براساس میزان تحصیلات)



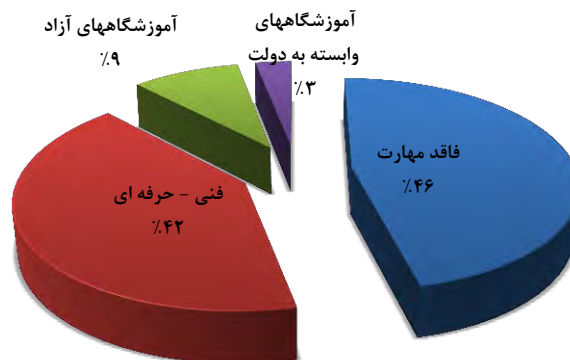
نکته قابل توجه دیگری نیز در نمودار ۸ به چشم می‌خورد: هر چه از سمت نیروی کار بیسواد به سمت نیروی کار با سطح تحصیلی دیپلم پیش می‌رویم ضریب جذب نیروی کار افزایش می‌یابد. این نشان می‌دهد عامل انگیزشی مناسب برای تحصیل تا سطح دیپلم وجود دارد و افراد قابل توجهی در این گروه‌های تحصیلی قرار دارند. قدرت آموزش‌پذیری این افراد به گونه‌ای است که می‌توان مهارت‌های بیشتری را متناسب با علائق و خواسته‌های بازار به آنان آموزش داد و میزان تحصیلات آنها به عنوان یک فرصت برای مهارت آموزی به شمار می‌آید.

سرانجام براساس آمارها و همچنین مشاهدات عینی می‌توان چنین استنباط نمود که تقاضای بازار کار شهر زاهدان بیشتر حول محور نیروی کار غیرماهر می‌گردد.

۶.۴. مهارت و نهاد آموزشی

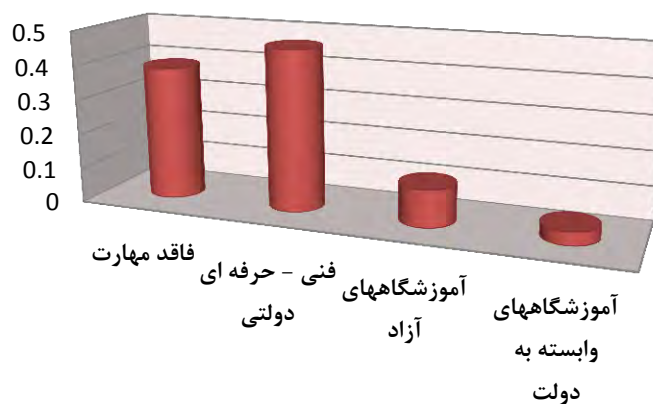
براساس اطلاعات مراکز کاریابی ۵۴ درصد افرادی که متقاضی کار هستند دارای مهارت فنی می‌باشند؛ از این ۵۴ درصد، ۴۲ درصد افراد مهارت‌دیده، در مراکز آموزش فنی- حرفه‌ای دولتی، ۹ درصد در آموزشگاه‌های خصوصی و ۳ درصد نیز در آموزشگاه‌های وابسته به دولت تحت آموزش قرار گرفته‌اند (نمودار ۹).

نمودار ۹. عرضه نیروی کار بر حسب نهاد آموزشی



بر طبق اظهارات کارفرمایان بخش خصوصی، افراد آموزش دیده در مراکز آموزش فنی - حرفه ای از مهارت کافی برخوردار نیستند. علی رغم این نگرش براساس آمارها افرادی که صاحب مهارت از مرکز آموزش فنی - حرفه ای هستند بیش از سایرین جذب بازار کار می شوند. نمودار ۱۰ چگونگی جذب نیروی کار مهارت دیده به تفکیک نوع نهاد آموزشی را ترسیم می کند.

نمودار ۱۰. استخدام نیروی کار براساس نهاد آموزشی



بر اساس نمودار ۱۰ حدود ۴۶/۵ درصد از نیروی کار استخدام شده در مراکز آموزش فنی حرفه ای دولتی آموزش دیده اند. این رقم برای آموزشگاههای آزاد به حدود ۱۱ درصد و برای آموزشگاههای وابسته به دولت به ۴ درصد می رسد.

نمودار ۱۰ نکته قابل تاملی را آشکار می‌سازد: بیش از ۳۸ درصد افرادی که استخدام شده‌اند فاقد هر گونه مهارت هستند. از یک سو عدم تخصص گرایی در بازار کار، تعقیب حداقل معیشت و تمایل به مشاغل واسطه‌گری و از دیگر سو نیاز مالی ساکنان منطقه و لزوم ورود سریع به بازار کار، تمایل این افراد به آموختن مهارت را کاهش داده است.

۶,۵. بازار کار به تفکیک بخش‌های اقتصادی

براساس آمار به دست آمده از مراکز کاریابی شهر زاهدان بیشتر افراد در بازار کار متقاضی مشاغل خدماتی هستند. به عبارت دیگر ۹۵ درصد افراد تمایل دارند در بخش خدمات مشغول به کار شوند، ۵ درصد متقاضی کار در بخش صنعت هستند و تقاضای کار در بخش کشاورزی وجود ندارد و در مجموع بخش کشاورزی شهر زاهدان علی‌رغم بنیه تولیدی در برخی زمینه‌ها غیرفعال بوده و تمایلی هم برای اشتغال در این زمینه‌ها وجود ندارد. از سوی دیگر با وجود نیروی کار مهارت دیده در زمینه‌های فنی، تمایل به اشتغال در بخش صنعت نیز بسیار محدود است. براساس اطلاعات موجود بخش خدمات همانند سایر مناطق کشور بیشترین متقاضی کار را به خود اختصاص می‌دهد. نمودار ۱۱ تمایلات نیروی کار در بخش‌های اقتصادی را نمایش می‌دهد.

نمودار ۱۱. تمایل متقاضیان به تفکیک بخش‌های اقتصادی



در سمت تقاضای بازار کار (نمودار ۱۲) بیشترین میزان تقاضا (۹۷ درصد) مربوط به بخش خدمات است و ۳ درصد باقی‌مانده نیز متعلق به بخش صنعت می‌باشد. نکته قابل توجه اینکه بخشی از نیروی کار عرضه شده در بخش صنعت به علت عدم وجود ظرفیت جذب، ناگزیر در بخش خدمات جذب می‌شوند؛ به طوریکه ۹۵ درصد کل عرضه نیروی کار مربوط به بخش خدمات است اما ۹۷ درصد افراد در بخش خدمات استخدام می‌شوند. این اختلاف ۲ درصدی توسط افرادی پر می‌شود که در اصل تمایل و توانایی کار در بخش صنعت را داشته‌اند.

مشاهده شهرک صنعتی زاهدان واقع در جاده زاهدان - میرجاوه موید وضعیت نابسامان بخش صنعت در زاهدان است. از ۱۴۰ واحد تولیدی موجود در این شهرک صنعتی تنها ۳۰ واحد فعال هستند و از این تعداد ۱۰ واحد با حدود ۸۰ درصد ظرفیت تولیدی و ۲۰ واحد زیر ۲ درصد ظرفیت تولیدی فعالیت می‌کنند. اگر چه فعالان بخش خصوصی سیاستهای کلان اقتصادی خصوصاً واردات مهارگسیخته و قانون کار را از دلایل اصلی وضعیت نابسامان صنعت در این استان می‌دانند اما مهارت ناکافی نیروی کار که نمی‌تواند به میزان حقوق و دستمزد (جبران خدمات نیروی کار) بازدهی داشته باشد از عوامل مهمی است که کارفرمایان و صاحبان واحدهای تولیدی بر آن تاکید می‌گذارند و یکی از علل نارضایتی از قانون کار را عدم تناسب حقوق و کارایی نیروی کار می‌دانند.

نمودار ۱۲. تقاضای نیروی کار به تفکیک بخش‌های اقتصادی



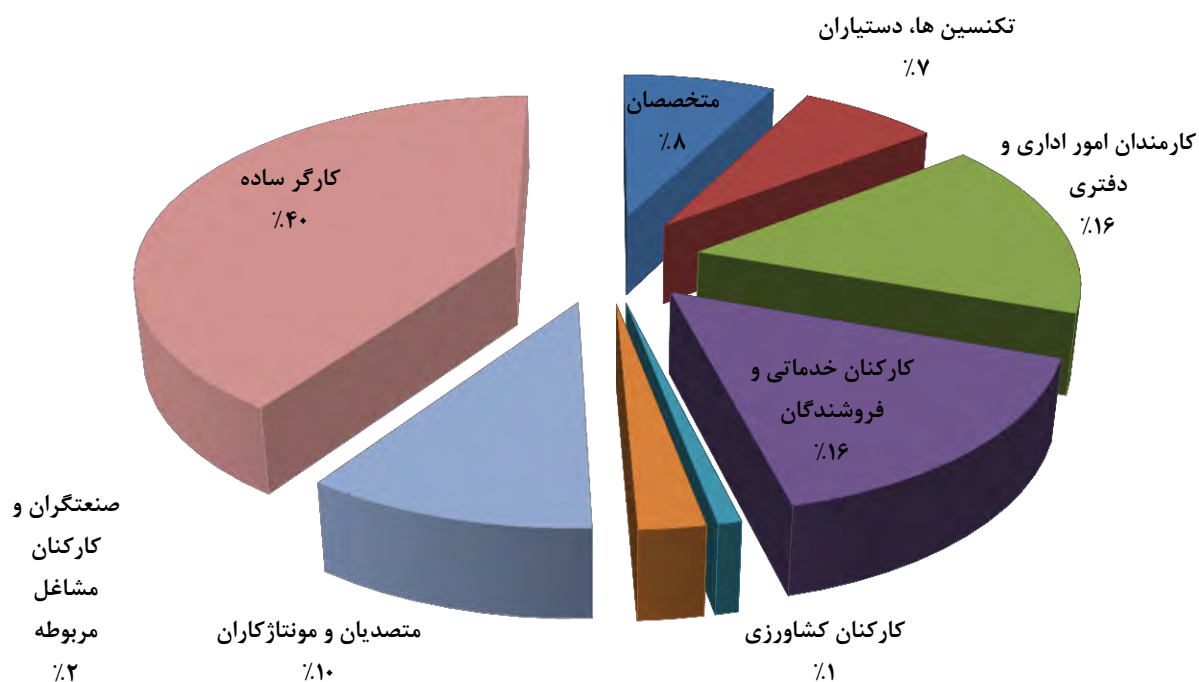
۶.۶. بازار کار به تفکیک گروه‌های عمده شغلی

با توجه به جدول ۶ و نمودار ۱۳ در راستای تائید خدمات محور بودن بازار کار، بیشترین تمایل نیروی کار نیز در گروه‌های شغلی خدماتی از جمله کارگر ساده (۴۰ درصد)، کارمندان امور اداری و دفتری (۱۶ درصد) و کارکنان خدماتی (۱۶ درصد) است. متصدیان و مونتاژکاران (۱۷ درصد)، متخصصان (۱۳ درصد) و تکنسین‌ها (۱۲ درصد) در رتبه‌های بعدی تمایلات نیروی کار به تفکیک گروه‌ها شغلی هستند. رتبه‌های آخر نیز به صنعتگران (۴ درصد) و کارکنان کشاورزی (۱ درصد) اختصاص می‌یابد.

جدول ۶. تمایل متقاضیان به تفکیک گروه‌های عمده شغلی

کارگر ساده	متصدیان و مونتازکاران	صنعتگران و کارکنان مشاغل مربوطه	کارکنان کشاورزی	کارکنان خدماتی و فروشنندگان	کارمندان امور اداری و دفتری	تکنسین ها، دستیاران	متخصصان
۴۰.۴۶	۱۰.۲۰	۲.۳۵	۰.۸۴	۱۵.۷۰	۱۵.۸۷	۶.۹۴	۷.۶۵

نمودار ۱۳. تمایل متقاضیان به تفکیک گروه‌های عمده شغلی

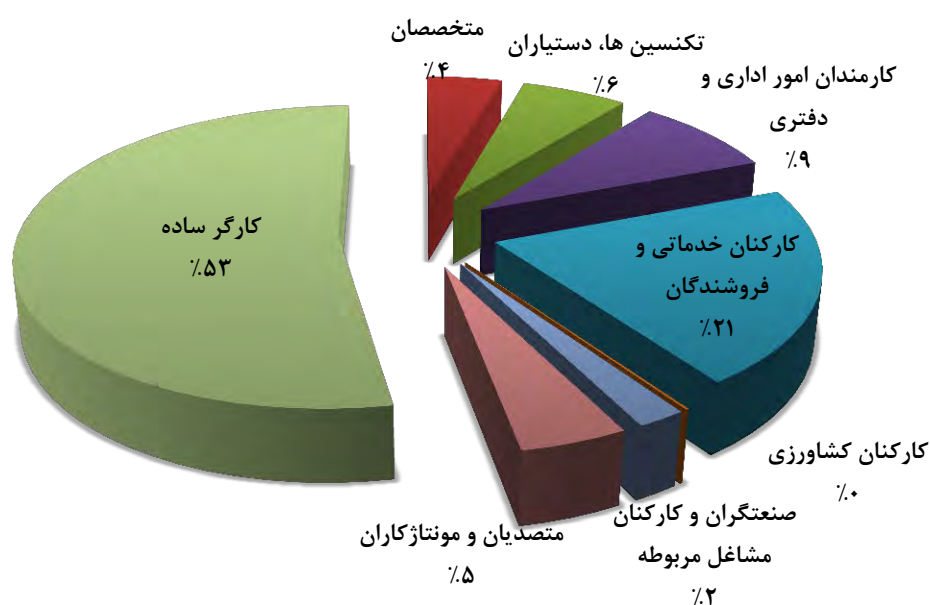


در نمودار ۱۴ نسبت تقاضا برای نیروی کار بر حسب گروه‌های عمده شغلی نمایش داده شده است. در سمت تقاضای نیروی کار، بر طبق اطلاعات موجود در مراکز کاریابی (جدول ۷)، بیشترین تقاضا متوجه نیروی کار غیرماهر (کارگر ساده) با سهم ۵۳ درصد است و بعد از آن تقاضا برای کارکنان خدماتی و فروشندگان با رقم ۲۱ درصد در رتبه بعدی قرار دارد. کارمندان امور اداری و دفتری با سهم ۹ درصد، تکنسین ها با سهم ۶ درصد، متصدیان و مونتازکاران با سهم ۵ درصد، متخصصان با سهم ۴ درصد و سرانجام صنعتگران با سهم ۲ درصد رتبه های بعدی را به خود اختصاص می دهند.

جدول ۷ تقاضای نیروی کار به تفکیک گروه های عمده شغلی

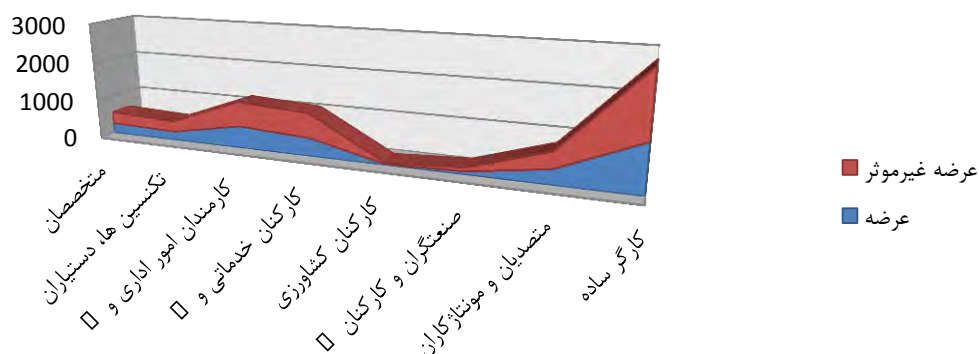
کارگر ساده	متصدیان و مونتازکاران	صنعتگران و کارکنان مشاغل مربوطه	کارکنان کشاورزی	کارکنان خدماتی و فروشندگان	کارمندان امور اداری و دفتری	تکنسین ها، دستیاران	متخصصان
۵۲.۹۵	۴.۵۹	۲.۱۰	۰.۱۳	۲۰.۹۷	۸.۵۲	۶.۲۹	۴.۴۶

نمودار ۱۴. تقاضای نیروی کار به تفکیک گروه های عمده شغلی



در مجموع براساس یافته های بازار کار، تقاضا برای نیروی کار نیمه ماهر و فاقد مهارت بیشتر از نیروی کار ماهر است و نیروی کار مهارت دیده با فرصت های شغلی محدودتری روبروست. همچنین عرضه نیروی کار فاقد مهارت و نیمه ماهر نیز بیش از نیروی کار ماهر است، از تلفیق این دو عنصر می توان شکاف بین عرضه نیروی کار و تقاضای نیروی کار را تحت عنوان عرضه غیرموثر به دست آورد. نمودار ۱۵ شکاف بین عرضه نیروی کار و تقاضای نیروی کار را برحسب گروه های عمده شغلی نشان می دهد.

نمودار ۱۵. شکاف عرضه و تقاضای نیروی کار بر اساس فرصت‌های شغلی مورد نیاز



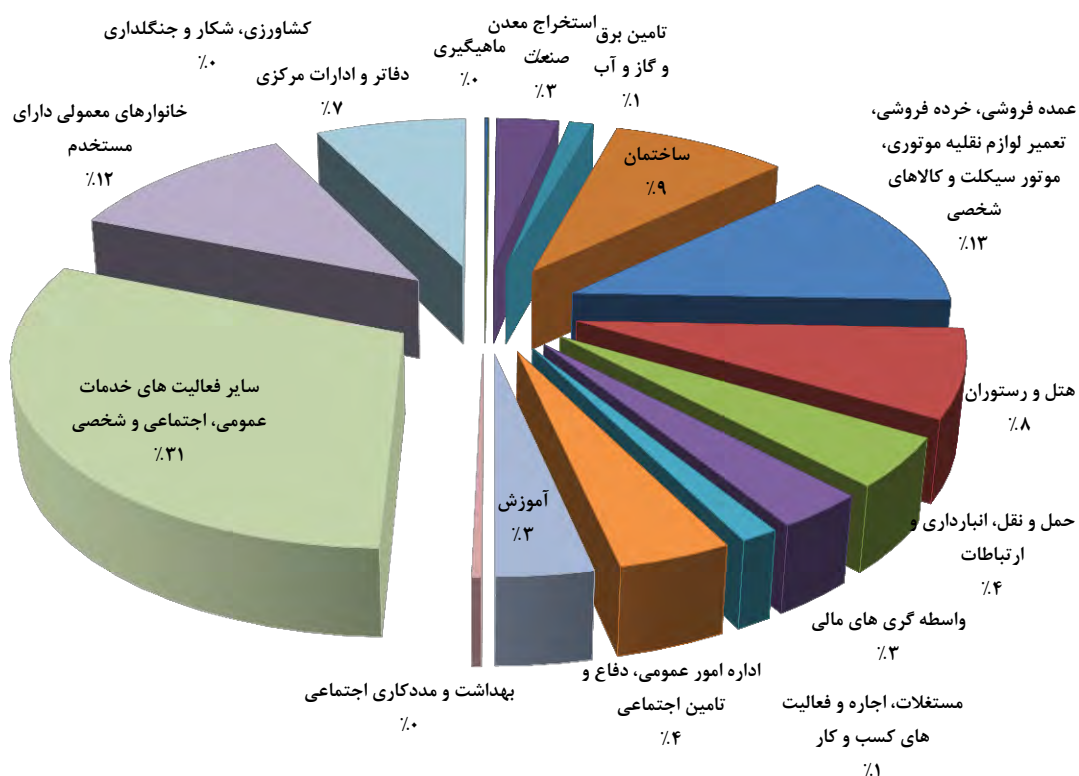
۶.۷. بازار کار به تفکیک گروه‌های فعالیت

بیشترین تمایلات نیروی کار بر حسب گروه‌های فعالیت معطوف به خدمات است. بر اساس نمودار ۱۶ خدمات عمومی (۳۱ درصد)، عمده فروشی، خرده فروشی، تعمیر لوازم نقلیه موتوری، موتور سیکلت و کالاهای شخصی (۱۳ درصد)، مستخدمان خانوارهای معمولی (۱۲ درصد)، بخش ساختمان (۹ درصد) به ترتیب بیشترین فراوانی عرضه نیروی کار را به خود اختصاص داده‌اند (جدول ۸).

جدول ۸. تمایل متقاضیان به تفکیک گروه‌های فعالیت

کشاورزی، شکار و جنگلداری	۰.۱۷
ماهگیری	۰
استخراج معدن	۰
صنعت	۳.۰۶
تأمین برق و گاز و آب	۱.۱۹
ساختمان	۸.۶۸
عمده فروشی خرده فروشی، تعمیر لوازم نقلیه موتوری، موتور سیکلت و کالاهای شخصی	۱۲.۵۱
هتل و رستوران	۷.۸۳
حمل و نقل، انبارداری و ارتباطات	۴.۳۳
پسند گری های مالی	۳.۲۳
مستزلات، اجاره و فعالیت های کسب و کار	۱.۳۶
انارمولور عمومی، دفاع و تأمین اجتماعی	۴.۰۹
آموزش	۳.۲۹
بهداشت و مددکاری اجتماعی	۰.۳۴
ساز فعالیت های خدمات عمومی، اجتماعی و شخصی	۳۰.۶۴
خانوارهای معمولی دارای مستخدم	۱۱.۵۷
دفاع و ادارات مرکزی	۷.۴۰

نمودار ۱۶. تمایل متقاضیان به تفکیک گروه‌های فعالیت

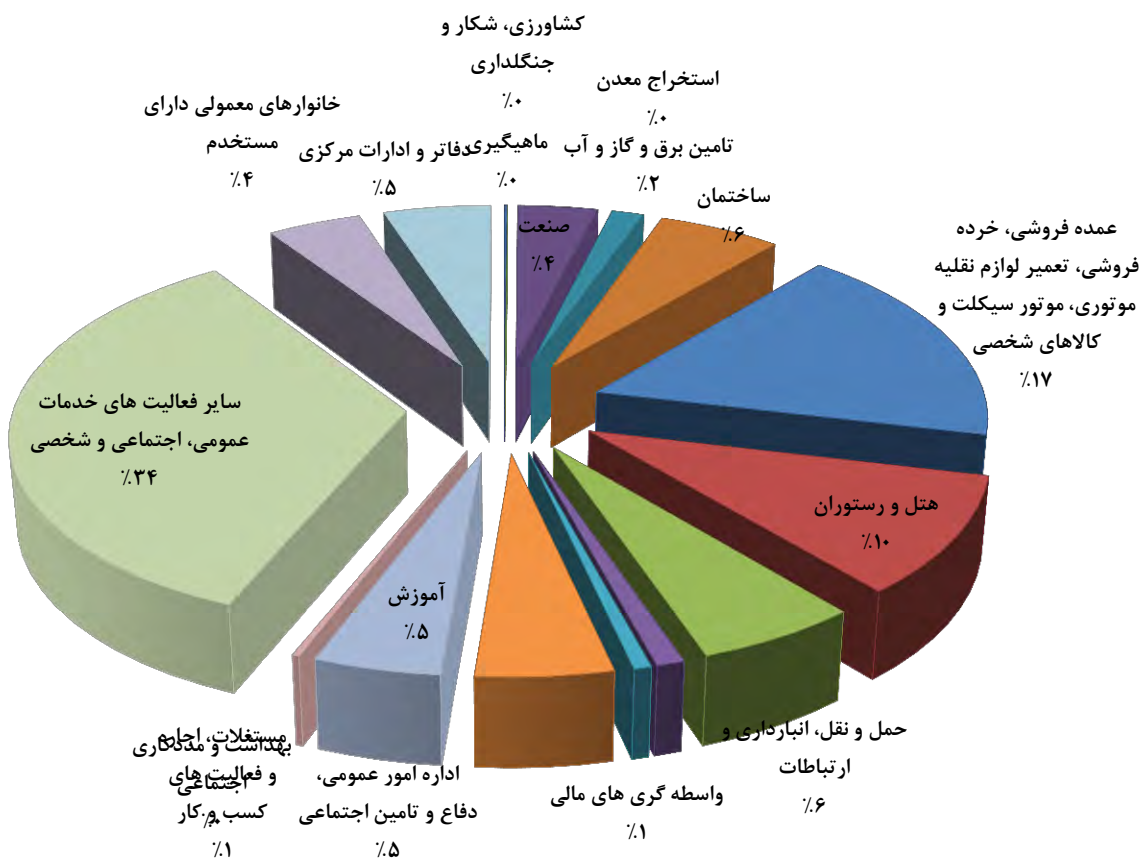


نمودار ۱۷ تقاضای نیروی کار را در گروه‌های مختلف فعالیت ترسیم کرده است. بر اساس جدول ۹ تقاضای نیروی کار نیز بر اساس اطلاعات موجود بیشتر در بخش خدمات متمرکز شده است. خدمات عمومی (۳۴ درصد)، عمده فروشی و خرده فروشی (۱۷ درصد)، هتل و رستوران (۱۰ درصد)، حمل و نقل، انبارداری و ارتباطات (۶ درصد) به ترتیب بیشترین فرصت‌های شغلی را به خود اختصاص داده‌اند.

جدول ۹. تقاضای نیروی کار به تفکیک گروه‌های فعالیت

کشاورزی، شکار و جنگلداری	۰.۱۴
ماهیگیری	۰
استخراج معدن	۰
صنعت	۴
تامین برق و گاز و آب	۲
ساختمان	۵.۷۹
عمده فروشی، خرده فروشی، تعمیر لوازم نقلیه موتوری، موتور سیکلت و کالاهای شخصی	۱۷.۴۸
هتل و رستوران	۱۰.۱۹
حمل و نقل، انبارداری و ارتباطات	۵.۹۱
واسطه گری های مالی	۱.۰۱
مستغلات، اجاره و فعالیت های کسب و کار	۰.۶۳
اداره امور عمومی، دفاع و تامین اجتماعی	۴.۹۱
آموزش	۴.۵۳
بهداشت و مددکاری اجتماعی	۰.۲۵
سایر فعالیت های خدمات عمومی، اجتماعی و شخصی	۳۴.۴۷
خانوارهای معمولی دارای مستخدم	۴.۴۰
دفاتر و ادارات مرکزی	۵.۰۳

نمودار ۱۷. تقاضای نیروی کار به تفکیک گروه‌های فعالیت



توجهات اساسی

برخی ویژگی‌های بازار کار شهر زاهدان که در سطور تحلیل و نماهای نموداری به صورت کاملاً برجسته به چشم می‌آیند، اجرای طرح مهارت آموزی در محلات هدف به عنوان بخشی از شهر زاهدان که از آسیب پذیری بیشتری رنج می‌برند را توجیه می‌کند.

۱) یکی از ویژگی‌های برجسته بازار کار شهر زاهدان **مرد محوری** است که این ویژگی‌ها با آمارهای به دست آمده در سطح استان و شهرستان در سال ۸۵ نیز دقیقاً انطباق دارد. اگرچه زنان سهم قابل توجهی در عرضه نیروی کار دارند، اما ماهیت مشاغل به گونه‌ای است که قابلیت لازم برای جذب زنان را فراهم نمی‌کند و به رغم آنکه ۴۳ درصد از مراجعان به مراکز کاریابی، زن و ۵۷ درصد مرد بوده‌اند، بازار کار شهر زاهدان، جذب ۲۸ درصد زن و ۷۲ درصد مرد را در کارنامه دارد. شایان ذکر است که برخی بسترهای مساعد در قالب شغل‌های جدید نظیر عکاسی و کار با رایانه، زمینه را برای حضور زنان در بازار کار فراهم کرده‌اند که هم از انتخاب بر اساس تقسیم کار سنتی زنان همانند خیاطی و آرایشگری فاصله دارند و هم تا نقطه اشباع فاصله زیادی دارند. بنابراین چنین مهارت‌هایی می‌تواند راه را برای جذب بخش قابل توجهی از ظرفیت فعال در بازار کار، هموار سازد.

۲) ممیزه دیگر بازار کار زاهدان **خدمات محوری** آن است. اعلام تمایل ۹۵ درصدی متقاضیان به اختیار کردن مشاغل خدماتی در سمت عرضه و میل بازار کار به جذب ۹۷ درصدی جویندگان کار در مشاغل خدماتی در سمت تقاضا حاکی از یک توافق ناگفته و شکل‌بسته میان نیروی کار از یک سو و مدیریت صنفی-کارفرمایی از دیگر سو است. اگرچه خدمات محور بودن بازار کار فی نفسه ویژگی منفی بازار کار به شمار نمی‌آید اما کیفیت این خدمات نیز از اهمیت برخوردار است. به رغم آنکه آمارهای جزئی و با دقت بالا در خصوص زیرمجموعه بخش خدمات در دست نیست اما مشاهده عینی از این منطقه نشان می‌دهد که بخش خدمات از کیفیت نازلی برخوردار است. بنابراین می‌توان از طریق آموزش مهارت به نیروی کار فعال در این بخش به توسعه کیفی مشاغل خدماتی کمک کرد.

۳) بخش صنعت و تولید نیز با وجود ظرفیت‌های خالی و امکان فراوان (تصاویر شماره ۱ و ۲)^{۶۲} برای جذب نیروی کار، قربانی سیاست‌های کلان بوده و هر روز از سهم تولید و اشتغال معطوف به آن از اقتصاد زاهدان کاسته می‌شود. فارغ از آثار ویرانگر سیاست‌های کلان اقتصادی خصوصاً واردات لجام گسیخته محصولات بی‌کیفیت با قیمتهای ارزان به این منطقه، فعالان و کارفرمایان بخش خصوصی، قانون کار را مقصر شماره دو شکست تولید و صنعت در این منطقه می‌دانند. آنها بر این باورند که کیفیت نیروی کار به لحاظ مهارت و دانش در حدی

^{۶۲} تصاویر شماره ۱ عدم استفاده از تجهیزات نصب شده در کارخانه های کابین سازی و یخچال سازی را نشان می دهند و در تصاویر شماره ۲ قلاب های حامل یخچال در اتاق رنگ نمایان است که به دلیل عدم بکارگیری تارنکبوت بسته اند.

گزارش نهایی طرح

توسعه مهارت‌های پایه در سکونتگاه‌های غیررسمی شهر زاهدان

نیست که بتواند هزینه های تحمیل شده را پوشش داده و ارزش افزوده برای واحد تولیدی به همراه داشته باشد. این امر تلاش برای اجرای طرح مهارت آموزی را توجیه می کند زیرا کارفرمایان و فعالان بخش خصوصی قانون کار را از آن جهت تحمیلی می‌دانند که نیروی کار به آن اندازه که برای کارفرما هزینه در بردارد، کارایی نداشته و دستمزدش بیشتر از تولید نهایی وی می‌باشد و توانایی های مهارتی کارگران می تواند تا حدود زیادی این خلا را پر کند. به عبارت خلاصه تر، جذب ۳ درصد نیروی کار در بخش صنعت گویای امکان ظرفیت سازی محدود در این بخش با اتکا به نیروهای مهارت آموخته است.

تصاویر شماره ۱





۴) بخش کشاورزی در این شهر علی‌رغم وجود زمینه‌های رشد، غیرفعال و تقاضا در این بخش بسیار پائین و نزدیک به صفر است. بنابراین برخی زمینه‌های مساعد بخش کشاورزی می‌تواند برای انتخاب دوره‌های آموزشی متناسب با آن به عنوان یک فرصت اشباع نشده مورد توجه قرار گیرد.

۵) عرضه نیروی کار نیمه ماهر و فاقد مهارت در بازار کار بالاست و در سمت عرضه، تنها ۵۴ درصد متقاضیان از مهارت فنی برخوردارند. در همین حال تقاضای بازار کار شهر زاهدان نیز، نیروی کار غیرماهر جذب می‌کند. نسبت کارگران غیرماهر جذب شده در بازار کار به کل نیروهای جذب شده، ۵۳ درصد است. چنانچه کارکنان خدماتی و فروشندگان را که آنان نیز از مهارتی برخوردار نیستند و ۲۱ درصد نیروی کار جذب شده را شامل

می شوند به آن اضافه کنیم، مجموع نیروهای فاقد مهارت جذب شده به بازار در سطح ۷۴ درصد، خود می‌نمایانند. این افراد می‌توانند تحت پوشش طرح مهارت آموزی قرار گیرند زیرا بالقوه قادرند پایگاهی برای تجهیز به مهارت‌های مورد نیاز در بازار کار باشند.

۶) بازار کار زاهدان به طور عام توان جذب نیروی کار تحصیلکرده را ندارد. عدم جذب نیروی کار تحصیلکرده نشان از آن دارد که بازار کار زاهدان بیشتر به مهارت‌های فنی نیاز دارد تا آموزش های آکادمیک. سهم قابل توجه افراد استخدام شده دارای مهارت فنی - حرفه ای چنین آشکار می‌سازد که این منطقه بیش از تمرکز بر تحصیلات آکادمیک که به زمان و هزینه بیشتری نسبت به دوره های آموزش فنی حرفه ای نیاز دارد و محتاج تمرکز بر آموزش های فنی حرفه ای است که با مدت زمان کمتری افراد را به بازار کار گسترده تر و فرصت‌های شغلی بهتر نزدیک می‌کند. با عنایت به آنکه ۴۶/۵ درصد از نیروی کار استخدام شده در بازار کار زاهدان، در مراکز آموزش فنی- حرفه‌ای دولتی، مهارت آموخته‌اند، این مرکز از نوعی وزانت و مرجعیت در حوزه آموزش برخوردار است.

تحلیل ۲۸۰ فرم کاریابی منتخب از مراکز کاریابی با استفاده از نمونه گیری

توضیح آغازین

گرچه داده‌های استخراج شده از "فرم ارائه عملکرد ماهانه کاریابی‌های غیردولتی" و سرریز آن‌ها به ظرف تحلیل، ما را نسبت به تمایلات "سمت عرضه" و واقعیات "سمت تقاضا"ی بازار کار منطقه آگاه و تا حد امکان مشرف خواهد کرد، اما فرم اولیه تقاضای ثبت شده توسط متقاضیان کار نیز با تاکید و توجه ویژه بر داده‌هایی چون:

- تفکیک جنسیتی متقاضیان
- موقعیت تحصیلی متقاضیان
- طول مدت بیکاری
- درآمد مورد انتظار
- تمایل به آموختن مهارت

از نمایی دیگر، ما را از وضعیت و گرایش‌های متقاضیان کار مطلع خواهد ساخت. به ویژه آنکه بخشی از این متقاضیان، ساکنان محلات هدف طرح هستند.

تحلیل کلی داده‌های مربوط به ۲۸۰ فرم کاریابی منتخب از ۳ مرکز کاریابی خصوصی شهر زاهدان که ۷۰ مورد آن توسط ساکنان محلات هدف پر شده است، کمک کار تحلیل فرم‌های پردازش‌یافته و رسمی پیش یاد شده، تلقی می‌شود و موقعیت‌ها و گرایش‌های متقاضیان کار را شفاف‌تر می‌سازد.

با هدف دستیابی به ویژگی‌های اقتصادی و تمایلات شغلی جامعه هدف در طرح توسعه مهارت‌های پایه در سکونتگاه‌های غیررسمی شهر زاهدان، ۲۸۰ فرم تقاضای ثبت شده در ۶ ماهه اول سال ۸۸ از ۳ مرکز کاریابی مستقر در شهر زاهدان به طور تصادفی انتخاب و اطلاعات آن‌ها در قالب داده‌های زیر از فرم‌ها استخراج شد:

سن، محل سکونت، سطح سواد، طول مدت بیکاری، درآمد درخواستی، تمایلات مهارتی.

داده‌های استخراج شده، در دو سطح تنظیم شده است: سطح نخست که کلیه اطلاعات را به عنوان یک نمونه تصادفی مورد تحلیل قرار می‌دهد و سطح دوم که اطلاعات مربوط به ساکنان سکونتگاه‌های غیررسمی غربال شده از این نمونه تصادفی، را مورد بررسی قرار می‌دهد.

سطح اول – تحلیل کلی اطلاعات مربوط به ۲۸۰ فرم کاریابی منتخب

۱.۱ ملاحظات جنسی و سنی

نسبت فرم‌های پر شده توسط زنان و مردان به کل فرم‌های منتخب به ترتیب ۴۱ درصد و ۵۹ درصد است. این ارقام موید این فرضیه است که میزان عرضه نیروی کار به تفکیک زن و مرد در بازار کار شهر زاهدان به یکدیگر نزدیک است. نمودار ۱۸ این نسبت را به تصویر کشیده است.

نمودار ۱۸. نسبت فرم‌های پر شده توسط زنان و مردان به کل

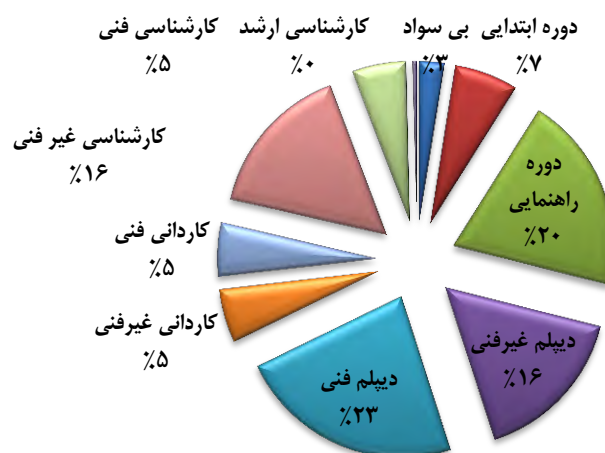


تفکیک این نمونه‌های تصادفی به گروه‌های سنی نمی‌تواند اطلاعات مفیدی در اختیار قرار دهد اما نکته قابل توجه، متوسط سن کارجویانی است که این فرم‌ها را پر کرده‌اند. این میانگین، ۲۶ سال است که نشان از جوانی نیروی کار در بازار کار شهر زاهدان دارد.

۱,۲ وضعیت تحصیلی کارجویان

نمودار ۱۹ وضعیت تحصیلی کارجویان را نشان می‌دهد. براساس این نمودار بیشترین افرادی که به مراکز کاریابی مراجعه داشته‌اند دارای دیپلم فنی (۲۳ درصد) بوده‌اند. در همین حال دیپلم غیرفنی سهمی معادل ۱۶ درصد را داراست. سطح حداکثری تحصیلات مراجعه‌کنندگان نیز مدرک کارشناسی و تنها یک نفر از ۲۸۰ مورد، مدرک کارشناسی ارشد (غیر فنی) داشته‌است.

نمودار ۱۹. وضعیت تحصیلی کارجویان



از میان افرادی که مدرک تحصیلی آن‌ها، مدرک کارشناسی (۲۱ درصد) است، تنها ۵ درصد مدرک کارشناسی فنی داشته‌و ۱۶ درصد بقیه، مدرک کارشناسی غیرفنی دارند. صاحبان مدرک فوق دیپلم فنی و غیر فنی هر یک ۵ درصد سهم را به خود اختصاص می‌دهند و ۲۰ درصد افراد نیز تحصیلاتشان تا سطح سوم راهنمایی است. سهم بی‌سوادان تنها ۳ درصد و آنان که دوره ابتدایی را سپری کرده‌اند نیز ۷ درصد کل نمونه‌ها را تشکیل می‌دهند.

۳,۱ طول مدت بیکاری

حدود ۱۰۰ نفر از ۲۸۰ نفری که فرم‌ها را پر کرده بودند به سؤال "طول مدت بیکاری؟" پاسخ گفته‌اند. بر همین اساس، متوسط مدت بیکاری این طیف از افراد ۱۰ ماه رقم خورده‌است. این میانگین نشان از توان پایین جذب بازار کار دارد. اما این نکته نباید از نظر دور بماند که رابطه معکوسی میان میزان مهارت و طول مدت بیکاری وجود دارد. نگاهی گذرا نشان می‌دهد اغلب این افراد از مهارت و سواد پایینی برخوردارند. اگرچه در مقاطع تحصیلی بالاتر از دیپلم نیز سیر صعودی مدت بیکاری تکرار می‌شود.

۴,۱ درآمد مورد انتظار

نزدیک به ۵۰ نفر از ۲۸۰ نفر متقاضی کار که در این نمونه‌های تصادفی قرار دارند به پرسش درآمد مورد انتظار پاسخ داده‌اند. بر همین اساس، متوسط درآمد درخواستی افرادی که به مراکز کاریابی مراجعه می‌کنند ۲۲۶۶۰۰۰ ریال

است. نکته قابل توجه آن که رقم متوسط درآمد درخواستی که انتظارات درآمدی نیروی کار منطقه را نشان می دهد، اندکی کمتر از حداقل دستمزد مصوب (حدود ۲۷۰۰۰۰۰ ریال) است.

۵,۱ تمایل به مهارت آموزی

حدود نیمی از ۲۸۰ نفر کارجویی که نمونه های تصادفی ما را تشکیل می دهند به سؤال "آیا به آموختن مهارتی تمایل دارید" پاسخ گفته اند. از این تعداد، ۶۴ درصد تمایل به آموختن مهارت دارند و ۳۶ درصد نیز به این سؤال پاسخ منفی داده اند.

محل اطلاع است که این افراد، رشته هایی چون کامپیوتر و حسابداری و همچنین جوشکاری را به عنوان تمایلات مهارتی خود اعلام کرده اند.

سطح دوم – اطلاعات مربوط به ساکنان سکونتگاههای غیررسمی

از مجموع ۲۸۰ فرم نمونه، ۷۰ فرم توسط ساکنان سکونتگاههای غیررسمی پر شده است که حدود ۲۸ درصد از کل حجم نمونه را تشکیل می دهند. این رقم حاکی از آن است که از هر ۴ نفر مراجعه کننده به مراکز کاریابی ۱ نفر از ساکنان محلات هدف طرح بوده است که خود، سهم قابل توجهی به شمار می آید و نشان از تمایل این افراد برای حضور در بازار کار رسمی شهر زاهدان دارد. در ادامه به بررسی کیفیت و ویژگی های این گروه از نیروی متقاضی کار خواهیم پرداخت.

۱,۲ ملاحظات جنسی و سنی

همانطور که در نمودار ۲۰ ملاحظه می کنید نسبت مراجعه زنان و مردان ساکن سکونتگاههای غیررسمی به مراکز کاریابی شهر زاهدان به ترتیب ۳۲ درصد و ۶۸ درصد است. این نسبت نشان از وجود موانع یا عدم تمایل هایی در میان زنان ساکن این مناطق دارد. با این حال نسبت سه به یک مراجعان مرد به مراجعان زن، با عنایت به حساسیت های فرهنگی موجود در این مناطق، به طور کلی مطلوب به نظر می رسد.

نمودار ۲۰. نسبت مراجعه زنان و مردان ساکن در سکونتگاههای غیررسمی

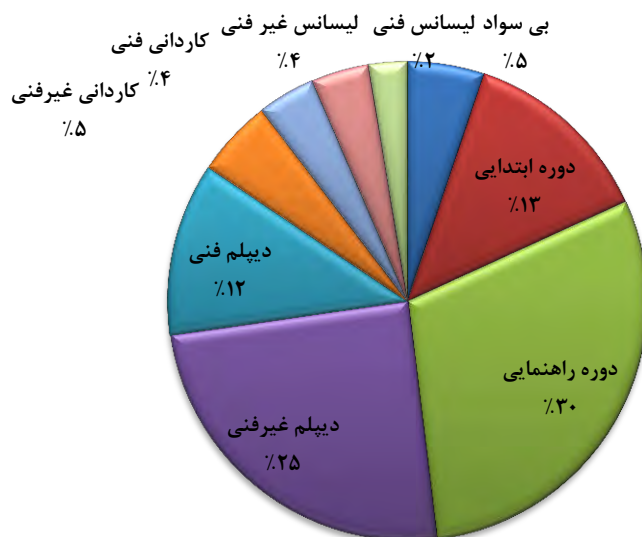


با این حال منطقه هدف، نیازمند توجه بیشتر به زنان و تقویت نقش اقتصادی و اجتماعی آن‌هاست. مهارت‌آموزی می‌تواند تا حدودی به تحقق این مهم کمک کند و نقش اقتصادی - اجتماعی زنان منطقه را بارزتر سازد. متوسط سن کارجویانی که از سکونتگاه‌های غیررسمی به مراکز کارایی مراجعه کرده‌اند، ۲۵ سال است که حاکی از جوانی نیروی کار ساکن در این سکونتگاه‌ها است. این امر، فضای مساعدی برای اجرای پروژه مهارت‌آموزی فراهم می‌آورد زیرا جوانان، بیش از سایر گروه‌های سنی، دارای انگیزه و توان مشارکت در دوره‌های آموزشی اند.

۲،۲ میزان تحصیلات

یکی از شاخص‌های مهمی که میزان آمادگی و توان افراد در فراگیری مهارت را نشان می‌دهد سطح تحصیلات آنان است. نمودار ۲۱ وضعیت تحصیلی کارجویان ساکن در سکونتگاه‌های غیررسمی را نشان می‌دهد. بیشترین فراوانی متعلق به سطح تحصیلی سوم راهنمایی است که ۳۰ درصد افراد را در بر می‌گیرد. دیپلم غیرفنی با سهم ۲۵ درصدی، رتبه دوم را به خود اختصاص می‌دهد. دوره ابتدایی با سهم ۱۳ درصدی و با اختلافی ناچیز، از دیپلم فنی با سهم ۱۲ درصد پیشی می‌گیرد. پس از آن، دارندگان فوق دیپلم غیرفنی و طیف بی سوادان به طور مشترک با سهم ۵ درصدی رتبه بعد را به خود اختصاص می‌دهند. صاحبان لیسانس غیر فنی و فوق دیپلم فنی هر یک ۴ درصد و لیسانس فنی ۲ درصد حجم کل نمونه را تشکیل داده اند.

نمودار ۲۱. وضعیت تحصیلی کارجویان سکونتگاه‌های غیررسمی



نتایج به دست آمده نشان می‌دهد که اغلب افراد، سطح تحصیلی مورد نیاز برای آموختن مهارت‌های فنی را دارا هستند. به عبارت دیگر ۸۲ درصد افراد که دارای تحصیلات دوره راهنمایی به بالا هستند توانایی آموختن اغلب مهارت‌ها را دارند.

توجهات اساسی

اگرچه ویژگی‌های عام نیروی کار ساکن در این مناطق جدا از ماهیت و کیفیت نیروی کار شهر زاهدان نیست اما برخی نکته ویژه‌ها، جلب نظر می‌نمایند:

- ۱) سطح مشارکت زنان در بازار کار سکونتگاه‌های غیررسمی نسبت به شهر زاهدان کاهش می‌یابد.
- ۲) جوانی بازار کار در سکونتگاه‌های غیررسمی تشدید می‌شود.
- ۳) سطح تحصیلات نسبت به متوسط آمارهای تحصیلی شهر زاهدان کاهش یافته است اما از این جهت که اغلب افراد ساکن در این مناطق به ویژه جوانترها، دارای حداقل تحصیلات دوره راهنمایی اند، خود امیدوار کننده است.

ضرورت‌های پیش رو؛

- چنانچه مدار دوم را به عنوان وسیع ترین و پرداده ترین مدار در میان مدارهای شناسایی های چهارگانه قلمداد کنیم، داده های آن را بس معنادار خواهیم یافت.
- در این عرصه، "جویندگان" کار به طور عمده (بیش از نیم) از نیروهای بی مهارت تشکیل شده و "جذب کنندگان" نیز حدود سه چهارم نیروی کار مورد نیاز خود را از میان فاقدان مهارت، بر می‌گزینند. در چنین شرایطی، آموزش "مهارت" از ضرورتی ویژه برخوردار است.
- بازار کار غیرتخصصی شهر زاهدان، چنانچه طیف قابل توجهی از نیروهای مهارت آموخته را در مقابل خود ببیند، به طور طبیعی ضریب جذب بالاتری را در مواجهه با آنان پدیدار خواهد ساخت.
- با توجه به دافعه مدیریت کارفرمایی و صنفی شهر زاهدان به نوع رفتار و محاوره ساکنان محلات هدف، ارائه آموزش های جانبی برای طیفی از مهارت آموزان طرح برای کسب جایگاه در بازار کار شهر، ضروری است.
- نیمی از متقاضیان مراجعه کننده به مراکز کارپایی در گروه سنی ۱۵-۲۵ سال قرار دارند و اغلب استخدام‌شدگان نیز در همین گروه سنی واقعند. از سویی حدود ۷۰ درصد از داوطلبان محلی حضور در طرح آموزش مهارت‌های پایه در همین رده سنی‌اند. طراحی دوره های آموزشی می‌باید با دقت بر جوان بودن بخش مهمی از ذینفعان، صورت پذیرد.
- وجود ۷۰ متقاضی در میان ۲۸۰ متقاضی کار که به صورت نمونه تصادفی از میان متقاضیان مراجعه کننده به مراکز کارپایی زاهدان برگزیده و داده های اطلاعاتی آنان مورد تحلیل قرار گرفته است، ساکنان محلات هدف طرح‌اند.
- این داده، خود حاکی از گرایش بخشی از نیروی کار محلات هدف برای الحاق به حوزه اقتصاد رسمی است.
- بازار کار شهری زاهدان در عین مردم‌محوری، فضاهایی برای پذیرش و جذب زنان مهارت آموخته دارد که طرح می‌باید به کشف فضاها مبادرت ورزد.
- داوطلبان دیپلم به بالا برای حضور در طرح، چنانچه به مهارتی مجهز شوند، نیروهای راه باز کن محلات در اقتصاد شهری قلمداد می‌شوند.

واکاوی بازارهای محلی

این بخش با استفاده از مشاهدات هدفمندی که در پی مراجعات متعدد و مصاحبه‌های چهره به چهره با ساکنان محلات صورت گرفته به رشته تحریر درآمده و هدف از آن استخراج مهارت های مورد نیاز از دید افراد محلی و مشاهده کمبودهای عینی است.

در نخستین مشاهدات بازارهای غرفه‌ای غیرمتشکل توجه را به خود جلب می‌کند. این بازارها به لحاظ اندازه و گستره مبادلات در محلات مختلف با یکدیگر متفاوت هستند اما مبادلات خرد مقدار معیشت گذران از ویژگی همه این بازارهاست. این بازارها در زمین های مسطح بزرگی برگزار می شوند و افراد به خرید مایحتاج خود می‌پردازند.

بنگاه های اقتصادی با مقیاس کوچک نیز بخش دیگر از احتیاجات را بر طرف می‌سازند. این مغازه ها حداکثر زمینه اشتغال سه نفر را فراهم کرده و به صورت خانوادگی و حداکثر فامیلی اداره می شوند. مغازه های کوچک و پراکنده نیازهای کالایی (اغلب کالاهای مصرفی) نظیر خوار و بار و میوه و نیازهای خدماتی از قبیل تعمیر یخچال، جوشکاری درب و پنجره، تعویض روغن، تعمیر خودرو و عکاسی ساکنان محلات را برطرف می کنند. در این سطح که نمود بیرونی دارد بافت اصلی کسب و کار ماهیت مردانه دارد و گاه زنان سالمندی نیز غرفه های موقتی را اداره می کنند.

برخی مشاغل نظیر تعمیر موبایل و خدمات کامپیوتر به تازگی در این محلات با اقبال جوانان روبرو شده‌اند که ظاهری نه چندان مدرن داشته و سطح مهارت در آن ها پایین است. در این میان زنان نیز در فضاهایی که کمتر نمود بیرونی دارند و تنها تابلوها و پرده نوشته ها معرف آن ها هستند به فعالیتهایی نظیر آرایشگری، خیاطی و فروش لباس‌های زنانه مشغول هستند. مشاغلی همچون سوخت‌فروشی و آب‌فروشی نیز در میان پسران نوجوان و برخی مردان رواج دارد که گاه مخاطراتی را برای آن ها به همراه می‌آورد.

در میان غرفه های بازارهای غیرمتشکل، قفسه های مرغ زنده توجه را به خود جلب می کند و از شلوغترین قسمت های بازار به شمار می رود. در کنار این قفسه ها، ذبح مرغ به صورت غیربهداشتی انجام می‌گیرد و به فروش رسانده می شود. زمین های وسیعی نیز به نگهداری و ذبح گوسفند به صورت غیربهداشتی اختصاص یافته است. اگرچه نگرش‌های مذهبی خاص باعث تشکیل چنین بازاری شده است اما بسیاری افراد به مخاطرات بهداشتی آن واقف هستند.

در یک جمع بندی می‌توان گفت مهارت پایین، روش استاد - شاگردی و پدر - پسری در راه اندازی مشاغل و فقدان روحیه گسترش کسب و کار از ویژگی های اصلی بازارهای محلات هدف طرح است. بر این اساس در تعیین نیازهای مهارتی محلات هدف باید دو نکته مورد توجه قرار گیرند:

✓ مهارت ها به گونه ای طراحی شوند که به ارتقای وضعیت معیشت بیانجامند

✓ مهارت ها به گونه ای طراحی شوند که به بهبود محیط زیست و بهداشت در محلات هدف بیانجامند

مهارت هایی که به ارتقای معیشت می انجامند به شدت وابسته به تقاضای نیروی کار در مناطق شهری است اما مهارتهایی که به بهبود محیط زیست و بهداشت می‌انجامد در ارتباط با کیفیت زندگی در محلات است. نمونه های برجسته این امر حجم وسیع زباله رها شده در سطح محلات است که می تواند از طریق بازیافت منجر به ایجاد درآمد از

گزارش نهایی طرح

توسعه مهارت‌های پایه در سکونتگاه‌های غیررسمی شهر زاهدان

یک سو و بهبود محیط زندگی از دیگر سو بیانجامد. ذبح غیربهداشتی گوشت و مرغ که در این محلات رواج دارد نیز از دیگر تهدیدهایی است که می‌تواند به فرصت تبدیل شود.

کسب مهارت در اموری نظیر آسفالت ریزی و جدول چینی و همچنین باغبانی می‌تواند به تغییر سیمای محلاتی بیانجامد که اغلب معابر آن خاکی است و از فضای سبز مورد نیاز برخوردار نیست.



فصل نهم؛

مداخله؛

مدل، استراتژی و روند عملیاتی

براساس شرح خدمات تفصیلی و برنامه عملیاتی زمانمند " طرح توسعه مهارت های پایه در سکونت‌گاه‌های غیررسمی شهر زاهدان " مرحله اول اجرای طرح به «شناخت وضع موجود و آماده سازی» برای عملیات طرح اختصاص یافت. در این مرحله، به منظور آماده سازی و بازشناسی محل، فعالیت‌هایی چند از جمله :

- مطالعه و بررسی ویژگی های جمعیتی و نیروی انسانی سکونتگاه ها
- مطالعه و بررسی اجمالی ویژگی های اقتصاد محلی شامل فعالیت های اقتصادی، کسب و کارهای موجود، اشتغال و بیکاری و سطح درآمد خانوار
- مطالعه و بررسی اجمالی موقعیت اجتماعی و فرهنگی سکونتگاه ها
- شناسایی آموزش‌های مهارتی موجود در سطح جامعه مورد نظر با رویکرد آموزش فنی و حرفه ای (دولتی، خصوصی)
- تحلیل وضعیت سکونتگاه ها از نظر کالبدی

مدنظر قرار گرفت.

بطور کلی گستردگی جامعه هدف در طرح های توانمندسازی و تعدد عوامل جغرافیایی، تاریخی، محیطی و انسانی درونی‌اش، " شناخت " آن جامعه را پیچیده و غامض می‌کند. از آنجا که مجموعه شناسایی‌ها، لازمه گریزناپذیر طراحی، برنامه‌ریزی و ترسیم نقشه راه برای مداخله در مسیر اهداف طرح اند، برای عبور از این پیچیدگی، کسب شناخت دقیق از جامعه هدف را می‌باید مرحله بندی کرد. بدیهی است که در هر مرحله از شناسایی‌ها، یافته‌ها دقیق تر، عمیق تر و جامع تر شده، و از قابلیت تحلیلی افزونتری برخوردار خواهند شد تا آنجا که پژوهشگران را به شناخت تا حد امکان واقعی، رهنمون خواهند کرد.

در ادبیات و عملیات توانمندسازی، سطح اول از روند شناسایی ها به **ارزیابی سریع** موسوم است. ارزیابی سریع در یک مدت زمان کوتاه و با تکیه بر تکنیک و ابزار مصاحبه عمیق و نیز مشاهدات تا حد امکان دقیق، داده‌هایی را تجمیع می‌کند که امکان تصمیم گیری های مرحله ای را فراهم می‌سازد. روش ارزیابی و پاسخ سریع، یک روش کیفی، سریع و مبتنی بر جامعه است و کارکرد نهایی آن، دستیابی به **استراتژی مداخله** در محلات هدف است.

در طرح "**توسعه مهارت های پایه در سکونتگاه های غیررسمی شهر زاهدان**" ، در مرحله ارزیابی سریع، پرسش‌های اساسی مشتمل بر پنج مدار مطرح شد:

- ویژگی های اصلی محلات هدف (اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی، قومی- مذهبی، جمعیتی ...)
- استراتژی های معاش (سطح درآمد، مشاغل فعلی، راه های کسب درآمد...)
- دینفعان عام طرح
- ساختار قدرت محلی
- فرصت ها و محدودیت های موجود بر سر راه اجرای طرح

به منظور پاسخگویی به این پرسش‌ها، گفتگوهای مقدماتی با طیف نخست از مطلعان محلی اعم از شهرداران محله، رابطین بهداشت، C.B.O ها و N.G.O های محلی، گروه داوطلبان محلی و ... انجام پذیرفت و سطح جامعه هدف نیز با پدیدارهای گوناگون آن شامل ریخت شناسی، کالبدشناسی، زیربناها، امکانات، روحیات و رفتارهای اهالی و ... مورد دقت مشاهداتی قرار گرفت. در انتها یافته‌های تجميع شده اعم از داده‌های برگرفته از مصاحبه‌ها و مشاهده‌ها، گام‌های بعدی گروه را مشخص ساخت و زمینه‌های لازم جهت تدوین گزارش ارزیابی سریع را فراهم آورد.



گفتگو با شهردار محله‌های پشت گاراژ



گفتگو با شهردار محله کارخانه نمک و فعال محلی شیرآباد

در پی انجام بازبینی‌های اولیه محلات هدف و تنظیم و ارایه «گزارش/ارزیابی سریع»، تنظیم «استراتژی اطلاع رسانی» به منظور برقراری ارتباط با محلات هدف و ورود به آنها از اولویت‌های اصلی مجری و همکاران قلمداد می‌شد. از این رو مولفه‌های اصلی استراتژی اطلاع‌رسانی و چگونگی ورود به محلات، در ۵ محور مورد توافق گروه قرار گرفت:

- روش اطلاع رسانی بگونه‌ای باشد که دسترسی به تمامی گروه‌های هدف را تسهیل کند.
- اطلاع رسانی نقطه شروع و مبنای مناسبی برای اتصال به گروه‌ها و ایجاد اعتمادسازی در آنان قلمداد شود.
- سطوح اطلاع رسانی، متناسب با شرایط و جایگاه طیف‌های مخاطبان طراحی شود.
- اطلاع رسانی باعث ایجاد کشمکش در قدرت‌های محلی نشود.
- در جریان اطلاع رسانی از نیروهای محلی در جایگاه مشخص و متناسب با اهداف طرح استفاده شود.

در همین ارتباط چند پرسش اساسی پیش‌روی واقع بود:

- کدام محله به عنوان محله اول انتخاب شود؟
- با چه کسانی به عنوان همراهان محلی پیش رویم؟ و چگونه؟
- نحوه و روش اطلاع رسانی ما بهتر است چه باشد؟
- چه مسائل و تنگناهایی ممکن است طرح را تحت تأثیر خود قرار دهد؟ (مانند تضاد و منافع، اختلافات محلی و ...)
- دیگر افراد کلیدی که تا به حال نشناخته‌ایم کدامند؟

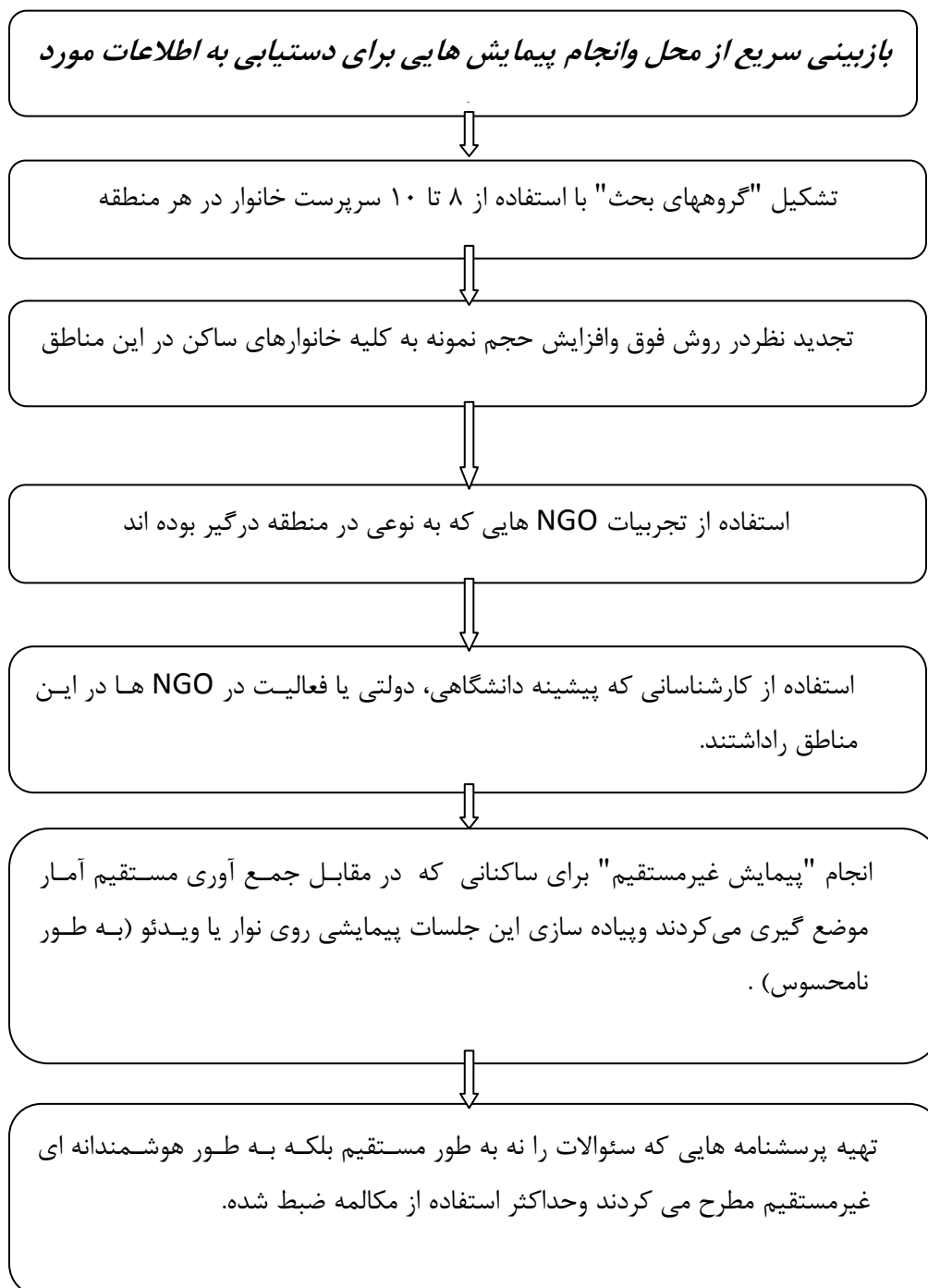
در پی مشخص کردن مولفه‌ها و نیز طرح پرسش‌ها، با استفاده از شناسایی‌های اولیه در ارزیابی سریع، فهرستی از عناصر کلیدی محلات شامل؛

- ✓ رابطین مراکز بهداشت
- ✓ شهردار محله‌ها
- ✓ مولوی‌ها
- ✓ CBO ها و NGO های محلی
- ✓ گروه داوطلبین محلی

تهیه شد. مجموعه عناصری که می‌توانند در مسیر معرفی طرح و کمک به شروع اعتمادسازی در محلات هدف موثر و کارساز واقع شوند.

در خلال این اقدامات، گروه برای آنکه خود را به تجارب طرح های پیشین اجرا شده در محلات هدف، پیوند زند، الگوی مداخلات محلی **معمارعرش، شرق آیند و دکتر پیران** - برگرفته از گزارش طرح ها- به همراه الگوی اولیه ارایه شده از سوی کارفرما با تأکید بر شورای داوطلبین محلی، در یک روش مقایسه‌ای مورد بررسی قرار داد و نقاط قوت و ضعف هر یک از آنها، را فهرست کرد. (هر سه الگو که از متن گزارش طرح‌های یاد شده استخراج شده است در صفحات بعد قابل مشاهده است).

مدل مداخله محلی در پروژه معماری:



مدل مداخله محلی در پروژه شرق آیند:



مدل مداخله محلی در پروژه شیرآباد - دکترپیران:



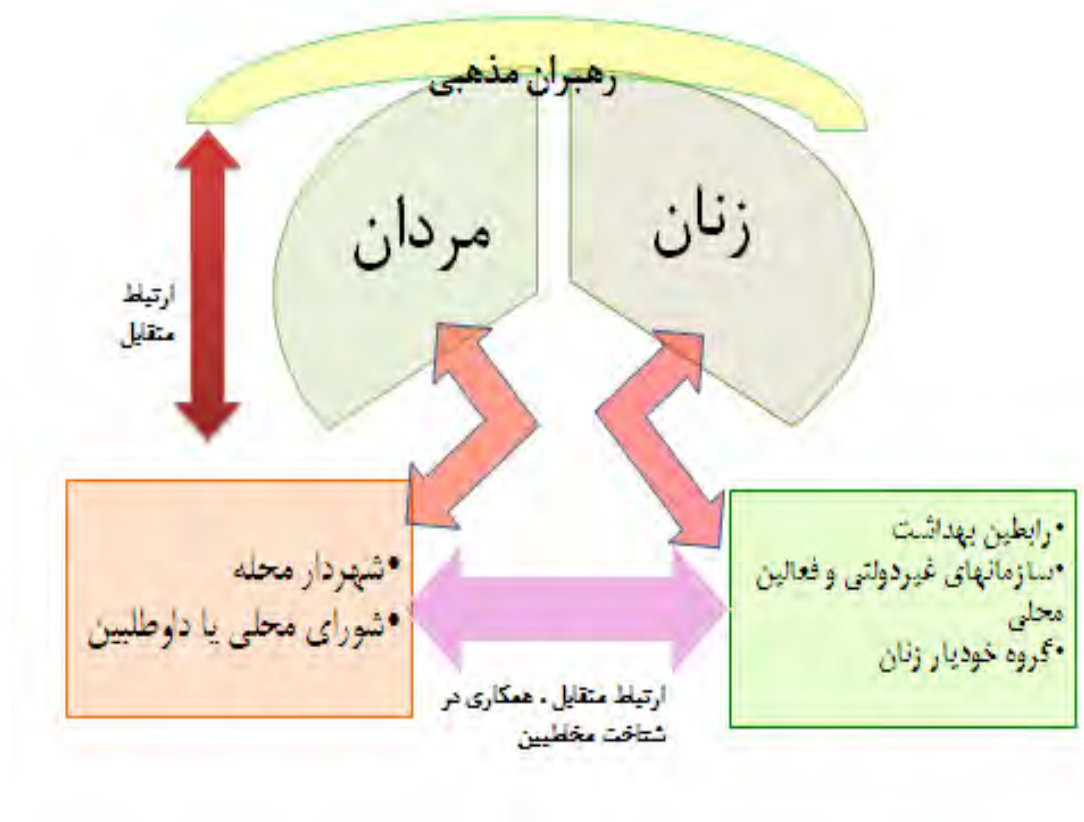
پس از مجموعه بحث و بررسی‌ها، گروه مداخله "جدول منابع و فرصت‌های موجود برای اطلاع رسانی" را در ترکیب زیر طراحی و جریان کار اطلاع رسانی طرح و نحوه مداخله در محلات را، به صورت شماتیک ارائه داد.

منابع و فرصت‌های موجود برای اطلاع رسانی

منابع	کارکرد مورد انتظار
مساجد (مولوی ها)	پشتیبانی عمومی از پروژه و پایه ریزی اعتمادسازی اولیه
رابطین بهداشت	دسترسی آسانتر به خانواده ها وبخصوص زنان در همه گروه ها
شهرداران محله	کمک به تسهیل ارتباط با سایر منابع محلی
فعالان محلی (زن ومرد)	تسهیل دسترسی به افراد و سایر گروه های مردمی
سازمان های محلی (غیردولتی)	اطلاع رسانی در سطح گروه هدف و مخاطبانشان
گروه های مردمی (مانند گروه خودیار و سایر گروه های داوطلب)	ارتباط با افراد و گروه های همتا

مدل مداخله طرح توسعه مهارت‌های پایه در سکونتگاه‌های غیررسمی شهر

شماره: ۰۱۸۱۰۰



بدنبال سامان یافتن این مجموعه از تمهیدات، ورود جدی تر به منطقه برای آغاز مداخله و برقراری ارتباط کارآ با عناصر کلیدی به قصد

✓ معرفی اهداف طرح

و

✓ جلب همکاری و تعریف رابطه آنان با طرح

صورت پذیرفت. بدین منظور، در ابتدا سه نشست جمعی و مستقل با؛

- شهردار محله‌ها
- رابطین مراکز بهداشت
- مولوی های مساجد محلات هدف

به منظور توجیه عام برپا شد و پس از آن، نشست های خصوصی و مستقل با فرد فرد شهردار محله‌ها، مولوی-ها و رابطین هر یک از مراکز بهداشت محلات هدف برگزار شد. در پی اعلام آمادگی عناصر کلیدی برای همکاری با طرح، فرم اولیه " مشخصات اصلی داوطلبان برای حضور در دوره های مهارت آموزی " (پیوست) به همراه "آگهی آغاز به کار دوره آموزشی" (پیوست) در اختیار آنان قرار گرفت. فرم مشخصات اصلی داوطلبان، به منظور شناخت ویژگی‌ها و خصوصیات جامعه هدف و نیز دستیابی به تمایلات و گرایش‌های آموزشی آنان انجام شد. این فرم در بردارنده مشخصات اصلی داوطلبان همچون سن، جنس، سطح تحصیلات وضعیت اشتغال، وضعیت تأهل، تعداد فرزندان و نیز حاوی پرسش هایی در باب مهارت هایی که داوطلبان در گذشته فرا گرفته اند، گرایش های آموزشی و نیز تمایل آنها در مورد محل اشتغال بود.



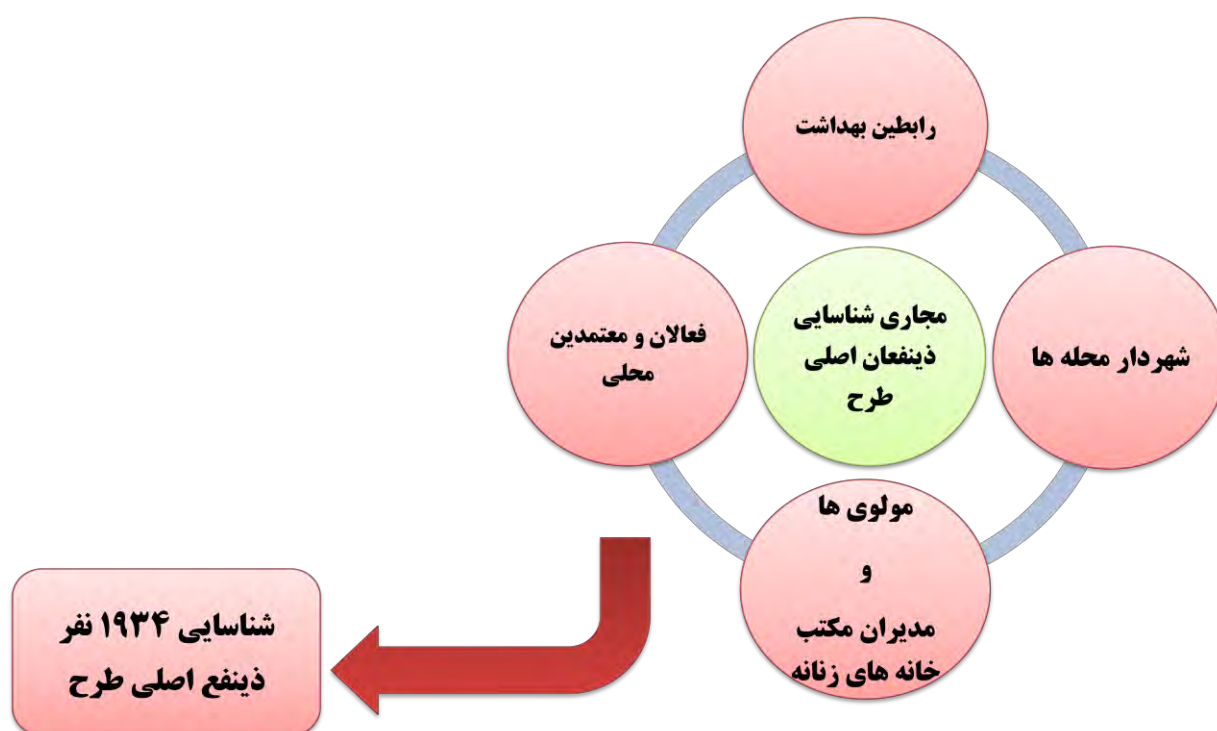
جلسه هم اندیشی با شهردار محله‌ها و فعالان محلی در محل شورای شهر زاهدان

در ادامه این روند، عناصر کلیدی با کار توضیحی و نیز نصب آگهی‌ها در قطع A۳ در مکان های قلمرو خود، همکاری عملی خویش را با طرح آغاز کردند. با هر یک از این عناصر چنین توافق شد تا عهده دار پر کردن

فرم‌ها در محلات شده و خود یا توسط یک فرد مسئول، اطلاعات مندرج در فرم‌ها را برای داوطلبان پر کنند. (بدون آنکه داوطلب خود مبادرت به پر کردن فرم کند.)

ضمن حضور در محلات و نشست و گفتگو با فعالان محلی، چنین مشخص شد که مدیران و مدرسین مکتب خانه‌های زنانه نیز از امکانات ویژه‌ای برای توضیح طرح و جذب داوطلبان برخوردارند. در نتیجه، این طیف نیز در فهرست فعالان محلی همکار طرح جای گرفتند.

نمودار "چهارراه ورودی به محلات" نشانگر حضور چهار طیف اصلی فعالان محلی همکار طرح است که در شناسایی داوطلبان شرکت در دوره‌های آموزشی طرح، از طریق پر کردن فرم‌ها مشارکت داشتند.



مجموعه فرم‌ها در دو مرحله با استفاده از دو فرصت دو هفته‌ای، جمع‌آوری و ۱۹۳۴ نفر آمادگی خود را جهت حضور در دوره‌های مهارت‌آموزی اعلام کردند. سپس فرم‌های جمع‌آوری شده طبقه‌بندی و مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفتند.

پس از شناسایی مقدماتی از داوطلبین متقاضی شرکت در دوره‌های مهارت‌آموزی، در گام بعد، «اجتماع محلی» با حضور فعالان محلی، افراد کلیدی و داوطلبان (به تفکیک زن و مرد) به منظور؛

- گفتگوی رو در رو با داوطلبان و تأکید مجدد پیرامون اهداف طرح
- پاسخگویی به سوالات داوطلبان و رفع هر گونه ابهام
- معرفی دوره آموزش‌های اجتماعی (مهارت‌های مکمل)
- تأکید بر ضرورت حضور در دوره آموزش‌های مکمل به عنوان پیش نیاز شرکت در دوره‌های فنی و حرفه‌ای
- معرفی رشته‌های آموزشی فنی و حرفه‌ای و ارائه شرح مختصری از محتوای دوره‌ها
- توزیع دفترچه شرح رشته‌های فنی و حرفه‌ای جهت مطالعه داوطلبان و آشنایی بیشتر آنان با رشته‌ها
- کار توضیحی، هدایت و مشاوره داوطلبان جهت انتخاب رشته، متناسب با سطح سواد، سن، مهارت‌ها و توانایی‌های فردی

و

- اعلام زمان ثبت نام قطعی داوطلبان

در تمامی محلات هدف در مکان‌هایی همچون؛ مساجد، مکتب‌خانه‌ها و مراکز بهداشت برگزار شد.

پس از تشکیل اجتماع محلی به تفکیک محلات مورد نظر، مرحله **مصاحبه و ثبت نام** از داوطلبان در مدت زمان یک هفته و با حضور ده نفر کارشناس آغاز شد. در این مرحله پایگاه اطلاعاتی رایانه‌ای، به منظور جمع‌آوری اطلاعات مورد نیاز از داوطلبان، جهت انجام برنامه‌ریزی‌های آموزشی و پایش و ارزیابی آنان پس از اتمام دوره‌ها، طراحی شد. به این ترتیب ضمن انجام مصاحبه، پایگاه اطلاعاتی کاملی از تمامی افراد ثبت نام شده، بدست آمد. در این مرحله نیز مجدد کارشناسان مداخله، به مشاوره و هدایت مهارت‌آموزان جهت تعیین رشته‌هایی متناسب با شرایطشان، اشتغال داشتند. در پایان این مرحله، مجموعاً ۱۲۱۰ نفر از متقاضیان شرکت در دوره‌های مهارت‌آموزی، در مکان‌های تعیین شده حضور یافتند و ثبت نام از آنها صورت پذیرفت.

گزارش نهایی طرح
توسعه مهارت‌های پایه در سکونتگاه‌های غیررسمی شهر زاهدان





هدف اصلی «طرح توسعه مهارت‌های پایه در سکونتگاه‌های غیررسمی شهر زاهدان»، آموزش مهارت‌های فنی و حرفه‌ای به ۹۰۰ نفر از ساکنان این محلات بوده است. اما با احتساب ریزش‌های احتمالی متقاضیان در مراحل مختلف، علاوه بر آنکه در مرحله مصاحبه و ثبت نام از بیش از ۹۰۰ نفر ثبت نام به عمل آمد، پس از آن نیز با ارایه فراخوان در چندین نوبت، فرصت‌های دیگری برای حضور ساکنان واجد شرایط در این دوره‌ها فراهم شد.

گزارش نهایی طرح

توسعه مهارت‌های پایه در سکونتگاه‌های غیررسمی شهر زاهدان

فصل بعد به چگونگی غربال و گزینش ثبت نام شدگان در مراحل مختلفی که ذکر شد، اختصاص دارد. همچنین در انتها جدولی تنظیم شده است که آنالیز نفر – ساعت گروه مداخله را نشان می‌دهد. بر اساس این جدول، در مجموع ۵۰۷۰ ساعت، صرف شناسایی مهارت‌آموزان طی چهار مرحله؛

- توزیع، جمع آوری و تحلیل فرم های اعلام آمادگی

- تشکیل اجتماع محلی در محلات هدف

- مصاحبه

و

- ثبت نام

شده است.

جدول آنالیز میزان نفر - ساعت در مراحل توزیع، جمع و تحلیل فرم های اعلام آمادگی، تشکیل اجتماع محلی، مصاحبه و ثبت نام

مرحله - مجریان				مرحله توزیع، جمع آوری و تحلیل فرم های اعلام آمادگی				مرحله تشکیل اجتماع محلی در محلات هدف			
افراد محلی:	تعداد همکار(نفر)	متوسط ساعت کار روزانه هر نفر	تعداد روزهای فعالیت	مجموع ساعت کار	تعداد روزهای فعالیت	متوسط ساعت کار روزانه هر نفر	تعداد روزهای فعالیت	مجموع ساعت کار	تعداد روزهای فعالیت	متوسط ساعت کار روزانه هر نفر	تعداد روزهای فعالیت
رابط بهداشت	۴۰	۲	۱۵	۱۲۰۰	۱۳	۲	۵	۱۳۰	۵	۲	۱۳
شهردار محله	۸	۲	۱۵	۲۴۰	۵	۲	۵	۵۰	۵	۲	۵
مولوی - مدرس مکتب خانه	۱۶	۲	۱۵	۴۸۰	۱۶	۲	۵	۱۶۰	۵	۲	۱۶
فعال محلی	۴	۲	۱۵	۱۲۰	۴	۲	۵	۴۰	۵	۲	۴
خانه پژوهش نواندیش	۴	۱۰	۲۲	۸۸۰	۴	۱۰	۵	۲۰۰	۵	۱۰	۴
مجموع ساعت کار در مرحله اول				۲۹۲۰	مجموع ساعت کار در مرحله دوم			۵۸۰			
مرحله - مجریان				مرحله مصاحبه				مرحله ثبت نام			
افراد محلی:	تعداد همکار(نفر)	متوسط ساعت کار روزانه هر نفر	تعداد روزهای فعالیت	مجموع ساعت کار	تعداد روزهای فعالیت	متوسط ساعت کار روزانه هر نفر	تعداد روزهای فعالیت	مجموع ساعت کار	تعداد روزهای فعالیت	متوسط ساعت کار روزانه هر نفر	تعداد روزهای فعالیت
رابط بهداشت	۱۳	۲	۵	۱۳۰	۱۳	۲	۵	۱۳۰	۵	۲	۱۳
شهردار محله	۵	۲	۵	۵۰	۳	۲	۵	۳۰	۵	۲	۳
مولوی - مدرس مکتب خانه	۱۰	۲	۵	۱۰۰	۱۰	۲	۵	۱۰۰	۵	۲	۱۰
فعال محلی	۴	۲	۵	۴۰	۴	۲	۵	۴۰	۵	۲	۴
خانه پژوهش نواندیش	۱۲	۱۰	۵	۶۰۰	۷	۱۰	۵	۳۵۰	۵	۱۰	۷
مجموع ساعت کار در مرحله سوم				۹۲۰	مجموع ساعت کار در مرحله چهارم			۶۵۰			
مجموع ساعت کار در ۴ مرحله								۵۰۷۰			

فصل دهم؛

گزینش و غربال ذینفعان اصلی طرح

اولویت‌بندی محلات هدف

و

توزیع و تسهیم ذینفعان

با توجه به توزیع فرم های اعلام آمادگی داوطلبان حضور در دوره های آموزشی طرح " توسعه مهارت های پایه در سکونت گاه های غیررسمی شهر زاهدان" در محلات هدف و جمع آوری ۱۹۳۴ مورد فرم پرشده و برگرفته از سطح محلات و آنالیز و تحلیل آن، گروه در آستانه غربال و گزینش ۹۰۰ ذینفع اصلی طرح قرار گرفت. طراحی ماتریس معیارهای انتخاب و پرسشنامه استوار بر آن برای مصاحبه به قصد گزینش نهایی مهارت آموزان، دو پیش نیاز اصلی غربالگری محسوب می شدند.

برای طراحی هر چه دقیق تر ماتریس معیارها و پرسشنامه مبتنی بر آن که دروازه انتخاب نهایی ذینفعان اصلی قلمداد می شدند، تعیین تکلیف با چند سرفصل از ضرورت برخوردار بود، از آن جمله

- میزان بهره گیری از عناصر کیفی در سطح بندی محلات هدف
- روش انتخاب ذینفعان اصلی
- توزیع و تسهیم چند وجهی ذینفعان اصلی (جنسیت/سن/تأهل/تحصیل/اشتغال)
- وزن مخصوص عوامل موثر در تشخیص و تعیین مهارتها
- ملاک های اصلی انتخاب ذینفعان

همزمان با تعیین تکلیف با این مجموعه سرفصل ها، برقراری پوشش مناسب آموزش های مکمل، متناسب با امکانات فراوی طرح نیز ضروری به نظر آمد و برای آن نیز برنامه های خاصی اندیشیده شد. و پس از انتخاب ۹۰۰ ذینفع اصلی و در اختیار داشتن فهرست کامل مهارت های منتخب نیز می بایست به توزیع رشته ها میان مجموعه نهادها و دستگاه های آموزش دهنده توجه می شد.

گروه های مداخله و پژوهش طرح، پس از بحث و بررسی های مشترک، مجموعه ره یافت های خود را برای تعیین تکلیف با سرفصل های یاد شده، به گروه آموزش و نیز اعضای هیئت علمی عرضه داشته تا به عنوان یک چارچوب پیشنهادی مورد مذاقه قرار داده و شرایط مساعد برای تصمیم گیری های نهایی را فراهم سازند.

– میزان بهره گیری از عناصر کمی و کیفی و ترکیب این دو عنصر در سطح بندی محلات هدف

"آموزش" به عنوان مأموریت طرح، خود یک امر کیفی تلقی می شد که بر ارتقاء کیفیت آموزش گیرندگان و نهایتاً بهبود شاخص های کیفی در محلات متمرکز بود. از این منظر، ذینفعان منتخب نیز می باید با برخی معیارهای کیفی منطبق می بودند. اما در مواجهه با محلات هدف و ذینفعان ساکن آنها، تعدادی از شاخص های کمی نیز وجود داشتند که امکان نادیده گرفتن آنها وجود نداشت.

جدا از آنکه تسهیم ۹۰۰ دینفع میان هشت محله، سهمیه بندی جنسیتی و سنی، ترکیب بندی مجرد و متأهل و شاغل و بیکار، نیازمند توجهات کمی کلان در آرایش انتخابی دینفعان بود، برخی عوامل کمی نیز در مواجهه با یکایک دینفعان، در زمره ملحوظات قرار گرفت، از آن جمله میزان درآمد، سطح تحصیلی، میزان وقت گذاری و ...

گرچه معیارهای کیفی در برخورد با محلات و دینفعان ساکن آن، برتر و از اولویت بالاتری برخوردار بودند، اما ترکیب کیف و کم در گزینش های نهایی منظور نظر بود. به قصد ترکیب عناصر کیفی و کمی با درنظر گرفتن وزن مخصوص افزونتر برای شاخص های کیفی، رویکرد علمی و پژوهشی با هر دو عنصر مورد بحث، ضرورت یافت. گروه در قدم نخست انتخاب‌های خود، **پراکندگی جغرافیایی دینفعان در محلات هدف** و به عبارتی، سهمیه‌بندی دینفعان در هشت محله را پیش روی داشت. از این رو اختصاص میانگین وزنی به هر یک از محلات ضرورت یافت و بدین منظور برای تشخیص و تعیین وزانت محلات با ترکیبی از عناصر کیفی و کمی مواجه گشتیم. برای بهینه سازی این ترکیب، بطور موازی از دو روش بهره گرفته شد:

- رتبه بندی سطح توسعه محلات با استفاده از روش تاکسونومی
- کاربست سنجه های کیفی برای چینش ترجیحی محلات

در پی سامان دهی این دو عمل روشمند، درجه بندی محلات و تخصیص سهمیه بر اساس آن صورت پذیرفت.

الف- رتبه بندی سطح توسعه محلات با استفاده از روش تاکسونومی

روش تجزیه و تحلیل تاکسونومی یکی از روش‌های معمول در بررسی سطح توسعه مناطق یا نقاط مورد مطالعه و گروه‌بندی آنها در مجموعه‌های همگن است که در سال ۱۹۶۸ توسط سازمان یونسکو برای سنجش سطح توسعه کشورها توصیه شد. در این روش بطور معمول یکی از محدوده‌های مورد مطالعه بعنوان نقطه یا منطقه ایده آل انتخاب شده و نقاط یا مناطق دیگر بر مبنای آن درجه بندی می شوند. بدین ترتیب تفاوت یا فاصله هر منطقه، نسبت به آن منطقه ایده آل معین می شود. در مواقعی که تعداد نقاط یا مناطق مورد مطالعه زیاد و از ناهمگنی بالایی نیز برخوردارند، تعیین یک منطقه بعنوان منطقه ایده آل و درجه بندی سایر نقاط بر مبنای آن و سپس ارایه برنامه برای رسیدن سایر مناطق به سطح توسعه یافتگی منطقه ایده آل، چندان منطقی و ممکن بنظر نمی رسد و در شرایط مطلوب نیز تحقق چنین هدفی ناممکن است. زیرا در طول زمان با همان آهنگی که سایر مناطق در فرآیند توسعه حرکت می کنند تا خود را به سطح ایده آل برسانند، نقطه یا منطقه ایده آل مورد نظر نیز در جهت ارتقا سطح توسعه خود تلاش می کند. به همین دلیل تعیین نقطه ایده آل در مواردی که اختلاف و تفاوت‌های منطقه‌ای بالاست و تعداد مناطق مورد مطالعه نیز زیاد است، شیوه ای کارا تلقی نمی شود. برای رفع این مشکل می توان نقاط یا مناطق مورد مطالعه را ابتدا به چند گروه همگن‌تر تقسیم و سپس در درون هر گروه نسبت به انتخاب نقطه یا منطقه ایده آل اقدام کرد.

نظر به اینکه سطح توسعه محلات هدف طرح "توسعه مهارت‌های پایه در سکونت‌گاه‌های غیررسمی شهر زاهد/ن"، تفاوت فاحشی با یکدیگر نداشتند از روش تاکسونومی عددی با استفاده از برخی شاخص‌های اقتصادی مانند نرخ مشارکت اقتصادی، نرخ بیکاری و اشتغال و... و همچنین شاخص‌های اجتماعی مانند نرخ مشارکت در فعالیت‌های اجتماعی، میزان باسوادی زنان و ...، جهت سنجش سطوح توسعه محلات هدف بهره گرفته شد.^{۶۳} نتیجه حاصل از کاربست روش تاکسونومی در جدول زیر، هر یک از محله‌ها را بر اساس رتبه‌بندی سطح توسعه نشان می‌دهد. هرچه رقم سطح توسعه (DL) به صفر میل کند، نشان از سطوح بالاتر توسعه دارد و هرچه به عدد یک نزدیکتر باشد، به سطوح پایین‌تر توسعه نزدیک می‌شویم. بنابراین محله کارخانه نمک طبق شاخص‌های بکاررفته، از نظر سطح توسعه در رتبه اول جای گرفت و به بیانی دیگر توسعه‌یافته‌ترین محله در میان محلات هدف است و محله پشت‌فرودگاه کم توسعه یافته‌ترین محله بشمار می‌رود.

جدول رتبه بندی محلات بر اساس سطح نسبی توسعه		
نام محله	سطح توسعه (DL)	رتبه
کارخانه نمک	۰,۱۱	۱
بابائیان	۰,۱۸	۲
شیرآباد	۰,۲۱	۳
مرادقلی	۰,۲۲	۴
کریم آباد	۰,۴۲	۵
پشت گاراژ	۰,۵۱	۶
پشت فرودگاه	۱,۰۰	۷

مأخذ: مشاور، ۱۳۸۹

ب- کاربست سنج‌های کیفی برای چینش ترجیحی محلات

سنج‌هایی کیفی مورد استفاده چینش ترجیحی محلات، سنج‌هایی است مشتمل بر:

- آگاهی و دانش عمومی محله
- آشنایی با ادبیات و راه کارهای توانمندسازی
- سطح پیشرفتگی محله
- ظرفیت گسترش و تجهیز بازار محلی
- میزان کارایی فعالان محلی (مولوی، مکتب دار زنانه، شهردار محله، NGOها و ...)
- امکانات محلی (خانه محله، فضای مساجد و مکتب خانه ها و...)
- ظرفیت تحول و دگرگونی

با بذل عنایت همزمان به رتبه بندی محلات براساس سطح نسبی توسعه و سنج‌های کیفی فهرست شده، جدول زیر برای اولویت بندی محلات و تعیین سهمیه هر یک از آنها از ۹۰۰ ذینفع اصلی طرح، پیشنهاد شد:

رتبه فراآوری شده	نام محله	سهمیه توزیع - درصد	سهمیه توزیع - نفر
۱	شیرآباد	۲۰	۱۸۰
۲	کارخانه نمک	۱۸	۱۶۰
۳	بابائیان	۱۷	۱۵۰
۴	کریم آباد	۱۵	۱۴۰
۵	مرادقلی	۱۵	۱۴۰
۶	پشت فرودگاه	۸	۷۰
۷	پشت گاراژ	۷	۶۰
مجموع		۱۰۰	۹۰۰

در این جدول ترکیبی، محله شیرآباد که چلی آباد را نیز در برمی گیرد با توجه به

- دربرگرفتن ۲۷ درصد جمعیت کل محلات (پرجمعیت ترین محله)
- وسیع ترین محله در میان محلات
- برخورداری از پایین ترین میانگین سنی در میان همه محلات (۱۷/۱۲ سال)
- بهره مندی از گسترده ترین بازار قابل توسعه و قابل سامان محلی

- دارا بودن بیشترین امکانات (فضا) محلی برای برگزاری آموزش‌های سیار در محل
- بالا بودن کارایی فعالان، بویژه NGO ها در مقایسه با دیگر محلات

به عنوان ظرفیت دارترین محله در میان محلات هدف، برگزیده شده است و می‌توان ۲۰ درصد ظرفیت آموزشی، معادل ۱۸۰ نفر را به آن اختصاص داد.

چنین پیشنهاد شد که پس از شیرآباد، محله کارخانه نمک با درنظر گرفتن

- دارا بودن دومین جمعیت جوان با میانگین سنی (۱۷/۲۶ سال)
- بهره‌مندی از سه شهردار محله با ضریب فعالیت و مشارکت قابل توجه
- حضور فعالان فرهنگی - مطبوعاتی شهری در محله
- خانه محله قابل احیاء
- ظرفیت تحول

به عنوان اولویت دوم با تخصیص ۱۸ درصد سهمیه معادل ۱۶۰ نفر مهارت‌آموز، قرار گیرد.

در پی این دو، محله بابائیان با لحاظ عواملی چند همچون

- برخورداری، از دومین بازار گسترده محلی در میان محلات هدف
- سطح پیشرفتگی قابل ملاحظه
- بهره‌مندی از بیشترین فضاهاى آموزشى
- فعالیت نهادهای محلی
- بهره‌مندی از بالاترین میزان سواد و آگاهی در میان همه محلات
- دارا بودن نرخ بیکاری ۳۴ درصد به عنوان بالاترین نرخ بیکاری در میان محلات هدف

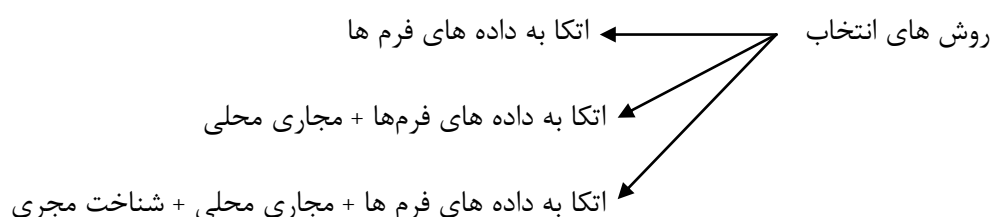
اولویت سوم را به خود اختصاص داده و می‌توان ۱۷ درصد از ذینفعان طرح را، معادل ۱۵۰ نفر از این محله

برگزید.

بدنبال سه محله اول، محله‌های کریم‌آباد، مرادقلی، پشت فرودگاه و پشت گاراژ، مراتب بعدی را به خود اختصاص دادند.

روش انتخاب

طرح پس از اولویت بندی محلات هدف و توزیع سهمیه میان آنان، از سطح "کلان" عبور کرده و در سطح "خرد" با تک تک ذینفعان مواجه شد. برای گزینش و غربال ذینفعان در چارچوب سهمیه بندی محلی پیشنهادی، سه روش انتخاب به کار گرفته شد:



در میان سه روش موجود، ساده ترین روش، اتکا به داده های فرم های تجمیعی (۱۹۳۴ فرم) و برگزیدن واجدین شرایط عام از میان آنها برای انجام مصاحبه و سپس گزینش نهایی بود. از آنجا که این روش متکی به تک منبع شناسایی (فرم‌ها) بوده و انتخاب اولیه را با بالاترین ضریب خطا مواجه می‌کرد و از سویی اطلاعات داوطلب، به طور انحصاری توسط خود وی اعلام شده بود، از مطلوبیت و کارایی لازم برخوردار نبود.

در روش دوم، علاوه بر داده های فرم ها که برای تجمیع آنها صرف هزینه - و بویژه هزینه زمانی - صورت گرفته و قابل صرف نظر کردن نبود، نقطه نظرهای مشورتی مجاری محلی از جمله مولوی ها، مدیران و مدرسین مکتب-خانه ها، شهرداران محله، رابطین بهداشت و فعالان محله که فرم‌ها توسط آنها توزیع و تکمیل و جمع آوری شده بود، در شناسایی دقیق تر داوطلبان و نیز شناخت و تعیین مهارت های مورد نیاز، لحاظ شد. به طور طبیعی گزینش ابتدایی و نهایی مبتنی بر این روش، کامل تر و قابل اعتمادتر از روش نخست بود.

در روش سوم، علاوه بر دو منبع پیش یاد شده، شناخت مجری از ویژگی ها، مزایا، امکانات، محدودیت ها و نیازهای هر محله که محصول روند هفت ماهه لمس و اصطکاک‌های محلی بود، نیز به کار آمد. در این روش با ترکیب کردن اطلاعات فرم‌ها و مشورت‌های مجاری محلی با شناخت و تجربه مجری، ضریب اعتماد بالاتری در شناسایی اولیه و نهایی ذینفعان و تعیین رشته های مهارتی مورد نیاز، بدست آمد.

در نظرافکنی بر جدول تمایلات آموزشی داوطلبان دریافتیم که مهارت‌های

خیاطی

آرایشگری

کامپیوتر

به ترتیب مورد توجه ۵۹۸، ۵۵۷ و ۲۳۰ نفر از زنان و مهارت‌های

کامپیوتر

مکانیکی

تعمیرات موبایل

نیز به ترتیب مطلوب نظر ۲۱۷، ۱۱۲ و ۹۵ نفر از مردان قرار گرفتند. بس بدیهی است که این ترجیحات آموزشی اعلام شده، بسیار بالاتر از نیازهای واقعی محلات و حتی شهر زاهدان بوده و از سویی در برخی مهارت‌ها که مورد نیاز مبرم محل و بازار محلی است یا ترجیحی اعلام نشده و یا در صورت اعلام، تعداد تقاضاها بس قلیل است. از این رو ضرورت مشاوره فعال به متقاضیان اولیه حضور در دوره‌های آموزشی و در مواردی، هدایت آنان برای انتخاب مهارت‌های کارا، با آینده شغلی و مورد تقاضای بازار و دارای کاربست در محله، پیش روی طرح قرار گرفت.

با دقت بر این مهم، در گزینه سوم که **گزینه مرجح** تلقی می‌شد،

برپایی نشست‌های مشورتی با مجاری محلی (مولوی، مدیر مکتب‌خانه، شهردار محله، رابط مرکز

بهداشت، فعال محلی) به قصد دستیابی به امکان شناسایی‌های دقیق تر

و

تشکیل اجتماع محلی در هر محله با حضور داوطلبانی که برای شرکت در دوره‌های آموزشی طرح

اعلام آمادگی کردند به منظور توجیه آنان در خصوص

مهارت‌های مورد تقاضای بازار

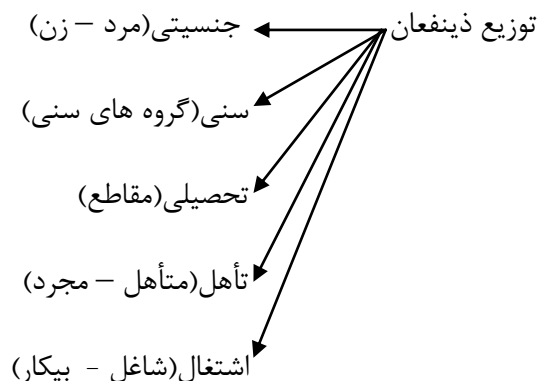
و

مهارت‌های مورد نیازهای محله

منظور نظر قرار گرفت.

✓ توزیع چند وجهی ذینفعان اصلی

در گزینش ذینفعان اصلی طرح، توجه به ترکیب بندی‌های چندگانه، مقابل روی قرار داشت:



توزیع ذینفعان اصلی طرح در حوزه ترکیب بندی‌های یاد شده، از ظرافت‌های خاص خود برخوردار بود. گروه‌های مداخله و پژوهش، ترکیب بندی‌های مورد نظر خود را بدین ترتیب پیشنهاد کردند:

• توزیع جنسیتی

برای توزیع جنسیتی ذینفعان دو گزینه با استدلال‌های خاص خود مطرح بود:

گزینه **اول**: تخصیص ۵۰ - ۵۰ ظرفیت بطور مساوی میان زنان و مردان (۴۵۰ مرد و ۴۵۰ زن)

استدلال‌ها:

- مشارکت جدی‌تر و افزون‌تر زنان در مرحله اعلام آمادگی حضور در طرح (فرم‌ها)
- مشارکت فعالانه مجاری زنانه در مسیر توضیح طرح و جذب داوطلب (رابطین مراکز بهداشت و مدیران مکتب‌خانه‌ها)
- امید افزون‌تر زنان محلات به آینده
- زنان، عامل تحول در خانواده

گزینه **دوم**: تخصیص ۶۰ درصد سهمیه به مردان و ۴۰ درصد به زنان (۵۴۰ مرد - ۳۶۰ زن)

استدلال‌ها:

- نان‌آور بودن مردان
- افزایش درآمد مردان منجر به ارتقاء سطح معیشت خانواده و محل

- محدودیت‌های زنان برای ایجاد کسب و پیشه‌های غیرخانگی
- محدودیت‌های زنان برای خروج از محل به قصد اشتغال
- حوزه اشتغال خانگی اغلب مهارت‌های زنانه (صنایع دستی، گلدوزی)
- تنوع محدودتر مهارت‌های خاص زنان

• توزیع سنی

با دقت بر عواملی چند از جمله

- تأکید طرح بر جذب ویژه جوانان
- استقبال ۴۴ درصدی و ۲۵ درصدی گروه‌های سنی ۱۶- ۲۰ و ۲۱-۲۵ ساله از طرح
- میانگین سنی بس پائین محلات هدف (۱۹/۰۳ سال)

چنین پیشنهاد شد که ۱۰۰ درصد ذینفعان به ترتیب زیر میان ۵ گروه سنی توزیع شوند:

گروه سنی ۱۶-۲۰ سال، ۳۰ درصد سهمیه معادل ۲۷۰ نفر

با ضریب هوشی قابل توجه

ظرفیت جذب آموزش

در سر خط حضور اجتماعی

در آستانه ورود به بازار کار

گروه سنی ۲۱-۲۵ سال، ۴۰ درصد سهمیه معادل ۳۶۰ نفر

طیف اصلی فارغ التحصیلان دبیرستانی

طیف پسران دارای پایان خدمت

در آستانه ازدواج

در مدار اتخاذ تصمیم عقلایی تر و پخته تر

احساس نیاز افزونتر به نان آوری

گزارش نهایی طرح

توسعه مهارت‌های پایه در سکونتگاه‌های غیررسمی شهر زاهدان

گروه سنی ۲۶-۳۰ سال، ۲۰ درصد معادل ۱۸۰ نفر

طیف مجرب‌تر
نان آور
متأهل یا در آستانه تأهل
پایداری جدی تر در تصمیم‌گیری و طراحی

گروه سنی ۳۱-۳۵ سال، ۷ درصد معادل ۶۳ نفر

عموماً نان آور
عموماً متأهل

گروه سنی ۳۶-۴۴ سال، ۳ درصد معادل ۲۷ نفر

آخرین رده های سنی تحت پوشش طرح

• توزیع تحصیلی

با توجه به تأکید طرح به "دربگیری" که شامل بی سوادان نیز بوده است، چنین پیشنهاد شد که به میزان ۱۰ درصد از کل ذینفعان، معادل ۹۰ نفر از میان این طیف و ۹۰ درصد نیز معادل ۸۱۰ نفر از میان صاحبان سواد در سطوح و مقاطع مختلف تحصیلی برای دوره‌های آموزشی بدین ترتیب برگزیده شوند:

- ابتدایی ۲۵ درصد معادل ۲۲۵ نفر
- راهنمایی ۲۰ درصد معادل ۱۸۰ نفر
- دبیرستان ۵ درصد معادل ۴۵ نفر
- دیپلم ردی ۴ درصد معادل ۴۰ نفر
- دیپلم ۲۵ درصد معادل ۲۲۵ نفر
- فوق دیپلم ۱ درصد معادل ۱۵ نفر
- کارشناس/ دانشجو ۲ درصد معادل ۲۰ نفر
- نهضت سوادآموزی ۵ درصد معادل ۴۵ نفر
- حوزوی ۱ درصد معادل ۵ نفر

با دقت برآنکه میانگین تحصیلات زنان در سطح ابتدایی و میانگین تحصیلات مردان نیز در سطح راهنمایی بوده، سهمیه‌های ۲۵ و ۲۰ درصدی برای داوطلبان با تحصیلاتی در سطح این دو مقطع منظور شد. از آنجا که دارندگان مدرک دیپلم و فوق دیپلم از عاملان و حاملان تغییر در ساختار محلات هدف محسوب می‌شوند، برای مجموعه داوطلبان دیپلم ردی، دیپلم و فوق دیپلم، سهمیه ای معادل ۲۸۰ نفر پیشنهاد شد. از دیگر سو، سوادآموختگان نهضت سوادآموزی و داوطلبان دارای دانش حوزوی که مجموعاً ۲۲ نفر از ۱۹۳۴ داوطلب به شمار می‌روند، جذب طرح شدند. توضیح آنکه سهمیه‌های پیشنهادی، با نسبت مشارکت داوطلبان با سطوح تحصیلی مختلف، تناسب و همخوانی داشته است.

• توزیع بر حسب اشتغال

با توجه به آنکه مجموعه شاغلان محلات هدف، چه مشغول در بازار محلی و چه مشغول در بازار شهری، از حداقل دانش، تجربه و مهارت برخوردارند، چنین پیشنهاد شد که ۹۵ درصد ظرفیت آموزشی طرح به بیکاران (معادل ۸۵۰ نفر) و ۵ درصد ظرفیت به شاغلان (معادل ۵۰ نفر) اختصاص یابد. محل اطلاع است که بیش از ۸۶ درصد از داوطلبان مشارکت کننده در طرح، غیرشاغل و نزدیک به ۹ درصد آنان، شاغل بودند.

• توزیع بر حسب تأهل

داده های برگرفته از ۱۹۳۴ فرم اعلام آمادگی، ۱۰۶۳ نفر مجرد معادل ۵۶ درصد و ۷۷۶ متأهل معادل ۴۱ درصد را فراروی طرح قرار داد. با درنظر گرفتن آنکه زنان متأهل، با محدودیت‌های خاص خود برای حضور در دوره‌ها مواجه بودند (بارداری، شیردهی، فرزندآوری) و هم آنان ۴۰/۸ درصد زنان داوطلب را تشکیل می دادند و مردان مجرد نیز از فراغت بیشتری برای حضور در دوره‌ها برخوردار بودند، رعایت نسبت ۷۵ درصد مجرد (معادل ۶۷۵ نفر) و ۲۵ درصد متأهل (معادل ۲۲۵ نفر) برای جذب ذینفعان اصلی پیشنهاد شد.

وزن مخصوص عوامل موثر در تشخیص و تعیین مهارت‌ها

برای توفیق طرح در اهداف از پیش تعیین شده از جمله تجهیز مناسب ذینفعان اصلی، پاسخ به تقاضای بازار کار منطقه، پرکردن خلاءهای مهارتی محلات هدف و بهبود وضعیت محیط، عوامل مختلف دست اندرکار تشخیص و تعیین مهارت‌ها برای طراحی دوره های آموزشی، بنا به وزن و اهمیت، چنین فهرست شدند :

- ۱- تمایل ذینفع
- ۲- تقاضای بازار منطقه
- ۳- خلاء مهارتی محلات
- ۴- بهبود محیط زیست
- ۵- امکانات نهادهای آموزش دهنده

ملاک‌های اصلی انتخاب ذینفعان اصلی

ملاک‌های اصلی مورد نظر برای گزینش ذینفعان اصلی طرح، بنا به وزن و اهمیت، چنین پیشنهاد شدند:

- ۱- انگیزه فراگیری
- ۲- وقت گذاری و تخصیص مناسب زمان
- ۳- پایداری فرد در روند آموزش‌ها
- ۴- ضریب جذب آموزش‌ها
- ۵- نان آوری و مشارکت در تأمین معاش
- ۶- عنصر تحول آفرینی فرد در محل

در پایان تسهیم و توزیع‌های پیشنهادی، عنایت به "محدوفین"، خود از نوعی ضرورت برخوردار است؛ با توجه به آنکه تعداد داوطلبان بیش از دو برابر ظرفیت طرح بود و با در نظر گرفتن عواملی چند همچون

وضعیت خاص سیاسی - امنیتی منطقه

بی اعتمادی عمومی به طرح‌های توانمندسازی

تکدر ذهن و خاطر اهالی از عملکرد مجریان طرح‌های قبلی

تأمین معاش اهالی از مجاری سهل الوصول و غیررسمی

استقبال از طرح، بیش از پیش بینی‌های قبلی بود و با لحاظ این مهم که ۵ درصد داوطلبان، معادل یکصد نفر در سنین زیر ۱۵ سال قرار داشته و اولین اعلام حضور زندگی خود را تجربه می‌کردند، طرح تلاش ورزید تا با بهره گیری از مجموعه امکانات منطقه‌ای (نهضت سوادآموزی، کمیته امداد، بهزیستی و...) و نیز با جذب امکانات بیرون از منطقه، بتواند مجموعه محدوفین را تحت آموزش‌های مکمل قرار دهد تا همه ثبت‌نام‌کنندگان به نوعی احساس مشارکت کنند و طرح از این مجرا بتواند، آثار جانبی خود را در محلات هدف، گسترش بخشد.

گروه پس از گزینش نهایی ۹۰۰ ذینفع اصلی و آماده‌سازی نهایی فهرست مهارت‌های موردنظر می‌بایست به توزیع ذینفعان میان نهادها و دستگاه‌های آموزش دهنده (مرکز آموزش فنی - حرفه‌ای، موسسات آموزشی خصوصی، سازمان صنایع دستی، سازمان ترویج کشاورزی، بهزیستی، سازمان کار و امور اجتماعی و صنوف) مبادرت می‌ورزید. همین عمل توزیعی نیز می‌بایست در حوزه نهادها و دستگاه‌های آموزش دهنده دوره‌های مکمل، تسری یابد.

فصل یازدهم؛

گزارش کارگاه‌های مهارت‌های اجتماعی

مقدمه :

کارگاه های مهارت های اجتماعی از ۸۹/۱/۲۸ تا ۸۹/۲/۲۰ به مدت ۳ هفته و به صورت فشرده برای حدود ۶۲۰ نفر شرکت کننده زن و مرد ساکن سکونتگاه های غیررسمی شهر زاهدان برگزار شد. هر یک از مهارت آموزان به طور متوسط در دو کارگاه آموزشی که هر یک به مدت ۴ ساعت بوده حضور بهم رساندند. انتخاب کارگاه ها به عهده مهارت آموزان بود که در زمان ثبت نام از آنان انجام شد. برنامه به گونه ای تنظیم شد تا کارگاه های آموزشی در محلات برگزار شود تا از این طریق امکان حضور برای کلیه شرکت کنندگان فراهم شود. اما با آنکه تعداد ثبت نام شدگان بیش از ۹۰۰ نفر بوده تعداد ۲۸۰ نفر در برنامه ریزش داشت. از این تعداد حدود ۱۸۰ نفر مرد و ۱۰۰ نفر زن بودند.

ضرورت اجرای کارگاه های مهارت های اجتماعی

با آنکه هدف اصلی این طرح کسب مهارت های فنی مهارت آموزان است اما برای استفاده بهینه از آموزش های فنی و حرفه ای و آماده سازی آنان برای ورود به بازار کار پس از بررسی انجام شده در محیط اقتصادی – اجتماعی سکونتگاه های غیررسمی، مناسب تشخیص داده شد که مهارت آموزان قبل از طی آموزش های فنی – حرفه ای در حداقل ۲ کارگاه آموزشی مهارت های اجتماعی شرکت کنند. این برنامه فرصت یادگیری چگونگی برقراری مناسبات و روابط اجتماعی را برای آنان فراهم ساخت.

موضوع کارگاه های مهارت های اجتماعی

کارگاه های مهارت های اجتماعی در پنج محور اصلی زیر برای زنان و مردان مهارت آموز طراحی و اجرا شد :

۱- کارگاه مهارت های ارتباطی

۲- کارگاه کار گروهی

۳- کارگاه کاربایی

۴- کارگاه مدیریت خانواده

۵- کارگاه محیط زیست

کلیات و سر فصل های اصلی هر یک از کارگاه های فوق عبارتند از :

○ کارگاه مهارت های ارتباطی

هدف: آشنایی با شیوه های برقراری ارتباط مناسب تر و بیشتر با دیگران در زندگی فردی و اجتماعی

سرفصل های اصلی کارگاه

- تعریف ارتباط و مهارت های ارتباطی
- اجزاء ارتباط
- ارتباط کلامی و غیرکلامی

- گوش کردن فعال و موانع آن
- اصول یک ارتباط درست
- اصول مذاکره

روش اجرا

سخنرانی، مشارکت جمعی از طریق کارگروهی، نقش بازی کردن در گروه های کوچک، تمرین‌های عملی

○ کارگاه کاریابی و ارائه رزومه شغلی

هدف: آشنایی با راه‌های شناسایی و اتصال به مراکز کار و کاریابی و چگونگی معرفی و عرضه توانایی‌های خود برای دستیابی به شغل مورد نظر

سرفصل‌های اصلی کارگاه:

- آشنایی با مراکز کاریابی
- آشنایی با گروه‌های اصلی شغلی
- نگارش نامه درخواست شغل
- تهیه شرح مشخصات فردی (رزومه)
- آماده شدن برای مصاحبه

روش اجرا

سخنرانی، تمرین‌های عملی، دعوت از یکی از مدیران مراکز کاریابی

○ کارگاه کار گروهی

هدف: آشنایی با روش‌های انجام کار گروهی و شیوه‌های مشارکت در شکل‌گیری گروه‌های کاری

سرفصل‌های اصلی کارگاه:

- آشنایی با انواع کار گروهی
- موانع مشارکت در کار گروهی
- نقش افراد و شیوه‌های مشارکت در گروه
- شیوه‌های تصمیم‌گیری گروهی
- آثار و پیامدهای کار گروهی

روش اجرا:

سخنرانی، تمرین‌های گروهی، مشارکت جمعی (تکنیک طوفان مغزی)



○ کارگاه مدیریت خانواده

هدف: آشنایی با شیوه های اداره هر چه بهتر همسررداری و فرزندرداری همراه با اشتغال و درآمدزایی

سرفصل های اصلی کارگاه:

- آشنایی با نیازهای مادی و معنوی همسر و فرزندان در خانواده
- شناخت بیشتر ویژگی ها و روحیات خود و خانواده
- مدیریت زمان و برقراری تناسب میان خانواده و کار
- توسعه توانایی ها و بالا بردن نقش موثر در خانواده

- محدودیت های ناشی از همزمانی نقش مادری و همسری با کار
- راه‌های مشارکت جمعی خانواده در بالا بردن معیشت خانواده

روش اجرا:

سخنرانی، مشارکت جمعی (تکنیک طوفان مغزی)، بازی کردن نقش

○ کارگاه بهبود محیط زیست

هدف: آشنایی با شیوه های ارتقای بهداشت خانواده و کمک به افزایش سطح محیط زیست در خانه و محله

سرفصل های اصلی کارگاه

- آشنایی با اصول اولیه بهداشت در خانواده
- آشنایی با اصول و قوانین محیط زیست
- محدودیت های توسعه بهداشت خانواده
- شیوه های مناسب توسعه فضای سبز در خانه و محله
- آشنایی با آسیب های ناشی از بحران توسعه نیافتگی محیط زیست
- راه‌های مشارکت جمعی در بهبود و توسعه محیط زیست

روش اجرا

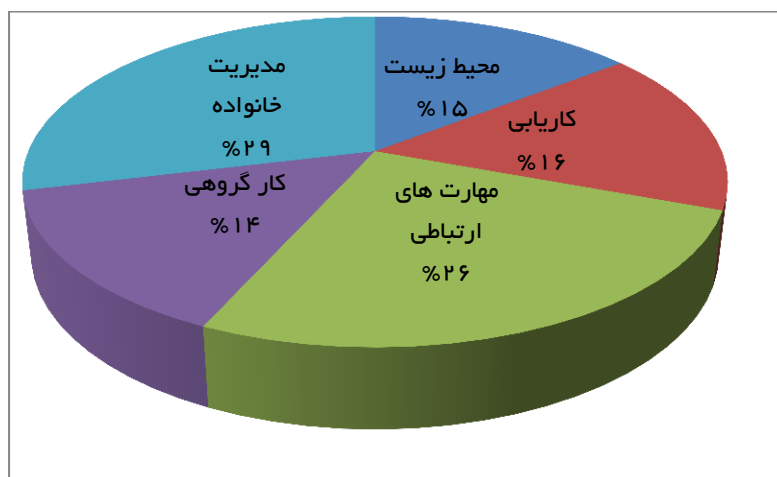
سخنرانی، مشارکت جمعی (تکنیک طوفان مغزی)، دعوت از مسئولین محیط زیست و یا تشکل های غیردولتی
زیست‌محیطی

تعداد مهارت آموزان

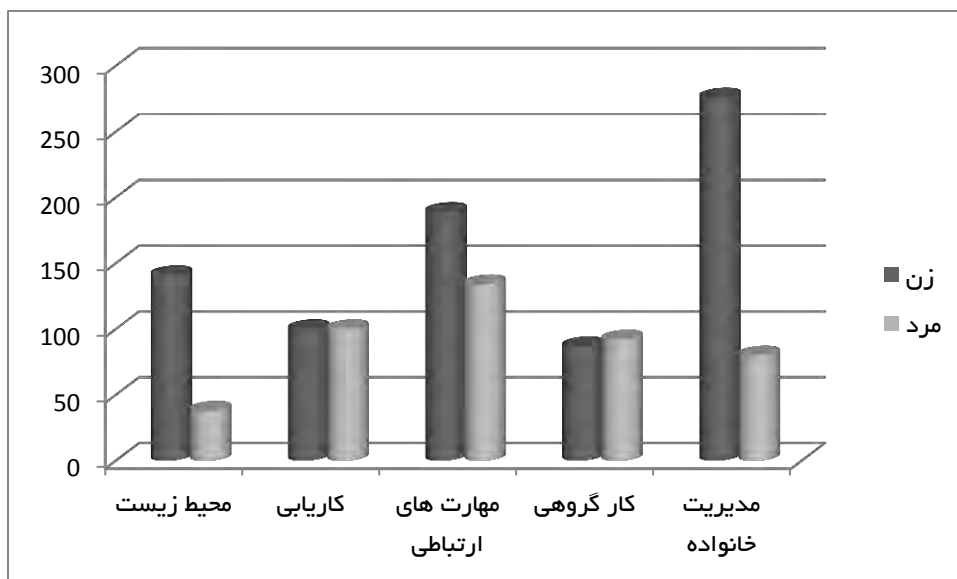
در مجموع ۵۶ کارگاه مهارت های اجتماعی در طرح توسعه مهارت های پایه در سکونتگاه های غیررسمی شهر زاهدان برگزار شد . ۳۴ کارگاه ویژه زنان و ۲۲ کارگاه ویژه مردان بود . مهارت آموزان شرکت کننده در کلیه کارگاه ها ۱۲۳۷ نفر شامل ۷۹۳ نفر زن و ۴۴۴ نفر مرد بودند . با احتساب حضور هر مهارت آموز در ۲ کارگاه تعداد مهارت آموزان طرح در این مرحله ۶۲۰ نفر بوده اند .

بیشترین تعداد مهارت آموزان در کارگاه مدیریت خانواده با تعداد ۳۵۶ نفر و سپس کارگاه مهارت‌های ارتباطی با ۳۲۳ نفر مرد و زن بوده‌اند. تعداد مهارت آموزان در کارگاه کاریابی ۲۰۰ نفر و در کارگاه‌های محیط زیست و کارگروهی هر یک ۱۷۹ نفر بوده اند .

نسبت مهارت آموزان زن و مرد بر حسب رشته



ترکیب مهارت آموزان بر حسب جنس و رشته



ترکیب مهارت آموزان بر حسب جنسیت

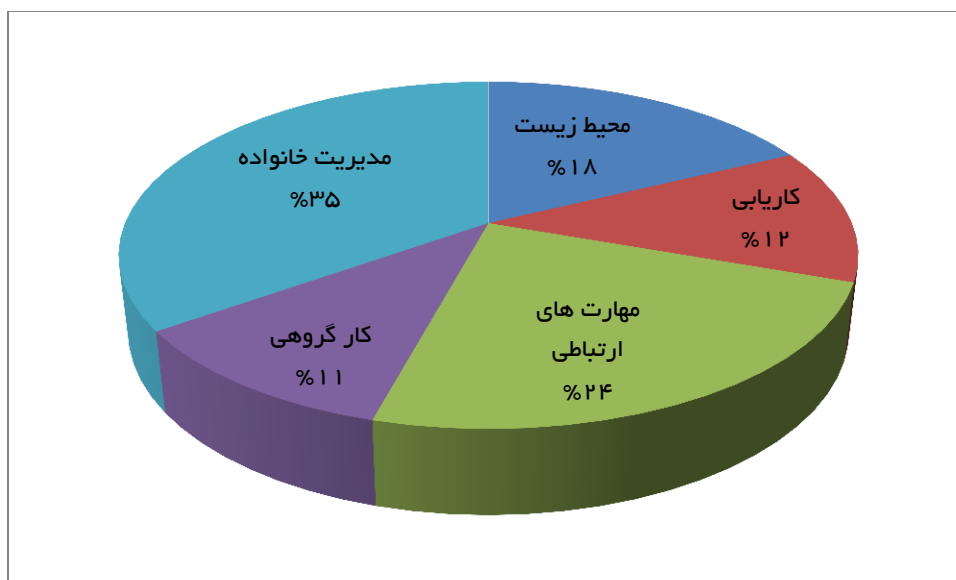
بررسی تعداد مهارت آموزان بر حسب جنسیت و به تفکیک رشته در جدول زیر آمده است .

- زنان به ترتیب در کارگاه های مدیریت خانواده با ۲۷۶ نفر و کارگاه مهارت های ارتباطی ۱۸۹ نفر بیشترین تعداد را داشته اند. رتبه سوم برای زنان به کارگاه محیط زیست با ۱۴۱ نفر اختصاص دارد. کارگاه‌های کاریابی و کارگروهی به ترتیب ۱۰۰ و ۸۷ نفر مهارت آموز زن را در بر داشته اند .
- مهارت آموزان مرد بیشترین حضور را در کارگاه مهارت های ارتباطی با ۱۳۴ نفر و سپس در کارگاه کاریابی با ۱۰۰ نفر داشته اند . کارگاه کارگروهی ۹۲ نفر مهارت آموز مرد و در رتبه های آخر مدیریت خانواده با ۸۰ نفر و محیط زیست با ۳۸ نفر قرار دارند .

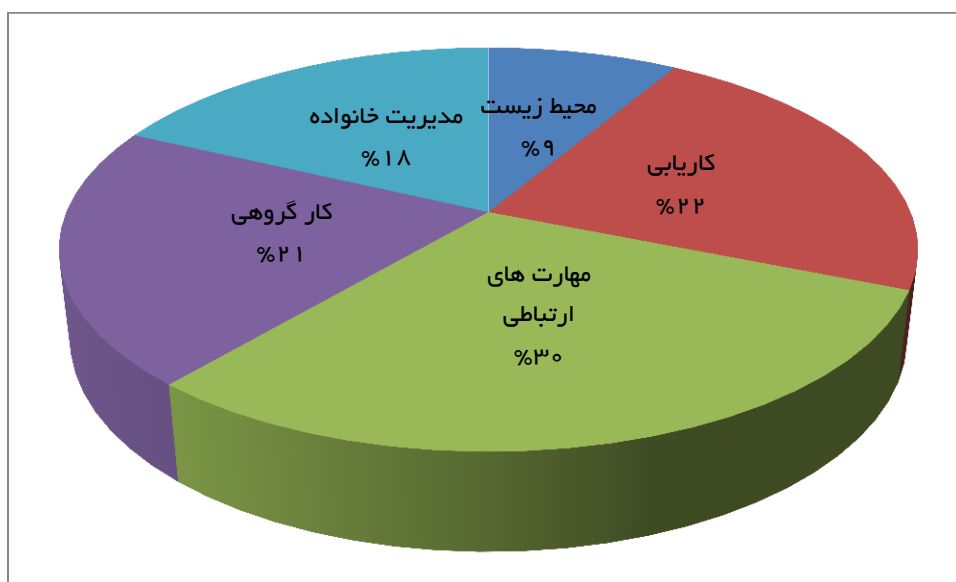
ترکیب مهارت آموزان بر حسب جنس و به تفکیک رشته

رشته	تعداد			نسبت (درصد)		
	زن	مرد	جمع	زن	مرد	جمع
محیط زیست	۱۴۱	۳۸	۱۷۹	۷۹	۲۱	۱۰۰
کاریابی	۱۰۰	۱۰۰	۲۰۰	۵۰	۵۰	۱۰۰
مهارت های ارتباطی	۱۸۹	۱۳۴	۳۲۳	۵۹	۴۱	۱۰۰
کارگروهی	۸۷	۹۲	۱۷۹	۴۹	۵۱	۱۰۰
مدیریت خانواده	۲۷۶	۸۰	۳۵۶	۷۸	۲۲	۱۰۰
جمع	۷۹۳	۴۴۴	۱۲۳۷	۶۴	۳۶	۱۰۰

ترکیب مهارت آموزان زن بر حسب رشته (درصد)



ترکیب مهارت آموزان مرد بر حسب رشته (درصد)



تعداد کارگاه ها

از مجموع ۵۶ کارگاه برگزار شده ۳۴ کارگاه اختصاصی زنان و ۲۲ کارگاه اختصاصی مردان است . جدول زیر نشان دهنده تعداد کارگاه های برگزار شده در هر رشته است .

تعداد کارگاه های برگزار شده بر حسب موضوع و جنسیت

رشته	زن	مرد	جمع
------	----	-----	-----

محیط زیست	۷	۲	۹
کاریابی	۵	۵	۱۰
مهارت‌های ارتباطی	۸	۷	۱۵
کارگروهی	۴	۴	۸
مدیریت خانواده	۱۰	۴	۱۴
جمع	۳۴	۲۲	۵۶

مدرسین

در مجموع ۱۱ مدرس تعداد ۵۶ کارگاه آموزشی را برگزار کرده اند. اسامی مدرسین به تفکیک رشته‌ها عبارتند از:

محیط زیست: خانم‌ها شهربانو میمنی - مرضیه گلاوی

کاریابی: آقای ناصر نخعی - خانم بهناز نخعی

مهارت‌های ارتباطی: خانم‌ها سمانه فولادی - زهرا عمرانی - سکینه سلیمانی - نصرت کیانی - آقای مهدی کیخا

کارگروهی: خانم‌ها فیروزه صابر - سمانه فولادی - سکینه سلیمانی - آقای مهدی کیخا

مدیریت خانواده: خانم‌ها سمانه فولادی - صدیقه سلیمانی - نصرت کیانی

روش ارزیابی

ارزیابی کارگاه‌های مهارت‌های اجتماعی با هدف شناخت سطح آشنائی مهارت آموزان نسبت به موضوع هر کارگاه قبل از شروع دوره و نیز پس از پایان دوره طراحی شده است. به این ترتیب که دو سؤال اساسی به شرح زیر قبل و بعد از دوره از مهارت آموزان پرسیده شده است.

۱- آیا با موضوع کارگاه آشنایی دارید. (در حد پاسخ بله و خیر)

۲- مواردی را که در ارتباط با موضوع کارگاه انجام می‌دهید بنویسید. در حد نگارش کارهایی که تاکنون مرتبط با موضوع انجام داده‌اند.

پس از پایان دوره نیز همان سؤالات به زبان دیگری پرسیده شد.

۱- پس از پایان دوره آیا با موضوع کارگاه آشنا شدند در حد بله و خیر.

۲- چه مهارت هایی را پس از پایان دوره فرا گرفته اند در حد گزارش مواردی که یاد گرفته اند .
هدف مجریان آن بوده که تفاوت این دو مقطع را بررسی و ارزیابی کنند به طور کلی فرم ارزیابی دوره مهارت های اجتماعی شامل سه بخش است :

- بخش نخست به تفاوت سطح آشنائی قبلی و یادگیری بعد از دوره به شرح فوق اختصاص دارد.
 - بخش دوم میزان رضایت مهارت آموزان از کلاس و تدریس مدرس است .
 - بخش سوم به انتقادات و پیشنهادات مهارت آموزان اختصاص یافته است .
- فرم ارزیابی مربوطه به پیوست این گزارش ضمیمه است.

نتایج ارزیابی

نتایج ارزیابی هرکارگاه به طور جداگانه تحت پیوست گزارش حاضر ضمیمه است. به طور کلی نتایج ارزیابی ۵۶ کارگاه برگزار شده در سه بخش زیر قابل بررسی است :

آشنائی با مفاهیم کارگاه قبل و پس از پایان دوره

در این بخش با توجه به نظرات جمع بندی شده در هر فرم ارزیابی، سه نکته از قبل و سه نکته بعد از خاتمه دوره که توسط مهارت آموزان بیشتر ارائه شده به تفکیک رشته و بر حسب مهارت آموزان زن و مرد به شرح جدول صفحه بعد خلاصه شده است .

بررسی اجمالی نتایج نشان دهنده آن است که تا حدودی مهارت آموزان با کلیات مفاهیم اصلی و کلیدی هر کارگاه آشنا شده اند . به طوریکه در پایان دوره به آنها اشاره داشته اند.

رشته	زن		مرد	
	قبل از شروع دوره	بعد از خاتمه دوره	قبل از شروع دوره	بعد از خاتمه دوره
محیط زیست	۱- آشغال نریختن توی جوی آب و خیابان ۲- رعایت نظافت ۳- رعایت بهداشت	۱- ایجاد فضای سبز در خانه و محله ۲- جلوگیری از آلودگی های صوتی ، آبی ، هوائی و خاکی ۳- با جداسازی زباله ها آنها را برای بازیافت آماده کنیم .	۱- رعایت نظافت و تمیزی ۲- جمع آوری زباله ها ۳- تذکر به دیگران برای رعایت نظافت	۱- در مصرف آب صرفه جویی کنیم . ۲- ایجاد فضای سبز و کاشت درخت ۳- داشتن فاضلاب خانگی
کاریابی	۱- به کارخانه ها مراجعه کنیم . ۲- به آرایشگاه های زیادی رفته ولی جواب منفی دادند . ۳- نامنویسی در کار و امور اجتماعی	۱- مهارت یاد بگیریم . ۲- مشاوره گرفتن از افراد با تجربه ۳- مراجعه به مرکز کاریابی	۱- به هر دری زدیم پیدا نکردیم. ۲- هیچ کاری نکرده ام . ۳- به همه جا سرزدم .	۱- به مراکز کاریابی مراجعه می کنم . ۲- گذراندن کلاس های آموزشی در رشته مورد نظر ۳- اطلاعات کافی در مورد حرفه کسب می کنیم .
مهارت های ارتباطی	۱- سلام کردن ۲- با یکدیگر صحبت می کنیم . ۳- رفتار خوب	۱- ارتباط کلامی و غیر کلامی ۲- دادن بازخورد ۳- به حرف طرف مقابل گوش می کنیم .	۱- اخلاق خوب داشتن ۲- راستگوئی ۳- نمی دانم چه کاری انجام دهم .	۱- به جنبه های غیر کلامی توجه کنیم . ۲- دوست داشتن و صحبت و خوش رفتاری ۳- خوب گوش می دهم .
کارگروهی	۱- همدیگر را تنها نگذاریم ۲- کاری که چند نفر با هم انجام می دهند . ۳- با هم مشورت می کنیم	۱- داشتن هدف مشترک ۲- باید با همدیگر همکاری کنیم . ۳- تصمیم مشترک	۱- باید با هم متحد باشیم . ۲- سعی و تلاش بسیار ۳- باید با همفکری همدیگر کار کرد .	۱- باید هدف مشترکی داشته باشیم . ۲- احترام گذاشتن به نظرات یکدیگر و تصمیم گیری گروهی ۳- مسئولیت پذیر باشیم .
مدیریت خانواده	۱- سعی می کنم به فرمایشات رسول الله (ص) عمل کنیم . ۲- تلاش و همکاری با یکدیگر ۳- احترام به اعضاء خانواده	۱- احترام گذاشتن به طرف مقابل ۲- برنامه ریزی درست ۳- تفاهم داشتن زوجین با یکدیگر	۱- تامین هزینه زندگی برای خانواده ۲- مدیریت و نگهداری از حریم خانواده ۳- احترام به تمام اعضاء خانواده	۱- تقسیم کار و مشارکت بین اعضاء خانواده ۲- برنامه ریزی می کنیم ۳- احترام به نظر تمام اعضاء خانواده

	۳- طبق راهنمائی خدا و رسول عمل می کنیم .			
--	---	--	--	--

میزان رضایت از کلاس

بررسی ارزیابی در مورد رضایت مندی از کلاس‌ها به تفکیک هر رشته و بر حسب درجات زیاد، متوسط و کم، نتایج زیر را در بر دارد:

• محیط زیست:

از مجموع ۸ کارگاه برگزار شده با موضوع محیط زیست یک کارگاه به میزان ۱۰۰ درصد و ۵ کارگاه بین ۸۵ تا ۹۰ درصد ارزیابی شده است. در سه کارگاه دیگر رضایت سنجی در سطح زیاد از ۶۷ تا ۷۹ درصد بوده است.

میزان رضایت متوسط در ۷ کارگاه از ۹ تا حداکثر ۳۳ درصد بوده است.

رضایت کم تنها در ۲ کارگاه و هر یک به میزان ۵ درصد مشاهده می‌شود.

• کاریابی:

نتایج ارزیابی در ۱۰ کارگاه کاریابی نشان دهنده آن است که دو کارگاه به میزان ۹۰ درصد و ۵ کارگاه بین ۸۰ تا ۹۰ درصد زیاد داشته‌اند. میزان رضایت زیاد در سه کارگاه دیگر بین ۶۰ تا ۷۵ درصد بوده است.

میزان رضایت متوسط در ۱۰ کارگاه از ۱۰ تا حداکثر ۴۰ درصد بوده است.

رضایت کم در هیچ کارگاه کاریابی وجود نداشته است.

• مهارت‌های ارتباطی:

بررسی ۱۵ کارگاه مهارت‌های ارتباطی نشان می‌دهد که ۲ کارگاه با ۱۰۰ درصد رضایت بخشی همراه بوده است. ۲

کارگاه نیز ارزیابی ۹۰ را به خود اختصاص داده است. ۷ کارگاه دیگر ارزیابی ۸۰ تا ۹۰ درصد را داشته‌اند. ارزیابی ۴ کارگاه دیگر در سطح زیاد از ۶۳ تا کم‌تر از ۸۰ بوده است.

رضایت متوسط در ۱۲ کارگاه از ۹ تا ۳۷ درصد بوده است.

رضایت کم تنها در ۲ کارگاه به میزان ۴ و ۱۰ درصد مشاهده می‌شود.

• کارگروهی:

از ۸ کارگاه برگزار شده، یک کارگاه به میزان ۱۰۰ درصد رضایت در سطح زیاد ارزیابی شده است. ۴ کارگاه از ۹۰ تا ۱۰۰ و یک کارگاه ۸۵ درصد ارزیابی در سطح زیاد داشته‌اند. ۲ کارگاه دیگر هر یک به میزان ۷۰ و ۶۰ در سطح ارزیابی

زیاد قرار دارند . ۷ کارگاه در سطح متوسط نسبت هائی بین ۱۰ تا ۴۰ درصد رضایت داشته اند . ارزیابی کم در هیچ یک از کارگاه های کارگروهی مشاهده نشده است .

• مدیریت خانواده :

نتایج ارزیابی در ۱۴ کارگاه مدیریت خانواده نشان می دهد که ۳ کارگاه با میزان ۱۰۰ درصد رضایت مندی در سطح زیاد قرار دارند . ۶ کارگاه ارزیابی ۹۰ به بالا دارند . یک کارگاه ارزیابی ۸۷ درصد را در سطح زیاد به خود اختصاص داده و ۳ کارگاه دیگر از ۷۵ تا ۶۵ درصد رضایت مندی زیاد را شامل می باشند .

۱۱ کارگاه نسبت های بین ۳ تا ۲۵ درصد را در سطح متوسط به خود اختصاص داده اند . تنها در یک کارگاه به نسبت ۲ درصد رضایت مندی کم وجود دارد .

میزان رضایت از مدرسین :

ارزیابی مدرسین به حسب رشته نتایج زیر را نشان میدهد :

• محیط زیست

از ۸ کارگاه برگزار شده یک کارگاه با میزان ۱۰۰ رضایت مندی در سطح زیاد را از مدرس خود داشته اند. ۳ کارگاه به میزان ۹۰ درصد به بالا و ۳ کارگاه ۸۰ درصد به بالا در این سطح را به خود اختصاص داده اند. ۲ کارگاه دیگر هر یک به میزان ۷۲ و ۵۴ درصد رضایت در سطح زیاد داشته اند .

۶ کارگاه ارزیابی متوسط به میزان ۵ تا ۴۶ درصد داشته اند .

تنها در ۲ کارگاه ارزیابی کم از مدرس به میزان هر یک ۵ درصد را داشته اند .

• کاریابی

ارزیابی مدرسین در ۱۰ کارگاه کاریابی نشان میدهد که در ۴ کارگاه ۱۰۰ درصد رضایت در سطح زیاد بوده است . یک کارگاه در حد ۹۰ درصد و ۵ کارگاه از ۸۰ تا ۹۰ درصد ارزیابی زیاد داشته اند . تنها در یک کارگاه ارزیابی زیاد به ۳۰ درصد تقلیل یافته است .

ارزیابی متوسط از مدرس شامل ۵ کارگاه به میزان ۹ تا ۲۵ درصد بوده است .

ارزیابی کم از مدرس تنها در یک کارگاه و به میزان ۵ درصد بوده است .

• مهارت‌های ارتباطی

در ۱۵ کارگاه برگزار شده مهارت‌های ارتباطی ۴ کارگاه به میزان ۱۰۰ درصد رضایت از مدرس در سطح زیاد به چشم می‌خورد در ۴ کارگاه ارزیابی مدرس در این سطح به نسبت ۹۰ به بالا است. در ۴ کارگاه بین ۸۰ تا ۹۰ درصد زیاد ارزیابی شده است. در سه کارگاه دیگر میزان رضایت از مدرس در سطح زیاد بین ۷۸ تا ۵۶ بوده است. ارزیابی متوسط از مدرس در ۱۱ کارگاه از نسبت ۲ درصد تا ۴۴ درصد است. ارزیابی کم از مدرس تنها در ۲ کارگاه به میزان ۴ و ۱۰ درصد است.

• کارگروهی

بررسی ۸ کارگاه کارگروهی نشان دهنده آن است که ۲ کارگاه به میزان ۱۰۰ درصد در سطح زیاد از مدرس رضایت داشته‌اند. در ۴ کارگاه دیگر میزان رضایت در این سطح ۹۰ به بالا و در ۲ کارگاه دیگر ۸۰ به بالا بوده است. میزان رضایت متوسط از مدرس در ۶ کارگاه بین نسبت‌های ۴ تا ۲۰ درصد بوده است. رضایت کم از مدرس در کارگاه کارگروهی مشاهده نشده است.

• مدیریت خانواده

بررسی نتایج در ۱۴ کارگاه مدیریت خانواده بیانگر آن است که ۳ کارگاه به میزان ۱۰۰ درصد رضایت از مدرس در سطح زیاد و ۸ کارگاه رضایت ۹۰ درصد به بالا را کسب کرده‌اند. ۳ کارگاه دیگر به ترتیب ۸۲، ۷۸ و ۷۰ درصد را به خود اختصاص داده‌اند. میزان رضایت متوسط از مدرس در ۱۰ کارگاه از نسبت ۳ تا ۱۸ درصد را شامل می‌باشند تنها در ۳ کارگاه ارزیابی کم از مدرس به میزان ۲ تا ۱۲ درصد مشاهده می‌شود.

• انتقادها و پیشنهادها مهارت آموزان

در بخش پایان فرم‌های ارزیابی انتقادها و پیشنهادها مهارت آموزان جهت بهبود برنامه خواسته شده است. مواردی که از سوی مهارت آموزان مطرح شده عمدتاً مرتبط با زمان، مکان و گاهی در مورد محتوای دوره بوده است که در طول برگزاری برنامه حتی الامکان به آن توجه شده است. در موارد زیادی مهارت آموزان درخواست اضافه شدن مدت دوره را داشتند که چون برنامه از قبل به میزان هر کارگاه ۴ ساعت تنظیم شده است امکان پذیر نبود. با توجه به علاقه و اثر گذاری دوره در جمع مهارت آموزان، برگزاری دوره‌های مهارت‌های اجتماعی برای جوانان سکونتگاه‌های غیررسمی به مدت طولانی‌تر پیشنهاد می‌شود.

ارزیابی مدرسين

ارزیابی مدرسين

مدرسان دوره ویژگی های مخاطبین و مجریان را به شرح زیر مورد ارزیابی قرار دادند .

• نکات مثبت

مدرسان بر این باور بودند که استقبال مخاطبین از طرح خوب بوده و به خصوص مشارکت خانم ها در بحث ها و کارهای گروهی بسیار مناسب بوده است .

مدرسان از نظم برگزاری کارگاه ها و همکاری صمیمانه همکاران محلی رضایت زیادی داشته اند .

• نکات قابل اصلاح

عدم تناسب سنی و سطح تحصیلی افراد حاضر در یک کلاس، عمده ترین مساله قابل اصلاحی است که مدرسان بر آن تاکید داشته اند . بهبود محل برگزاری کارگاه ها هم از جمله نکات قابل اصلاحی است که مدرسان همه به آن اشاره کرده اند .

• پیشنهادات

تفکیک مهارت آموزان بر حسب سن و میزان تحصیلات از پیشنهادهای اصلی مدرسان بوده است . همچنین اهمیت استمرار برنامه های ترویجی از دیگر مواردی است که به آن اشاره شده است. بدین منظور مدرسان پیشنهاداتی چون تکرار کلاس ها ، تهیه و توزیع جزوات آموزشی و نیز بروشور را پیشنهاد داده اند. در جدول های آتی کلیه نقطه نظرات مدرسان آمده است .

نظرات مربیان

کارگاه بهبود وضعیت محیط زیست

مخاطبین	مجریان
نکات مثبت - پذیرش آقایان بالا بود . - میزان مشارکت خانم ها بالا بود .	- نظم کارگاه ها خوب بود . - پیگیری مجریان خیلی خوب بود. - نوع برخورد ها خیلی خوب بود. - همکاری همکاران محلی خیلی خوب بود .
نکات قابل اصلاح - حوصله همه افراد گروه یکسان نبود . - اگر افراد گروه پذیرش اسلاید و ppt را نداشتند وارزش آن را نمی فهمیدند. صحبت کردن برای آنها کافی بود .	- شرایط فیزیکی محل برگزاری کارگاه ها مناسب نبود.
پیشنهادهات - تفکیک مهارت آموزان بر حسب سن و میزان تحصیلات.	- برای مربی هایی که کارمند ادارات دولتی هستند بهتر است کارگاه عصرها برگزار شود. - برای جذب بیشتر مهارت آموزان از رابطین بهداشت استفاده شود برای این منظور به جای دکتر مشائی از طریق معاونت بهداشتی مناطق ارتباط ها برقرار شود . - برای سنجش میزان اثر بخشی دوره ها از مهارت آموزان امتحان گرفته شود و یا با آنها وارد بحث شوید و یا از طریق سرزدن به محل زندگی آنها میزان تاثیرات دوره را ارزیابی کنید . - در طرح هایی که هدف تغییر رفتار افراد است . برنامه باید مستمر باشد.

نظرات مربیان

کارگاه کاریابی

مخاطبین	مجریان
نکات مثبت	-بعد از هر کارگاه چندین نفر از شرکت کنندگان به مراکز کاریابی مراجعه کردند و این نشان از اثر بخشی دوره هاست .
نکات قابل اصلاح	-اگر نسبت حضور بلوچ و غیربلوچ ها ۵۰-۵۰ بود بهتر بود و معلم احساس راحتی بیشتری می کرد . -سطح تحصیلات گروه زیاد بالا نبود که بتوان صحبت های کلاسیک با آنها داشت .
پیشنهادهات	-انتخاب محل مناسب تر برای تشکیل کلاس ها -استفاده از وسایل ارتباط جمعی و نشریه های درون و برون سازمانی و سازمانهای محلی - استفاده از مکانیزم های تشویقی برای شرکت کنندگان موفق در طول دوره آموزشی . -بیمه کردن شرکت کنندگان در طول دوره آموزشی - استفاده از زیر مجموعه های بهزیستی به عنوان محل برگزاری کارگاه - فراهم کردن امکان بازدید از مشاغل خانگی -تهیه سرمایه اولیه برای راه اندازی کار -تهیه بروشور و ترویج موضوع در محلات .

نظرات مربیان

کارگاه‌های مدیریت خانواده، مهارت‌های ارتباطی، کارگروهی

مخاطبین	مجریان
نکات مثبت - تعداد افراد در کارگاه مناسب بود . - کارگاه در پایان بسیار تاثیر گذار بود . - استقبال مخاطبین خوب بود . - همکاری و مشارکت خوب خانم‌ها در بحث‌ها و کارگروهی .	- همکار محلی همکاری مناسبی داشتند . - نظم کارگاه‌ها خیلی خوب بود و همه راس ساعت شروع و تمام می‌شد. - برقراری ارتباط با مساجد اهل سنت خیلی خوب بود و آنها هم خوب استقبال کردند. - حضور برگزارکنندگان کارگاه‌ها در محیط کارگاه باعث تسهیل کارها شد .
نکات قابل اصلاح - شرکت کنندگان هم سطح نبودند مثلاً مطالب کارگاه برای دانشجویان کسل کننده بود. - عدم همکاری مناسب آقایان در بحث‌ها . - رعایت نکردن زمان حضور در کارگاه توسط شرکت کنندگان . - ۴ ساعت کارگاه با توجه به شرایط خاص مخاطبین ساکن حاشیه برای آنها زیاد بود .	- مطالب کارگاه با ساعت کارگاه همخوانی نداشت . زمان کارگاه طولانی بود . - ناظرین در کارگاه دائماً در حال رفت و آمد بودند. - مکان کارگاه خوب نبود . امکانات کم بود و هوا گرم بود . - دستمزد همه مدرسان با هم برابر نبود. تعداد افراد در کارگاه‌های خانم‌ها ناهمخوان بود . برخی کارگاه‌ها خیلی شلوغ و برخی خیلی خلوت بود. - برخی از همکاران محلی در کار استاد دخالت می‌کردند . - رفتار برخی از همکاران تهران تند بود. - ناظرین در مورد نحوه پر کردن برگ نظرسنجی و حضور و غیاب مخاطبین خوب توجه نشده بودند . - ناظرین در کارگاه با صدای بلند با تلفن همراه صحبت می‌کردند که تمرکز کلاس را به هم می‌زد . - بعضی از ناظرین در درس مدرس دخالت می‌کردند .
پیشنهادهای - تقسیم بندی شرکت کنندگان بر اساس سن و یا سطح تحصیلی منجر به بازدهی بیشتر خواهد شد .	- یک کارگاه در دو روز برگزاری می‌شود با زمان کوتاه تر. - برگزاری دوره مدیریت خانواده برای آقایان . - تهیه وسایل مورد نیاز اجرایی کارگاه‌ها برای مربی . - تهیه و توزیع جزوات آموزشی گاه به گاه . - تجدید کلاس‌ها .

فصل دوازدهم ؛

آموزش مهارت‌های

فنی - حرفه‌ای

پیاده‌سازی و اجرای برنامه آموزشی

با عبور از مرحله شناخت وضعیت اقتصادی، اجتماعی- فرهنگی زاهدان و محلات بویژه در ارزیابی سریع و با اتصال به زنجیره فعالیت‌های آماده‌سازی طرح حاضر آموزش‌های مهارت‌های اجتماعی بعنوان مکمل آموزش‌های فنی و حرفه‌ای برنامه اصلی طرح یعنی اقدام جهت آموزش ۹۰۰ نفر در هشت سکونتگاه غیررسمی شهر زاهدان انجام شد.

در این مرحله تفاهم نهائی مشاور با سه نهاد آموزشگاه دولتی، آموزشگاه خصوصی و برخی نهادهای عمومی (صنایع دستی، شهرداری، انجمن سینمای جوان، کشتارگاه) برای آموزش مهارت آموزان در ۲۵ رشته منعقد شد. براساس تفاهم نامه‌های انجام شده برنامه زمانی هر دوره به تفکیک آموزشگاه‌ها و جنسیت تنظیم شد. در ادامه ثبت نام نهائی از مهارت‌آموزان بر حسب محلات نیز صورت گرفت. همزمان با اجرای دوره، فرایند ارزیابی وپایش نیز در دستور کار مشاور قرار گرفت. تحلیل عملکرد برنامه آموزشی و ارزیابی و پایش انجام شده در پی آمده است.

ارزیابی عملکرد در مرحله اجرا بر اساس شاخص‌های جامع

در این بخش با استفاده از اطلاعات جمع‌آوری شده در پایگاه اطلاعاتی از مشخصات افراد و کیفیت مشارکت آن‌ها در دوره‌های مهارت‌آموزی موارد زیر، به تفکیک زن و مرد، قابل استخراج هستند:

- ✓ تعداد و نسبت مهارت‌آموزان ثبت نام شده در هر رشته
- ✓ وضعیت سواد مهارت‌آموزان
- ✓ نسبت مهارت‌آموزان در سطوح مختلف تحصیلی
- ✓ نسبت فراوانی مهارت‌آموزان به تفکیک گروه‌های سنی
- ✓ نسبت مهارت‌آموزان به تفکیک محلات هدف
- ✓ مشارکت فعالان محلی در طرح
- ✓ نسبت مشارکت نهادهای آموزشی همکار طرح به تفکیک خصوصی و دولتی
- ✓ نسبت مشارکت نهادهای آموزشی با ذکر اسامی آن‌ها

۱.۱. تعداد و نسبت مهارت‌آموزان ثبت نام شده در هر رشته

در مجموع در این طرح ۲۵ رشته فنی حرفه‌ای در قالب ۳۴ دوره به مهارت آموزان محلات هدف ارائه شده است. بر اساس نتایج نهایی ۵۰۶ زن در ۱۳ رشته (آرایشگری، آشپزی، پرورش قارچ، چادردوزی، حسابداری، خیاطی (نازک‌دوزی، پرده‌دوزی، بلوچی‌دوزی)، رایانه، عکاسی، قالببافی، کاربر گیاهان دارویی و البسه محلی) ثبت نام شدند و این رشته‌ها در قالب ۱۵ دوره به آن‌ها ارائه شده است. در همین حال ۲۴۳ مرد در ۱۷ رشته (آبگرمکن، آرایشگری، آسفالت‌ریزی و بازیافت، باغبانی شهری و درختکاری، بلوچی‌دوزی، پرده‌دوزی، تعمیر موبایل، تعمیر خودروهای بنزینی، تعمیر اتومبیل‌های سنگین و نیمه سنگین، حسابداری، رایانه، صافکاری، عکاسی، کاشی‌کاری، لوله کشی گاز و نقاشی ساختمان) مورد پذیرش قرار گرفتند که در قالب ۱۹ دوره به اجرا درآمده است.

همانطور که پیش‌بینی‌های اولیه نیز نشان می‌داد رشته‌های آرایشگری و خیاطی با اختصاص ۲۰/۲ درصد و ۱۶/۸ درصد به ترتیب با بیشترین اقبال از سوی زنان روبرو شدند. در خصوص مردان نیز رشته‌های رایانه با ۳۶/۵ درصد و تعمیر موبایل با ۱۲/۸ درصد بیشترین سهم را به خود اختصاص دادند.

مهارت آموزان مرد به تفکیک رشته های فنی – حرفه ای

نام رشته	تعداد مهارت آموزان ثبت نام شده	نسبت مهارت آموزان در هر رشته (درصد)
آبگرمکن	۶	۲,۵
آرایشگری	۹	۳,۷
آسفالت ریزی و بازیافت	۱۲	۴,۹
باغبانی شهری و درختکاری	۳	۱,۲
بلوچی دوزی	۱۹	۷,۸
پرده دوزی	۸	۳,۳
تعمیر موبایل	۳۱	۱۲,۸
تعمیر کار اتومبیل های بنزینی	۲	۰,۸
تعمیر کار خودروهای سنگین و نیمه سنگین	۱	۰,۴
حسابداری	۱۲	۴,۹
خیاطی ۲	۱۳	۵,۳
ذبح و بسته بندی	۸	۳,۳
رایانه ۱	۵۵	۲۲,۶
رایانه ۲	۲۸	۱۱,۵
صافکاری	۱	۰,۴
عکاسی	۱۲	۴,۹
کاشی کاری	۱۴	۵,۸
لوله کشی گاز	۴	۱,۶
نقاشی ساختمان	۵	۲,۱
مجموع	۲۴۳	۱۰۰

۲۹۷

کلاس تعمیرات موبایل



گزارش نهایی طرح

توسعه مهارت‌های پایه در سکونتگاه‌های غیررسمی شهر زاهدان

کلاس بلوچی دوزی و پرده دوزی



کلاس آرایشگری



گزارش نهایی طرح
توسعه مهارت‌های پایه در سکونتگاه‌های غیررسمی شهر زاهدان

کلاس عکاسی



کلاس حسابداری



کلاس نقاشی ساختمان

گزارش نهایی طرح
توسعه مهارت‌های پایه در سکونتگاه‌های غیررسمی شهر زاهدان



کلاس کاشی کاری

کلاس تئوری ذبح و بسته بندی

گوشت و مرغ



کلاس تئوری آسفالت ریزی

گزارش نهایی طرح
توسعه مهارت‌های پایه در سکونتگاه‌های غیررسمی شهر زاهدان

کلاس رایانه



مهارت آموزان به تفکیک رشته های فنی – حرفه ای

نام رشته	تعداد مهارت آموزان ثبت نام شده	نسبت مهارت آموزان در هر رشته (درصد)
آرایشگری	۸۵	۱۶,۸
آشپزی	۲۸	۵,۵
پرورش قارچ	۲۲	۴,۳
چادر دوزی	۸	۱,۶
حسابداری	۱۱	۲,۲
خیاطی	۱۰۲	۲۰,۲
رایانه ۱	۱۰۱	۲۰,۰
عکاسی	۱۲	۲,۴
قالیافی	۲۵	۴,۹
رایانه ۲	۲۵	۴,۹
کاربر گیاهان دارویی	۱۵	۳,۰
البسه محلی	۲۴	۴,۷
البسه محلی ۲	۴۸	۹,۵
مجموع	۵۰۶	۱۰۰

بج

برخی رشته های ابتکاری از جمله پرورش قارچ و کاربری گیاهان دارویی توانست با اقبال خوبی از سوی زنان مواجه شود. آسفالت ریزی و بازیافت، ذبح و بسته بندی گوشت و مرغ و باغبانی شهری و درختکاری نیز برای مردان نتیجه مشابهی در پی داشتند.

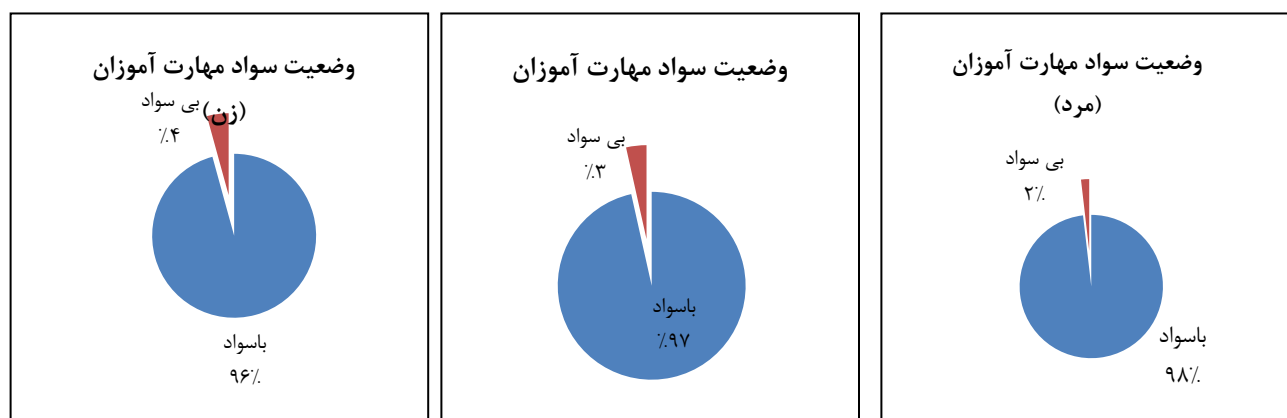
کلاس قالیبافی



⁶⁴ به دلیل باورهای مذهبی و فرهنگی حاکم در مناطق هدف با محدودیت‌هایی در عکسبرداری از دوره‌های زنان مواجه بودیم. به همین دلیل تعداد این عکس‌ها کمتر از دوره‌های مردان است.

۱,۲. وضعیت سواد مهارت آموزان

"بیسوادان" یکی از گروه‌هایی بودند که از ابتدا به عنوان "هدف جذب" این طرح مد نظر قرار گرفتند. با این حال پذیرش این افراد در دوره‌های مهارت‌آموزی با مشکل مواجه بود زیرا در اغلب رشته‌ها داشتن حداقل سواد شرط لازم برای اعطای مدرک به افراد به شمار می‌آمد.



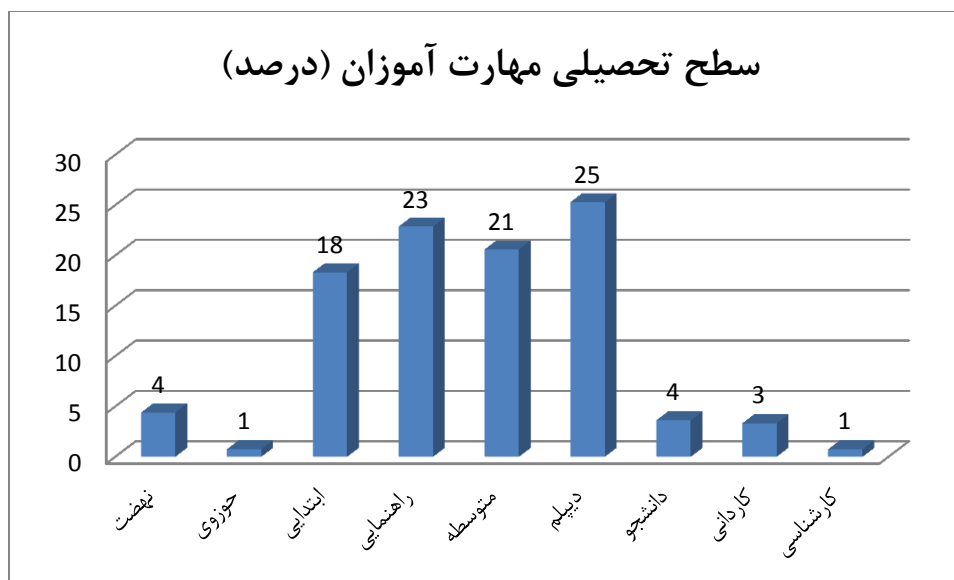
با این حال در مجموع ۳ درصد از کل مهارت‌آموزان را بی‌سوادان تشکیل می‌دهند که این نسبت برای زنان ۴ درصد و برای مردان ۲ درصد می‌باشد. ۹۷ درصد باقیمانده از کل مهارت‌آموزان را باسوادان تشکیل می‌دهند.

وضعیت سواد مهارت آموزان

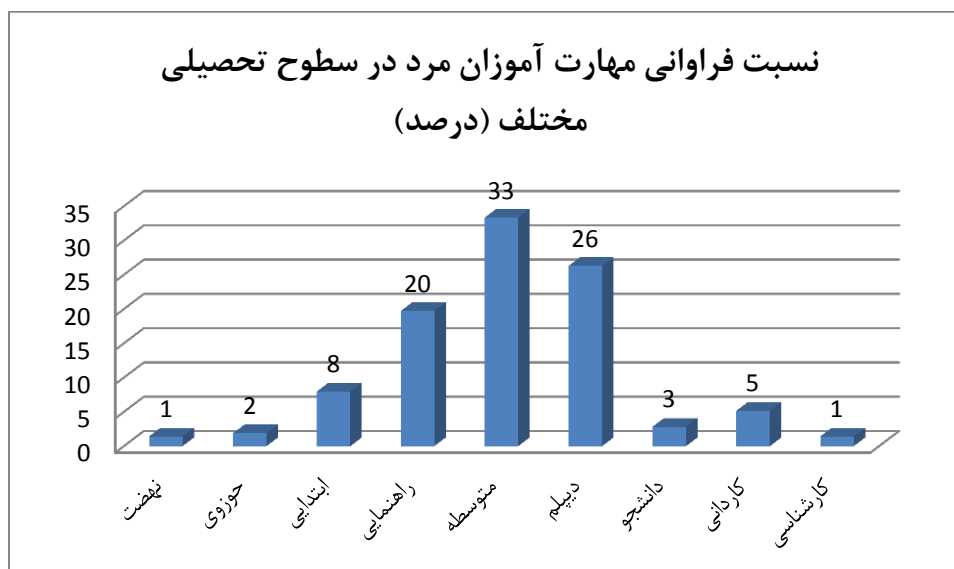
وضعیت سواد	نسبت از کل	نسبت از کل (مرد)	نسبت از کل (زن)
باسواد	۹۷	۹۸	۹۶
بی سواد	۳	۲	۴

۱,۳. نسبت مهارت آموزان در سطوح مختلف تحصیلی

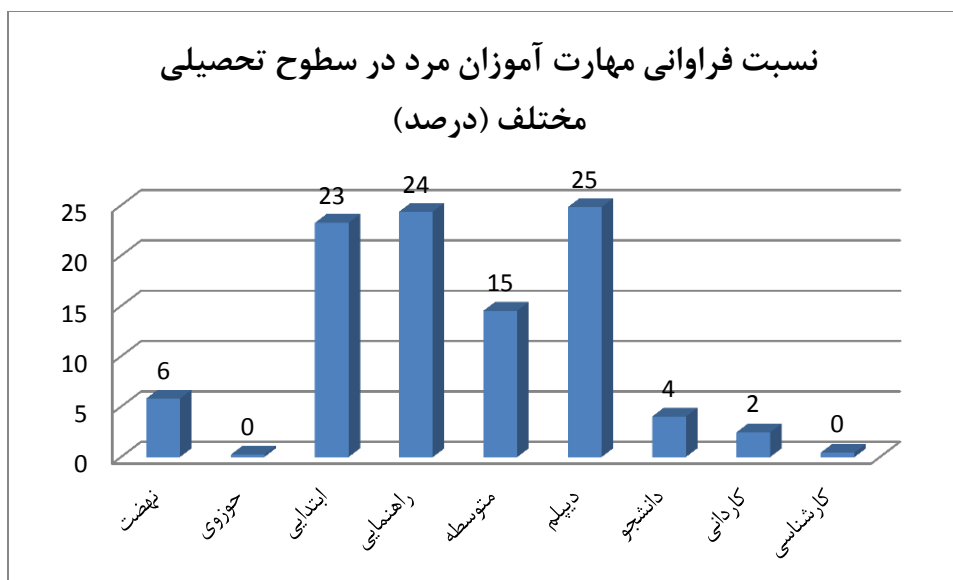
بیشترین فراوانی مهارت‌آموزان در سطح تحصیلی دیپلم و معادل ۲۵ درصد از کل بوده است. همانطور که در نمودار زیر به خوبی قابل مشاهده است بیشترین فراوانی در دوره‌های تحصیلی میانی (ابتدایی، راهنمایی، متوسطه و دیپلم) است و هر چه به دو سر طیف سطح تحصیلی نزدیک می‌شویم از تعداد مهارت‌آموزان کاسته می‌شود.



بالاترین نسبت مهارت‌آموزان برای مردان نیز در سطح تحصیلی متوسطه (۳۳ درصد) بوده و هر چه به دو طرف طیف نزدیک می‌شویم از فراوانی مهارت‌آموزان کاسته می‌شود.

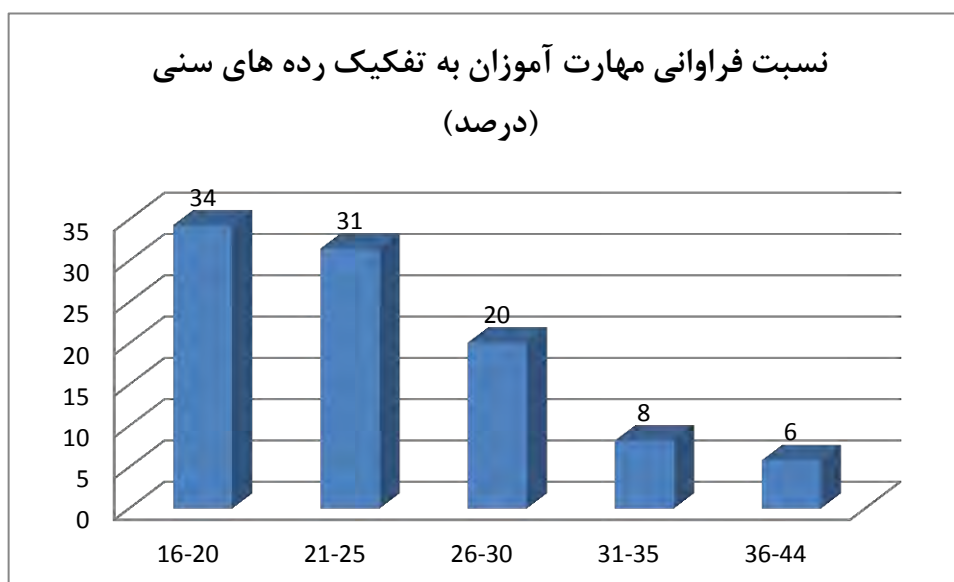


در عین حال اطلاعات به دست آمده حاکی از آن است که بیشترین نسبت فراوانی برای مهارت آموزان زن در سطح تحصیلی دیپلم (۲۵ درصد) و با کمی اختلاف راهنمایی (۲۴ درصد) می‌باشد. همانطور که در نمودار زیر مشاهده می‌کنید.



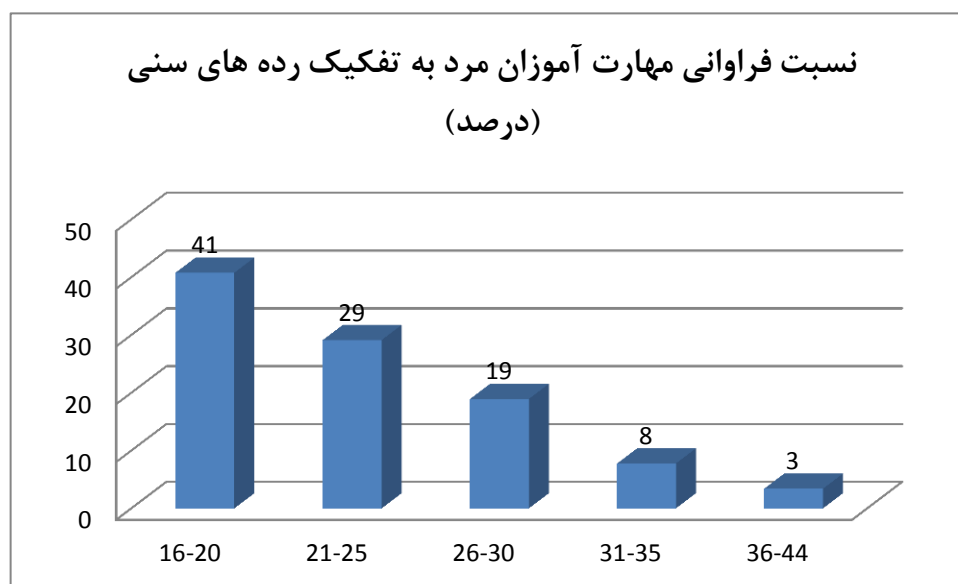
۱,۴. نسبت فراوانی مهارت آموزان به تفکیک گروه‌های سنی

بر اساس شرح خدمات و توافقاتی که در ابتدای طرح شد، زنان و مردان بین ۱۶ تا ۴۴ سال به عنوان گروه هدف انتخاب شدند. بررسی نسبت فراوانی مهارت آموزان در رده‌های پنجگانه سنی نشان می‌دهد بیشترین فراوانی متعلق به گروه سنی ۱۶ تا ۲۰ سال و معادل ۳۴ درصد از کل مهارت آموزان است. به همین ترتیب گروه‌های سنی ۲۱ تا ۲۵ سال با ۳۱ درصد سهم و ۲۶ تا ۳۰ سال با ۲۰ درصد سهم از کل در رتبه‌های بعدی قرار می‌گیرند.

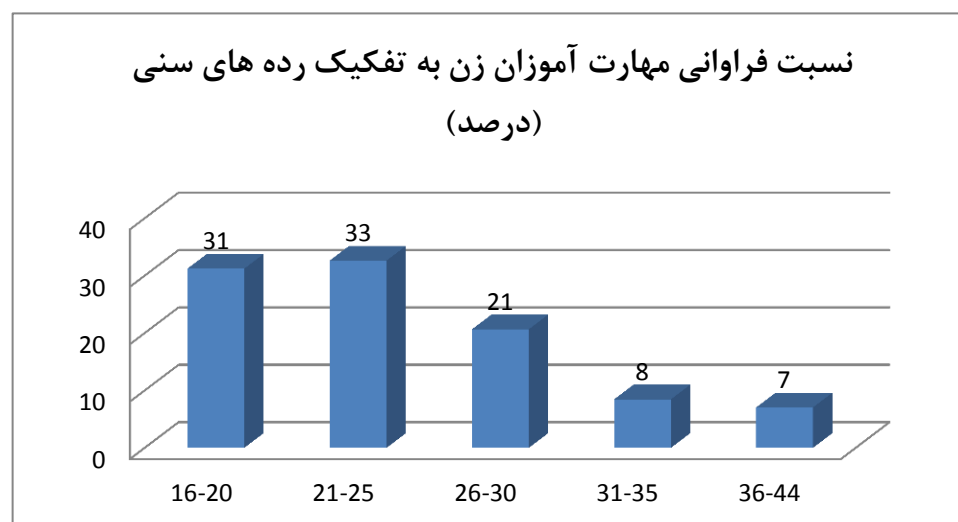


بر اساس نمودار فوق می‌توان نتیجه گرفت که رابطه معکوسی میان سن افراد و میزان سهم آن‌ها در طرح مهارت-آموزی وجود دارد.

برای مردان نیز همین روند قابل مشاهده است با این تفاوت که سهم رده سنی ۱۶ تا ۲۰ سال معادل ۴۱ درصد است و سهم رده سنی ۲۱ تا ۲۵ سال با کاهش زیادی نسبت به متوسط روبرو می‌شود که این امر ناشی از دغدغه مردان این مناطق برای ورود سریع‌تر به بازار کار است.



برای زنان وضعیت کمی متفاوت از روند پیش گفته است. رده سنی ۲۱ تا ۲۵ سال بیشترین فراوانی (۳۳ درصد) را به خود اختصاص می‌دهد و رده سنی ۱۶ تا ۲۰ سال با کمی اختلاف با رقم ۳۱ درصد از مهارت آموزان رتبه دوم را در میزان فراوانی مهارت‌آموزان دارد.



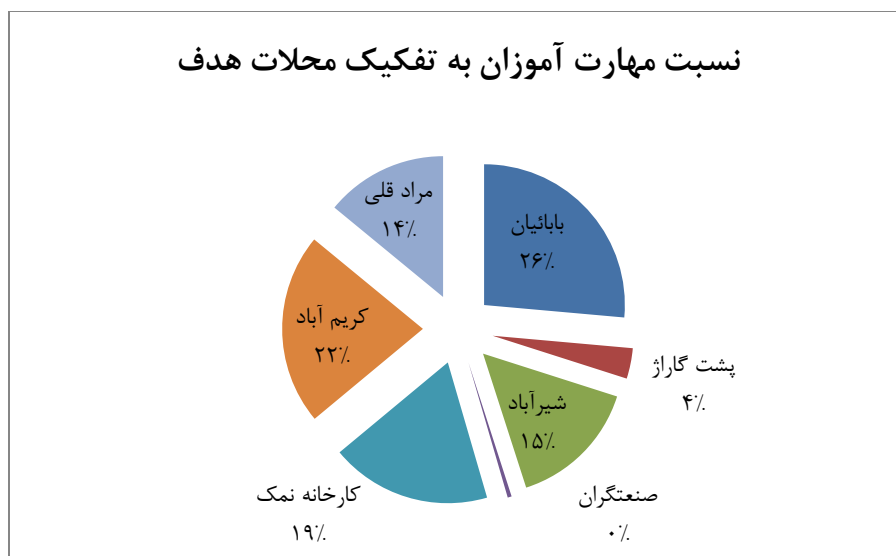
۱,۵. نسبت مهارت آموزان به تفکیک محلات هدف

محلات هدف طرح توسعه مهارت‌های پایه عبارتند از بابائیان، پشت گاراژ، شیرآباد، صنعتگران، کارخانه نمک، کریم آباد و مرادقلی که سکونتگاه‌های غیررسمی شهر زاهدان را تشکیل داده و بیش از یک سوم جمعیت این شهر را در خود جای می‌دهند. جدول زیر نسبت مشارکت هر یک از این محلات را بر اساس نسبت مهارت‌آموزان ثبت نام شده از این محلات در طرح نشان می‌دهد.

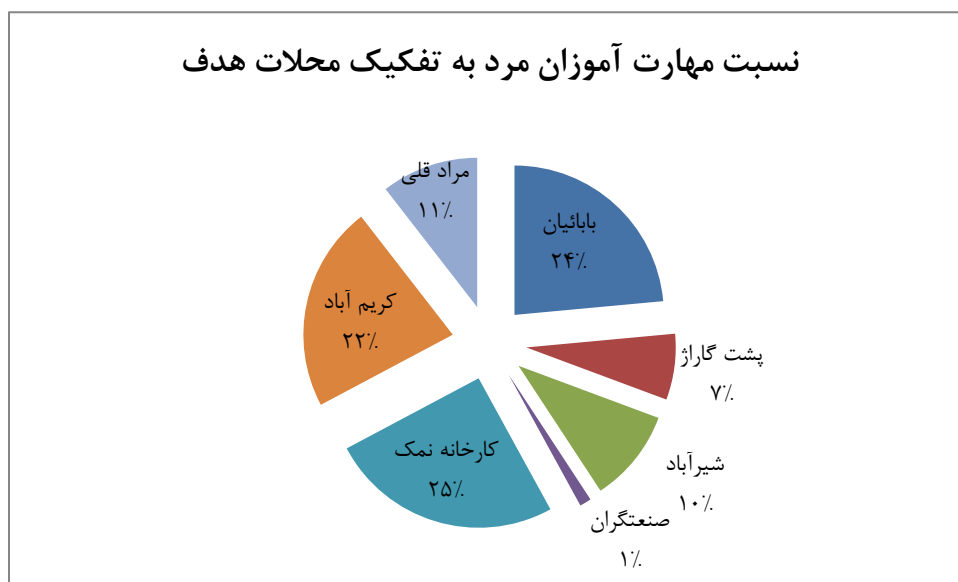
نسبت مهارت آموزان به تفکیک محلات هدف

نام محله	نسبت از کل	نسبت از کل (مرد)	نسبت از کل (زن)
بابائیان	۲۶	۲۴	۲۸
پشت گاراژ	۴	۷	۱
شیرآباد	۱۵	۱۰	۱۸
صنعتگران	۰	۱	۰
کارخانه نمک	۱۸	۲۵	۱۵
کریم آباد	۲۲	۲۲	۲۲
مرادقلی	۱۴	۱۱	۱۶
مجموع	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰

نمودارهای زیر سهم محلات در این طرح را در سه سطح کل، مردان و زنان نشان می‌دهند.

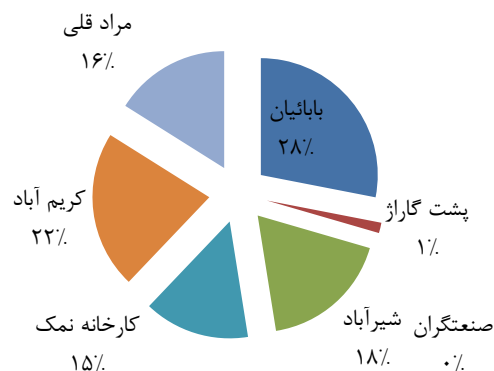


محله بابائیان در مجموع ۲۶ درصد از کل مهارت آموزان مرد و زن را به خود اختصاص می‌دهد و کریم آباد با ۲۲ درصد و کارخانه نمک با ۱۹ درصد رتبه‌های دوم و سوم را به خود اختصاص داده‌اند.



در مورد مردان کارخانه نمک با ۲۵ درصد، بابائیان با ۲۴ درصد و کریم آباد با ۲۲ درصد به ترتیب بیشترین سهم را به خود اختصاص داده‌اند.

نسبت مهارت آموزان زن به تفکیک محلات هدف



در مورد زنان بابائیان با ۲۸ درصد بیشترین سهم را از مهارت آموزان زن در این طرح داشته است و محله‌های کریم آباد (۲۲ درصد) و شیرآباد (۱۸ درصد) رتبه های دوم و سوم را در نسبت مهارت آموزان به خود اختصاص داده‌اند.

به نظر می‌رسد فعالیت شهرداران محله سهم بسزایی در اطلاع رسانی و جذب مهارت آموزان از محله‌های هدف داشته است به گونه ای که فعال ترین شهرداران محله (بابائیان و کارخانه نمک) بیشترین سهم را در اطلاع رسانی و ترغیب افراد برای پیوستن به این طرح داشته‌اند.

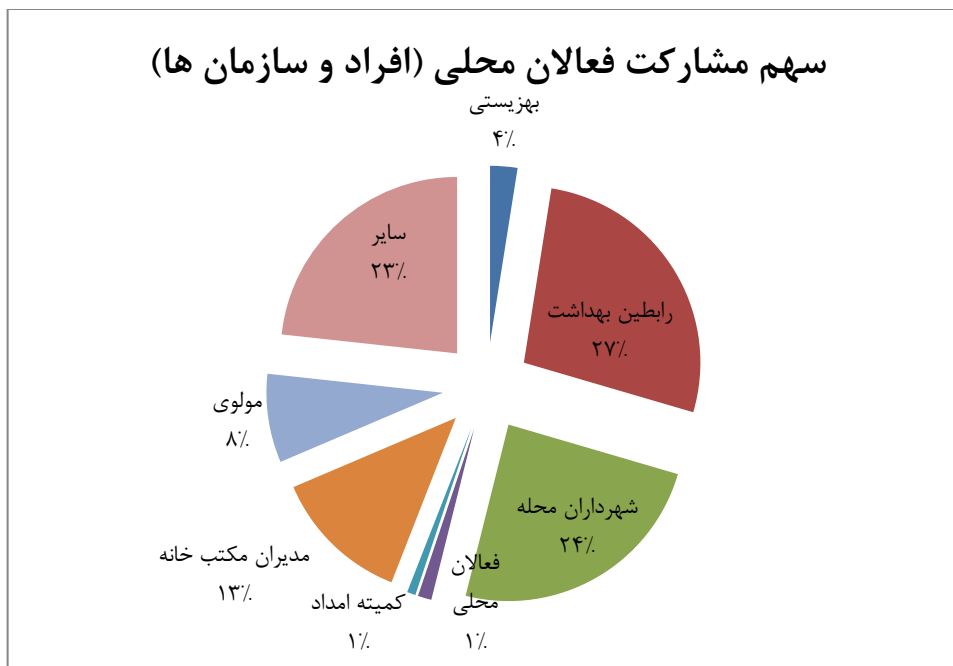
۱,۶. مشارکت فعالان محلی و سازمان های مرتبط با ساکنان محلات هدف در طرح

منظور از فعالان محلی افراد شناخته شده‌ای هستند که به نوعی در میان مردم یک یا چندین محله مقبولیت عام دارند. از فعالان محلی درگیر در این طرح می‌توان به مولوی‌ها، شهرداران محله، مدیران مکتب خانه‌ها (برای زنان)، رابطین بهداشت اشاره کرد. برخی سازمان ها از جمله بهزیستی و کمیته امداد نیز به دلیل ارتباطی که با ساکنان این محلات داشتند در اطلاع رسانی طرح و معرفی آن به افراد زیرمجموعه خود همکاری داشتند.

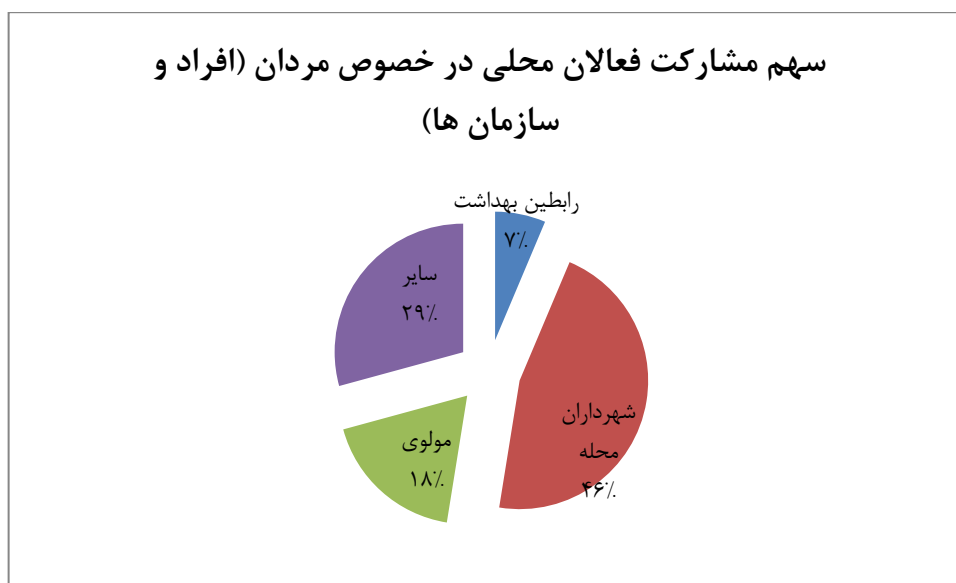
مشارکت فعالان محلی در طرح

معرفین	نسبت از کل (درصد)	نسبت از کل (درصد) مرد	نسبت از کل (درصد) زن
بهزیستی	۳		۴
رابطین بهداشت	۲۷	۶	۳۹
شهرداران محله	۲۴	۴۶	۱۲
فعالان محلی	۱		۲
کمیته امداد	۱		۱
مدیران مکتب خانه	۱۳		۲۰
مولوی	۸	۱۸	۲
سایر	۲۳	۲۹	۲۰

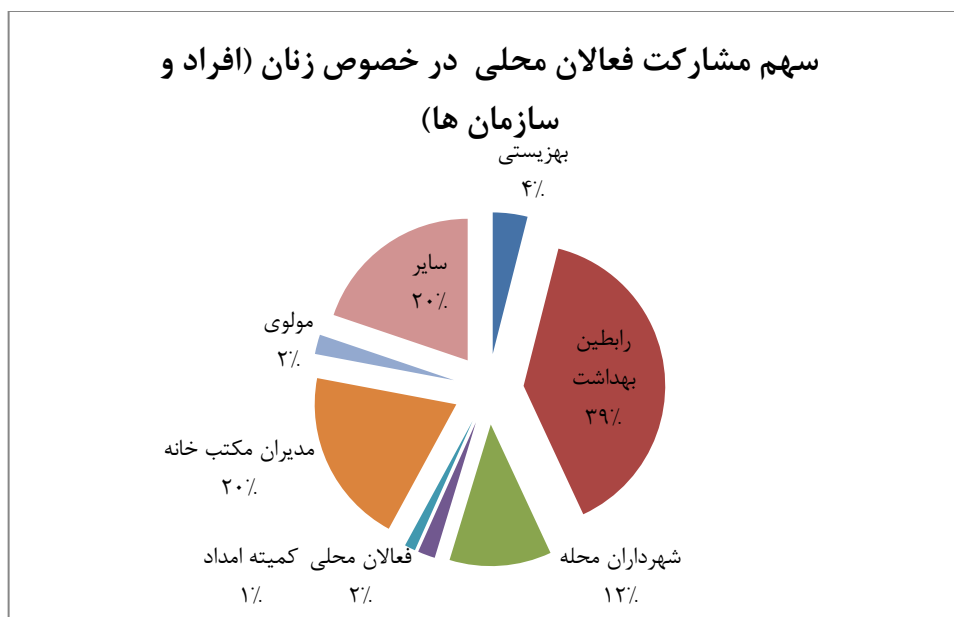
بر اساس نمودار زیر و جدول فوق در مجموع رابطین بهداشت بیشترین سهم را در معرفی و ترغیب افراد به شرکت در دوره های مهارت‌آموزی فنی حرفه ای داشته اند. شهرداران محله با سهم ۲۴ درصدی دومین رتبه را در مشارکت فعالان محلی دارند. اما رتبه مشارکت فعالان محلی برای زنان و مردان متفاوت است.



بر اساس نمودار زیر شهرداران محله (۴۶ درصد) و مولوی ها (۱۸ درصد) بیشترین مشارکت را در معرفی مهارت-آموزان مرد به طرح داشته‌اند.



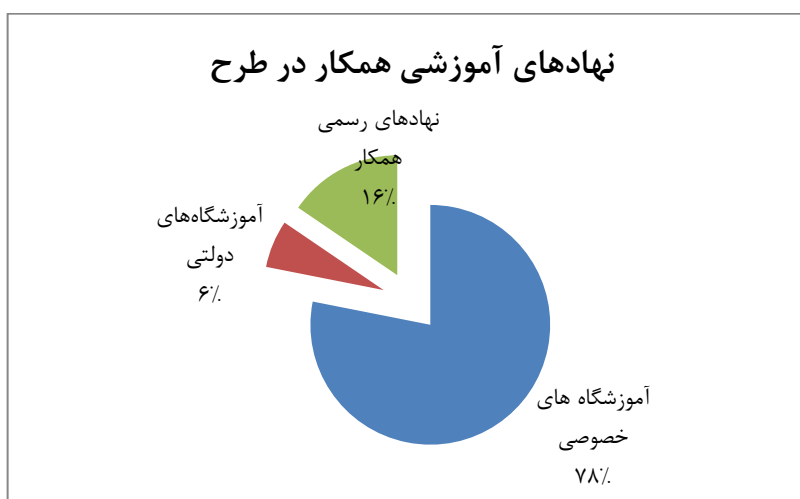
در خصوص زنان نیز همانطور که در نمودار زیر قابل مشاهده است، رابطین بهداشت (۳۹ درصد) بیشترین سهم را در معرفی و ترغیب افراد برای پیوستن به طرح مهارت آموزی را داشته‌اند. مدیران مکتب خانه ها با ۲۰ درصد و شهرداران محله با ۱۲ درصد رتبه‌های بعدی را به خود اختصاص داده‌اند.



۱.۷. نسبت مشارکت نهادهای آموزشی همکار طرح به تفکیک خصوصی و دولتی

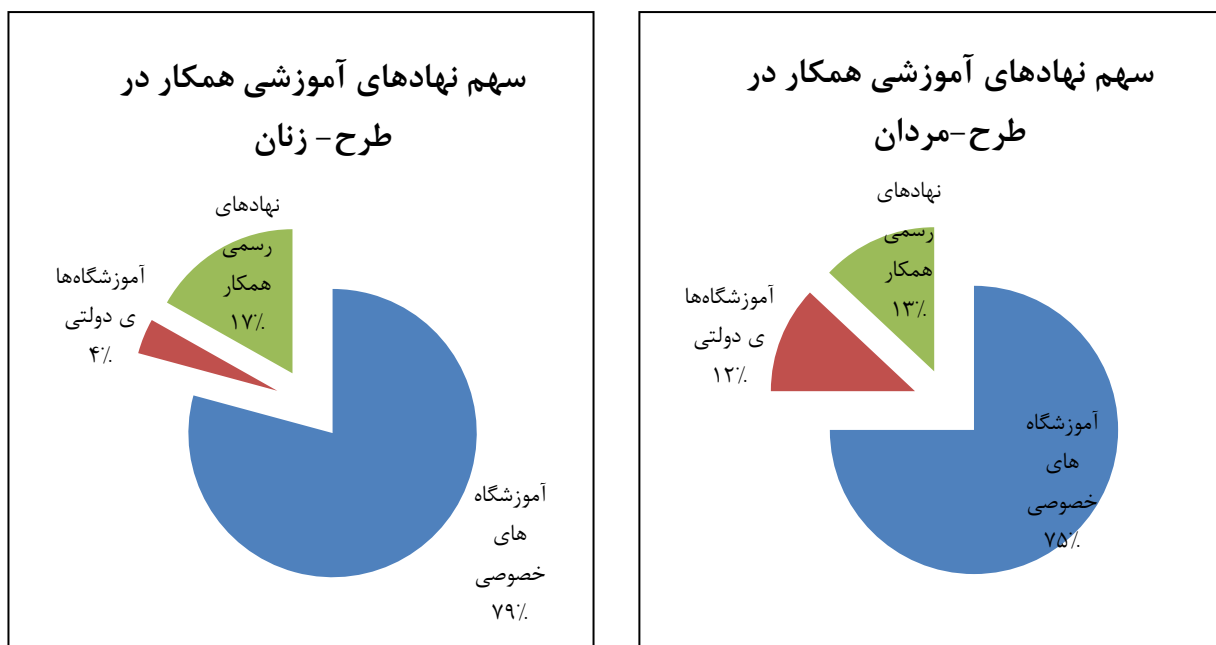
مذاکرات برای تعیین نهادهای آموزشی همکار طرح در سه حوزه انجام گرفت: آموزشگاه‌های دولتی (مراکز فنی-حرفه‌ای)، آموزشگاه‌های خصوصی و نهادهای رسمی همکار. برای تعیین مورد اخیر ظرفیت آموزشی سازمان‌ها و ارگان‌های دولتی و مدنی زاهدان مورد ارزیابی قرار گرفت و سرانجام شهرداری، انجمن سینمای جوان (ارشاد)، کشتارگاه پاکدام، صنایع دستی به عنوان نهادهای آموزشی رسمی همکار طرح مورد پذیرش قرار گرفتند.

بر اساس جدول زیر در مجموع ۷۸ درصد از کل آموزش‌ها به عهده آموزشگاه‌های خصوصی، ۱۵ درصد به عهده نهادهای رسمی همکار و تنها ۶ درصد به عهده آموزشگاه‌های دولتی (مراکز فنی-حرفه‌ای شماره ۱ و شماره ۲) گذاشته شده است.



اگرچه کلیت نسبت‌های فوق به تفکیک دوره‌های زنان و مردان متفاوت است اما تفاوت‌های ناچیزی وجود دارد.

برای زنان آموزشگاه های خصوصی، نهادهای رسمی همکار و آموزشگاه های دولتی به ترتیب ۸۰، ۱۷ و ۴ درصد از کل آموزش را برعهده داشته‌اند. این نسبت برای مردان به ترتیب ۷۵، ۱۳ و ۱۲ درصد بوده است.



۱.۸. لیست مشارکت نهادهای آموزشی با ذکر اسامی

نهادهای آموزشی همکار در این طرح را می توان در قالب سه گروه طبقه بندی کرد:

- ✓ آموزشگاه های دولتی مشتمل بر مراکز فنی حرفه ای شماره ۱ (رشته های صافکاری، تعمیر اتومبیل های سنگین و نیمه سنگین، تعمیر خودروهای بنزینی، تعمیر آبگرمکن و لوله کشی گاز) و شماره ۲ (باغبانی شهری و درختکاری و حسابداری)
- ✓ آموزشگاه های خصوصی مشتمل بر امین (رشته عمران^{۶۵})، نسل برتر (رشته های رایانه، پرورش قارچ، کاربر گیاهان دارویی)، امیر (پیرایش مردانه)، امیرکبیر (تعمیر موبایل)، مونس (بلوچی دوزی و پرده دوزی مردانه)، صدف (آرایشگری و خیاطی زنانه^{۶۶})، ربه کا (آرایشگری زنانه)، چکامه (خیاطی)، (خیاطی و آرایشگری زنانه)، مهدیس (آرایشگری زنانه)، عسل بانو (آشپزی)، پرشیا (خیاطی زنانه)، مدرن (خیاطی زنانه)، مهر (قالیبافی)
- ✓ نهادهای رسمی همکار مشتمل بر انجمن سینمای جوان (عکاسی)، صنایع دستی (البسه محلی)، شهرداری (آسفالت ریزی، جدول چینی و بازیافت)، کشتارگاه پاکدام (ذبح و بسته بندی گوشت و مرغ)

^{۶۵} عمران شامل دو رشته نقاشی ساختمان و کاشی کاری می شود.

^{۶۶} خیاطی زنانه شامل دوره های نازک دوزی، پرده دوزی و بلوچی دوزی و چادر دوزی و البسه محلی می شود.

جداول زیر سهم هر یک از نهادهای آموزشی همکار را بر اساس تعداد مهارت آموزان و نسبت آن‌ها به کل را به تفکیک زن و مرد نشان می‌دهند.

نهادهای آموزشی همکار در طرح (مرد)

نام آموزشگاه‌ها	تعداد	در صد از کل
آموزشگاه امین	۱۹	۸
آموزشگاه نسل برتر	۸۳	۳۴
آموزشگاه امیر	۹	۴
آموزشگاه امیرکبیر	۳۱	۱۳
آموزشگاه مونس	۴۰	۱۶
مجموع	۱۸۲	۷۵
آموزشگاه‌های خصوصی		
مرکز فنی حرفه‌ای شماره ۱	۱۴	۵,۷۶۱
مرکز فنی حرفه‌ای شماره ۲	۱۵	۶,۱۷۳
مجموع	۲۹	۱۲
آموزشگاه‌های دولتی		
انجمن سینمای جوان	۱۲	۵
شهرداری	۱۲	۵
کشتارگاه پاکدام	۸	۳
مجموع	۳۲	۱۳
نهادهای رسمی همکار		

نهادهای آموزشی همکار در طرح (زن)

نام آموزشگاه ها	تعداد	درصد از کل
آموزشگاه های خصوصی	۸۵	۱۷
	۲۸	۶
	۲۲	۴
	۱۰۲	۲۰
	۲۵	۵
	۱۲۶	۲۵
	۱۵	۳
	۴۰۳	۸۰
آموزشگاه های دولتی	۸	۲
	۱۱	۲
	۱۹	۴
نهادهای رسمی همکار	۱۲	۲
	۷۲	۱۴
	۸۴	۱۷

فصل سیزدهم ؛

طراحی و اجرای سیستم پایش و ارزیابی عملکرد برنامه

مقدمه

سیستم ارزیابی برنامه مبتنی بر مأموریت اولیه و اهداف اصلی طرح در دو مقطع زمانی شروع و پایان دوره طراحی و اجرا شده است. همچنین ارزیابی از دو زاویه مهارت‌آموزان و مربیان مورد پایش قرار گرفته است.

۱- ارزیابی قبل از آموزش

هدف:

- شناخت نسبی سطح مهارت و یادگیری مهارت‌آموزان قبل از اجرای برنامه‌های آموزشی

فعالیت‌ها:

- تهیه ابزار ارزیابی برای مرحله پیش از آموزش
- انجام ارزیابی از مهارت‌آموزان
- انجام ارزیابی از مربیان
- تهیه پرونده برای هر یک از مهارت‌آموزان و مربیان

روش اجرا:

- تست ارزیابی

یافته‌ها:

- تحلیل ارزیابی مهارت‌آموزان و مربیان در مرحله قبل از آموزش

در این مرحله دو فرم ارزیابی جهت دریافت نقطه نظرات مهارت‌آموزان از یک سو و دستیابی به نظرات مربیان از دیگر سو طراحی شد.

فرم ارزیابی شروع دوره مهارت‌آموزان:

در مرحله قبل از شروع دوره و در نخستین جلسه از مهارت‌آموزان خواسته شد که به ۵ سؤال اصلی پاسخ دهند:

- ۱- میزان آشنائی مهارت‌آموزان با دوره
- ۲- میزان علاقه مهارت‌آموزان
- ۳- هدف مهارت‌آموزان از انتخاب دوره
- ۴- انتظار مهارت‌آموزان از مدرس و مجری دوره
- ۵- برنامه آینده مهارت‌آموزان پس از گذراندن دوره

فرم ارزیابی شروع دوره مدرسین:

در این مرحله از مربیان دوره‌ها و پس از پایان نخستین جلسه دوره نیز خواسته شد که به ۵ سؤال پاسخ دهند:

- ۱- سطح دانش مهارت‌آموزان در دوره‌ای که شرکت کرده‌اند
- ۲- میزان علاقه مهارت‌آموزان برای یادگیری
- ۳- پیشنهاد مربیان برای استمرار حضور در دوره
- ۴- پیشنهاد مربیان برای بالابردن اثربخشی دوره
- ۵- سایر پیشنهادات و نظرات مربیان برای تأثیر مثبت دوره

نتایج ارزیابی

بررسی‌های انجام شده در مورد نتایج ارزیابی‌های مهارت‌آموزان و مربیان در مرحله قبل از آموزش نشان می‌دهد:

مهارت‌آموزان:

۱- حدود ۹۰ درصد کل مهارت‌آموزان آشنائی قبلی با دوره خود را نداشته‌اند و تنها حدود ۱۰ درصد از آنان اظهار داشته‌اند که تا حدودی نسبت به دوره آشنائی دارند.

۲- میزان علاقه مهارت‌آموزان به دوره بیش از ۸۵ درصد در سطح زیاد و خوب بوده است. در مورد مهارت-آموزان زن این نسبت بیش از ۹۵ درصد است.

۳- هدف انتخاب از دوره در مجموع گرایش بیشتری به آمادگی برای بازارکار بوده است. در مرحله بعدی علاقه کلی به یادگیری آموزش و در مرحله آخر کسب مهارت هدف بوده است. تمایلات مهارت‌آموزان در سه مورد فوق به ترتیب حدود ۲۵، ۱۰ و ۵۵ درصد بوده است. ۱۰ درصد باقیمانده به سایر اشاره داشته است.

نسبت علاقه به آمادگی برای بازارکار برای مهارت‌آموزان مرد بیشتر بوده است به طوریکه بالغ بر ۶۵ درصد است.

۴- انتظار عموم مهارت‌آموزان از مدرس کیفیت آموزش و برگزاری اجرای دوره بوده است. علاوه بر آن انتظار برقراری امکانات و تسهیلات جانبی برای دوره از جمله تأمین وسیله ایاب و ذهاب از مجریان مطرح شده است.

۵- در مورد برنامه آینده مهارت‌آموزان پس از خاتمه دوره بیشترین اشاره را به کسب درآمد و دستیابی به شغل داشته‌اند. در مجموع بیش از ۷۰ درصد کل مهارت‌آموزان به دستیابی به شغل اشاره کرده‌اند. این نسبت برای مهارت‌آموزان مرد بالغ بر ۹۵ درصد است. مهارت‌آموزان زن بیش از دستیابی به شغل به کسب درآمد اشاره داشته‌اند برخی از آنان به این مطلب اشاره کرده‌اند که در خانه هم می‌توانند با فعالیت در رشته مورد نظر خود به کسب درآمد بپردازند. علاوه بر آن حدود ۲۵ درصد آنان به ادامه تحصیل و یا گذراندن دوره‌های پیشرفته رشته منتخب خود اظهار علاقه کرده‌اند. حدود ۱۵ درصد از مهارت‌آموزان زن علاقه خود را نسبت به ایجاد کسب و کاری جدید توسط خودشان ابراز کرده‌اند.

مربیان:

۱- میزان سطح دانش مهارت‌آموزان از نظر مربیان حدود ۷۰ درصد متوسط بوده است.

۲- مربیان میزان علاقه مهارت‌آموزان را در جلسه نخست حدود ۹۰ درصد در سطح زیاد تشخیص داده‌اند.

۳- مربیان برای استمرار حضور مهارت‌آموزان تا انتهای دوره عمدتاً به موارد زیر اشاره داشته‌اند:

۳-۱- آشنائی مهارت‌آموزان با کاربری رشته‌ها

۳-۲- تأمین وسایل ایاب و ذهاب برای مهارت‌آموزان

۳-۳- ایجاد شرایط مناسب در کلاس

۳-۴- تشویق مهارت‌آموزان توسط مربیان

۴- در مورد اثربخشی دوره، مهارت‌آموزان عمدتاً به موارد زیر اشاره کرده‌اند:

۴-۱- تبلیغ و اطلاع‌رسانی مناسب رشته‌ها برای مهارت‌آموزان

۴-۲- کمک به فراگیرشدن رشته‌های مهارت‌آموزان در محلات

۴-۳- کمک به ایجاد کسب و کار در زمینه رشته‌های مورد علاقه مهارت‌آموزان

۴-۴- فراهم کردن امکانات کار در رشته‌های مورد نظر مهارت‌آموزان

۲- ارزیابی بعد از آموزش

هدف:

- شناسایی سطح مهارت و نسبت یادگیری مهارت‌آموزان پس از اجرای برنامه آموزشی

فعالیت‌ها:

- تهیه فرم ارزیابی
- انجام ارزیابی از مهارت‌آموزان
- انجام ارزیابی از مربیان (نسبت به مهارت‌آموزان و برنامه)
- درج نتیجه در پرونده هر یک از مهارت‌آموزان و مربیان

روش اجرا:

- تست ارزیابی

یافته‌ها:

- تحلیل ارزیابی مهارت‌آموزان و مربیان در مرحله بعد از آموزش

در مرحله پس از پایان دوره نیز دو فرم ارزیابی برای مهارت‌آموزان و مربیان طراحی و به آنان ارائه شد.

فرم ارزیابی پایان دوره مهارت آموزان:

در مرحله پس از خاتمه دوره و در آخرین جلسه، از مهارت آموزان خواسته شده که به ۹ سؤال پاسخ دهند:

- ۱- مطالب دوره را تا چه حد مفید و قابل استفاده دیدند؟
- ۲- مطالب دوره تا چه حد مورد علاقه آنها بود؟
- ۳- روش تدریس و نحوه انتقال مطالب توسط مدرس تا چه حد گویا و مفید بود؟
- ۴- میزان نظم در برگزاری دوره به چه میزان بود؟
- ۵- میزان رضایت بخشی از برخورد مجریان در اطلاع رسانی و ثبت نام اولیه چقدر است؟
- ۶- برخورد مسئولین آموزشگاه‌ها، مهارت آموزان تا چه حد رضایت بخش بوده است؟
- ۷- پس از پایان دوره به چه توانائی‌ها و قابلیت‌هایی دست یافتند؟
- ۸- برنامه مهارت آموزان پس از پایان دوره چه می‌باشد؟
- ۹- انتقادات و پیشنهادات مهارت آموزان برای بهبود هر چه بهتر دوره چه بوده است؟

فرم ارزیابی پایان دوره مدرسین:

در مرحله پایانی دوره و در آخرین جلسه نیز از مدرسین خواسته شده که به ۶ سؤال زیر پاسخ دهند:

- ۱- میزان علاقه مهارت آموزان برای یادگیری در طول دوره در چه حد بوده است؟
- ۲- توانائی‌ها و قابلیت‌های مهارت آموزان توسط مربیان در پایان دوره در چه حد ارزیابی می‌شود؟
- ۳- قابلیت‌های مهارت آموزان در پایان دوره برای ورود به بازار کار در چه حد ارزیابی می‌شود؟
- ۴- آیا مربیان قابلیت و شایستگی مهارت آموزان را در حدی می‌بینید که برخی از آنان هم اکنون و یا در آینده نزدیک در رشته خود شاغل و یا خویش فرما شوند؟
- ۵- در صورت مثبت بودن پاسخ سؤال ۴ پیشنهاد عملی خود را نام ببرند؟

۶- چنانچه نظرات و یا پیشنهاداتی برای برگزاری هر چه بهتر برنامه دارند، ارائه فرمائید.

نتایج ارزیابی:

بررسی‌های انجام شده دیدگاه‌ها و نقطه نظرها مهارت‌آموزان و مربیان در پایان دوره نشان دهنده نتایج زیر است:

مهارت‌آموزان

- ۱- مهارت‌آموزان بیش از ۸۵ درصد دوره را مفید و قابل استفاده تشخیص دادند.
- ۲- نزدیک به ۱۰۰ درصد مهارت‌آموزان علاقه خود را در پایان دوره نسبت به رشته خود در حد زیاد و خیلی زیاد اعلام کردند.
- ۳- حدود ۹۰ درصد مهارت‌آموزان روش تدریس و نحوه انتقال مطالب را توسط مدرس در سطح کلیه دوره‌ها در حد زیاد و خیلی زیاد تشخیص داده اند.
- ۴- میزان نظم در برگزاری دوره از نظر مهارت‌آموزان کل دوره‌ها حدود ۸۰ درصد در سطح زیاد و خیلی زیاد اعلام شده است و حدود ۲۰ درصد در حد متوسط بوده است.
- ۵- برخورد مجریان دوره در اطلاع‌رسانی و ثبت نام اولیه به میزان ۸۰ درصد در حد زیاد و خیلی زیاد است.
- ۶- مهارت‌آموزان برخورد مسئولین آموزشگاه‌ها را در ۸۵ درصد در سطح زیاد و خیلی زیاد رضایت بخش دانستند.
- ۷- مهارت‌آموزان حد قابلیت و توانائی خود را پس از پایان دوره متناسب با مطالب ارائه شده دوره مناسب تشخیص دادند و به ریز توانائی‌های انجام کار در رشته‌های آموزشی خود را لیست کردند. لیست توانائی‌های مورد اشاره در ارزیابی‌های پیوست پایان گزارش حاضر ضمیمه است.
- ۸- مهارت‌آموزان در پایان دوره درمورد برنامه آینده خود عمدتاً به اشتغال اشاره داشتند. این نسبت در مهارت‌آموزان مرد تقریباً ۹۷ درصد و در مهارت‌آموزان زن حدود ۸۰ درصد است. برخی از زنان بر عدم امکان فرصت برای اشتغال و نیز تمایل به ادامه تحصیل اشاره کرده‌اند.

۹- در بخش انتقادات و پیشنهادات اکثر مهارت‌آموزان بر انتظار از مسئولین برای فرصت کار و ادامه آموزش‌ها اشاره کرده‌اند. بسیاری از مهارت‌آموزان مطرح کرده‌اند که تحت تأثیر برنامه و اثرات مثبت آن قرار گرفته‌اند. برخی از مهارت‌آموزان به وقت کم کلاس‌ها اشاره داشتند. شرح کامل نظرات و پیشنهادات مهارت‌آموزان به صورت پیوست گزارش حاضر ضمیمه است.

مربیان:

- ۱- میزان علاقه مهارت‌آموزان برای یادگیری در طول دوره از نظر مربیان به میزان ۱۰۰ درصد زیاد و خیلی زیاد بوده است.
- ۲- توانائی‌ها و قابلیت‌های مهارت‌آموزان مرد ۱۰۰ درصد در حد زیاد و خیلی زیاد تشخیص داده شده است. این نسبت برای مهارت‌آموزان زن حدود ۹۵ درصد است.
- ۳- قابلیت‌های مهارت‌آموزان برای ورود به بازار کار از نظر مربیان در مورد مردان ۱۰۰ درصد در حد زیاد و خیلی زیاد و برای مهارت‌آموزان زن حدود ۹۵ درصد است.
- ۴- از نظر مربیان برخی از مهارت‌آموزان دارای قابلیت و شایستگی اشتغال به کار و یا خویش‌فرمائی هستند که اسامی آنها را نیز نام برده اند. و در گزارش نتایج ارزیابی‌ها به صورت پیوست ضمیمه است.
- ۵- مربیان برای موفقیت مهارت‌آموزان پس از پایان دوره و در مرحله ورود به بازار کار پیشنهاداتی ارائه داده‌اند که همه آن به ترتیب برای مهارت‌آموزان مرد و مهارت‌آموزان زن عبارت است از:

مهارت‌آموزان مرد:

- تأسیس کارگاه‌های فنی
- اعطای وام اشتغال زائی
- کمک به ایجاد فضای کار

مهارت‌آموزان زن:

- کمک به افزایش اعتماد به نفس آنان

- حمایت از زنان و دختران برای ورود به بازار کار

۶- مربیان برای برگزاری هرچه بهتر برنامه‌های آموزشی پیشنهادات زیر را نیز ارائه داده‌اند:

۶-۱- ارائه ابزار و وسایل بیشتر به مهارت‌آموزان در طول دوره

۶-۲- برگزاری دوره‌های پیشرفته‌تر

۳- تحلیل مقایسه ای ارزیابی قبل و پس از آموزش

هدف:

- شناخت اثربخشی برنامه مهارت‌آموزی

فعالیت‌ها:

- انجام مقایسه ارزیابی قبل و پس از آموزش مهارت‌آموزان برای مهارت‌آموزان
- انجام مقایسه ارزیابی قبل و پس از آموزش مهارت‌آموزان برای مربیان
- انجام مقایسه نتایج ارزیابی بعد از آموزش مهارت‌آموزان و مربیان
- انجام مقایسه نتایج ارزیابی قبل و بعد مهارت‌آموزان و مربیان

روش اجرا:

- پردازش اطلاعات با استفاده از نرم افزار

یافته‌ها:

- تحلیل اثربخشی برنامه

برنامه نتایج حاصل از ارزیابی‌های شروع و پایان دوره نشان می‌دهد که مهارت‌آموزان از سه زاویه زیر تغییرات را محسوس دیده اند:

۱- میزان آشنایی با دوره

حدود ۹۰ درصد از مهارت‌آموزان در شروع دوره اظهار داشته‌اند که آشنائی قبلی با دوره و رشته انتخابی خود را نداشته‌اند. در پایان دوره ۸۵ درصد دوره‌ها را مفید و قابل استفاده تشخیص داده‌اند. علاوه بر آن مهارت‌آموزان قابلیت و توانائی کسب شده در طول دوره را مهم دانسته و در هر رشته توانائی‌های خود را فهرست کرده‌اند که در ضمیمه گزارش حاضر است.

۲- میزان علاقه به دوره

مهارت‌آموزان میزان علاقه خود به دوره را در شروع دوره ۸۵ درصد و در پایان دوره ۱۰۰ درصد در سطح زیاد و خیلی زیاد اعلام کرده‌اند. به طور طبیعی علاقه ابتدای دوره براساس آشنائی مقدماتی آنان به رشته انتخابی بوده است. در حالیکه علاقه اعلام شده آنان در پایان دوره واقع بینانه‌تر و متکی بر توانائی‌های کسب شده در طول دوره بوده است.

به طور مثال در رشته عمران (مردان) مهارت‌آموزان علاقه خود را به دوره به ترتیب ۴۷ درصد خیلی زیاد، ۳۳ درصد زیاد، ۱۱ درصد متوسط و ۹ درصد کم اعلام کرده‌اند. پس از پایان دوره این نسبت‌ها در حد خیلی زیاد به ۷۵ درصد و در حد زیاد به ۲۵ درصد افزایش یافته است. علاوه بر آن به قابلیت‌های کسب شده در طول دوره اشاره داشته‌اند که عبارت است از:

- توانائی انجام کار در این رشته را دارم. (۴ مورد)
- توانائی تشخیص رنگها و نقاشی ساختمان را دارم. (۲ مورد)
- توانائی نصب کاشی و سرامیک را بدون نقص دارم.
- توانائی اندازه‌گیری و مترآژ سطح کار را دارم.
- توانائی چیدن کاشی را دارم.

مثال دیگر در رشته خیاطی (مردان) است که مهارت‌آموزان علاقه خود را در شروع دوره به ترتیب ۵۰ درصد خیلی زیاد، ۳۰ درصد زیاد، ۱۰ درصد کم اعلام کرده‌اند. این نسبت‌ها در پایان دوره به ۷۰ درصد خیلی زیاد، ۲۶ درصد زیاد و ۴ درصد متوسط تغییر یافته است. توانائی‌های مورد اشاره مهارت‌آموزان در پایان این دوره به شرح زیر است:

- توانائی برش پارچه و دوخت شلوار را دارم. (۱۶مورد)
- توانائی آموزش پرده‌دوزی در کارگاه را دارم. (۲مورد)
- توانائی پرده دوختن را دارم. (۳مورد)

مثال دیگر در رشته بلوچی‌دوزی (زنان) است. مهارت‌آموزان میزان علاقه خود را هر دو مرحله در شروع و پایان دوره در حد ۱۰۰ درصد خیلی زیاد اعلام کرده‌اند. توانائی‌های کسب شده در پایان دوره از نظر مهارت‌آموزان عبارت است از:

- توانائی دوختن و برش کردن لباس‌ها را دارم. (۵مورد)
- توانائی اندازه‌گیری را دارم.

مثال دیگر در رشته WORD (زنان) است. مهارت‌آموزان میزان علاقه خود را نسبت به این رشته در شروع و پایان دوره در حد ۱۰۰ درصد زیاد و خیلی زیاد اعلام کرده‌اند. توانائی‌هایی را که در پایان دوره کسب کرده‌اند به شرح زیر برشمرده‌اند:

- با کامپیوتر می‌توانم کار کنم. (۲مورد)
- توانائی صفحه‌آرایی را دارم. (۵مورد)
- توانائی تایپ را دارم. (۵مورد)
- با WORD آشنا شده‌ام.

۳- برنامه آینده

بررسی‌ها نشان می‌دهد که مهارت‌آموزان در شروع دوره و پس از پایان دوره نسبت به برنامه‌های شغلی آینده خود واقع بین‌تر برخورد کرده‌اند. ۷۰ درصد کل مهارت‌آموزان برنامه آینده خود را در شروع دوره دستیابی به شغل انتخاب کرده‌اند و این نسبت در مهارت‌آموزان مرد به ۹۵ درصد نیز رسیده بود. در پایان دوره این نسبت‌ها برای مردان به ۹۷ درصد و برای زنان به ۸۰ درصد رسیده است نکته مهم آن است که پس از پایان دوره براساس توانائی‌هایی که در طول دوره کسب کرده‌اند، نشانه‌های دقیق‌تری از برنامه خود را مطرح می‌کنند.

به طور مثال در رشته عکاسی (مردان) قبل از دوره به دستیابی به اشتغال و یادگیری دوره اشاره داشتند. در حالیکه پس از پایان دوره موارد زیر را اعلام کرده‌اند.

- دایر کردن مغازه عکاسی (۲مورد)

- شرکت در دوره‌های پیشرفته (۴مورد)

مثال دیگر در رشته تعمیر موبایل (مردان) است. قبل از دوره به دستیابی به شغل، استقلال و خودکفا شدن، علاقه به یادگیری، رفتن به تهران و تبدیل شدن به فردی مفید در جامعه اشاره داشتند. پس از پایان دوره برنامه‌های خود را چنین اعلام کردند:

- دستیابی به شغل (۱۴مورد)

- دایر کردن مغازه (۵مورد)

- کار کردن در مغازه

- کارآموزی و شاگرد شدن و سپس مستقل شدن (۲مورد)

- تنها یک مورد به این اشاره کرده که برنامه دقیقی ندارم چون وضعیت مالی خوبی ندارم.

مثال دیگر رشته چادردوزی (زنان) است. قبل از دوره به کسب درآمد و استفاده شخصی اشاره کرده‌اند. در حالیکه پس از پایان دوره برنامه خود را به شرح زیر ترسیم کرده‌اند:

- وارد بازار خواهم شد و کار خواهم کرد (۵مورد)

- یک مورد اشاره داشته که نمی‌توانم وارد بازار کار شوم چون امکانات ندارم .

- اگر دوره‌های دیگری بتوانم بروم بهتر است .

مثال دیگر رشته حسابداری (زنان) است. قبل از دوره به گذراندن دوره‌های پیشرفته حسابداری و مقدماتی کامپیوتر و اشتغال به کار اشاره داشته‌اند. در پایان دوره موارد زیر را در برنامه آینده خود نشان کرده‌اند:

- مشغول به کار خواهم شد (۵مورد)

- دوره‌های دیگری را خواهم گذراندم (۳مورد)

ارزیابی میزان اشتغال‌زائی مهارت‌آموختگان:

هدف:

- سنجش اثربخشی آموزش‌ها و جاری شدن آن در بازار کار پس از طی گذشت ۲ ماه از انجام برنامه‌های

آموزشی و پیگیری کمی و کیفی وضعیت اشتغال آموزش‌گیرندگان

فعالیت‌ها:

- بررسی میزان اشتغال‌زائی مهارت‌آموختگان
- بررسی نوع شغل و کسب کار مهارت‌آموختگان
- بررسی میزان درآمدزائی مهارت‌آموختگان
- بررسی احتمال اشتغال سایر عوامل محلی از طریق کسب مهارت‌ها و اشتغال مهارت‌آموختگان

روش اجرا:

- پرسشنامه
- مطالعه میدانی
- مشاهده

یافته‌ها:

- تحلیل موقعیت اقتصادی و درآمدزائی مهارت‌آموختگان شاغل و صاحب کسب و کار
- تحلیل اثرات کسب و کار مهارت‌آموختگان در اشتغال‌زائی سایر عناصر محلی
- تحلیل علل عدم اشتغال مهارت‌آموختگانی که موفق به ایجاد کسب و کار و جذب به بازار نشده‌اند .